



اٲل بىلىمى



موسسه غيرانتفاعى
آذربايجان اٲل بىلىمى
شماره ۹۲، ۱۳۹۶

موسسه غيرانتفاعى آذربايجان اٲل بىلىمى

Azərbaycan Elbilimi

قوبروق دوغان و زومار (مرداد- شهرپور) آيلارى ۱۳۹۶



زنگان آشيقلارى خنياگران سرزمين ماننا

۹۲- جى سايى
ضميمه سى



آذربايجان اٲل بىلىمى

۹۱-۹۲

قوبروق دوغان و زومار (مرداد، شهرپور) آيلارى - ۱۳۹۶



محمدرضا باغبان كريمى ۱۳۳۴- جى ايلده تبريزده آنادان اولدو. مكاتيك مهندسى اولدوقدان سونرا زنگاندا ايشه باشلاميش و اورادا اٲولنميشدير. مختلف كارخانالاردا فنى و كارخانا موديرى عنوانيندا ايشله يهرک-۵۰ دن آرتيق كارخانانى تاسارلاميش، ماشينلارنى دوزلتميش و كارخانا يولا سالماغينا قدير ايشلرني ايره لي آپارميشدير. عيني حالدا مدرسه ده درس اوخويان زاماندا صمد بهرنگى و عمادالدين نسيمى يارادان عشق ايله ادبياتا ماراقلانميش و يازيب - اوخوماغا هوسلنميشدير.

او، "اميدزنگان"، "بهار زنگان"، "پيك آذر" درگى لرى نين تورکجه بؤلومونو دولانديرميش، مختلف بيليم يوردلاريندا: زنگان، سنندج و اميرکبيرده تدريس ائتميش، دونيانين معتبر دانشگاهلاريندا تورک ادبياتى حقيقينده کنفرانسلار وئرميشدير. ۲۰۰۹- جو ايلده آتاتورک يونيورسيتيه سينده دوکتورى درجه سيني الده ائتميشدير. ايرانين باشا باشيندا يايملانان درگيلرده مقاله لر يازميشدير. اونون کتابلاريندان بونلارى سايماق اولار: تاريخ ادبيات آذربايجان (۸ جلد)، ادبيات شفاهى آذربايجان، قوتادغو بيليك، مقدمه الادب زمخشرى، زبان ترکى در بوته زبانشناسى تطبيقى، سيمای زن در فرهنگ و ادب آذربايجان، کورواغلو حماسه سى، قاراباغ - شاعيرلر مسکنى و...

- | | | | | |
|---------------------|-------------------|---------------------|------------------|----------------------|
| ■ علي خالطابادي | ■ مير هدايت حصارى | ■ م. كريمى | ■ سوسن نواده رضى | ■ علي رضا صرافى |
| ■ رقيه عبدېلى | ■ رامين جبرانېلى | ■ علي برازنده تورک | ■ رحيم قابل نژاد | ■ دکتر فيض الهى وحيد |
| ■ مجيد صوفى سيستانى | ■ اشيق گونش | ■ حبيب تارى وئرديان | ■ فاطمه خادمى | ■ احد فرهنگدى |
| ■ مصطفى رزاقى | ■ زهره وفايى | ■ علي حاجېلى | ■ زهرا ايدار | ■ سعيد خورشيدى |
| ■ احمد صلاحى | ■ حسين شريفى | ■ وقار نعمت | ■ رامين جبرانېلى | ■ احمد جوادى |
| | ■ ارگو | ■ ابوالفضل فردوسى | ■ الياس اميرحسنى | ■ اسداله اميرى |



www.azelbilimi.com
E-mail: info@azelbilimi.com

موسسه غيرانتفاعى آذربايجان اٲل بىلىمى

سايىلماز
غيرقابل فروش

الله‌ین آدی ایله

آذربایجان ائل ییلمی درنگی نین آیلیق ایچ ولتنی

Azərbaycan Elbilimi 91-92

۹۱، ۹۲ - جی سای

قوبروق دوغان، زومار (مرداد)، شهرپور

آیلاری - ۱۳۹۶



اؤن سؤز. آذربایجانی دیگر. علیرضا صرافی ۴

مراسیملر، اینانجلار

آیین پیک و پیام‌فرستی از تولد نوزاد با عروسک‌سازی در بین ترکان سکایی

دکتر فیض الهی ۷

«آلالاهلاما مراسیمی». احد فرهمندی ۱۴

منجوغ آتماق در سنقر. سعید خورشیدی ۱۶

قره چوخا. احمد جوادی ۱۹

آشیق شعری، بایاتی، قوشماجا

خوندابلی مهجور. اسداله امیری ۲۳

آلیمی بیچاق کسبیدیر. احمد صلاحی ۲۶

ائل بایاتی لاری (۴). علی خالط آبادی ۲۹

دئیملر و آناسؤزلری

امثال و حکم در کتاب «تجريد اللغات». علی برازنده تورک ۳۷

آنا بابا سؤزلری (تبریز). حبیب تازی‌وئردیان ۶۸

یئمکلر

اوسکو چؤرگی. رحیم قابل‌نژاد ۸۰

برخی غذاهای منطقه ساوه. فاطمه خادمی ۸۷

رئداکسیا هیئتی :

علیرضا صرافی

سوسن نواده‌رضی

علی برازنده (تورک)

صفحه، جلد تنظیمی :

مهدی میمن‌دی

جلدین اوز رسیمی:

اولدوز طهماسب‌پور



E_mail. info@azebilimi. com
www. azebilimi. com

۹۲- جی سای. قورا پیشیرن (زومار) آیی ۱۳۹۶

باش یازار: سوسن نوادهرضی

اؤن سۆز. ائلبیلیمیمیز، میراثیمیز. سوسن نوادهرضی ۹۰

ناغیلار، روایتلر، لطیفه‌لر

- روزونون بوللوغو. زهرا آبدار ۹۰
جیرتدان ناغیلی نین همدان واریانتی - آغی‌جیروغ. علیرضا صرافی ۹۶
قول یابانی. الیاس امیرحسنى ۱۰۱
گیجلی جَنور هانگیدیر؟. مجید صوفی نیستانی ۱۰۲
بیر گولمه‌لی روایت. علی حاجیلی ۱۰۴
باریش قوشور. وقار نعمت ۱۰۵
اوشاغین روزوسو. ابوالفضل فردوسی ۱۰۷
توکمه‌ین خرمن. الیاس امیرحسنى ۱۰۹
شیطان ناغیلی. زهرا آبدار ۱۱۰
دوه اوپونو. رقیه عبدیلی ۱۱۲

توپونیملر، آدلار

اندیرگان کندینه عایید بیر نئجه توپونیمین آچیقلاماسی. رامین جبرائیلی ۱۱۴

فولکو یازی

- قونشو قمر تاج خانیم. زهره وفایی ۱۲۶
گلین قاینانا داعواسی. آشیق گونش ۱۲۸

راپور

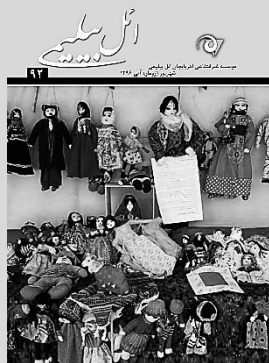
«وشاقلارین گۆزل دونیاسی» کمپینی و ائل بیلیمی درنگی نین چالیشمالاری.
یازارلار هئیتی ۱۳۲

خلج دیلی و فولکلورو

آشتیانندان خلج آتالار سۆزو و دئییم‌لر. حسین شریفی موسی‌آبادی ۱۴۰
قاپ‌بازی در میان ایل شاهسون بغدادی و ترکان خلج - بازی جوفته. آرگو ۱۴۵

ضمیمه

زنگان آشیقلاری. م. کریمی ۱۴۷



اٲلبيليمى
قويروق دوغان
(مرداد) آيى
٩١- جى ساي

١٣٩٦



آذربایجانی دیگر!

علیرضا صرافى

چنانچه می‌دانیم یکی از اهداف موسسه توجه ویژه به فولکلور ترکان سراسر ایران از جمله ترکان مرکزی ایران است که نام تاریخی آن عراق عجم است، این منطقه را به لحاظ وسعت جغرافیایی، کثرت جمعیت، غنی بودن فولکلور و محیط آشنایی و... می‌توان آذربایجانی دیگر نامید.

استان مرکزی تا اواخر دوره پهلوی شامل پنج استان که اکنون به نام‌های استان تهران (به مرکزیت پایتخت یا تهران)، البرز (به مرکزیت کرج)، قم (به مرکزیت شهر قم)، قزوین (قزوین به مرکزیت شهر قزوین) و مرکزی (به مرکزیت اراک (عراق یا سلطان آباد قدیم) نامیده می‌شدند، بود. مجموعه این استان‌ها بخش مهمی از عراق عجم بودند و اهالی آنجا در بسیاری از مناطق ایران از جمله در گیلان و آذربایجان (فارغ از اینکه به چه زبانی تکلم کنند) به عراقی یا عراقلی مشهور بودند. بافت جمعیت بومی این منطقه یکی از رنگارنگ‌ترین تنوعات قومی ایران را دارا می‌باشد، زبان‌های ترکی، فارسی، لری، ترکی خلیجی و ده‌ها لهجه تاتی (که ادامه پهلوی شمرده می‌شوند) سالهاست در کنار هم زیسته و وام واژه‌هایی از همدیگر گرفته‌اند. استان مرکزی کنونی حلقه واسطی بین ترک‌های جنوب ایران نیز محسوب می‌شود، در تمام استان‌های مجاور این استان جمعیتی ترک‌زبان بومی (علاوه بر مهاجرین جدید) وجود دارند.

قابل ذکر است در استان مرکزی زبان غالب در فضاهای شهری فارسی‌ست اما روستاها عموماً زبان مادریشان ترکی و در مناطقی نیز لری و فارسی و تاتی‌ست، قدیمیترین شهر ترک‌زبان این استان شهر کميجان یا کوموزان است که مرکز ترکان بزچلو (بورچالو) است، زبان اهالی این شهر با روستاهای اطراف خود کلا ترکی‌ست، از شهرهای جدیدتر هم

می‌توان به شهرهای خنداب، نوبران، میلاجرد، نوبران و غرق‌آباد اشاره کرد که زبان اهالی آن ترکی می‌باشد.

گفتنی‌ست پایه‌گذار جمع‌آوری فولکلور این منطقه مرحوم علی کمالی بوده که آثار خود را در دهه شصت و اوایل دهه هفتاد عمدتاً در نشریه وزین وارلیق به چاپ رساند، موسسه ما نیز به نوبه خود قدمهایی در این راه برداشته که نمود آن نشر سه ویژه نامه در زمینه فولکلور استانهای قم و مرکزی در اواخر سال ۱۳۹۵ بوده است.

البته مقدمات این مهم در تابستان ۱۳۹۵ چیده شد و طی نشست‌هایی که با تنی چند از فعالین فرهنگی منطقه در ساوه و تهران داشتیم، بلاخره هسته اولیه کار شکل گرفت و با علم بر اینکه کار در حد چند ویژه نامه خلاصه نخواهد شد- چرا که این ابداء جوابگوی پتانسیلهای فولکلور منطقه نیست- تصمیم گرفته شد من بعد صفحاتی از نشریه به فولکلور و لهجه‌شناسی ترکان استان مرکزی و سایر استان‌های همجوار آن اختصاص یابد.

در جمع‌آوری و تنظیم فولکلور این منطقه دوستانی به شرح زیر همکاری خواهند نمود: مهندس اسداله امیری سمت سردبیری فولکلور ترکان استان مرکزی را بر عهده دارند و آقای مصطفی رزاقی نیز مسئول بخش خلعی هستند.

همکاران ثابت نشریه در منطقه استان‌های مرکزی فعلاً به شرح زیرند:

آقایان: استاد علی حاجیلی، عاشیق گونش، ابوالفضل فردوسی هر سه در حیطه فولکلور شاهسون بغدادی (که در استان‌های تهران، البرز، قم، مرکزی، قزوین، همدان و زنجان سکنی گزیده‌اند)

آقایان دکتر حیدری و الیاس امیرحسینی در حیطه فولکلور منطقه قاراقان (واقع در سه استان مرکزی، قزوین و همدان)

آقای مهندس امیری و استاد آشیق گونش در حیطه فولکلور منطقه ساوه و ادبیات عاشیقی منطقه.

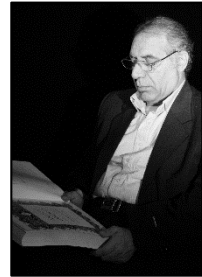
آقای مهندس احسان قاسمخانی در زمینه فولکلور منطقه بزچلو (بورچالی) یا کميجان. اطمینان داریم که در آینده به تدریج همکاران بیشتری به جمع ما خواهند پیوست و لیست فوق نیز دقیق‌تر و تکمیل‌تر خواهد شد و به امید روزی که بتوانیم کارگروه‌هایی در زمینه فولکلور سایر حوزه‌های فرهنگی ترکان ایران از جمله قشقاییها، ترکان خراسان، ترکان استانهای غربی ایران (همدان، کردستان و کرمانشاه)، استانهای اردبیل و زنجان و گیلان تشکیل دهیم و بخشی از دین خود را به فرهنگ مردم خویش ادا نماییم.



مراسیملر، اینانجلار

یکی کودکی پیکر از پرنیان!

آیین پیک و پیام‌فرستی از تولد نوزاد با عروسک‌سازی در بین ترکان سکایی دکتر فیض‌الهی وحید



ترکان سکایی (۱) دارای آداب و رسوم مختلفی بودند که تجلی آن‌ها را در داستان‌های سکایی می‌توان دید که عمدتاً از چین تا یونان در لایه‌هایی از فرهنگ ملل مختلف داخل شده است. یکی از این آداب و رسوم مربوط به خبررسانی به «پدر بزرگ»‌های کودک تازه متولد شده‌است.

اگر «پدر بزرگ» نوزاد از پهلوانان و نامدارانی بودند که در سفرهای جنگی و یا مأموریت‌های دور به سر می‌بردند و امکان حضور در محل تولد را نداشتند عروسکی از پارچه‌ی پرنیان (پرنده، حریر، ابریشم) به اندازه قد و قواره نوزاد دوخته و درون آن را از موی حیوانات به‌ویژه سمور پر کرده آن عروسک را همچون سواری دلاور که دارای اسباب و آلات جنگ است بر روی اسب واقعی نشاندند و به دست‌هایش شمشیر و گرز و خنجر و پنجه شیر داده و در زیر بغلش نیزه‌ای گذارده و همچون یل و پهلوان شهسواری او را گاه با دستجاتی از خدم و حشم راهی شهر و دیاری می‌کردند که پدر بزرگ کودک در آن منطقه بود. بدین ترتیب پدر بزرگ با دیدن قد و قواره عروسک پی به اندازه واقعی پهلوان زاده برده هفته‌ای را به جشن تولد و سور و شادی گذرانیده و برای مُشتَقُّق آوردگان انواع و اقسام زر و زیور و جواهرات و جامه‌های مختلف و بعضاً لباس تن خویش را که پر از انواع گوهرها بود می‌بخشید که:

بدین مژده گر جان فشانم رواست

که این مژده آسایش جان ماست

عروسک‌سازان ایل در موقع ارسال عروسک شبیه شده به کودک «پنجه نوزاد» را به مواد رنگی از قبیل جوهر و مرکب و زعفران آلوده برنامه‌ای از حریر زده و آن پنجه نقش

شده را به مشک و عبیر و عطریات آمیخته به عنوان قیاس گیری اندازه واقعی نوزاد، همراه مژده رسانیان می فرستادند.

در روی صورت و تن و بدن این عروسک ارسالی انواع و اقسام هنرهای ظریفه و نمادهای دینی و خاندانی نیز نقش می کردند که ریشه در اعتقادات قومی و قبیله‌ای داشت مثلاً بر بازو یا کتف یا زیر بغل عروسک‌ها، «آرم خاندان» کودک نیز مثل خالکوبی‌های واقعی، خالکوبی، ترسیم یا ملییه دوزی می شد.

صنعت خالکوبی در بین ترکان سکایی رواج داشت و حتی زمانی که «گیو»- پهلوان ایران - جهت پیدا کردن «کیخسرو» بطور ناشناس به توران سفر کرده و هفت سال بدنبال کیخسرو- فرزند سیاوش و نواده افراسیاب و کیکاوس پادشاهان توران و ایران- می گشت عاقبت او را از روی خالکوبی سلطنتی نگاریده شده بر بازوی کیخسرو شناخت و او را به ایران فراری داده بر سلطنت رسانید (۲)

از آنجایی که رستم از قوم «سگری» یعنی «سکایی» حاکم بر سیستان بود و سلسله «گرشاسپیان» در آنجا حکومت می کردند، لذا نام آن منطقه در انتساب به ایشان «سگستان» گردید که بعدها چون عربها حرف «گ» برای تلفظ نداشتند این نام را مُعَرَّب یعنی عربی گردانیده «سجستان» نامیدند که به مرور زمان «سیستان» شد.

در مورد ترک بودن رستم سگری، «سید جمال الدین احمد بن عنبه» در کتاب معروف خود «الفصول الفخریه فی اصول البریه»- که کتابی مهم در نسب شناسی خاندان‌های حقیقی و افسانوی است- در مورد رستم آمده است: «**رستم ترکی بود**» (۳) لذا با توجه به ترک بودن رستم - که تضادی با ایرانی بودنش ندارد چه ایران متشکل از مجموعه‌ای از اقوام مختلف است که هر کدام به روز و روزگاری بر بخش یا تمامی کشور حاکمیت داشتند- به دو نمونه از عروسک دوزی و ارسال آن به نزد پدر بزرگ‌های آنان اشاره می شود:

در «**گرشاسب نامه**» اسدی طوسی آمده است زمانی که سام- پدر زال و پدر بزرگ رستم- متولد می شود، چون گرشاسب - پدر بزرگ سام- در سفرهای جنگی گرگساران و مازندان به سر می برد لذا نریمان- پدر سام- بر طبق آداب و رسوم ترکان سکایی دستور می دهد که عروسکی به قد و قواره کودک تازه متولد شده دوخته سوار بر اسب مثل پهلوانان کرده و پیش گرشاسب بفرستند تا نوه خود را از این عروسک قیاس و اندازه گیرد. اسدی طوسی در این مورد می سراید:

پرنده‌ی چنان کودکی ساختند
چو گردانش بر اسب بنشاختند

کمند و کمان در فکنده به یال
 یکی گرز شاهان گرفته به بال
 یکی نیزه بردست وخنجر به چنگ
 سپر باز پشت و کمر بسته تنگ
 فرستاد با نامه‌ای بر حریر
 به گرشاسب گردنکش گرد گیر (۴)

و بر طبق سنن سکایی پنجه دست کودک را بر جوهر زعفران زده و نقش پنجه نوزاد را بر نامه حریری می‌زنند:

بر آن نامه، از دست کودک، نشان
 ز مشک و گلاب و می و ارغوان (۵)

مُشتَلَق چی با طی طرایق و قطع منازل عروسک بر اسب نشسته کودک را با احترام به گرشاسب می‌رساند. گرشاسب از دیدن پیکر این شیر بچه و از شباهت او به خودش جهت شکرگزاری به درگاه خداوند از اسب پیاده شده سجده شکر بجای می‌آورد و از خدا می‌خواهد که چنان عمری به ایشان عطا نماید که او را به همین شکل نشسته در پشت زین ببیند:

بر آن پیکر شیر بچه شگفت
 فرو ماند و ز دل نیایش گرفت
 در آمدز زین گشت غلطان به خاک
 همی گفت کای راست دادار پاک
 تو کُن روزی بنده آن روزگار
 که بینمش در صف همیدون سوار (۶)

بعد طبق آداب و رسوم مژده دهندگان سکایی، جهت مُشتَلَق لباس‌های خویش را از تن با یاره (دستبندهای طلایی) در آورده به مژده آور می‌دهد:

فرستاده را داد بسیار چیز
 همان جامه و یاره خویش نیز (۷)

در شاهنامه فردوسی نیز همین آداب و رسوم سکایی با اختلاف کمی در جزئیات در مورد تولد رستم انجام می‌گیرد:

وقتی رستم زاده می‌شود، زال - پدر رستم - دستور می‌دهد کودکی از حریر از آن کودک شیر نخورده درست کرده، درون عروسک را از موی سمور پر می‌نمایند. با اینکه خاندان رستم دارای دین ویژه سکایی و بطور عام شمنی است ولی چون فردوسی معتقد است که

ایشان دارای دین میتراپی (خورشید پرستی) بودند لذا می‌گویند در روی صورت عروسک رستم نام «ناهید» و «هور» (خورشید) را می‌نگارند و از آنجایی که رودابه-مادر رستم- از نژاد «ضحاک ماردوش و اژدهافش» بود لذا بر روی بازویش آرم خاندان سلطنتی مادری که نقش «اژدها» است نیز ترسیم می‌کنند. البته بعدها نیز که رستم بزرگ می‌شود همین نقش «اژدها» را به‌عنوان «آرم پرچم» خویش انتخاب کرده همیشه با خود پرچم «اژدها پیکر» حمل می‌کند. بعد بر دستهای کودک (عروسک)، کوپال (گرز) و «چنگال شیر» و عنان اسب را داده و زیر بغلش سنان (نیزه) می‌گذارند:

یکی کودکی دوختند از حریر
به بالای آن شیرِ ناخورده شیر
درون وی آگنده موی سمور
به رُخ بر نگاریده ناهید و هور
به بازویش بر اژدهای دلیر
به چنگ اندرش داده چنگال شیر
به زیر کش اندر گرفته سنان
به یک دست کوپال و دیگر عنان
نشانند آنگه بر اسب سمند
به گرد اندرش چاکران نیز چند (۸)

بعد هیئت مؤدبه‌رسان همین «صورت رستم گرزدار» را به پیش «سام» می‌برند همانطوری‌که بر طبق «گرشاسب نامه» روزی شبیه و صورت خودِ سام را پیش گرشاسب برده بودند:

پس آن «صورت رستم گرزدار»
ببردند نزدیک سام سوار (۹)

«سام»- پدر بزرگ رستم- نیز جشن تولدی گرفته و باز هم با دیدن دوباره «صورت رستم گرزدار» و از شباهت او به خودش موهای تنش از خوشحالی راست می‌شود و با خود می‌گوید اگر نصف همین قد و قواره عروسک هم درست باشد، کودک بعدها دامنش بر زمین و سرش بر آسمان می‌ساید:

پس آن پیکر رستم شیرخوار
ببردند نزدیک سام سوار
آبرسام یل موی بر پای خواست
مرا ماند این پرنیان گفت راست

اگر نیم ازین پیکر آید تنش
سرش آبر ساید زمین دامنش (۱۰)

بعد نامه‌ای به «زال» می‌نویسد و می‌گوید مواظب کودک از دمِ بد (نَفَس بد) باشد:
ستودن گرفت آنگهی زال را
خداوند شمشیر و کوپال را
پس آمد بدان پیکر پرنیان
که یال یلان داشت و قَرّ کیان
بفرمود کین را چنین ارجمند
بدارید کز دم نیاید گزند (۱۱)

البته در اینجا چندان معلوم نیست که روی سخن در نامه با زال است یا دستوری در حین نامه نویسی به اطرافیان که مواظب «پیکر پرنیان» باشند و اگر با زال است آیا عروسک باز بسوی وی برگشت داده می‌شد که چنین دستوری صادر می‌شود یا پرش افکار کاتب و سراینده می‌باشد. به هر حال اودر دنبال نامه اعتراف می‌کند که بصورت نهانی و پنهانی از خداوند می‌خواسته چنان عمری به او بدهد که «جهان بین» (چشم) او صورت پهلوانی از پشت زال را به رُوش و آیین خودش (خودِ گرشاسب/ شبیه انسان معمولی، نه مثل زال با موهای سفید و...) ببیند و حال که چنین خواسته‌ای برآورد شده پشت هر دو که از سر افکندگی در پیش مردم خم شده بود، راست گردیده‌است:

نیایش همی کردم اندر نهان
شب و روز با کردگار جهان
که زنده ببیند جهان بین من
ز تخم تو گردی به آیین من
کنون شد مرا و تو را پشت راست
نباید جز از زندگانش خواست (۱۲)

البته احتمال اینکه «پیکر پرنیان» (عروسک) عودت داده می‌شد بنظر می‌رسد بر دیگر نظریه‌ها غالب باشد چه امروزه نیز در آذربایجان و مناطق ترک نشین ایران وقتی کودکی دندان در می‌آورد خانواده‌اش برایش غذایی از گندم بنام «دیشلیق» (دندانی: غذایی که به مناسبت اولین دندان در آوری کودک درست می‌شود) پخته به همسایه‌ها و آشنایان می‌فرستند و در مقابل، آن‌ها نیز بعد خوردن دیشلیق، ظرف دیشلیق را پر از آجیل و مرکبات یا هدایای مختلف کرده عودت می‌دهند لذا احتمال اینکه همراه عروسک پس فرستاده شده، هدایایی ارسال می‌شد، همین آیین ترکان امروزی آن را قوت می‌بخشد.



به هر حال چنانچه مشاهده می‌شود «پیکر از پرنیان» سازی و ارسال آن برای «پدر بزرگ» کودک از آداب و رسوم ترکان سکایی است و فقط در «خاندان گرشاسیان» انجام می‌گرفته و در دیگر خاندان‌های ایرانی به نمونه‌ای از آن برخورد نمی‌شود و چنانچه مولف کتاب «مقایسه رفتار چند شخصیت شاهنامه» نیز اشاره کرده: «این شبیه سازی از نظر معتقدات... قبایل سکایی، مهم است» (۱۳)

باشد که در مقالات آتی به گوشه‌های دیگری از آداب و سنن سکاییان که بعضی از آن‌ها حتی تا زمان صفوی نیز در بین ترکان آذربایجان ساری و جاری بود پرداخته شود.

منابع و مآخذ:

- ۱- برای اطلاع از ترک بودن سکاها رجوع کنید به:
2- İSKİTLER (SAKALAR), DR. İLHAMİ DURMUŞ, TÜRK KÜLTÜRÜNÜ ARAŞTIRMA ENSTİTÜSÜ YAYINLARI; 141, SERİ 3 - SAYI: B- 8, ANKARA, 1993, S:42
- و: ساکاها، الهامی دورموش، ترجمه: پرویز زارع شاهمرسی، نشر آذر تورک، تبریز، ۱۳۹۵
- و در رابطه با ترک بودن رستم پهلوان شاهنامه مراجعه فرمایید به مقاله‌ی اینجانب بنام:

آیا «رستم» پهلوان معروف شاهنامه فردوسی «ترک» نبود؟! مندرج در سایت:

www.rezahamraz.com

که با دلایل متقن ثابت کرده‌ام که رستم یک ترک بود و بعداً وارد داستان‌های نقالان و شاهنامه سازان در اواخر دوره ساسانی شده با اینکه نام افراسیاب در اوستا کتاب مقدس زرتشتیان آمده ولی نامی از رستم در اوستا ی مورد تایید زرتشتیان نیست و در شاهنامه نیز رستم جزء نوادگان «ضحاک ماردوش تازی» است که رستم نیز به همین نسب «ضحاک ماردوش عربی» خود افتخار می‌کرد و می‌گفت:

همان مادرم دخت مهرباب بود / کزو کشور سند شاداب بود

که ضحاک بودش به پنجم پدر / ز شاهان گیتی برآورده سر

نژادی از این نامورتر که راست؟ / خردمند گردن نه پیچد ز راست!

شاهنامه فردوسی، محمد عباسی، کتابفروشی فخررازی

، چاپ چهارم (چهار جلد در یک جلد، جلد سوم)، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۰۶

- ۲- در کل شاهنامه دو نمونه از خالکوبی سکایی سراغ داریم که هر دو مربوط به «فرزندان ترکزاد سیاوش» بنام «فرو» از جریره- دختر پیران، وزیر افراسیاب- و «کیخسرو» از فرنگیس- دختر افراسیاب- هستند. چون نشان و نماد خاندان سلطنتی

خاندان «پشنگان» (پشن=گِز، قبایل پچنگ از قبایل گوگ ترک ها) که افراسیاب نیز از خاقانان آن سلسله بود- که «قره خانیان» (سیاه خانان/خانان بزرگ اولین امپراتوری ترکان مسلمان نیز منسوب بدیشان است- «سیاه» بود چنانچه فردوسی نیز در توصیف افراسیاب گوید:

درفش «سیاه» ست و خفتان «سیاه» ز آهش ساعد ز آهن کلاه
شاهنامه فردوسی، متن کامل، نشرقطره (از روی چاپ مسکو)، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴
لذا خالکوبی‌های فرود و کیخسرو نیز به رنگ «سیاه» بود چنانچه وقتی «گیو»، «کیخسرو» را می‌یابد:

بدو گفت گیو ای سر سرکشان
ز قر بزرگی چه داری نشان
برهنه تن خویش بنمود شاه
نگه کرد گیو آن «نشان سیاه»

شاهنامه فردوسی، همانجا، ص ۲۸۷

که در مقاله دیگری به این موضوع نیز پرداخت خواهد شد.

- ۳- الفصول الفخریه فی اصول البریه، جمال الدین احمد بن عنیه، باهتمام سید جلال الدین محدث ارموی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۲۹
۴- گرشاسب نامه، ابونصراسدی طوسی، باهتمام: حبیب یغمایی، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، افست مروی، تهران، ۱۳۵۴، صص ۴۳۲-۴۳۳

۵- همانجا، ص ۴۳۳

۶- همانجا، همان صفحه

۷- همانجا، همان صفحه

۸- شاهنامه فردوسی، متن کامل، نشرقطره (از روی چاپ مسکو)، تهران، ۱۳۷۴، ص ۹۷

۹- همانجا، همان صفحه

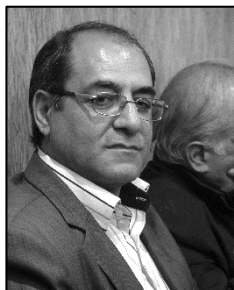
۱۰- همانجا، ص ۹۸

۱۱- همانجا، همان صفحه

۱۲- همانجا، همان صفحه

۱۳- مقایسه رفتار چند شخصیت شاهنامه، رحمت اله مهرزاد، انتشارات روشنفکر، تهران،

۲۵۳۶ شاهنشاهی



«آلاهلاما» مراسیمی

احد فرهمندی

چوخ اسکی زامانلاردان قالان «آلاهلاما» مراسیمی بوغدا، آریا، مرجی و... تارلا محصوللارینین بیچین ایشی بیتندن سونرا اکینچیلر طرفیندن کنچیریلن گۆزل بیر مراسیم دیر.

بیچین قورتولاندان سونرا بوغدا بیچینچی سی اولان بیر شخصین آرخاسیندا اونا بیچین ایشلرینده یاردیم ائدن باشقا بیچینچی، قوهوم- قارداش، قونشولار، زمی ییه سی و... آدمالار دورار. همین بیچینچی اوراغینی یوخاری قالدیریپ اوجا سسله آله دان زمی ییه سیینه ساغلیق ایسته ییب، حضرت علی (ع) دوشمنلرینه لعنت گؤندرر. اونون ایلک سؤزلری بئله اولار:





حاقین حاقلیغینا، ائلین بیرلیگینه، اکین ییه سینین سالیغینا، «آلاه» «محمد».

دعا ائده نین آرخاسیندا دوران شخص لر اللرینده اولان اوراقلارینی یوخاری قالدیپ «یا علی» دئمکله اونون ایستکلرینه ائشلیک ائدرلر.

دعالار ان اوجا سسله دئییلر، کند اهاالیسی ده: فیلانکس «آلاهلادی» دئییلر.

مراسیمین سونوندا بیچین چی اوجا سسله «دوشمانووا لعنت» دئییر، مراسیمه قاتیلارنلار ایسه بیرلیکده «یاعلی» دئییه جواب وئرلر. بئله لیکله بیچین ایشی یاخود زمی پوزما سونا چاتار.

بو مراسیم سونا چاتاندان سونرا بیچینچی لر هابئله قوناقلارا شام یا دا ناهار وئرلر. بو قوناقلیغا «آلاهلاما یئمگی» دئییلر. کئچمیشلرده یئمک «ات شورباسی» اولارمیش، آنجاق ایندی لر قوناقلارا دوگو ایله چئشیدیلی خوروشلار وئرلیر.

دئییلنلره گووره بونا تای اسکی مراسیملر، تورکلرین شامانیست دبلرینه باغلیدیر، آنجاق زامان سورده سینده اسلام دینی گلندن سونرا اونلاردا دیشیک لیکلر اوز وئرپ.

آرتیرمالیدیر: بو ایلین یای فصلینین ایلک آیی نین سونلاریندا (۹۶/۴/۲۴) یوخاری دا قید اولونان «آلاهلاما» مراسیمی اردبیل اوستانینا باغلی اولان گرمی شهرینین مرکزی بخشینده چوخلو کندیلر و قوناقلارین حضور ایله شورولو و طنطنه لی بیر شکیلده کئچیر یلمشدیر.

منجوغ آتماغ در سنقر

Mincuğ atmağ

سعید خورشیدی



شخص منبع: «مرحومه مغفوره انیس خانم شمسی»

فرزند: محمد علی تولد ۱۲۹۷ شمسی - سنقر

وفات دوم مهرماه ۱۳۸۷ شمسی - سنقر

تاریخ جمع آوری: اسفند ۱۳۷۵

در این مراسم که در آخرین چهارشنبه سال اجرا می‌شود زنان و دختران حاجتمند از یک روز قبل برای حل مشکلات خود یا به نیابت از فردی دیگر، نیت کرده و شئی‌ای مانند منجوق و... که قابل شناسایی برای خود فرد باشد، داخل ظرف سفالین (بئوسی یا چولمئی) حاوی آب می‌انداختند، لازم به ذکر است آب مورد نیاز را توسط یک پسر نوجوان (عزّو اوغلان) از چشمه امامزاده یا دباغ خانه آورده می‌شد که وی کوزه سفالی را که از چشمه پر می‌کرد و باید یکسره به مقصد می‌رساند، حتی نباید پشت سرش را نگاه می‌کرد.

وقتی ظرف سفالی حاوی منجوق آماده می‌شد آنرا توسط میخ چوبی به زیر ناودانی خانه‌ای رو به قبله آویزان می‌کردند تا (اوچ اذان) بگذرد... (اذان عصر سه‌شنبه و اذان صبح و ظهر چهارشنبه)

بعد از ظهر روز چهارشنبه با استفاده از مابقی آب امام زاده یا دباغ خانه که روز قبل آماده شده بود، آب و جاروب کرده و حصار دور هم جمع می‌شدند و با صرف چای و شیرینی مراسم آغاز می‌شد.

دختر بچه نا بالغی را کنار ظرف سفالین (منجوق چولمئی) گذاشته لنگ یا چادری روی ظرف می‌کشیدند، یکی از زنان گیس سفید و خبره شروع به خواندن بایاتی می‌کرد، دختر بچه منجوقی از داخل ظرف بیرون آورده و تا اتمام ادبیات آنرا زیر چادرنگه داشته و بعد نشان می‌داد.

منجوق متعلق به هر فردی باشد آنرا گرفته و بر اساس مضامین بایاتی خوانده شده، خوب و بد نیت خود را تفسیر می‌کرد. چند نمونه از بایاتی‌های مربوطه:

معیار دیده	تلفظ	سونقور آغز بلا
امامزادا باغلاری یاشیلدی یارپاقلاری خودا مرادیم وئرسین یاندریم چیراقلاری	Eymam zarə bağleri, Yaşelli yərpağleri Xoda morarem versi Yanerem çerağleri	ایمام‌زاره باغ‌لثری، یاشئل لی یرپاغ‌لثری خدا مرادئم وئرسی، یانئرئم چراغ‌لثری.
بولاق باشیندا دورما بولاغی بولاندیرما منی سنه وئرمزلر قاش- گوزونو اویناتما	Belağ başennə durmə, Belaği buğləndermə Meni sənə verməzlə, Qaş güzu ünədermə	بئلاغ باشئننه دؤرمه، بئلاغی بوغ‌لندئرمه منئی سنه وئرمنزله، قاش گؤزو اوئندئرمه.
آی دامدا یاتان اوغلان کؤینگى کتان اوغلان آداقلینی آپاردی خبرسیز یاتان اوغلان	Ay Damnə yatən oğlan, Künəyei kətan oğlan Ərağluni apardı, Bi xəvər yatən oğlan	آی دامنا یاتن اوغلان، کؤنه‌یی کتان، اوغلان آراغلونى آپاردی، بی خور یاتن اوغلان!
آبی دونو بیچمیشم اوستونده آند ایچمیشم یئددی جوان ایچینده تکجه سنی سئچمیشم	Avi duno bûçmişəm, Osenə an düşmişəm Yeiddi cəvan içennə, Təlkə boyu səçmişəm	آوی دؤنوب بؤچمیشه م، اوسئه آن دؤشمیشه م ییدی جوان ایچئننه، تلکه بویو سئچمیشه م
داغدان گلیر قیرخ آتلی هر قیرخی دا خلعتلی من اؤز یاریم تانیرام آبی دون کراواتلی	Dağdə gəlav qerx atlu, Hər qerxirə xəlatlu Mə üz yarem tanirəm, Avi dun kəravatlu	داغده گلاو قئرخ آتلو، هر قئرخی ره خلالتو مه اؤز یارئم تانیرم، آوی دؤن کراواتلو

جالب اینکه همین مراسم (فال منجوق) با مقداری تغییر در آرومیه توسط خانم‌ها اجرا می‌شده است، جالبتر اینکه اولین بایاتی آن‌ها نیز همین شعر بوده است.

ایمامزاده باغلاری،
یاشیلدی یار یاقلاری.
نذیریم قبول اولدی،
یاندیرین چیراقلاری.

توضیحات: بعضی کلمات در چند بیت شعر مربوط به فال منجوق در متن فوق به همراه معنی مفهومی فارسی و نوشتاری لاتین...

Beüsi، کوپ، فا. کوزه سفالی سرگشاد جهت نگهداری ترشی و...
چولمئی Çölmeý: چۆلمک، فا. دیزی سفالی
عزو اوغلان  z v oĝlan: عزب اوغلان، یئنی یئتمه اوغلان
یاششل، یاشئل Ya  el: یاشیل... فا، سبز
یانئرماغ Yanermaĝ: یاندیرماق... فا، سوزاندن، روشن کردن
دورمه Durm : دورما... فا، توقف نکن، وانا ایستا
دورماغ Durmaĝ: دورماق... فا، ایستادن
اوندئرماغ  n dermaĝ: اویناتماق... فا، بازی دادن
اونه ماغ  n maĝ: اویناماق... فا، بازی کردن (رقص کردن)
آراغلو  raĝlu: آداخلی... فا، نامزد

چون در گویش ترکی سنقری اکثر کلماتی که با (آ) شروع بشود تبدیل به (أ) و همچنین پسوند صفت مالکیت در این گویش بجای (لی)، (لو) می‌باشد... لذا (آداخلی) به (آراخلو) تبدیل شده است، و از آنجایی که حرف (خ) در ترکی سنقر مقدار ثقیل بوده پس به (غ) مبدل می‌شود، البته حرف «غین» مقداری تو دهنی تلفظ می‌شود و چیزی مابین (خ و غ) می‌باشد.

پس... آداخلی... آراغلو... تبدیل شده که با «عراقلو»... یعنی «عراقی» اشتباه نشود.
تلكه T lk : شوو... فا، ترکه (شاخه بلند و باریک و سبز از هر درخت)
دون Don: فا. پیراهن بلند



قره‌چوخا

احمد جوادی

شخص منبع: حاج محمد جوادی، ۱۳۲۲، متولد و ساکن چهاربرج، سواد دیپلم ابتدایی



در باورهای دیرین مردمان چهاربرج همانند باور دیگر ترکان ایران، خداوند متعال بعد از آفرینش هر انسانی، همراه او یک «قره‌چوخا» نیز می‌آفریند تا این قره‌چوخا مراقب آن انسان باشد. کار قره‌چوخا همانند یک فرشته نگهبان، مراقبت از شخص مورد نظر و خانواده او در برابر پلیدی‌ها و اتفاقات ناگوار و شوم است. قره‌چوخا در بسیاری از مواقع به شکل خود شخص درمی‌آید و بلا و مصیبت را دچار اشتباه می‌کند. چرا که بلا و اتفاق شوم به جای نازل شدن بر سر شخص، بر روی قره‌چوخا می‌رود و بدین ترتیب بلا دفع می‌شود. همچنین قره‌چوخایی که به شکل صاحب خود درآمده است در غیاب وی از مال و اموال شخص مورد نظر مراقبت می‌کند و اجازه نمی‌دهد شخصی به آن‌ها تعرض نماید.

در باور مردم چهاربرج، قره‌چوخا نگهبانی است که هیچ‌گاه نمی‌خوابد و همیشه مراقب است تا گزندى به خانواده صاحبش نرسد، ولی گاهی اوقات قره‌چوخا به خواب می‌رود؛ در این هنگام است که بلایا و نیروهای شوم از فرصت استفاده کرده و آسیب جدی به شخص مورد نظر یا یکی از اعضای خانواده او می‌زند. از این رو است که مادران چهاربرجی هنگام دعا کردن و تشکر کردن از یک نفر به او می‌گویند: «الله سنین قره‌چوخاوی یاتیتماسین» یا «الله هئچ کسین قره‌چوخاسین یاتیتماسین» یعنی خداوند قره‌چوخای تو را نخواست و خداوند قره‌چوخای هیچ‌کسی را نخواست. در باور این مردم بیدار شدن قره‌چوخا مساوی است با بیدار شدن بخت اقبال و شانس نیک؛ چنانکه پدران ما در نغمه‌های فولکلور مربوط به کار (امک نغمه لری) می‌گفتند:

اؤكوزوم بىردى منىم
طاللىم كوردو منىم
ايكى اؤلدو اؤكوزم
«قارا چوخام» دوردو منىم

ترجمه: گاو نر من يكى است
طالع من كور است
گاو نر من دوتا شد
{حتما} قره چوخاى من بيدار شد

در باور مردم چهاربرج، قره چوخاها هميشه نامرئى نيستند و برخى مواقع به ديدن صاحب خود مى آيند و يا در كنار او زندگى مى كنند. در باور اين مردم قره چوخا بيشتر در كالبد برخى حيوانات و در كالبد و قيافه خود شخص ظاهر مى شود. معمولاً قره چوخاها بيشتر در كالبد حيواناتى چون مار و گربه ظاهر مى شوند؛ البته هر حيوانى مى تواند براى شخصى خاص، يك قره چوخا باشد. وقتى كه حيوان اهلى مانند گربه و يا حيوانات وحشى از جمله مار در نزديكى خانه يا در زمين كشاورزى شخصى زندگى كنند، مردم چهاربرج باور دارند كه آن حيوان قره چوخاى صاحب زمين است و هيچ وقت آن حيوان را اذيت نمى كنند. ولى باور اصلى و عمومى مردم چهاربرج بيشتر به اين صورت است كه قره چوخا را در كالبد مار باور دارند.

جالب است كه باور مربوط به قره چوخا، با ورود دين اسلام در بين تركان نه تنها از بين نرفته بلكه با خصوصيت و ماهيتى اسلامى به حيات خود ادامه داده است؛ در باور مردم چهاربرج، اگر شب هنگام دعائى ياسين بخوانى و آن را به حياط خانه فوت نمايى قره چوخا بيدار مى شود و به جاى شخص صاحب خانه نگهبانى داده و از خانه و كاشانه در برابر دزدها و اتفاقات محتمل محافظت مى نمايد.

حمایت قره چوخاها از شخصى مورد نظر تنها درعالم واقعى صورت نمى گيرد حتى آنها در خواب نيز از صاحب خود حمايت مى كنند؛ مردم چهاربرج در اين خصوص باورى دارند كه اگر يك نفر سهم غذاى شخص ديگرى را بخورد، مار او در خواب شخصى كه سهمش را خورده ظاهر مى شود و او را نيش مى زند.

قره چوخا هرچه باشد ريشه در باورهاي بسيار كهن و اساطيرى تركان دارد و نيازمند است تا تحقيقي دقيق و ميفيك در اين زمينه صورت گيرد.



حکایتی در خصوص قره چوخوا

راوی: بهروز فخرالاسلامی ۴۰ ساله از نوادگان مرحوم میرزا کبیر آغا، متولد و ساکن چهاربرج سواد سوم راهنمایی

می گویند روزی دو نفر در چهاربرج در حال تماشای مراسم شبیه خوانی بودند که مرحوم میرزا کبیر آغا در حال شبیه خوانی و اجرای مراسم بود که این دو نفر تصمیم می گیرند مراسم را ترک کرده و به زمین کشاورزی خودشان سری بزنند؛ آن ها هنگام رفتن به زمین خود به باغ میرزا کبیر نیز سری می زنند تا از آنجا کمی میوه و خیار بچینند ولی در کمال تعجب می بینند که میرزا کبیر درون باغ در حال قدم زدن است؛ آن ها باورشان نمی شود که میرزا کبیر چگونه مراسم شبیه خوانی را به این سرعت تمام کرده و زودتر از آن ها به باغ رسیده است. در هر حال با ذهنی متعجب و پریشان باغ را ترک می کنند و به روستا می روند تا ادامه شبیه خوانی را تماشا کنند؛ ولی باز هم با صحنه حیرت انگیزی مواجه می شوند و میرزا کبیر را در حال اجرای شبیه خوانی می بینند. آن ها مات و حیرت زده در گوشه ای نشسته و منتظر می مانند تا مراسم تمام شود.

بعد از تمام شدن مراسم، هر دوی آن ها به سوی میرزا کبیر می روند و حال حکایت را برای او تعریف می کنند؛ میرزا کبیر به آرامی برای آن ها توضیح می دهد که او هیچگاه به باغ خود نرفته است و شخصی که آن ها در باغ دیده اند قره چوخوای او بوده است که به شکل او درآمده و در باغ قدم میزد.

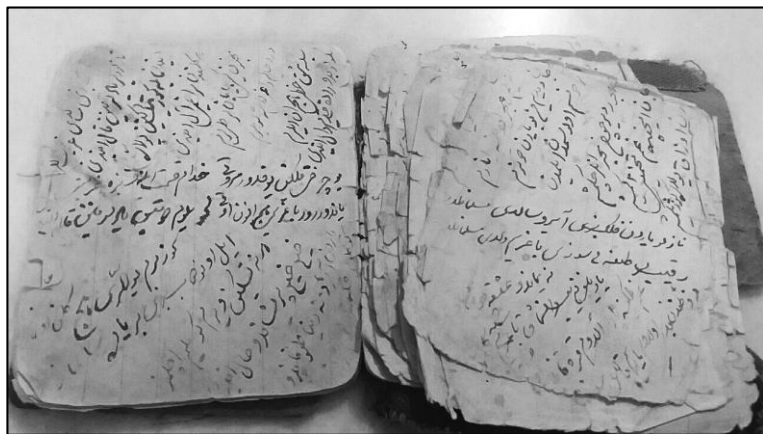
آشيق شعرى،
باياتى،
قوشماجا



خوندابلی مهجور (مهجور خندابی)

اسداله امیری

خنداب یکی از شهرستان‌های استان مرکزی است که در شمال غربی اراک واقع شده است. دارای دو بخش به نامهای بخش مرکزی و بخش قره‌چای و دو شهر به نام خنداب (مرکز شهرستان) و جاورسیان می‌باشد. زبان غالب شهرستان و شهر خنداب ترکی است. رود قره‌چای که از کوه‌های شازند سرچشمه می‌گیرد از شهر خنداب عبور کرده و بعد از طی قسمتی از مسیر خود در استان همدان از جنوب شهرستان ساوه عبور کرده و به دریاچه نمک قم می‌ریزد.



صفحاتی از نسخه دست نوشته مهجور

یکی از شعرای خنداب، مهجور خندابی است که در میان اهل ادب منطقه بهصورت خوندابلی «مهجور» معروف است. اشعار مهجور توسط آشیق‌های محیط آشیقی قم- ساوه و همدان خوانده می‌شود. دفتری از دست‌نوشته‌های این شاعر نزد استاد آشیق گوش (علی رضانی)

موجود بوده و به حول و قوه الهی در آینده نزدیک برای چاپ مهیا خواهد گردید. جهت آشنایی بیشتر خوانندگان اثل بیلیمی، دو قطعه از اشعار این شاعر از دفتر موجود در آرشیو آشیق گونش تقدیم می‌گردد:

■ بیر من (گرایلی)

هجران آتشینه یانان

بیر اولدو پروانه، بیر من.

بیر مجنون سؤزون فاش ائتدی

یازیلدی دیوانه، بیر من.

چوخ زمان بیمارام خسته

طیبب گلمز یارام اوسته

بیر ابدال گئیندی پوسته

گزر خانه خانه، بیر من.

گؤزوم قانلی یاشلار تۆکدو

تخم غم سینه‌مده اکدی

بیر بولبول هجرانلار چکدی

چاتمادی یارینا، بیر من.

بیر سئودا سریمه گلدی

غم و محنت جانیم آلدی

هجران خدنگینه اولدی

بیر یعقوب نشانه، بیر من.

خوندابلی مهجورام یاران!

گؤیلوم ائوین توتدو دومان

بیر ایوب دونیادا درمان

بیلیمه‌دی دردینه، بیر من.

■ صاد و باء و راء (قوشما)

انتظارام يوللار اوسته گلن يوخ
 يول باغلي دير ياران ميم و گاف و راء؟
 مگر يول باغلي دير کروانلار گلمز؟
 بيزه وئره ياران بير خاء و باء و راء.

خبريم يوخ ياردان خيلي زماندير
 روزگاريم قارا، حاليم ياماندير
 هاي چاغيررام قادر الله آماندير
 داها يوخ جانيمدا صاد و باء و راء.

صبر انده بيلمرم يار هجرانينا
 اود توتوب يانارام مثل پروانا
 رقيب اولسون تير عشقه نشانا
 دگسين جگرينه تاء و ياء و راء

تير دعا چوخ تنيمن رواندير
 صبح و سحر ديده لريم گرياندير
 دوغرو بودور؛ گويلوم ائوي ويراندير
 ياريمان اولموشام دال و واو و راء

دور اولموشام ياردان گوزدن قان توكوم
 سينهم فضا سيندا تخم غم اكيم
 دئين اولسا بو گفتاري دئدي كيم؟
 مهجور ديير؛ باء و شين و ياء و راء



بیر قوشماجانین کرؤووز (قاراقان) واریانتی

ألمی پیچاق کسب دیر

احمد صلاحی

یکی از اشعار فولکلوریک که در میان کودکان این سرزمین برای دهها قرن رایج بوده است شعری بنام «ألمی پیچاق کسب دیر» است که در کرفس و شهرستان رزن معروف به «اریشته یو فیرشته» بوده است. این شعر نشان می‌دهد که چگونه رویای کودکانه یک کودک یا نوجوان تورک ایرانی وسیع است. از گیلان سرسبز تا شیروان باکو در آذربایجان، از گرسنگی اسبهای هندوستانی و مردم فقیر آنجا تا رویاهای بافتن قالی توسط دختر شاه و از مکتب رفتن برادر کوچکش و خواندن کلام نور، همه و همه در یک شعر به قاب گرفته شده است. ذیلا سه روایت از شعر مزبور که مربوط به ارومیه است و در آخر روایت کرفس قرقان (کرؤووز) ذکر شده است.

● ● ●

الیمی پیچاق کسبیدی

دسته پیچاق کسبیدی

یاغ گتیرین یاغلییاق

بال گتیرین بال لییاق

دستمال گتیرین باغلییاق

دستمال دوه بویوندا

دوه شیروان یولوندا

شیروان یولی لیل باغلار

دسته - دسته گول باغلار

او گولون بیرین اوزه دیدیم

تئلریمه دوزه دیدیم

قارداشمین تویوندا

اوتوروب - دوروب سوزه دیدیم



ایمی پیچاق کسبیدیر
 دسته پیچاق کسبیدیر
 یاغ گتیرین یاغلیباق
 دستمال گتیرین باغلیباق
 دستمال قالیب بابامدا
 بابام مکه یولوندا
 مکه یولو بوزلودور
 دره سی یارپیزلیدیر
 او یارپیزدان دریدیم

گردنیمه سریدیم
 آغا دایمین تویوندا
 دورایدم اویناییدیم
 اویناماغین وقتی دگیل
 قیزیل گولون تختی دگیل
 قیزیل گولر دره لر
 مخمل اوسته سره لر
 قیزلار اونی اکرلر
 میثقال ایله چکرلر

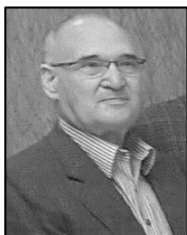


اویانا قاچدیم توتون ایدی
 بویانا قاچدیم توتون ایدی
 ساری کوینگین بوتون ایدی
 ساری کوینگین ساچاگی
 قیراغیندا وار پیچاقی
 ایمی پیچاق کسبیدی
 دسته پیچاق کسبیدی
 یاغ گتیرین یاغلیباق
 دستمال گتیرین باغلیباق
 دستمال دوه بویوندا
 دوه شیروان یولوندا
 شیروان یولو سربه سر
 ایچینده قیزلار گزه ر
 بیر قیز دوغدو بیر اوغلان
 آدینی قویدو سلیمان

سلیمان گئتدی اودونا
 اودون باتدی بودونا
 اودون دگیل قوموشدی
 بش بارماغی قوموشدی
 قوموشلری ایتیردی
 هندوستانا یئتیردی
 هیندوستانلارین آتلاری
 منی گوردی کیشنه دی
 آی نه ایچین کیشنه دی
 آرپا منده یوخیدی
 شاه قیزیندا چوخیدی
 شاه قیزی قالی (خالو) توخور
 ایچینده بولبول اوخور
 اونون کیچیک قارداشی
 آلاه کلامین اوخور

در گویش کرفسی این شعر فولکلوریک به شرح زیر است.

اریشه یو فیرشته	بش بارماگی گوموشدی
ألیم پیچاق کسیدی	گوموشلری ایتیردی
یاغ گتیرین یاغلویاک	هیندوستانا یئتیردی
دسمال ورین باغلویاک	هیندوستانین آتلاری
یاغلوق دووه بویوندا	منی گؤروب کیشنه‌دی
دووه گیلان یولوندا	آرپا سامان ایسته‌دی
گیلان یولو سر به سر	منده آرپا یوخودو
ایچینه ماهو گزر	تات قیزینه چوخودو
ماهو دوغدو بیر اوغلان	تات قیزی قالی (خالو) توخور
آدین قویدو سلیمان	ایچینه بولبول اوخور
سلیمان گئتدی اودونا	من نن کوچوک قارداشوم
قارغی (قارغا) باتدی بودونا	تارونوی کلامین اوخور.
قارغی دگیل قمیشدی	



اٲل باياتيلاری (٤)

علی خالط آبادی

او دا منی یانديرير
بو دا منی یانديرير
سويوندوم سوياد دوشدوم
سو دا منی یانديرير

شام يانير ياغدا ارير
قار ياغير داغدا ارير
من دوشن درده دوشسه
موم اولور ياغ دا ارير

عزيزيم هارام آغيرير
سيزيلدار، يارام آغيرير
طبيب اولوب سوروشسان
دييرم هارام آغيرير

عاشق هر سؤزی بيلر
اگريني، دوزی بيلر
درديمی يارا دئيین
درمانی اؤزی بيلر

آپار منی بنده وور
زولفوندن کمنده وور
اللی يئردن يارام وار
اسيرگه مه سن ده وور

باغبان منه بار گتير
اسيرگه مه، وار گتير
ال دگمه ميش آغاجدان
دريلمه ميش نار گتير

يئل اسنده گول اينجير
بولبول اينجير گول اينجير
ياد باغبان باغا گيرسه
يارپاق دوشر، گول اينجير

عزيزيم منه يازدير
کاغاذين منه يازدير
دوستلاردان خير خبر
آل گينان منه يازدير

قارا آت نالی نیلر؟
قارا قاش خالی نیلر؟
وفاللی یاری اولان
دولتی مالی نیلر

بو داغلار آهی نیلر؟
ایگیت پناهی نیلر؟
اومیدینلی گل اوزمه
گور ک ایلاهی نیلر؟

آدام سولسا اییلر
یاشا دولسا اییلر
حق سوزون قاباغیندا
داغ دا اولسا اییلر

سو گلر داشا دیر
کیرپیکلر قاشا دیر
یارین بیر جوت اؤپوشی
قوهوم- قارداشا دیر

عاشق مینایه دیر
زلفون مین آیه دیر
آی وار بیر گونه دیمه ز
گون وار مین آیه دیر

عاشق مینایه دیر
گونون مین آیه دیر
قاشین کیمی قاش اولماز
اوزون مین آیه دیر

الینده فانار گز ر
گزدیکجه یانار گز ر
یوخسول اولان کیمسه دن
دوست- آشنا کنار گز ر

داغلاردا مارال گزر
تئل لرین دارار گزر
قیامت او گون قوپار
یار- یاردان کنار گزر

بو داغدا مارال گزه ر
گونلرین سانار گزه ر
من یارا نیله میشم
یار مندن کنار گز ر

کهیلک داشدا نه گز ر
قلم قاشدا نه گز ر
سن تک یاری اولانین
عقلی باشدا نه گزر؟

یئریشین قازا بنز ر
بویون شهبازا بنز ر
بیرجه یول اوزون گورسم
قیش گونوم یازا بنز ر

یاناغین گوله بنز ر
گوز یاشیم سئله بنز ر
سن بوردان گئده لی
بورا بیر چؤلله بنز ر

توفان گلر داغ اسر
یئل ووراندا باغ اسر
یار یادیما دوشنده
اورگیم زاغ- زاغ اسر

بو داغدان، گلر گئچر
آهولار رمه لر گئچر
اوغولسوز آنالارین
قلبیندن نه لر گئچر؟

درد آشار باشدان گئچر
کیرپیکدن، قارشدان گئچر
دوغری سؤز، دوغری کلام
دمیردن، داشدان گئچر

کبابی کؤز اؤلدورر
سورمه‌نی گؤز اؤلدورر
ایگیدی قلیج کسمه ز
طعنه لی سؤز اؤلدورر

آراز آخاریان وئئر
سسسی منی جان وئئر
یارامی یاخشیی باغلا
پیش باغلاسان، قان وئئر

بو گلن آه گتیرر
گاه توتار، گاه اوتورر
الی یاردان اوزولن
کیمه پناه گتیرر؟

عاشق اؤزون بیلدیرر
دییر سؤوزون بیلدیرر
منی آغلادان فلک
آخیر بیر گون گولدورر

عزیزیم، دالدا گزر
بولبوللر، دالدا گزر
مردلر قاباقدا دورار
نامردلر دالدا گزر

بو یول شیروان یولودور
پیالالار دولودور
چیگنیمه کؤلگه دوشدی
دئدیم بس یار قولودور

الده عصا، یاخشیی دور
یاخشیی اوتور، یاخشیی دور
یاخشیی یورددا، پیس اولاد
هئچ قالماسا یاخشیدور

اووچودا آمان اولور
الینده کمان اولور
اوخ آتما یار قلبینه
اوخ دگسه یامان اولور

کروان یولا دوزولدو
خومار گؤزلر سوزولور
نئجه من آغلاماییم
الیم سننن اوزولور

گؤیدن یئره یاغیر نور
آغیر اوتور، آغیر دور
ائل ایچینده، دوز دولان
گؤرن دئسین عاقیل دور

باغبان باغدان، بار ایستر
هیوا ایستر، نار ایستر
منیم بو خسته گؤیلوم
ال دگمه میش نار ایستر

بو داغدا یوشان بیتر
آلتیندا دوشان ایتر
من یاریما نه دئدیم
آغ اوزونده دوردو تر؟

گئجه لر، ایل گئجه لر
دردیمی، بیل گئجه لر
من بوردا قان آغلارام
سن اورد، گول گئجه لر

گون خوش گئچسه، درد اؤلر
غصه گئدر، درد اؤلر
حق يولوندا جان قوربان
آد قازانار، مرد اؤلر

عزیزیم او گونئیلر
او قوزای، او گونئیلر
یار یارا قووشاندا
بایرامین او گون ائیلر

آوچی الینده اوخدور
اوخون حسابی یوخدور
مین دوست آداما آزدور
دوشمن بیر اولسا چوخدور

یتیمم آتام یوخودور
غریبیم، بوتام یوخدور
دوشدوم غم دریاسینا
قولومدان، توتان یوخدور

یاشیلیم، آبیم یوخدور
بو یئرده بابیم یوخدور
گئدیرسن، تئز قاییت گل
غصه یه تابیم، یوخدور

گئدن گئتمه دایان دور
حالیم سنه عیان دور
گلیشیننه من قوربان
گئدیشین نه یاماندور

عزیزیم، گول الیر
آغ بیلکیر، گول الیر
دریاجا عقلین اولسا
یوخسول اولسان، گوللر

آغ بیلکیر گول الیر
دردین دئمه بیللر
محتاج اولان کیمسه یه
دوداق بوزوب، گوللر

آغلايالار، گوللر
گؤز یاشینی سیللر
گئچن گونون قدرینی
گلن گونده بیللر

قیزیل گولی در لیر
مخمر اوسته سر لیر
خیری اولسون او قیزین
سئودیگینه وئر لیر

من عاشیق قارا تئل لیر
آغ اوززده قارا تئل لیر
نامرده سیرداش اولسان
قلبینی غارت ائیلرلر

پنجره دن، باخان یار
تئلینه گل تاخان یار
سؤز وئریب، اوز دؤندریب
یانددیریبان، یاخان یار

الف اوستونده میملر
بولبول قفسده اینلر
منیم قلبیمده سنسن
سنین قلبینده کیملر؟

ساچین اوجون هؤرملز
سنی منه وئرمزلر
قوی اوپوم آغ اوزوندن
قارانلیقدی گؤرمزلر

من عاشق، قارا گۆزلىر
سورمه لى، قارا گۆزلىر
قاش آتدان اوخ آتيرى
اوستومه، قارا گۆزلىر

عزىزىم، آلا گۆزلىر
كاروانى مايا گۆزلىر
يئل اسدى، زولف آيرىلدى
ساتاشدى، آيا گۆزلىر

عزىزىم، سولى گۆزلىر
سندە كى دولى گۆزلىر
عاشق هجران چۆلوندە
اوتوروب يولى گۆزلىر

عزىزىم، كىمى گۆزلىر
تار چالان، سىمى گۆزلىر
قاشىن كىمى قاش اولماز
گۆزلىرىن كىمى گۆزلىر

دوزلوب سانا دىشلىر
باتىبدير قانا دىشلىر
ائله بيل مروايدى
دوروب يان- يانا دىشلىر

الكلر آى الكلر
چيرمانىب آغ بيلكلر
دوستلار خبر اولسون
حاصل اولدى ديلكلر

قوش آچار، دىستە گئدر
هره بير سىسدە گئدر
سنى گۆر ن جوانلار
ئويىنە خىستە گئدر

گون دولانار، آى گئدر
بولود تاي باتاي گئدر
گۆزون يوموب اوخ آتما
الدىن چىخار ياي گئدر

خومار- خومار باخان يار
بولاق كىمى آخان يار
گۆزله گۆر ن اولماسىن
آچىلىبدى ياخان يار

عزىزىم، يول اوستودور
ئويىمىز يول اوستودور
بىر سحر گل بىر آخشام
گۆر ن دئسىن دوستودور

ايگىدىن بىر آتىدىر
بىر دە تمىز ذاتىدىر
كوراولودا قوچاقلىق
اونون احتياطى دىر

دوست دوستويلان ياخشىدىر
اولماسا گن ياخشىدىر
بىر دوستا سىر قالماسا
اوندان دوشمن ياخشىدىر

اصلىم قاراباغلىدىر
سىنەم چارپاز داغلىدىر
نە گلن وار نە گئدىن
يوخسا يوللار باغلىدىر؟

جئىرانلار قوشا گئدر
گۆزله اوخ بوشا گئدر
يار ايلقارى دوز اولسا
عۇمور گون خوشا گئدر

گون گلر باتار گئدر
دورنالار قاتار گئدر
وفالى يا جان قوربان
وفاسيز اتار گئدر

سو گلر آخار گئدر
ورىانى يىخار گئدر
بو دونيا بير پنجره دى
هر گلن باخار گئدر

آمان آمانيم گئدر
عرشه فغانيم گئدر
بیر يئرده يارالييام
مين يئرده قانيم گئدر

آشيق گئجه دن گئدر
كروان گئجه دن گئدر
گئجه اوزون همدم يوخ
زهله م، گئجه دن گئدر

چايدا باليق يان گئدر
آچما يارام قان گئدر
يوز مين طبیب نئيله سين
اجل گلسه جان گئدر

ياشيم اؤزومدن گئدر
آخار گؤزومدن گئدر
چكمه يين يار آدينى
عقليم اؤزومدن گئدر

بو نه ايشدير نادان يار
قاش- گوزون اوينادان يار
صبريم يوخ- دوزوموم يوخ
منه گلسين قادان يار

داغلار باشى توتوندور
كيمين قلبى بوتوندور
اگيل اؤزوندن اوپوم
دونيا اؤلوم ايتيمدى

داغلار منه قار گؤندور
باغلایندان بار گؤندور
يا درديمه شريك اول
يا درمانين وار گؤندور

اولار بيزده قاز گؤندور
چوخ اولماسا آز گؤندور
كاغاز اله دوشمه سه
يارپاق اوسته ياز گؤندور

قلبیم سنين ائوين دير
گل قلبیمی سئويندير
سنندن چوخلو يارام وار
هره سی بیر تئلين دير

باشيندا شالين نه دور؟
فيكرين خيالين نه دور
بوردان گليب اؤتورسن
دئميرسين حالين نه دور؟

بو درد منى تنگ ائد ر
باشا وورار دنگ ائد ر
سئوگى آدام اؤلدورمز
سارالدار بد رنگ ائد ر

گول دوزوبدو
اتك سانجيب، بئله يار
گؤيلون آل، نازين گؤتور
دوشمز اله، بئله يار

گئڊيرسن هارا دلبر
قاش- گؤزو قارا دلبر
رحمين گلسين گل ايله
درديمه چارا دلبر

مسجدده محراب، منبر
منقلده عود و عنبر
بو مسجدی کيم سالدی؟
سالدی خليل پيغمبر

عزيزيم، ياری تر
ياری قونچا، ياری تر
کيرپیک چالما گؤز لريم
کؤلگه سالسان يار ايتر

عرقچينين يان قویار
يان گؤتورر، يان قویار
قانشاردا دوران اوغلان
اور گيمه قان قویار

چؤلده چيچک آلادير
گؤزل سئومک بلاديير
ايسته سن ده قيز ايسته
قيز ييخيلماز قالاديير

آی گؤيده چيلچيراقدر
گوللر يئرده قوناقدر
سوراغ آلين بولبولدن
يار گئده لی هاجاقدر؟



دئىملر و آساسۇزلىرى

شعری را «نصاب» نامیدند. آن‌ها در نصاب بصورت منظوم، معادل کلمات دو زبان را در کنار هم می‌آوردند. خواننده گاهی با حفظ آن شعر و یا به کمک حلاوت و طراوت شعری، براحتی معادل کلمه را حفظ می‌کرد. این نوع هنر، به فارس‌ها و عرب‌ها و هندی‌ها و ... نیز منتقل شد و آن‌ها برای آموزش زبان خود به دیگران در قالب اوزان عروضی به سرودن شعر پرداختند. البته بعدها دامنه «نصاب» گسترده تر شد و شامل شرح لغات و اصطلاحات رشته‌های مختلف نیز گردید.^۱

اگرچه نصابهای مختلف در طی سالهای اخیر بررسی و یا تجدید چاپ شده‌اند ولی نصاب ملامصطفی ملاعلی اوغلو بادکوبی جدایی از نصاب بودن متن، از جنبه دیگر کمتر دیده شده در سایر نصابها دارای ارزش مردم شناسی نیز میباشد. این کتاب در برگزیده امثال و حکم می‌باشد که از منابع غنی فرهنگها بشمار میرود و می‌تواند مآخذ و مرجع معتبری برای پژوهش‌های علوم انسانی، جامعه شناسی، روانشناسی، زبانشناسی و بوم شناسی و غیره قرار گیرد.

نسخه خطی به شماره دفتر ۴۱۳۶-۴۶۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شکل ۱)، دارای سرلوح، با ۱۰ سطر در هر صفحه، مجدول، با قطع رحلی و در بالای صفحات امثال و حکم ترکی با شرح فارسی به خط نسخ نقش بسته‌است در اندازه‌های طول ۳۲ سانتیمتر و عرض ۲۰ در ۶۴ صفحه موجود است در شرح سراج اینگونه ذکر گردیده‌است؛ «که ذکر مثالهای ترکی در این کتاب از اهم مقاصد است که معرفت کلمات لغویه و عبارات اصطلاحیه ایشان بوده باشد زیرا که در اکثر اوقات ضرب امصال در غیر معنی لغویست بلکه اهل اصطلاح بادنی مناسبتی بین المغینین اجراء مثال نمییابند و لهذا مثال واحدی در موارد متعدده که استعمال می‌شود کما فی العربیه فی الصیف ضیعت اللبن که مورد او جائی است که معرض از مصاحب پس از اعراض مقبل شود و با عتذار زیان کشاند و صاحب دیگر از او نه پذیرد و این مثال در جواب بیان کند».

در مورد حیات و زندگانی مرحوم مصطفی بادکوبه‌ای، اطلاعات بسیار اندک در دست می‌باشد، «حاج ملا مصطفی اوغلو ملا علی بادکوبه‌ای» در سال ۱۲۸۵ ق. این نصاب ترکی-فارسی را آفرید. اثر براساس چند بحر متعارف و معروف مانند رمل، رجز، متقارب و مجتث سروده شده‌است.^۲ در مقدمه کتاب تاریخ نظم کتاب اینگونه درج شده‌است:

ناظم با این کتاب زبانرا چو بر گشود
تاریخ در هزار دو صد شصت چار بود

^۱ نصاب صادق، محمد صادق نائی، ۱۳۸۳، تهران،

^۲ مقدمه دکتر صدیق بر کتاب نصاب صادق

انجام کتاب الاثنی عشرته فی العشر الثالث من شهر ذیقعدا الحرام سنه ۱۲۸۵ درج شده است و بعد آن فهرست مندرجات می باشد. در حاشیه کتاب سبب کتابت و شرح چندی در مورد زبان فارسی، انواع آن موجود می باشد.

علی بادکوبه ای بن حاج ملامصطفی این نصاب را به نام ناصرالدین شاه سروده است؛ و خود چنین می نویسد که «نصاب ترکی به فارسی است، به پیروی از نصاب الصبیان فراهی که به خواهش برخی از برادران گیلانی در شهر قزوین سروده شده».

در کتاب «فولکلور نمونه لری» زنده یاد سلام اله جاوید، متذکر گردیده که در تجرید اللغات ۰۰۴ ضرب المثل ترکی به فارسی مندرج می باشد. ولی تعداد امثال و حکم موجود در کتاب ۵۴۲ می باشد. بغیر از نسخه خطی کتاب تجرید اللغات، به کرار به صورت چاپ سنگی چاپ گردیده و مقبول خاص و عام بوده است. اولین چاپ سنگی کتاب تجرید اللغات مربوط به سال ۶۸۲۱ هجری قمری (شکل ۳) و چاپ دیگری نیز به سال ۴۱۳۱

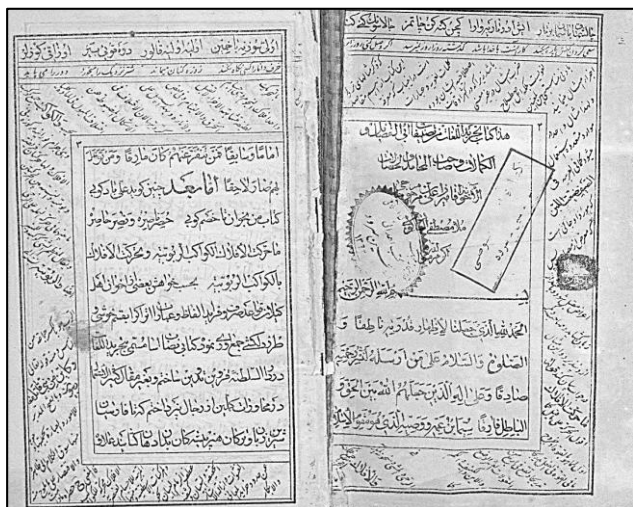
هجری قمری به کتابت محمد حسن الگلپایگانی، طبع دارالطباعة میرزا حبیب الله طهران محمد اسماعیل بن رحیم خونساری در دست می باشد (شکل ۲).

همچنان که می دانید فرهنگ عامه، آیینه تمام نمای جوامع محسوب می گردند و نشان دهنده اوضاع و احوال مردم و جوامع، اندیشه های آن ها محسوب می گردند. در این بین از میان ژانرهای مختلف فرهنگ عامه آنچه که از گذشته تا روزگار ما از سایر ژانرها ارجحیت داشته امثال و حکم و کلمات قصاری بوده است که از طرف بسیاری از نویسندگان به رشته تحریر در آمده است. با غوص در افکار و مفاهیم ژرف نهفته در ضرب المثل های بجای مانده از گذشتگان میتوان از چگونگی افکار و منش زندگی گذشتگان به خوبی آگاه شده. بدین سبب در این پژوهش تلاش گردیده ضرب المثل های مندرج در کتاب تجرید اللغات گردآوری و بازنویسی گردد، باشد که به نوع خود در خور بوده باشد.



شکل ۲) نسخه چاپ سنگی، کتابخانه ملی، چال چاپ ۱۳۱۴ هجری قمری

تلاش گردیده ضرب المثل های مندرج در کتاب تجرید اللغات گردآوری و بازنویسی گردد، باشد که به نوع خود در خور بوده باشد.



شکل ۳) نسخه چاپ سنگی، کتابخانه ملی، چاپ ۱۲۸۶ هجری قمری

در تصحیح و بازنویسی متن، تنها امثال و حکم و شرح فارسی به عینه آورده شده، سپس با قواعد اورتوگرافی بازنویسی شده‌اند. بغیر از آن با دقت در کلمات بکار رفته در امثال و حکم می‌تواند با بسیاری از لغات و کلماتی که در آن دوران متداول بوده نیز آشنا شد. نزدیکی کلمات رایج در زبان ترکی آذربایجان با زبان ترکی استانبولی متداول در ترکیه امروز خود بسیار در خورد عمل می‌باشد.

چالیشماق باشماق بیرتار سعی کردن کفش پاره میکند چالیشماق باشماق بیرتار	(۱)
ایش اودور تاری یا وارا کار آنست با خدا باشد ایش اودور تاری یا وارا	(۲)
گنجینه کن چاتماز جالاسان گونو گونه گذشته روز از روز نمیرسد اگر وصل کند روز را به روز گنچن گونه گون چاتماز جالاسان گونو گونه	(۳)

اولی سوزونه باخمین اولیه اولیه قالور

(۴)

حرف دانا را کسی نگاه نکند زوزه کتان میماند
اولو سوزونه باخمیان، اولویا اولویا قالیر

دوه بوقه بیر اوزاق کوزلر

(۵)

شتر نزدیک را میخورد و دور را میپاید
دوه یاخینی بیییر اوزاگی کوزلر

وشولدا انکالاسته دناوندن برانکالاسن

(۶)

همسایهات را دو گاوی بخواه تا خودت یک گاوی باشی
قونشونو ایکی اینکلی ایسته‌دین، اوزون بیر اینکلی اولاسین

قوناق قوناق ایتتمز اویتیمز

(۷)

مهمان مهمانرا نمیخواهد، خانه صاحب هر دو را
قوناق قوناقی ایتتمز، ائو بییه‌سی هر ایکسین

قوشنک بیدواج قورتول قارن شیشب قورتول

(۸)

همسایهات بد است بگریزی خلاص شو، شکمت ورم کرده برین خلاص شو
قونشون پیس دور قاچ قورتول، قارنین شیشب سیچ قورتول

اودهر دوشه اودنه اوجا

(۹)

آتش هر کجا افتد به خودش جا وا میکند
اود هر یئره دوشرسه اوزونه یئر آچار

قارداشلر ساواشدیلار واسلایلر ایناندیلر

(۱۰)

برادران جنگ کردند سفها باور کردند
قارداشلار ساواشدیلار واسلایلار ایناندیلار

ارینن عارواد سواشه بایکینن اغیشه

(۱۱)

شوهر با زن جنگشان تابستان را بارشش
ارینن آرواد ساواشی، یای گونونون یاغیشی

ایت ایتین سواشه بزلارین دلد دوناار

(۱۲)

سگ با سگ در وقت جنگ یکپاش را عقب میگیرد
ایت ایت ایله ساواشاندا بیر آیاغین دالیدا توتار

دۈكۈمۈزگە قاپۇسىنى دۈكۈنلۈك قاپۇسى مكوب بېگانه را درش تا نكوبند درت را دويمه اوزگه قاپوسيني، دويمه سينلر قاپووي	(۱۳)
ھەزەر توغرىسىن چىقۇرۇپ قاشىقۇ هر چه تلید کنی بکاسهات، بیرون آید به قاشقت هر نه دوغراسان چانقیوا، چیخاق قاشیقوا	(۱۴)
اکۈيۈتۈراق دۈزداناشاق کج به نشینیم، راست بگویم ایری اوتوراق دوز دانیشاق	(۱۵)
ادىندىزداشدىر بۇمشالورسەن بۇمشالور اسمت چيست سنگ آهن، نرم ميشوى تو نرم ميشوى آدين نه دير، داش دمير، يومشالورسون، يومشالور	(۱۶)
ھەلە ائىلمە كى قال چايىنك وئايىند چنان مكن پس بماند آن طرف رودخانه هله ائيلمه كى قال چايين او تاييندا	(۱۷)
دۈنۈن دۈزىن ناغلا سۈرە صىقن تايىر اشتر را زانويش به بند، بعد پناه ببر با خدا دوهنى ديزين باغلا سونرا سيغين تارىيا	(۱۸)
اين سوموگۈ اودىند كۈتۈن اولچەر سگ استخوان را فرو بردن، كونش را كز ميكند ايت سوموگو اوداندا، گۈتۈن اولچەر	(۱۹)
اياعىورغاندىن چىخارتما پا از لحاف بیرون مكن آياق يورغاندان چىخارتما	(۲۰)
بولدىن چىخانا بولغىم ولۇ از راه بیرون شد را راه خصم می شود بولدان چىخانا يول غنيم اولور	(۲۱)

﴿لَجْمٌ وَذُبْحٌ يَأْتِيهِمْ مِنْ أَسْفَلٍ أَوْ مِنْ كَلْبٍ مُنْقَرِعٍ﴾ اندروشم خودم را میسوزد، بیرونم دیگران را ایچیم اوزومو یاندیریر، انشیگیم اوزگلهلری	(۲۲)
﴿شَالَا لَاقِنًا وَوَقَرًا رِجَمَ﴾ با سیلی رو سرخ میکنم شاپالاقیتان اوز قیزاردیرام	(۲۳)
﴿أُولَئِكَ قِيقُولُ﴾ خالها سوا، عمها سوا اولر آیری، قیقولر آیری	(۲۴)
﴿أَوْ يَصْطَفِقَنَّ فِي أَعْنَاقِهِمْ أَصَابِعُ أَضْرَافٍ كَثِيرَةٍ﴾ ران را فشردن، فرج تنگ نمیشود بودو سیخماقیتان آم دار اولماز	(۲۵)
﴿فَأَوْدَوْا مِنْهُمْ وَرَأَوْا كَنُوزَهُمْ﴾ شکم سیر کن را چشم می شناسد قارنی دویورانی گوز تانیر	(۲۶)
﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّحْمَ يَنْبَغِي لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَأْكُلَهُ إِنَّمَا جُعِلَ لِهَؤُلَاءِ حَرَامًا وَكَانَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا حَلَالًا﴾ بدهن مزه به شکم شیون آغیزا داد، قارینا شیون	(۲۷)
﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّحْمَ يَنْبَغِي لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَأْكُلَهُ إِنَّمَا جُعِلَ لِهَؤُلَاءِ حَرَامًا وَكَانَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا حَلَالًا﴾ خودش افتاد نمیگیرد اوزو بیخیلان آغلاماز	(۲۸)
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا جُعِلَ لِهَؤُلَاءِ حَرَامًا وَكَانَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا حَلَالًا﴾ افتاده را تبرزن بسیار باشد بیخیلانا بالتا چالان چوخ اولور	(۲۹)
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا جُعِلَ لِهَؤُلَاءِ حَرَامًا وَكَانَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا حَلَالًا﴾ دورغ نمیرو یالان آیاقی توتایر بیئریمز	(۳۰)

(۳۱)	اَنَا فَمُورَعُهُ قُورِدْ دَالِمْ سَامَانْ سُوْر دَاوَا
(۳۲)	اَوَا قَارَشِدْ مَدَهْ تَدْ
(۳۳)	بُخْتِ اَدِيْن دَانَا پُوْخَلَر
(۳۴)	اَلْاَقُوْر فَاخْصِهْ كِدْنِ رَاخْهْ كَلُوْ
(۳۵)	سَنَ اَنَا بِنَا اِنْكَلَرِي كَمَسَا فَا
(۳۶)	كُوكْ كِنْد بِلْدْ
(۳۷)	تَانَرِي يَلُوْر اَشْكْهْ بُوْیُوْر وِرْمَزْ
(۳۸)	سَنَهْ اَزْ كِرْ كَزْ نَزْ كِرْ
(۳۹)	اَكْشِنْ یُوْز دِيْنِ یَسُوْیْ وِلْسُوْنْ بَرْمَا نَانْ دِيْنِیْ وِلْمَا سُوْنْ

پیشم گندم برشته میکند، پسم کاه بیاد میدهد
قباغیم قوورغا قوورور، دالیم سامان سوواریر

میان به هم خورد راه گم شد
آرا قاریشدی مذهب ایتدی

کاوکل را اسمش یکگوساله که آلوده میکند
ناخیرین آدین بیر دانا پوخلار

تنها بقاضی رونده راضی می آید
یالقیز قاضیه گندن راضی گلیر

تو آقا، من آقا گاوها را که بدو شد
سن آغا، من آغا، اینکلری کیم ساغا؟!

ده پیدا را چه بلد
گورونن کنده نه بلد؟!

خدا میداند بخر شاخ نمیدهد
تانری بیلیر ائششگه بوینوز وئرمز

بتو شوهر باید زود
سنه ار گرک، تنز گرک

مرد را صد خورنده بد باشد، یک بد گوینده نباشد
کیشینین یوز پیس یئینی اولسون، بیر یامان دئیهنی اولماسین

قازار گندن قازانچدير شکم هر چه رود منفعت است قازينا گندن قازانچدير	(۴۰)
پينگن دوزداريدن چخماز به دعا خود از ارزن بيرون نمی آيد بيتيکينن دووز داريدان چيخماز	(۴۱)
عشاقه اشبو يوزارد نجه يوزگر به طفل کار بفرما از پشش بدو اوشاغا ايش بويور اردينجا يوزگور	(۴۲)
مشده چاقال آريدي بریده کپن گلدي در جنگل شغال کم بود یکی هم با کشتی آمد منشده چاقال آريدي بيرده گمينن گلدي	(۴۳)
تاري داغنه رايخار دوزور خدا به کوهش نگاه میکند برف ميدهد تاري داغينا باخار قار وئرير	(۴۴)
اغز يني دوتسون کوتله دنلور دهنش را اگر بگيري کونش بزبان آيد آغزيني توتسان کوتو ديلنير	(۴۵)
اوخدان پوخ نوره پوخندان اوخ از پس گه زاييده می شود از گه تير اوخدان پوخ تۆريهر، پوخدان اوخ	(۴۶)
سئواندوانا نمانخو فک قويروقونه تو را بقسمت باور کنم يا بدمش سئين آندووی اينانيم يا تويوغون قويروقونو؟!	(۴۷)
اوزونوز ولسر بلسون بلداشور خودت را خسته بدانی رفیقت را مرده بدانی اؤزونو يورولموش بيلسن يولداشيوي اؤلوموش بيل	(۴۸)

جَدَانِي اُوغُرْتَن بَرَن بَلُور نیزه در مبدا جایش میداند جیدانی اوغراتان یثرین بیلیر	(۴۹)
دُغُرُی سُوْرَدَه بُوْکِنه عِلْدَن اِنچَدُ در عرف راست گردنم از مو باریکتر است دوغرو سوزه بویونوم قیلدان اینجه دیر	(۵۰)
کِرچک سُوْرَن اَرْدَنکَمز راستی حرفرا عقبش تمام نمیشود کرچک سوزون آردی توکنمز	(۵۱)
چُوْجَک نِیْمکَدَن قُوْیَار پروردن از کم خوردن میگذارد چوخ یئمک آر یئمکدن قویار	(۵۲)
يَا عَيْنَا بُوْوُ سُوْرَا زَار بِلُوْر نَالُوْ روغن به روغن مخلوط می‌شود بلقورها خالی میماند یاغ یاغین یئششیر یارمالار یاوان قاینار	(۵۳)
اَقَا دِلْیِ سُوْرَدَه سُوْرَدَه آقا گفت بران به دره بران بدره آغا دثییر سور دره‌یه سور دره‌یه	(۵۴)
يَا لَيْسَتَيْنِ كُونُ صُورُ صُورَه وُزَار ماهی را هر که بخواهد کونش را به آب سرد میزند بالیق ایستین گوتون سویو سووا ویرار	(۵۵)
خَاطِرُ زَادْگَالِ کُول بُولاندِرُ مگس یک چیزی نیست، دل بهم میزند میلجک بیر زاد دثییل گونول بولاندیریر	(۵۶)
سَامَانِلِیْق سَتِنْدِر سَامَان سَتِنْدِر کاهدان از توس، کاه که از تو نیست سامانلیق ستیندیر، سامان ستین دثیل	(۵۷)

دینمە وەر یان قولاغین کسیم مگو بده، بخواب گوشت را ببرم دینمه وئر یان قولاغین کسیم	(۵۸)
ایستکه گویچی چاتماز نوارین دکر به خر زورش نمیرسد، پالانش را میزند انششیه گوجو چاتماز، نوارین دوییر	(۵۹)
الچی قوشناک دینه یه اکر یه اولور گیرنده مرغ منقارش کج می شود آلیچی قوشون دیمدی بی ایری اولور	(۶۰)
بله اوتوران غاز واندن اوغول دعوئلر چنین نشسته از زن، پسر زابیده نمیشود بنله اوتوران آرواتدان اوغول دوغولماز	(۶۱)
پوخ ییین قاشیغی بئلینده اولور گه خور را قاشق در کمر میباشد پوخ ییین قاشیغی بئلینده اولور	(۶۲)
برالین اکر فارپوز دوتماق اولماز با یدک دست دو هندوانه گرفتن نمی شود بیر الینن ایکی قاریوز توتماق اولماز	(۶۳)
قولدن قوزین ازا اولور قچدن قوزین چوندد از دست بلند کن که باشد از پا بلند کن بسیار است قولدان قوز ایان آر اولور قیچدان قوز ایان چوقدور	(۶۴)
بنیکم یی آستینم بخور بنگیم یی	(۶۵)
اناسینا باخ قیزینی آل وراغینه باخ قیزینی آل به مادرش نگاه کن دخترش را بگیر، بکنارش نگاه کن کرباشش را بگیر آناسینا باخ قیزینی آل، قیراغینا باخ قیزینی آل	(۶۶)

اَنَابِيْ كَرْنَا فَاجِي قَرِي بُودا قِيُو دَا فِكْدَا مادرش گردیده درخت را، دخترش شاخ بشاخ می گردد آناشی گَرهن آغاچی، قیزی بوداق بوداق گَره ر	(۶۷)
اَوْنَمْدَا شَا قِي شَسْتِکْد قِي قُو سَبَر دَشِدْ همسایه ام خایه اش ورم کرد خصیه اش را بر ما افتاد قونشومون داشاگی شیشیدی، قایغیسی بیزه دوشدو	(۶۸)
اِسْا فَا نِکْرَم سَفَالِ نِجَار نِکْرَم بَغْدَر پایین تف میکنم ریش، بالا تف میکنم سبیل آشاگی توکورم ساققال، یوخاری توکورم بوغدور	(۶۹)
قُو شِي قُو شِي نَن نِکْر کَر تَن اَوْلَمَاسَه کَن کَر کَر همسایه با همسایه برابر باید برابر نباشد فراح باید قونشو- قونشویین تن گرک، تن اولماسا گن گرک	(۷۰)
قُو شِي قُو شِي بَا خَار کُو رَن اَوْدَه نَا حَا همسایه بهمسایه نگاه میکند قبرش را به آتش میسوزاند قونشو قونشویا باخار، گُورونو اودا یاخار	(۷۱)
بُو کَلَمَافَن بَرَا غَلَا نَا قِيُوَار این خنده یک گریه هم دارد بو گولمه بیین بیر آغلاماگی وار	(۷۲)
اَفَا جِ بَمَشَن کَر نَزْد نَابِشَن اَشَاعَه نِکْر درخت میوه آورد سر را بپایین میدوزد آغاج بیئیش گتیرنده باشین آشاغا تیکر	(۷۳)
اَلکَن بُورَقْمَه اَوْلَسَه کَلُو رَ دُو غَا نَا غَدَن کَنجَر کمرکش صد کوتاه باشد می آید از چوب و جنگالی میگذرد اولکن (اُورکن) یوز قیمته اولسا، گلیر دوغاناقدان کنچیر	(۷۴)
اَو ز کَر اَنَسَر مِکَن نَزْدِش دگیرا به اسبش سوار شده زود می افتد اوزگه آتینا مینن تنز دوشر	(۷۵)

(۷۶)	سُونُ اَوْزُنْ دَوَهْنُ دِزِيْ تو را رویت شتر را زانو سنین اوزون دوه نین دیزی
(۷۷)	سَنَ کَرَن اَفَاج کَد بَلَر تو دیده درخت را بریدند سن گورن آغاجی کسدیلر
(۷۸)	اَغْزِم اَکِرْمِ دَالْدَنَنَیْ دهن کج را از پشت بشناس آغزی آیرینی دالدان تانی
(۷۹)	جَوْنَه کَدَن اَوُکَر کَرْدَن ثَا سُوْر شخم زونده، گاو را چشمش شناخته می شود جوته گندن اوکوز، گوزوندن تانینار
(۸۰)	کُوسَه کَدَنی سَقَالَ کِرَه بَغْدُ قَوْبَدَ کَلْدَن کوسه رفت ریش بیاورد، سبیل هم را گذاشت آمد کوسا گتندی ساققال گتیره، بوغو دا قویدو گلدی
(۸۱)	یَوْخُسُول فَحْر نَا اَبَاز بَر نَا نَا زَا بی چیز پول پیدا کند جا پیدا نکند یوخسول آقچا تاپار، بیئر تاپماز
(۸۲)	بَاشْدَب بَر اَوْلَمَاز کُوی اَچ نَا خُشَبَ باخ سر ته یک نمیشود، چشمت واکن خوب نگاه کن باشدان بیئر اولماز گوزونو آچ یاخشی باخ
(۸۳)	دَالْدَن اَنَان نَوُوعَه کُورَا از عقب انداز، به موج پا میخورد دالدان آتان توپوغا دیبیر
(۸۴)	اَوْز قَا بَاغْدَن دِی از پیش خودت بخور اؤز قاباغیندان یئ

فَرْخ سَنَه دَنِيَرَم گَلَنِم سَن ايشَد دخترم بتو میگویم عروسم تو بشنو قیزیم سَنه دنییرم گلینیم سَن ائشید	(۸۵)
چَرَكَن اَوَزَن كِرْدَلَر كُوجَن بَدَالَه كِرَد کره منظر خودش را پنهان میکند، صاحب جمال آشکارا میگردد چیرکین اوزون گیزله در، گویچک بداله گزر	(۸۶)
بُود بُونَه اَوَمَر صد شت کند پاکیزه نمیشود یوز یویونسه آرینماز	(۸۷)
اَوَز كِرْدَه اَوُجی كِرْمَر اَوَز كه كِرْدَه نَوُك كِرَر در چشم خود تیر را نمی بیند، در چشم دیگری مو را می بیند اوز گوزونده اوخو گورمز، اوزكه گوزونده توکو گورر	(۸۸)
بِرَن كُورُن كُزُی مَرَبَق سَنَه اَوَل كَز قَرَب یکی را دیدی چشمش کورنما، توهم باش چشم کورنما بیرین گوردون گوزو قیریق، سنده اول گوزو قیریق	(۸۹)
دَل لَكَلَن وَرَن بِلجی لَكَلَن لَكَلَن با دیوانگی داده را با دانایی مطالبه کن دلی لیکنن وئردیگینی، بیلجی لیگنن آل گینن	(۹۰)
ايت ديمرچيد نرلار سنگ از آهنگر چه میبرد ایت دیمیرچیدن نه آچارار	(۹۱)
باشخه يار اينكه قوز دولدر سرم را بشکاف به دامنم گردو پرکن باشیمی یار، اتگیمه قوز دولدور	(۹۲)
اَناسِرُن يَتَر اَشَه كِنَه دَانِيَه قَالِدَا بی پدر را درست نشده کارش باز بصلاح آید آتاسیزین یئتمز ایشی یئنه دانیه قالدی	(۹۳)

كَمْ يَبْلُغُ كَرْبُيْنِ قُوَى بَارِسُونِ صُوبَتِه مگذار بدان را پیش بگذار ببرد آب تو را کنچمه پیس لر کورپوسوندن، قوی آپارسین سو سنی	(۹۴)
اَزَقِ اسْتِمَاقِ بَارِسِنَا زیاد خواستن سر میشکافد آرتیق ایسته مک باش یارار	(۹۵)
يَا تَمَازَلِكِي دَالِدِ سِنْدَه قُودُونِ بَرْتِجِي سَنِي مخواب روباه را در سایه‌اش بگذار بخورد درنده تو را یاتما تولکو دالدا سیندا، قوی یئسین یئر تیجی سنی	(۹۶)
اُولُ اِنَاكَ صُنْ اُولُو مرده گاو باشیر می‌شود اؤلو اینک سودلو اولور	(۹۷)
جَانِبَطَاشْ جَانِبَتُوشْ رودخانه را سنگش رودخانه را مرغش چایین داشی، چایین قوشو	(۸۹)
اَنْ اَوْزَكَنْ كَتْ اَوْزِ كَنْ اسب مال دیگری کون مال دیگری آت اوزگه‌نین، گوت اوزگه‌نین	(۹۹)
مَنَازِيَهْ خَرْجِي جَهْنِي هِلَهْ نَبُورِ بَرْدَن كِبَلَكِ مَحُوبِ بر مناره خرجش بیرون نیامده چنان میدانند که از زمین قارچ بیرون آمده مناره به خرجی چیخمین هئله بیلیر یئردن گؤبلک چیغیب	(۱۰۰)
دَلِي دَلِي كُونْدَ چُومَاغِي كِرْدَر دیوانه دیوانه چو بیند چوب سر گنده‌اش را پنهام میکند دلی دلینی گؤرنده چوماغینی گیزله‌دیر	(۱۰۱)
بُولَامَاجِ دَلِيَهْ مَالِدِ كِرْدَن خَنَكِ کاجی بدیوانه ماند دیدن شوخی بولاماج دلی یه قالدی، گؤزدن خنک	(۱۰۲)

اَز اِخْلَوْتِ نَالِکِي بَاک میان خالی روباه بزرگ آرا خلوت، تولکو بئی	(۱۰۳)
نَاشِنَه نَاشِنَه چَمَنَد اَو خَاغ نَاشِنَه حیاکنان حیاکنان رفت تا سر اوجاق یاشینا- یاشینا، پیخدی اوجاق باشینا	(۱۰۴)
کَر مَدَن کَر مَدَن ندیدی جدی گورمه دین گنرچک	(۱۰۵)
یَسِکِن اَغْزَا تَه چَا تَمَاز دِه رَی رَد گره دهنش بگوشت نمیرسد میگوید بو میدهد پیشیگین آغزی اته چاتماز، دئیر ایی وئریر	(۱۰۶)
بُخْی فِرْد اَل دِجَرِی اَنَاز گه را تا بهم زنی بوش زیاده می شود پوخو قوردالادیقجا ایی آرتار	(۱۰۷)
یَسْبُوقِی نَاقِی نَاقِی کَلُور پنبه دار را از سگ سفید بدش آید پامبیقچی نین آغ ایتدن آجیغی گلر	(۱۰۸)
اَبَلَا نَوْرَان اَلَا جَانْدَن قُوخَار مار زن از ریسمان رنگ وارنگ میترسد ایلان ووران آلا چاتیدان قورخار	(۱۰۹)
تَزْکَرَن اَلرَی اَبَل کُورْدَنی دُولَاشْدَنی سرگین چین دستهایش ابریشم دیده بهم پیچید تزک درن اللری، ایپک گوردو دولاشدی	(۱۱۰)
عَاج قُورُی بُوغَاز گرسنه خشک قلو آج قورو بوغاز	(۱۱۱)

ذَادِنْ مِسْكَ دُولِيْكَ اُولُو دِيرِ كِن اُولِيْكَ عادت کرده به دولمه می شود یک روز نباشد دادانمیشان دولمایا، اولور بیر گون اولمایا	(۱۱۲)
صَحْمَرْ قَارِنَه عَاجُورْ نمیرند شکمش گرسنه می شود سیچماز قارنی آجیر	(۱۱۳)
لُولَيْنْ كُونْ كَتْ اَفْتَابَه كِرْسَه خُولْدَارْ ابریق دیده کون آفتابه پسند شرطه میزند لولئیین کورن کوت، آفتابا کورسه قورخار	(۱۱۴)
اِنْسَان دِلْشَمَكْ نَنْ جَوَان اِشْمَكْ نَنْ انسان به گفتگو کردن، حیوان به بو کردن اینسان دیلشمگنن، حیوان اییشمگنن	(۱۱۵)
عَارُودَانْ بَدْ بُوْشَا زنت بد است طلاق بده آروادین پیس دیر بوشا	(۱۱۶)
بُخُوفْ کِتْمَه بُوْجَهْن مرغ رفت با گهش تویوق گنتدی پوخوینان	(۱۱۷)
کُوسْبِزْنْ چُورْ کَیْبِکْ نَارْجِيْ اَزَادَه کُورْ با بی چشم نان وقت خوردن خدا را میان ببین گوزسوزلن چورک بینه، تارینی آرادا گور	(۱۱۸)
مَرْجَه قازَانْدِلْمَرْ قازْ گِرْکْ گنجشک دیگ پر نمیکند، غاز باید سئرجه قازان دولدورماز، قاز گرک	(۱۱۹)
اَيْتْ حُورَه حُورَه دَاشْتَه فَالْکُورْ سگ زیاد پارس کند بسرش شورش می آورد ایت هورر باشینا قال گتیرر	(۱۲۰)

(۱۲۱) ايت قورساغى ياغ گۆتورمز سگ روده اش روغن برنمیدارد ايت قورساغى ياغ گۆتورمز	
(۱۲۲) دامه دامه گول الورد دازه دازه قورتولور چکه کنان چکه کنان غدیر پر آب می شود چشان چشان تمام می شود داما- داما گؤل اولور، دادا- دادا قورتولور	
(۱۲۳) آفا کورسن نواله خانم صالخاله آقا بیایورد خودرنی خانم بیندازد بجوال آغا گۆتورسون نواله، خانیم سالسین چواله	
(۱۲۴) قهبه نین فازاندی انیک کوشانه کدر فاحشه هر چیز نفع کند بسرخاب و سیفد آب میرود قعبه نین قاز اندیغی، اننیک کیرشانینا گئدر	
(۱۲۵) ايت ييدنيك قضا سگ آنچه را خورده فی میکند ايت يئديگين قوسار	
(۱۲۶) پلتک دین ناسیلر زبان کودک را مادرش میداند پلتکین دیلین آناسی بیلیر	
(۱۲۷) کوشوز قوشون یواسین تار ی اوز الین نکر بی چشم مرغ آشیانس خدا به دقت خود درست میکند گۆز سوز قوشون یوواسین، تاری اؤز الین تیکر	
(۱۲۸) بشکه دید یاز پوخن کرک دیر صحت استینه باصدر به گربه گفتند گهت مصرف است رید بالایش را پوشانید پیشیگه دندیلر پوخون گرک دیر، سیچنده اوستونو باسدیردی	
(۱۲۹) بوندن فاطمه دزلك اولمز بلک فاطی جزاونه باخو دزلك دوز از این به فاطی تنبان نمیشود چنین که فاطی زیرش میرود به او خوب تنبان دوام می کند بوندان فاطی یه دیزلیک اولماز، بئله کی، فاطی چنرر اونا یاخشی دیزلیک دوزر	

بِرْدَلِي قُوبِيْگَه طَاشْصَالْدِي بُوْزْبِلِي جَاقَازَنَه بِلْمَدِي یک دیوانه بچاه سنگ انداخت صد دانا نتوانست بالا بیاورد بیر دلی قویویا داش سالدی، یوز بیلجی چیخاردا بیللمدی	(۱۳۰)
کُول سُون کُچْکَل اولور دل آنچه را خواهد مقبول می شود گونول سئون گویچک اولور	(۱۳۱)
دِلْه قِرْمِزِي سَوْر دیوانه سرخ عاشق می شود دلی قیرمیزی سئور	(۱۳۲)
دَلِيدَن دُوْغُر سُوْر از دیوانه راست حرف دلیدن دوغرو سوز	(۱۳۳)
باشی اچس بوزکچینه قاجار سر برهنه بکلاه دوز میدود باشی آچیق بؤرکچویه قاجار	(۱۳۴)
باشماق چپن باشماق اولماز کفش دوز را کفشش نباشد باشماقچی نین باشماقی اولماز	(۱۳۵)
دَوَه اوْیْنوْیْنْدَه قار یاقار شتر وقت رقصیدن برف میبارد دوه اوینویندا قار یاغار	(۱۳۶)
اودی تانماز نهماق قوناغ کَل دئماق خودش پیدا نمیکد برای خوردن بیا- بیا گفتن اؤزو تاپانماز یئماغا، قوناغا گل گل دئماغا	(۱۳۷)
اوجردن باها اولمز از ارزان گران نمیشود اوجوزدان باها اولماز	(۱۳۸)

اَوْجُزْ اَتُونْ دَادِي اَوْلَمَزْ ارزان گوشت را مزه نمیشود اوجوز اتین دادی اولماز	(۱۳۹)
دَوَلْ يُوْزَالِيْ وَلَسَهْ كُوْنِيْ اَسْنَهْ يُوْكَدُرْ شتر صد مرده باشد چرمش بخر برات دوه يوز اولوسو، گونو انششيه يوكدور	(۱۴۰)
عَاجْ قَارَنِيْمْ دِيْنَجْ قَوْلَاغِيْمْ گرسنه شکم، راحت گوشم آج قارنيم دينج قولاغيم	(۱۴۱)
بَاشِيْمِيْ اَوْنِيْ گُورُوبْ اَدِيْمِيْ دِيْبِيْرْمَانْچِيْ چَاغِيْرْدِيْنْ سرم را آرد آلود دیده اسمم را آسیابان خواندی باشیمی اونی گوروب آدیمی دیبرمانچی چاغیردین	(۱۴۲)
دَوَهْ كِيْمِيْ گَنَرِيْ اَشِيْرَسَنْ مثل شتر عقب می‌شاشی دوه کیمی گنری اشیرسن	(۱۴۳)
اَيْتِيْ اَوْلَدُورْنَهْ سُوْرْتَدِرْلِرْ سگ را کسی که کشته می‌کشاند ایتی اولدورنه سورتدرلر	(۱۴۴)
کَرْدِيْنْ بُوْقِيَهْ کَلَنْ اَجْمَدُ وُفَارْ پنهان آبستن آمده آشکار میزاید گنردن بوقیه کلن آچیق دوغار	(۱۴۵)
عَاجْ تَحُوْقْ يَاتَارْ يُوْخِيْسَنْدْ دَارِيْ كَرِيْ گرسنه مرغ می‌خواهد در خوابش ارزن میبیند آج تویوق یاتار یوخوسوندا داری گۆره	(۱۴۶)
مَسْجِدْ تِيْکِيْلْمَهْ مِيْشْ گُوْزْ سُوْزْ قَاپِيْنِيْ اَلْدِيْ مسجد دوخته نشده بیچشم در را گرفت مسجد تیکيلمه‌میش گوز سوز قاپینی آلدی	(۱۴۷)

بِنَجْمٍ بَاخِمِ كَرْمِ اَغْرِی كَرْیَه اَوْقَه مَاسُون من چگونه نگاه کنم چشمم دزد به چشم نماند من ننجه باخیم گوزوم اوغرو گوزونه اوخشاماسین	(۱۴۸)
اَفَاجِ لَرِ بَاشِیْن تَرَبْدُر سُوکِدِ دِهَر مَنده بَنده درختها سرش را میچنانند بید میگوید منهم منهم آعاجلار باشین ترپهدر، سویود دئیر: منده بنده	(۱۴۹)
تَوْخُنْ عَاجِدَن نَرِ اَتَرِی سیر را از گرسنه چه خبر توخون آجدان نه اتری	(۱۵۰)
قَرْتِ بِنَكُورِ فَاطِرِ بَهَادُرِ گرگ چه میداند استر گرانست قورد نینور قاطیر باهادیر	(۱۵۱)
فَاَرِیْنَه دُكَلَن قَشِیْرِ اَرِ خَاسِیْزَامِ بشکمش کوبنده فریاد میکند پشت ندارم قارنیا دویلن قیشقیریر آرخاسیزام	(۱۵۲)
یَوْخُسُولُ دَوَه اَوَسْتَه بُووه وُورَارِ فقیر را در بالای شتر رطیل میزند یوخسولو دوه اوسته بووه وورار	(۱۵۳)
بُوْفَرِغِنَه خَان دُوزَمَرِ بُوْفَه کُوکِدَن بَاغِرِ خَانِ با این کشتار خان دوام نمیکند ورنه از آسمان ببارد بو قیرغینا خان دوزمز، یوخسا گویدن یاغا خان	(۱۵۴)
سَنَدُ وُسْفَا زَانِ دُشْمَنِ اَوِجَاقِ تو دوست فراهم آر دشمن در سراجاق سن دوست قازان دوشمن اوجاق باشیندا	(۱۵۵)
دِگَرِمَان دَارِتْدَقِیْن دَارِنَا زِ جَرَقِ جَرَقِ بَاشِیْن اَغَرْدُرِ دگر آسیاب آنچه بگشد میکشد صدایش سر را درد می آرد	(۱۵۶)

اوبادزدی کو حجامه کاند دی حجامه	(۱۵۷)
ایل استاد بکوج کردن عروس استاد بریدن اوبا دور دو کو چمه، گلین دور دو سیچمه	
کیه برن ایلن سن	(۱۵۸)
به گلیم خود را بپوشان با ایل گنیه بورون، ایلین سورون	
قوش قانادیدن کیر ایستمر	(۱۵۹)
مرغ از پرش کرایه نمیخواهد قوش قانادیدتان کرایه ایستمز	
کولکده مانان چینی ایت اولور	(۱۶۰)
در سایه خوابیده داسش تیز می شود کولگه ده یاتانین چینی ایتی اولور	
هوپون پلا اولماز یاغین دوی کرک	(۱۶۱)
با لاف پلاو نمیشود با روغن و برنج باید هوپون پلاو اولماز یاغینان دویی کرک	
کرکندای کرک گنده	(۱۶۲)
مصرف چیز را بی مصرف روز گرکنده دی، گرکمزینده	
دوزیرنه بوزنایالاما	(۱۶۳)
بجای نمک یخ ملیس دوزیرینه بوز یاالاما	
ایلن فادکن بیرام	(۱۶۴)
با ایل سیاه روز عید ائل ایلین قارا گون بیرام	
ارمنیا دبی اشدان	(۱۶۵)
با ارمنی خالو بگو بخاطر کارت ارمنیه دایی دی، ایشیدن اوتورو	

فَارِصُوزِ لَوْغُو قَانْدِيرِ مَازِ قَوُورْغَا قَارِينِ دُوبُورِ مَازِ برف تشنگی نمی نشاند گندم برشته شکم سیر نمیکند قار سوسوز لوغو قانديرماز، قوورغا قارين دويورماز	(۱۶۶)
فِكْرُ نَانِ كُنْ خَرِيْزَهْ اَبِ اسْتِ فکری نان کن خریزه آب است قاییغی چورک ایله قوهون سودور	(۱۶۷)
دُندِيلِرْ بِيرْ اَغْيِرْ اَغْلَا، يُوخْسَا عَالْمِيْ گُولْدُورْ گفتند یک دهن گریه کن ورنه عالم را بخندان دندیلر بیر آغیر آغلا، یوخسا عالمی گولدور	(۱۶۸)
سَنْدَن سُوْرُشْدُولارْ اَيِيْنِ نَچْهَسِيْدِيرْ از تو پرسینده هست ماه را چندم است سندن سوروشدولار آیین نچه سیدیر	(۱۶۹)
چُوخْياشايْنِ چُوخْيلَرْ چُوخْکَرْنِ چُوخْيلُورْ بسیار سن کن بسیار نمیداند بسیار گردیده بسیار میداند چوخ یاشایان چوخ بیلیمیز، چوخ گزن چوخ بیلیر	(۱۷۰)
کُوچُومْبَالانارْ فَاياقْنِ تاپارْ دیگر سفالی می غلطد سر پوشش را پیدا میکند کووج یومبالانار، قاپاغین تاپار	(۱۷۱)
اَيْتِيْنِ اتِيْ دُونُوزُونِ دِيْشِيْ سگ را گوشتش خوک راون دانش ایتین اتی دونوزون دیشی	(۱۷۲)
کُرْکُرْ بَنایازْ صُوحُورُوبِيْ بیکار بیکار را پیدا میکند آب گود را گر، گری تاپار سو چوخورو	(۱۷۳)
يَا دَنْ بُولْدَاشْ وَلِيْجْ بُولْدَاشْ يَادَالْدَنْ كَدَرْ با بیگانه تا رفیق باشی رفیق بیگانه از دست میرود یادلا بولداش اولونجا، بولداش یاد الدن گئدر	(۱۷۴)

اَلَدَّ نَعْلَانِ اِلَى اِيْلَ قَالِيْ از دست مانده پنجاه سال می ماند الده نه قال الى ايل قالير	(۱۷۵)
بِسِّنْ دَالِيَهْ مِنْ اَلْوَهْ مِنْ دَرِيْ دَرِ بد را به پشتش سوار شو پشتت سوار کن یکی است پیسین دالیتا مین، دالیوا میندیر، بیر دیر	(۱۷۶)
بَاشْمَا فِدْ چورسون دَرِ مِنْ دَرِ کفشش را اگر برگردانی میگوید از من میترسد باشماغین چنویرسن دنییر مندن قورخور؟؟؟	(۱۷۷)
کوسج را به ریشش کسی بخندد گرد سیاه ریشش	(۱۷۸)
با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمیشود	(۱۷۹)
بی چشم به بی چشم بی چشم نگوید بیش چشم را دلش می ترکد	(۱۸۰)
بَاجُونِ طَاشْدَاشْ اَكْدَنَ نَالِ مَهْ با پیر سنگ بکش با جوان عسل مخور قوجا ایله داش داشی، ایگیدینن بال یئمه	(۱۸۱)
اَفَاجُنْ اِچْنَدَن قُرْبِ يِيْرَا درخت را از تویش کرم میخورد آغاجی ایچیندن قورت یییر	(۱۸۲)
قَهْ نَبِيْ كُزْلِيْنْ شَامْسِيْ فَا لُوْرَا وِيْنَاشْ كُزْلِيْنْ اَرَسِيْزْ فَا لُوْرَا به همسایه منتظر شدن بی شام میماند رفیق منتظر شو بی شوهر میماند قونشویو گوزلین شامسیز قالیر، اویناش گوزلین ارسیز قالیر	(۱۸۳)
اِيْشْ قَوْلَا يِيْزْ كَلْنَدْ يَالْدَا وَا دِيْشْ حَاجَا زُوْرْ کار نادرست وقتی که آید فالوده دندان میکند ایش قولایسیز گلنده پالیدا دا دیش چیخاریر	(۱۸۴)

دوه اوینایند قارناغان شتر در وقت رقصیدن برف میبارد دوه اوینایند قار یاغار	(۱۸۵)
گزن آیاغنه طاشدکز گردش کن بارا سنگ میخورد گزن آیاغ داش دیبهر	(۱۸۶)
اخذاران ناباز جوینده یابنده آختران تاپار	(۱۸۷)
اکنهن کوز فازمه یا سوزن قبر مکن ایینه ایله گور قازما	(۱۸۸)
دویردیلر بوینون نیه اگریز دی دی هارام دزدور به شتر گفتند گردنت چرا کج است گفت کجایم راست است دوهیه دندیلر بوینون نیه اییریدی؟ دندی هارام دوزدور!	(۱۸۹)
ایلان هرنانه اگری کدسه اوز یواسنه دز کدر مار به هر طرف کج اگر رود به لانه خود راست میرود ایلان هر یانا اییری کندسه اوز یواسینا دوز گندر	(۱۹۰)
پلاوینین بوخن ی بوخین بوخن یئم پلاو خور را گهش بخور گه خور را گهش مخور پیلایو بیهنن پوخون یی، پوخ بیهنلن پوخ یئم	(۱۹۱)
بلنه برنیکه آنکه بداند یک لقمه بیله بیر تیکه	(۱۹۲)
نرم کلن بزدن قاجار اوزین دفتار کوتن اچار ما را عروس از ما میگریزد رویش را میگیرد کونش را میگشاید بیزیم گلین بیزدن قاجار، اوزون توتار گوتون آچار	(۱۹۳)

بِجِيْنِ الْوَحْيِ جَانِدَه چودارن دگنه سر نِشَر بز را مرگش وقت رسیدن شبانرا بچوبشه خودش را می مالد کنچی نین اولومو گلنده، چودارین دگنه گینه سورتوشر.	(۱۹۴)
وَرَا زَسَن اَلْوَر كَشِد بَرَسَن كَنَر میزنی تو میمیرد بروی میگوی میروود وور ارسان اولور، کیش دئیرسن گنتمز	(۱۹۵)
مَشَه جَا فَا لِسَرَا وَلَر جنگل بی شغال نمیشود منشه چاقالسیر اولماز	(۱۹۶)
فِرْدَن قورخان قوین ایلمه بِلَر از گرک کسیکه ترسد گوسفند فراهم نمیتواند قوردان قورخان قویون ایلمه بیلمز	(۱۹۷)
قورخان کَره چُت دُشَر ترسان چشم را پوش می افتد قورخان کُز چُپ دوشهر	(۱۹۸)
بِرْا لَنَابَن دُشَدَات فِقُوسَنَه یک نعل پیدا کرد افتاد اسب بکفرش قلیمچی گری بیر نال تاپدی دوشدو آت قایغوسونا	(۱۹۹)
فَلْجِلْک اُورْکَن تَشْش کُوبُولاماق اُورْکَن یاد نگرفته کون جنبانندن یاد میگیرد قلئچیلیک اویرنمه میش، کوبولاماق اویره نیر	(۲۰۰)
بِنْکَ بازْداق صوق صواچِم کَلْذَنی مِلْکِ اِسْکِلَنْدُ ضِیْکَم کَلْذَنی تازه کوزه سرد آب آشامیدنم آمد، همانا که کهنه شد ردینم آمد یئنی باردق، سو ایچمه گیم گلیر، ائله کی اسکیلندی، سیچما بیم کلیدی	(۲۰۱)
بِرْا غَلارَن یَمَر اَغَلارَا میخورد میگیرد، نمیخورد میگیرد بئیر آغلار، یئمز آغلار	(۲۰۲)

(۲۰۳)	اَزْبِيَرِ غَارُقْلَارِ چَوْبِيَرِ تِيرَقْلَارِ کم میخورد لاغر می شود پر میخورد اسهال میکند آر یئیریر آریقلار، چوخ یئیریر تیرقلار
(۲۰۴)	بُجُنْجِي اِيَاغْنِه قُوْبُون قُوْبُون اِيَاغْنِه تَحُوْفَن جَمِيْنِه بَرِيْمَرْنِه بز نر بیایش گوسفند گوسفند بیایش مرغ را جریمه اش یک تخم مرغ کنچی- کنچی آیاغینا، قویون قویون آیاغینا، تویوغون جریمه سی بیر یومورتا
(۲۰۵)	دَامَه دَامَه کُولُ الْوَر دَادَه دَادَه فُور تُولُور چکه کنان چکه کنان غذیر پر آب می شود چشان چشان تمام می شود داما- داما گول اولور، دادا- دادا قور تولور
(۲۰۶)	اَت طَبِيْكَنَه اَت دَرَزَر به لگد اسب اسب تاب می آرد آت تپینه آت دوزر
(۲۰۷)	اَشَلْ اَشْلَرَات يِيَرِي خر کار میکند اسب میخورد ااششک ایشلر آت یئیریر
(۲۰۸)	بُودُز کُورْدُر اینست که هست بودور کی بودور
(۲۰۹)	فَارِسَه اَوْنَدَه شِي كُولَكْدُ مورچه در خانه اش شب نم طوفان است قاریشاق انوینده شخ کولک دیر
(۲۱۰)	اَدْنَدَرَشِيْدَر دِي بِيَر اَشِدْ اسمت چیست رشید یک بگو یک بشنو آدین ندیر؟ رشید! بیرین دی بیرین ائشیت
(۲۱۱)	کُونَر کُونَر بِيَر سَنَه دَوَه غَايِرْ زَاخْدَا زَاظَا سَتَقُوْی اُسْتَه هر چه دیده شد چشم در او است خیورد برای تو شتر درست میکند گۆره نه گۆزوم بیر، سنه دوه قاییرار آخترما داش قوی اوستونه

۲۱۲ قَزَاوُلْ كَ بَاشِيْن صُوخُوبْ كُولَهْ كَرِي سِنْدَن اَتَرِي يُون مثل خروس صحرای سرش را طپانده به بوطه از عقبش جنبه ندارد قیرقاوول کی باشین سوخوب کولا گئریسیندن اتری یوخ	
۲۱۳ سَن كِيْشِيْن مَن بِيَر كِيْشِي تو یک مرد من یک مرد سن بیر کیشی من بیر کیشی	
۲۱۴ سَنِيْكِ سَنَدَ بَنِيْكِ بَنَدَ از تو در تو از من در من سنین کی سنده منیم کی منده	
۲۱۵ بِيَرِ اَوْلور بِيَرِي دِيرِيلِير یکی بمیرد یکی زنده می شود بیر اولور بیر یی دیریلیر	
۲۱۶ اَغْمَاز سَاَن دَا گُورُولَدَه اگر نباری صدا کن یاغمازسان دا گورولده	
۲۱۷ اَكِرِي دُونْ تُوْكَمَه کج دار مریز ایری توت، توکمه	
۲۱۸ سِيْچَان سُوْدُوِيُو دَنِيْزَه قَايْدَاسِي وَاَر! موش را شاشش بدریا نفعی هست سیچان سودویو دنیزه قایداسی وار!	
۲۱۹ اَشِيْگَه دَنِيْزَ يَازْ كَنَدَ نَجْهَ اَفَا چَكْدَرَسَن دِي دِي يَزْدَن سُوْر به خر گفتند در روز چند فرسخ میروی گفت از سوگ بپرس ااششگه دندیلر گونده نچه آغاج گئدرسن، دئدی: بیزدن یاسدان سور	
۲۲۰ دَا نَا بُوِيُوْر چُولُو بُوِيُوْمَز گوساله بزرگ می شود چلش بزرگ نمیشود دانا بویور چولو بویومز	

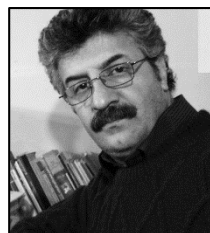
دَلِيلُهُ كُنْدُهُ بَايِرَامُ دیوانه را هر روز عید دلپیه گونده بایرام	(۲۲۱)
دَلِيلُهُ يَلُورُ اَلَيْتُهُ يَيْلُورُ به دیوانه باده بده بدستش بیل بده دلپیه یئل وئر، الینه بئل وئر	(۲۲۲)
رَأْسُكَ عَانِقِرَانْدَا اَيْتَيْنِ بَاشِي اَغْرِيرُ خر وقت عرعر سگ را سرش درد میکند انششک آنقیراندا ایتین باشی آغرییر	(۲۲۳)
مَرَّتْ عَارِيْنْدَا كُوْجُنْ كَلْنَجِي اُولُورُ گرگ وقتی که پیر شد سگ را مضحکه می شود قورد قارینداندا کوپیین اگلنجی اولور	(۲۲۴)
كُوْیَايْ جَانْ قِيْئُوْبِ دَنْ كَحْمِرْ كِهْ اَصُوْرُورُ سگ از خیال جان گاهی پارس میکند گاهی میگوزد کوچک جان قایغیسیندا گاه هورر، گاه اوستورار	(۲۲۵)
صُوفَاَنْ يَمْشِيْ اِحْمُ بَحْنُ كُوْرُ پياز نخورده ام درونم چرا میسوزد سوغان یئمهمیشم ایچیم نئچون گوینر	(۲۲۶)
عَلَيْهِ اَيْلُرُ عَيْبِجُرُ صُوفَاَنْ يَمْشِيْ دَرْدَجُرُ عیب را میکند عیب ناک پیاز را میخورد دردناک عیبی ائیلر عیبجر، سوغانی یئیر دردجر	(۲۲۷)
كُجُنْ فُوْتُرُ بُولَاغِيْنْ كُوْنْدُ صُوْرُ بز جرب دار چشمه را از چشمش آب میخورد گئچنین قوتورو بولاغین گوزوندن سو ایچر	(۲۲۸)
يَمْشِيْنُ بَاخْشِيْنْ مَشْدُ جَا قَالِ يَسِيْرُ میوه را خوبش در جنگل شقال میخورد یئمیشین یاخشیسین مشده چاققال یئیر	(۲۲۹)

(۲۳۰)	بَاوَدُفْ اَوْدِن گُئِرْ اَوْدُفْ سَدَن خیر نبردیم از آتشش بی چشم شدیم از دودش یاریمادیق اودوندان، گۆز سوز اولدوق توستوسوندن
(۲۳۱)	اَفْنِ اَفْرَ فَا نَر بَحْجِ اَكْد نَالِجُو اَصَا پول را پول جمع میکند خوب جوان گل پا میزند آغچا آخچا قاز انار، یاخشی ایگید پالچیق باسار
(۲۳۲)	نَارِی نَر اَنَد باغلا سِر نَر اَنَد چَا خدا از یکطرف اگر ندد از یک طرف وا میکند تاری بیر یاندان باغلاسا، بیر یاندان آچار
(۲۳۳)	هَامِنَه اِیْت جَرَز بَر چَا قَال به همه سگ پارس میکند بما شغال هامییا ایت هورهر، بیزه چاقال
(۲۳۴)	نَادَه یَا رِیجِن فِدِیَر دِنِیجِن به بیپانه تا نصف بقوم تا بنه یاد یاریاجان، قودایا دیبه جان
(۲۳۵)	کِچِن کِزَر عَاجِیَن کَلُور خورانده میروود گرسنه شده می آید گیجیین گئدر، آجیین گلر
(۲۳۶)	چَوْدَارَن کُولِ اَولسَه نَکَدَن پَنَد دُوناز شبانرا دلش باشد از بز نر پنیر میگیرد چودارین گونلو اولسا تکمدن پندیر توتار
(۲۳۷)	بَنَدَن مِجْدِی سَامَان خَار اِلِنَه کُوجَه از من بیرون رفت بگاہ جوالش مندن چیخدی سامان خار الینه گئچر
(۲۳۸)	وَرَه وَرَه چَا زَفَارَان یَا هِنَا به یک سفالی میدهی میدهی بیرون آید قیمت دیگ مسی اٹلینه کوزه وثره - وثره چیخار قارام باهاسی

(۲۳۹)	بَكُورُنْ اَنُونَكْ دِشِنَهْ باخمازلار	بزرگ داده اسب را بدنانش نگاهی نمیکند بی ورن آتین دیشینه باخمازلار
(۲۴۰)	کِرْدِیْنِ یَمَکْ داخِی نَرْدِیْمَکْ	دیدى خوردن دیگر چه گفتن گوردون یئمک داخی نه دئمک
(۲۴۱)	داز بیلَسَهْ اؤز باشین بَیْنِهْ ایلَر	کچل اگر بداند خود سرش را خوب میکند داز بیلسه اؤز باشین یاخشی ایلر
(۲۴۲)	یوگورُنْ اَت اَرپاسین اُرزُرْد	دونده اسب حوش را زیاد میکند یوگورن آت آرپاسین آرتار
(۲۴۳)	ای مَشْدَن کِیْبْ مَشْنُونْ جَبْرِ یوْخ	خرس از جنگل بریده جنگل را خبری نه آیی مئشدن کوسوب مئشه نین خبری یوخ
(۲۴۴)	بُورِنِ دِیْنَدَن سِیْرِمَه	دماغ را از بیخ مبر بورتونو دیبدن سییرمه
(۲۴۵)	اُوزُنْ اِنْدِی اُوزوَهْ کَلِی سِیْدِیْن کُزُوه	خودت کردی بخودت خاکستر را پاشیدی بچشمت اؤزون ائتدین اؤزووه، کولو سپدین کؤزووه
(۲۴۶)	اُوزِی نِجْلان اَغلاماز	خود افتاده گریه نمیکند اؤزو بیخیلان آغلاماز

آتا بابا سۆزلىرى (تېرىز)

حبیب تارى وئردیان



آت آتینان ساواشار، آرادا ائششه گین قیچی سینار
آتى آت یانینا باغلاسان هم رنگ اولماسا دا هم خوی اولار
آجیقلى دیلنچی نین تورباسی بوش قالار
آخیرابی ائله گوردوم ایلانا پناه گتیردیم
آخیرابین قَرسینه ده، ساریسینا دا
آخیردا گولن یاخشی گولر
آخیرده گلن قاپینی اؤرت
آخیری فنا اولاجاق ایشی هئچ باشلاما
آدام اومدوغو یئردن کوسر
آدامین آغزی آشا چاتاندا، باشی داشا دیر
آدینی قوی رشید، بیرین دئ بیرین ائشید
آدینی قويدون دیرمانچی، چاغیر گلکسین دن کوراوغلو
آرالیق اویونون آرالیقدا اوینارلار
آرالیق سؤزو ائو ییخار
آرالیق مالی آرادا یئییلر
آرپا اکن بوغدا بیچمز
آرزگه آتین مینن تئز یئئر
آرواد کیشیینین قولتوق ساعاتی دیر
آرواد مالی قاب دستمالی
آروادی گۆزل، آتی یورغا ایله یولداش اولما

آروادين شريكلى اولسون، مالين شريكلى اولماسين
 آروادين يالاغى سمنى قويار، كيشنين يالاغى باققال دوكانى آچار
 آريق آتا قويروغو دا يوكدور
 آريق آتا يوك چاتمازلار
 آريق آتدا تپر چوخ، يثريميه هونر يوخ
 آريق اؤكوزه بيچاق اولماز (آريق اؤكوزو كسيلمز)
 آز اولسون، دوز اولسون
 آز يئه هميشه يئه
 آزاندا گئت شيطان ائوپنه
 آستا آتين تپيگى برک دير
 آستا گئدن منزيل كسر
 آستا گئدن يورولماز، يوروين يولدا قالار
 اسنه مك اسنه مگى گتيرر واى سامانليق داشينا
 آش قاپى ياجان يولداش
 آشيق گوردوگون سؤيلر
 آغاج بار وئرديكجه، باشين آشاغى تيك
 آغاج بارگتيرديكجه باشيني آشاغى توتار
 آغاج توتان باش ياراندا چوخدور
 آغاج قابيغى يئين ائشگين قودوغو قابيق گميرن اولار
 آغاج گتيره نين اول اؤزون وورارلار
 آغاجين ايكي باشى وار
 آغريبان ديشى چكرلر
 آغلاميان اوشاغا سوت وئرمزلر
 آلاه قوناغينين اؤز قيسمتى وار
 آليجى نين گوزو ساتيجى دا اولار
 آنلايان اؤزو قانار، قانمايانا يوز قاندير
 اوجوزلو آتين شورباسى اولماز
 اؤرتولو بازار دوستلوغو پوزار
 اؤردك آتين قاز آتين، يئين بيلر لذتين
 اؤردك گليب قاز اولماز، گلين گليب قيز اولماز

اۋردىكى باغلامغا ايپىك گرگ، يار ايله اوينامغا اورك گرگ
 اۋردىكى سو ايله قورخوتمازلار
 اۋز آدىنى اۋزگەلرە قويما
 اۋز اۋزونه ائىلەيەنە چارە يوخدور
 اۋز ائولرىنىن تولكوسو، اۋزگە ائوينىن آسلانى دىر
 اۋز ائويمىن نۇكرىم، اۋزگە ائوينىن آغاسى
 اۋز ائويندە اۋز باشىنى باغلايا بىلمىر، اۋزگە ائويندە گلېن باشى باغلايىر
 اۋز بىلدىگىنى ھىچ كىمە وئرمز
 اۋز چۇرگىن يىيىپ، اۋزگەنىن حسابىن چىخاردىر
 اۋز چۇرگىنى اۋزگە سوفرەسىندە يىمە
 اۋز عاغلىنى اۋزگە عاغلىنا وئرمە
 اۋز قدرىنى بىلمەينىن قدرىنى اۋزگەسى دە بىلمز
 اۋز قورو چۇرگىم، اۋزگەنىن پىلوووندىن (چىلوووندىن) ياخشىدىر
 اۋز كۇوشىنىدە اوتلايان مال آج قالماز
 اۋز گۇزوندە بايقوشون بالاسى، تاووس قوشوندىن دا گۇزلىدىر
 اۋز گۇزوندە تىرى گۇرمور، اۋزگە گۇزوندە قىل سىچىر
 اۋز گۇزوندە دىرگى گۇرمور، اۋزگە گۇزوندە چۇپو گۇرور
 اۋز گۇزوندە دىرگى گۇرمور، اۋزگە گۇزوندە چۇپو گۇرور
 اۋزگە آتىنى مېن تىز دوشىر
 اۋزگە اۋزگەنىن نامازىن اوستورا اوستورا قىلار
 اۋزو عدالتلى اولانين قاضى يا احتياجى اولماز
 اۋزو قازانمايان مال قدرىنى بىلمز
 اۋزو يىخىلان آغلاماز
 اۋزو يىخىلان آغلاماز
 اۋزون قۇل آغاچ ياندىرىماز
 اۋزوندن قۇتلى ايله آياق چىكمە
 اۋزوندە اولماياندا قونشويا گئدرس، قونشوندا اولماياندا ھارا گئدرس؟
 اۋزونه اوماج اووانمىر، اۋزگەيە ارىشتە كسىر
 اۋزونه باخما سۇزونه باخ
 اۋزونه حرمت قويمايان، اۋزگەيە دە حرمت قويماز

اۋزۈنە قىيمادىغىنى، اۋزگە يە دە قىيما
 اۋزۈنۈ باشقاسىنا نردىۋان ائىلمە
 اۋزۈنۈ ياستا بىلسن، يولداسىنى اۋلۇمۇش بىل
 اوشاق آتدان دوشدۇ، آناسى يېھرىن ياخشى باغلامامىشىدى
 اۋكۈز اۋزۈنە يۈنجا آكندە باشى آغرىيار
 اۋكۈز اولاجاق دانا پوخوندان بىلىنر
 اۋكۈز اۋلدۇ، اورتاق آيرىلدى
 اۋكۈز اۋلر گۇنۇ قالار، ايكيد اۋلر اونو (شەرتى) قالار
 اۋكۈز اۋلمە يىنجە اينەگە قىمت اولماز
 اۋكۈزۈ اولانا بورج گۇن وئرلر
 اۋلۇمۇش آتا يۈك چاتمازلار
 اۋلو دوروب مىردە شىرى يويور
 اونا اۋل كى سنە تىب ائىدسىن
 اونان دوست اول كى دونو سىنن اينىۋە باب اولسون
 ايت پوخون ايلدىرىم ويرماز
 ايت ياتار قايا كۈلگەسىندە، دئىر بس اۋز كۈلگەسىدىر
 ايتىن بالالارى ھر رىنگ دە اولسا، ھورندە ھامىسىنن سسى بىر اولار
 ايچەرىم اۋزۈمۈ ياندىرىر، ائشىگىم اۋزگەلىرى
 ائرتىيە قالان بلادان قورخما، ائرتىيە قالان، آرخايا قالار
 ائرمىن دىن شاھىد اىستەدىلر، اوزوم آياقلايان گتىردى
 اىستەدى قاشىن دوزلدە ويردى گۇزون چىخارتدى
 ائششك ساتان كۇششك آلانماز
 ائششك نە بىلىر زعفران نە دىر؟
 ائششكە گۈجو چاتمىر، پالانىن دۇيور
 ائششگىم اۋلمە يۈنجا بىتىنجە، يۈنجا سارالما توربا تىكىنجە
 ايشىۋى محكم توت دوستۋوى اوغرو توتما
 ايكى آروادلى كىشى مسجده ياتار
 ايكى قارپىزى بىر اليندە توتوپ
 ائل اۋز دلىسىنى بوراخماز
 ايلان ووران آلا چاتىدان قورخار

ایلانین آغینا دا، قاراسینا دا
 ائله بیل آغزینا قویوت آتیبدير
 ائله بیل فیل بورنوندان دئوشوبدو
 ائله قورخور، جین دمیردن قورخان کیمی
 ائوده آرواد ایکی اولسا، ائو سوپورمه میش قالار
 باشدا آغیل اولماسا بدن عذابدا اولار
 باشدا آغیل اولماسا بدن عذابدا اولار
 بالیق گولی ایسته یین گؤتو سودا اولار
 بو ایلکی قوشلار، بیلدیرکی قوشلار جوری جوری اؤرگدیر
 بونون ایپنین اوستونه اودون ییغماق اولماز
 بی وئرن آتین دیشینه باخمازلار
 بیر ایگنه اؤزنه باتیر بیر جووالدوز اؤزگه یه
 بیر دلی قویویا داش آتدی، مین عاغیل لی اونو چیخاردا بیلمه دی
 بیر طرفه باخیرام بوغدو، بیر طرفه باخیرام ساققال
 بیر کنده گیرنده گؤردون هامی کور سن ده کور
 بیگ وئرن آتین دیشین سایمازلار
 بیلنه بیر دامجی، بیلمه یه نه دریا لار
 پالازا بورون ائلینن سورون
 پنیری دری ساخلار، آروادی اری
 پول لوقدا پولسوز لوقا پول ساخلا
 پیچاق اؤز دسته سین کئسمز
 پیچاق اؤز دسته سین کی کسمز. (قیلیش قین کسمز)
 پیس تورپاق یوخدور، پیس اکینچی وار
 تله سن ترسه سیچار
 تله سن تندیره دوشر
 تله سیک ایشه شیطان قاریشار
 تنبل آروادین قیزی زرنک اولور
 تورپاغا یالان ساتما، یئرینده یالان گؤیه رر
 تورپاق زحمتی ایتیرمز
 تولکو توتانین آغزی اوزون بئلی ایشگه اولار

تولكو توتماميش دَريسینی ساتما
 تولكو چوخ بیلدیگیندن تلهیه دوشر
 تولكو حیوانلارین سیاستمداری دیر
 تولكو ذلیگه گیرمز، قویروغونا سوپورگه ده باغلار
 تویدان سونرا اوپنایان چوخ اولار
 تویدان سونرا حنانی گۆته یاخارلار
 تئز کوسن تئز باریشار
 جالانان سو بیر داها کوزیه قایتماز
 جاهیل ایله آش یئمه، عاغیل لی ایله داش داشی
 جاهیل دیری لرین اؤلوسودور
 جاهیلدن قورخ، اصلاندان قورخما
 جاهیله قوشولان، اوزو ده جاهیل اولار
 جهنمه گئدن اؤزونه یولداس آختارار
 جوانلیقدا قوجالیغا جان ساخلا
 جواهیر جیندا آراسیندا اولار
 جوجه یومورتادان چیخار قابیغینی بگنمز
 چادرا سیزلیقدان ائوده قالیب
 چراغ اؤز دیبینه ایشیق سالماز
 چک زحمت گۆر لذت
 چۆلمک دیغیرلار دواواغین تاپار
 چیراغ دیبینه ایشیق سالماز
 چیراق اؤز دیبینه ایشیق وئرمز
 حیرسین دولته زیانی وار
 خالقا ایت هورسه بیزه چاققال هورر
 خانیم سیندیران قابین سسی چیخماز
 خسیس آج گۆز اولار
 خسیس ظالم اولار
 خسیسه زهر وئرسن، پولسوزدور دئیهر ایچر
 خوروز یوخودو سحر آچیلمیردی؟
 داغ داغا یتیشمز آدام آداما یتیشر

داغلار نه قدر اوجا اولسا، اوستوندن يوللار آشار
 داغين اوستونده كي باغيم ساغ اولسون
 دالداڭ آتان داش توپوغا دير
 داليدان آتان داش توپوغا دير
 دالينجا موملى شمع گوندرمه ميشم كي؟
 دالييا قالسان گيج، قاباقدا گندسن بيچ
 دام دوروب بناني سووويور
 داما داما گول اولار، دادا دادا يوخ اولار
 داما- داماگول اولار، دادا- دادا هنج اولار
 دامارا باخيپ قان آلالار
 دانانين گوتون ائيله يئير كي، پوخو يئره توكولمز
 دانيشماق گوموشدن اولسا، دانيشماماق قيزيلدان دير
 دردسيز كؤنولده محبت يوك آچماز
 دردلي دئينگن اولار
 دردلي دئينگن اولار
 درگاه قاپيسي آچيق اولاندا، كوپگين يوخوسو گلر
 درويشه نياز وئرمه سن، كشكولونو سينديرما
 دلي دلينى گؤرنده چوماغين گيزلدر
 دمير قاپينين دا تخته قاپي يا ايشي دوشر
 دوز يئييب دوز قابيني سينديرمازلار
 دونياني بوغدا توتسا دا كهليگين روزيسي چينقىل دير
 دوه اويناسا قار ياغار
 دوه اوينايندا قار ياغار
 دوه چي نن قوهوم اولانين دروازاسي گن گر ك
 دوه دن بير قيل دا غنيمتدير
 دوه ني آپاران ائششكدير
 دوه ني ايتيريب كؤششگي آختارير
 دوه ني چؤمچه ينن سووورمازلار
 دوه ني ساتان ائششك آلاييلمز
 دوه نين آياغي آلتيندا قاريشقا ازيلمز

دووشانى دۆلت آرابا ايله توتار
 ديشين آغرىدى چك قورتار، قونشون پيسدى كۆچ قورتار
 دىنسىزىن اليندن ايمانسىز گلر
 زحمتسىز لذت اولماز
 ساقاليم يوخدور سۆزوم كئچمير
 سن تولكو اولسان من سنيين قويروغون اولارام
 سۆز سۆزو گتيرر آرشين بئزى
 سولار حركتلى دير، تورپاق بركتلى
 سبرر يوى دوستان دئمە، دوستونوندا دوستو وار
 صبريله حلوا بيشر اى قورا سندن... بسله سن اطلس اولار توت يارپاغيندان
 صبريله قورادان حلوا پيشر
 عاليم اولماق آسان دير، انسان اولماق چتتين
 عقيل لى آدام پولا ساتيلماز
 قارا قارقانين بالاسى اؤزونه شيرين دى
 قارا گونون عمرو آز اولار
 قارداشلار ساواشدى، ابله لر ايناندى
 قارداشيم ساغ اولسون، خاتونو گووه نسين
 قارقادان قنارى اولماز، اولسا دا پوخ يئين اولار
 قازان دئدى: ديبيم قيزيلدى، ملاغا دئدى: گزيب دولانميشام!
 قازان قازانا دئير اوزون قره
 قازان قازانا دئيير، گۆتون قارادى
 قالان ايشه قار ياغار
 قره بخت داغلارا چيخاندا، داغلارى دومان آلاز
 قره سودان قئيماق توتماق اولماز
 قره قول شاهليق وئرسن، اوول دؤنر آناسى نين امجگينى كسه
 قره قيغين تورباسى دولو اولار
 قسمت ده وار، همت ده وار
 قسمتدن آرتيق يئمك اولماز
 قشنگ ليك واردان اولار، اولماسا هاردان اولار؟
 قلب مال صاحيبينه قايدار

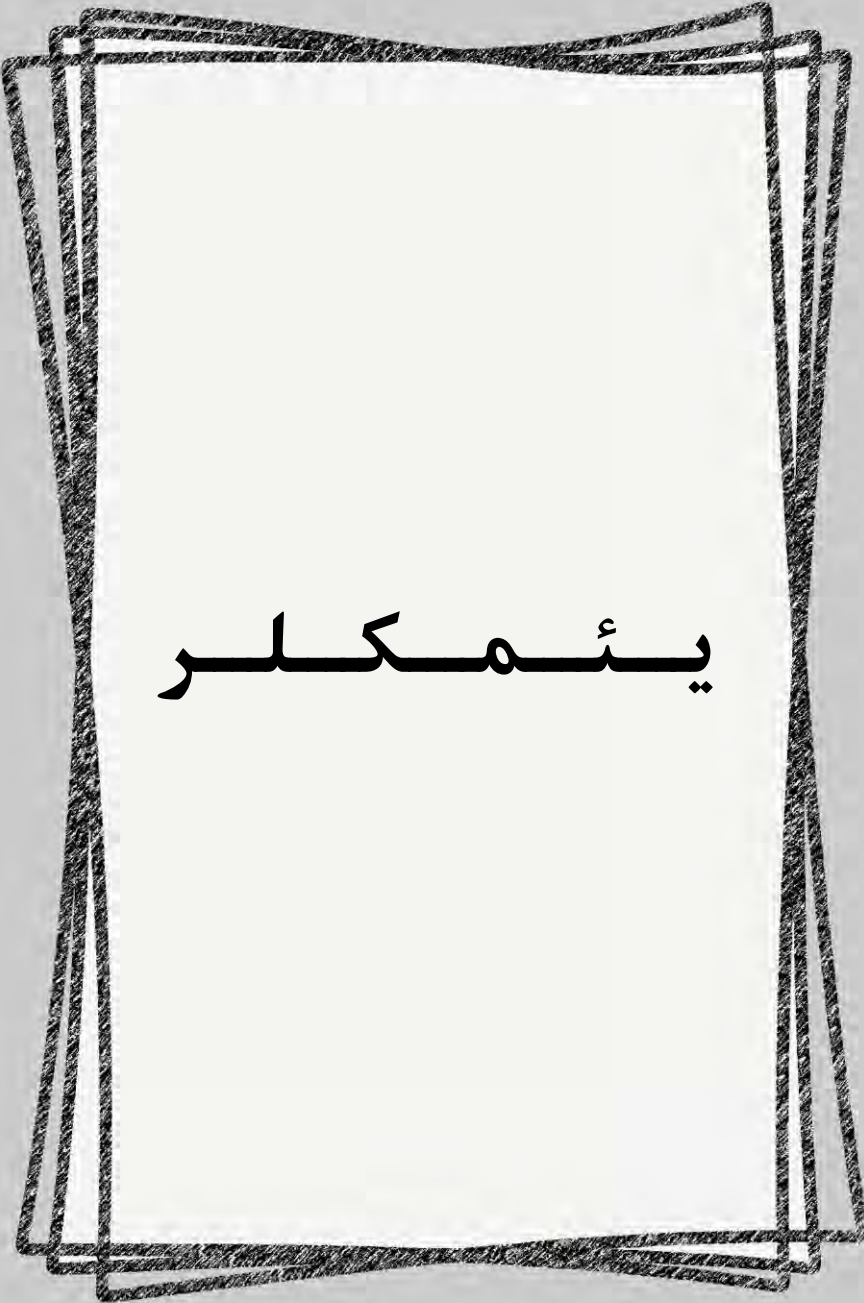
قلىبدن قىلبە يول اولار
 قىلمە قابىغى اىلە بۇيۇن ائىشك، چايدا بوغولار
 قمىش يىر، گوموشلو يىر
 قوجا تىلەسر، اريك وقتىندە يىتىشر!
 قوچ اىگىد دايسىنا چكر، خاتون قىز خالاسىنا
 قودوق بۇيۇر، چولو بۇيۇم
 قورد اتى قوردا حرام دىر
 قورد توكون دگىشر، خويون دگىشمز
 قورد دومانلىغى سئور
 قورد دومانلىق آختارار
 قورد دۇيوشندە، كۇپكىن يوخوسو گلر
 قورد قوجالاندا، قويروغونون آلتىندا ساككىققا يووا باغلار!
 قورد قوردا دالين چۇيۇرمز
 قوردا لاسان قوردو چىخار
 قوردان قورخان، قويون ساخلاماز
 قورو قورو قوربانين اولوم
 قونشو آروادى آدامين گۇزۇنە قىز گلر، تويوغو دا غاز گلر
 قونشو پايى ياخچىدى بيرگون سنده بيرگون منده
 قونشو قونشويا باخار جانينى اودا ياخار
 قونشويا اومود اولان شامسىز قالار
 قونشويا اومود اولان شامسىز قالار
 قوبى قازان اۇزون درينده گۇرر
 قىز قاپىسى شاه قاپىسى ميني گلر بيرى آپارار
 قىزىلدان بالتا چكسن، دوش كول دىيىنە
 قىزىنى دۇيمەين دىزىنى دۇور
 قىش گىندر اوزو قارالىق كۇموره قالار
 قىش گىندر اوزو قارالىق كۇموره قالار
 قىفيل اوغرو اوچون دگىل، دوز اوچون دور
 قىلىش ياراسى ساغالار، دىل ياراسى ساغالماز
 قىنىلماغا سىغىر آتى

كورا نه گئجه نه گوندوز
 كورا نه گئجه، نه گوندوز
 كوسولنده باريشماغا اؤز ساخلا
 كاسيب اوشاغى، گۆرمه ميش بالاسى اولموياسان
 كاسيب پول تاپسا دا يئر تاپماز
 كاسيب گئيسه دئيرلر هاردان تاپدين، دولتى گئيسه دئيرلر مباركدير
 كاسيبا قول اول وارلييا اوغول اولما
 كاسيبى دوه اوستونده بووه سانجار
 كاسيبين بير اوغلو اولدو اونون دا بوينو ايرى اولدو
 كاسيبين دوواري آلچاق اولار
 كاسيبين سؤزو، يورغونون گؤز
 كاسيبين گؤزو توخ اولار
 كاسيبين گونو ايتين گونو
 كرە- كرە دايى يا دا كرە ؟
 كور توتدوغون بوراخماز
 كور كورا دئير جيت بئى گؤز
 كوسه نين پايىنى يئرلر
 كئچمه نامرد كؤرپوسوندىن قوئ آپارسين سئل سنى / ياتما تولكو كؤلگه سينده قوئ

يئسين اصلان سنى

كئچى قاليب جان هايىنا، قصاب پيى آختارير
 گلين اوينا يانماز دئير اوتاق ايريدى
 گئجه اودونا گئدىن چوخ اولار
 گئجه دمير اوزانار
 گئجه سول ياتان سحر سول دورار
 گئجه سيلاحلى گوندوز كولاهلى گرک
 گئجه گوندوزوموز بير اولوب
 گئجه گئدر گونوز گلر
 گئجه نين خئيريندن گوندوزون شرى ياخجى دير
 گئديم بئله سن؟ اؤلوم بيله سن؟
 الله بو گؤزو او بيريسى گؤزه محتاج ائلمه سين

الله دان اوزولمه يه نه اولوم يوخدو
 مال گئدر بير يانا، ايمان گئدر مين يانا
 مئشه ده قورد آزیدی، بیرى ده گمى نن گلدی
 مين باتمان وارین اولونجا، بیر باتمان عاغلین اولسون
 ناخیر بوتون ایتیپ، آلا دانا آختاریر
 نانجییه چالاسی یا گئتمه
 نه یاتدیم، نه یوخو گؤرم
 هر زادین تازاسی، دوستون کؤهنه سی
 هر کس دده سینین گؤزون چیخاردا کور اوغلو دئمزلر
 هر کسین بیر قیمتی وار
 هر گؤزلین بیر عیبی وار
 یاخاما سانجاق ساچمییسان کی
 یاغ یاغ اوسته یاغار، درد درد اوسته گلر
 یاغ یاغ اوسته یاغار، یارما یاوان قاینار
 یاغ یوغورتداندی، یوغورت یاغدان
 یای وار قیش وار چوخ ایش وار
 یای وار، قیش وار، چوخ ایش وار
 یوخو، یوخو گتیرر
 یولداشیوی باب ائيله، هامی دئسین ها بئيله
 یئتمه وای وای دئین چوخ اولار
 یئکه باشین یئکه بلاسی وار
 یئلینن گلن یئلینن گئدر
 یئمهمیسن قاز اتینی نه بیلیسن لذتینی



يُمَكِّر



اوسگو چۇرگى

رحيم قابل نژاد

قايناق شخصلر:

اكبر ميناى ۶۵ ياشىندا اوسگونون بايرام كندىندە آنادان اولوب، اوردا ياشاير.
حسينقلى عاشقى ۷۳ ياشىندا اوسگودە آنادان اولوب و اورادا ياشاير.

چۇرك تورك خلقلىرى ايچىندە حرمتى واجب و مقدس ساييلان بير يىتمكىدير. چۇرك عىنى حالدا اكثر بۇلگه لردە قارا جماعتين اساس قيدا ماده سىدير. بىلدىگىنيز كىمى سون ايل لر اوسگو لاواشى تبريز و بير نچە بۇيوك شهرلردە ساتيلماغا باشلايىب، بو مقاله ده اوسگو چۇركى آديلا مشهور اولان بو لاواشين حاقيندا بير سيرا عمومى معلومات وئريلير.

بىلدىگىنيز كىمى چۇرك ياپماق اوچون اوچ نوع تندير وار:

◆ يئر تنديرى

◆ ساج اوستو

◆ دووار تنديرى (فئر)

اوسگو چۇركى دووار تنديرىندە ياپيلار، البته قديم زامانلار بو چۇرك يئر تنديرىندە ياپيلاردى. تنديرين ياناغى قديم زامانلار اودون ايميش، سونرا نفت، حال حاضر دا گازدير، گاز ياناغى نين تميزلىگى چوخدور و توستوسو اولمور.

اوسگو چۇركى چوخ يىتمه لى اولدوغونا گۇره هر زامان ايسته ينى اولار، ايندى اوسگونون دَيرلى سوقاتى او شهرين چۇركيدير، قديم لر اوسگو چۇركى تكجه ائولردە و شخصى مصرفلر اوچون ياپيلاردى، بازار اوچون ياپيلماسى تخمينا قيرخ بئش ايل بوندان اول باشلادى. دئمك قيرخ بئش ايل اۇنجه ايلك دفعه اولراق اوسگولو حسينقلى بى عاشقى بازاردا ساتسين ديه اوسگو چۇركى ياپماغا باشلادى، اوندان سونرا ايكىنجى شخص محمد بى آشپزى چۇرك پيشيريب ساتدى. ايسته ينى چوخ اولدوغونا گۇره اوسگودن علاوه اطراف كندلردە او جملەدن كلجاء، بايرام، ديزج، باويل اوسگو چۇركى پيشيرمگه باشلاندى،

ایندیلیکده بو ایش بیر چوخ انسانلارین گلیر قاینای اولموشدور.
اوسگو چۆرگی تبریز، اردبیل، ماراغا، تهران و بیر چوغلو شهرلرین توکانلاریندا ساتیلار.



دووار تندیری

■ بوغدا نوعو

اوسگو چۆرگی ساری بوغدادان اولار (ساری بوغدا آذربایجانین یئرل بوغداسی دیر چۆرگی ساری و یئملی اولار)، باشقا بوغدالارین اونو خمیر اولاندا یایلماز داغیلار کیفیتی آشاغی اولار. اوسگو چۆرگی نین قوروسو نچه آی قالار بایاتلاشماز، دیرماندا بوغدان داریاندا بوغدانین قابیغین (کپگین) آییروملار، اونا گۆره ده غذایی دیری یوخاری اولار.

■ خمیر توتماق

خمیر توتماغا ۱۰ کیلو اونا یوز قیرام دوز وورولار، اسگی ایل لرده ال ایله خمیر توتولاردی، ایندی بو ایش مکانیزه اولوب، ماشینلا خمیر توتولور، اون بئش دقیقه چکر خمیر یئتیشسین، سونرا کونده سالارلار. کونده نین اوزو صاف اولسا دئمک اونون خمیری یاخشی یئتیشیب. خمیر کونده اولاندا بیر آز کونجود و قره چۆرک اوتو وورارلار، کونجود چۆرگین دادین یاخشیلادار. چۆرک پیشیرمکدن اول شاطیر خئیر دوعالار وئر.

■ شاطیرین خئیر - دوعاسی

باشلیرام اللهین آدیلا،
الله ایشیمیزی یولوندا آپار!
گلیرلریمیزه برکت وئر!
نعمتلیوی بیزه چوخ گۆرمه!

ایشیمیزه آر تيم وئر الله!
 آجلارین قارنین اؤز الیونین دویور الله!
 وارلیلارا مروت، یوخسوللارا وار- دولت یئتیر!
 الله بیزه ساغلیق احسان ائله اؤز اکدیگیمیز نعمتلی یاراتدیغین انسانلارین اختیاریندا
 قویاق و...

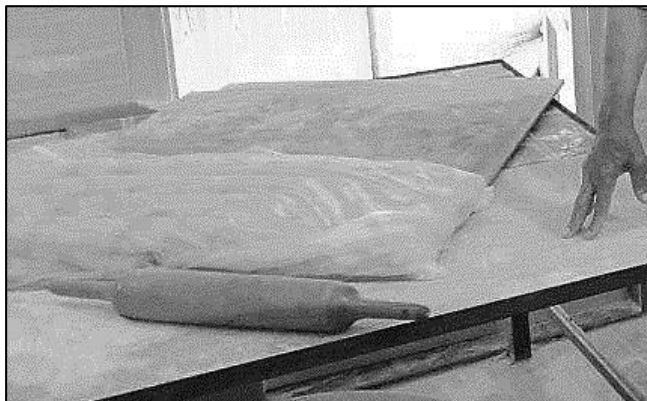
❑ خمیره آرتیریلان مادهلر

اوسگو چؤرگینه تکجه دوز وورولار، شیرین جوش، زنجفیل، زى، ساری کؤک... وورولماز.
 قره چؤرک اوتونون خلق طبابتینده ایشلمی وار- قاندا اولان قندى آزالدی، گؤز ایشیغینا
 فایداسی وار- دئییرلر.
 اینانجلارا گؤره:
 چؤرک اوتو اؤلومدن سونرا هر زادا فایدادی،
 چؤرک اوتو اولان یئر شیطان گلمز.
 چؤرک اوتو وورسان چؤرگی سیچان یئمز.
 چؤرک اوتو وورسان چؤرکدن خوش اییلر گلیر.
 چؤرگه قره چؤرک اوتو وورسان برکتلی اولار.

❑ چؤرگی نئجه پیشرلر

خمیر توتولاندان سونرا کونده سالینار. کوندهنى وردنه یا اولخوق آچا بیلسین دییه ان
 آزی بیر ساعات بعضا ده اوچ ساعات کونده اوز حالینا قالار یئتیشر. بو آرادا کوندهلر
 قوروماسین دییه اوستونه پارچا یا نایلون سالینار، کونجود کونده سالاندا وورولار.
وردنه: کوندهنى تقریبا اوتوز سانتیمتر قطروندا آچار، سونرا بئش دقیقه قالمالیدیر کی
 نیم تیر اولوغو آچا بیله.
نیم تیر اولوغو: اوتوز سانتیمتر آچیلیمیش خمیری، آلتیمیش سانتی متر قطروندا
 آچیب، بؤیودر.
آچان اولخوق دا اونی ۸۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر قطروندا آچیب، بؤیودوب، یوخالاشدیرار.
 اوزونده کی اونلاری چؤرگه یله سیلسن چؤرگی تنز باياتلاشیب مور یئمز. نهایت چؤرگی
 تندیرین ایچینه پاپارلار.
 چؤرک بیر دقیقه سونرا پیشیب، شاطر اوزون اولوغلا چیخاریب، سویویوب، قوروسون

دییہ تختین اوستونہ سالار، بو چۆرک نئچہ آی قالسا بئلہ بایاتلاشماز. تندیترین ایچریسی دۆرد مترمربع اولار بیر چۆرگین دالی طرفده پیشنده، هر یئری برابر پیشسین دییه قاباق طرفی ده چۆرک دولانديران آغاچ ایله دولانديرارلار، پیشن چۆرک چیخاندا دالیداکین قاباغا چکیب، یئرینه باشقا بیرسین سالارلار.



قاباقدا وردنه، آرخاسیندا اوستو نایلونلانیمش خمیر



کونده سالماق



ساغدا: نېم تېر اوخلوو، نېم تېر تاختا، سولدا آچان اوخلوو و بۇيوك تاختا

❑ اوسگو چۇركلىرى نېن نوعلىرى

اوسگو چۇركى نېچە نوعدا پېشىرىلر، بونلار:

- آز كونجودلو چۇرك،
 - چوخ كونجولو چۇرك،
 - سوتلو چۇرك،
 - ياغلى چۇرك،
 - قندى چۇرك (قند خستەلىرى اوچون پېشىرىلر، بو چۇركى چوخ قىزاردارلار)
- هم ده مشترى نېن ايستكلىرىنه اويعون مختلف چۇركلر سارى كۇك، زعفران، ياغ، سوت، قره چۇرك اوتو و... وورارلار.

❑ تندىردن چىخان چۇركى نېچە باغلارلار

هر چۇرك ۲۰۰ قىرام اولار، چۇركى پېشىرىب سويوداندان سونرا قانتارين اوستونه يىغلارلار، قانتار دديگيمىز بير نوع ترازىدير. چۇركلىرى تاپشىرىق اساسىندا ۴، ۱۰ يا ۲۰ كيلو اولاندا پارچانين آراسىنا باغلارلار، ساتىش اوچون پارچا يئرينه نايلون كيسهلىرىن ايچىنه قويولار و ۱- ۲- ۳- ۵ كيلولوق باغلىدا توكانلارلا آپاريلا، چۇركىن پېشىرمىگينه هر بير كيلو اونا ۵۰۰ تومن ال موزدى آلىنار، چۇركچىلر ال موزدى، اون و آيرىنتىلارينان هر بير كيلو چۇركى ۲۰۰۰ تومنه ساتىرلار (چۇركىن بوغداسى سارى بوغدا اولماسا اوجوز چىخار) بير دسته اوسگو چۇركىنى قورو اولدوغونا گۇره آلتىندا چۇرك بۇيوكلكده قالىن قاردون (مقوا) قويوب، باغلارلار.



چۆر كلرى چكىب، دسته له مك.



چۆرك باغلاماق

حسینقلی عاشقی دئییر: ۱۳۴۵- جی ایلده بیر فلهلین ال موزدو ایکى تومن ایدی. یایدا چۆلده ایشلیردیک، قیشدا چۆرك پیشیردیک، وانت دالیسنا دولدوروب تبریزه آپاراردیک، او زامان کیمسه اوسگو چۆرگین تانیمیردی چتینلیکله ساتاردیک، گون اولوردو تبریز چۆرکچیلریله سۆزوموز چیخاردی، یاواش- یاواش اوسگو چۆرگی تانیندی، توکانچیلار داها بیزدن آلیب جماعته ساتدیلار.

رحمتلىك حاجىلى فھىمى اوسگودە اىلك چۇركچىدى يئر تىندىرىندە چۇرك ياپىب ۲-
۳-۴ ۵ كىلو باغلىلاردا ساتاردى.

باشقا يئرلر خصوصا تىرىزدە اوسگو چۇرگىنى تانىتىدىرماق اوچون حسىنقىلى عاشقى بىر
عۇمور چالىشىپ.

اسكى اىل لردە چۇرك ياپانلار صىرفا خانىم اولاردى، ايندى هم خانىملار، هم كىشىلر
چۇرك ياپىرلار، دووار تىندىرىنە اوسگودە فىلىم تىندىرى (فىرىن يا فئر) دئىيرلر.
هر تىندىردە سحر ساعات يىتدىدىن ناھار چاغى ساعات ايكى يە قدر آلتىمىش (۶۰) كىلو
چۇرك پىشىرىمك اولار، قدىملر هر باغلى (۲۰ كىلو) چۇرك ۷۰ تومنە ساتىلاردى، هر بىر
تاى اونا سكسن (۸۰) كىلولوق يىتدى يوز تومن ال موزدى آلىناردى.

■ چۇرك ياپما يىرى و ايش آلتلىرىنە عايىد ترمىنلر

- مىپباخ: چۇرك ياپما اوتاغى، تىندىر و چۇرك ياپما وسايلىرى مىپباخدا ساخانلار.
- وردنە: كوندەنى ۳۰ سانتىمتر قىروندا آچار.
- نىم تىر اوخلوو (اوخلوق): وردنەلنىمىش كوندەنى ۶۰ سانتىمتر قىروندا آچار.
- آچان اوخلوو: نىم تىر اوخلوولانىمىش خمىرى، بىر مترە قدر آچىب، يووخالاشدىرار.
- سالان اوخلوو: آچىلان خمىرى، تىندىرىن دالى طرفىنە سالار.
- دولاندىران اوخلوو: چۇرگى تىندىرىن قاباق طرفىنە چكىب، دولاندىرىب تىندىردن

چىخارار

- بالا تاختا: اوستوندە وردنە يە كوندەنى آچارلار.
- نىم تىر تاختا، اوستوندە يارىم متر خمىرى آچارلار.
- بۇيوك تاختا، اوستوندە لازىمىنجه خمىرى آچارلار.
- خمىر سالان
- قانتار: بىرنوع تىرى
- دووار تىندىرى: بو تىندىر كرىپچىدن دوزلىر. هر كرىپچىن ائن - بوى ۲۰ سانتىمتردىر.
- آياق آلتى: شاطىر اىچىندە آياق اوستوندە دوروب، تىندىرە چۇرك سالار، (شاطىر
يورولاندا اوستوندە اوتورسون دىيە آياق آلتى نىن بىر طرفىنە دە دۇشكچە سالارلار).

برخی غذاهای منطقه ساوه (اوماج آشی، ماستافا، انیران یارم و نان اکیردک) فاطمه خادمی



اشخاص منبع: مادرم ساره خاتون امیری (۱۳۴۶- مرغنی ساوه، ساکن تهران)

و پدرم محمد خادمی (۱۳۳۸- مرغنی ساوه، ساکن تهران)

در استان مرکزی واقع در شهرستان ساوه روستایی قرار دارد بنام مرغنی. زبان مردم این روستا ترکی است. محصولات کشاورزی این روستا: گردو، بادام، سیب، انگور، آلو و... است. غذای رایج این روستا بیشتر انواع آش بوده است که در مناسبت‌های مختلف آش‌های مخصوص آن را می‌پختند. به عنوان مثال اوماج آشی را برای بیمار و ماستافا را در شب ۲۱ ماه رمضان می‌پختند. از دیگر آش‌ها: ترشی اریشته، قاتوق ایشگنه، گوجه ایشگنه، انیران یارما، سوت یارما و...

♦ اوماج آشی (آش خمیر):

مواد لازم: پیاز، فلفل، نمک، زردچوبه، گؤمرن (پیاز کوهی)، قوچ اؤتو، نخود، لوبیا، عدس و خمیر ریز شده به صورت اشک. پیاز را سرخ کرده، ادویه به همراه نمک به آن اضافه می‌کنیم، سپس قوچ اؤتو را با گؤمرن، نخود و لوبیا اضافه می‌کنیم، و در مرحله آخر عدس و اوماج را باهم می‌ریزیم تا به طور کامل پخته شود.

♦ ماستافا:

به گوشت پخته شده نخود و برنج اضافه می‌کنیم، بعد از پخته شدن برنج قوروت (کشک) اضافه می‌کنیم، نانا را با روغن داغ کرده و برای تزئین رویش می‌ریزیم.

♦ ائیران یارما (آش ترخینه):

طرز تهیه ائیران یارما: بلغور حلیمی را داخل دوغ می‌ریزند و به مدت ۲ الی ۳ روز می‌گذارند خیس بخورد و بعد می‌پزند و در مرحله آخر می‌گذارند تا خشک شود. گوشت یا سیرابی را می‌پزند سپس ائیران یارما را اضافه می‌کنند. نانا را باروغن داغ تف داده و برای تزئین رویش می‌ریزند.

♦ اگیردک

خمیری اون و بیرآز دوز، مایه خمیر و ایلیق سوت‌ایله (سوت گرک چوخ سویوق اولمیا) دوزلدریک.

خمیری قویاریق دینجین آلا تا قاواما گله (خمیر گرک ایستی قالا). قاواما گلندن سونرا خمیری زووالا (کونده) ائلریک و وردنه‌یله صاف ائلریک، صاف ائله‌یندن سورا بالاجا بؤلوملره کسریک یا لیوانین اؤلچوسویله چیخارداریق و (روغن داغ) ینان قیزارداریق، اوندان سونرا نوش جان ائلریک.



اٹل بیلیمی



۹۲

موسسه غیرانتفاعی آذربایجان اٹل بیلیمی
شهریور (زومار) آبی ۱۳۹۶





اٲلبىلىمى مىز، معنوى مىرائىمىز

سوسن نواده رضى

اٲلبىلىمى يا فولكلورون اۈزلىكلىرىندىن، اونون تكرر اولونما قابىلىتى و نسىلدىن نسىلە كٲچە بىلمەسىدۇر. ھر خالقىن اٲلبىلىمى، او بۇلگە انسانلارىنىن ددە- نەلرىندىن، آتا- آنالارىندىن ارث آپاردىقلارى داورانىشلار، دئىشلەر، گٲىملەر، عادت- عنعنەلەر، گلەنكلەر و گۇرەنكلرىنىن مجموعەسىدۇر. دئمەلى اٲلبىلىمى بىر ملتىن معنوى مىرائى سايىلىر.

فولكلورون يالنىز جا كٲچمىشلەرە عاىد اولدوغونو ادعا ائدىلدىن دوشوندوگونە رىغمن، دئمەلى بىك كى، فولكلور كٲچمىشلردىن بىزە قالان مىراث اولسا دا، حال حاضىردا، بوگونكو جامعە و ياشامىمىزدا دا جانلى و آخارلى دىر و كىچىلىگىنى ھلە دە قوروماقدا، گلىشمگە داوام ائتمىكدەدۇر. ھلە دە جماعت، اوزاق كٲچمىشلردىن و كٲچن نسىل لردىن سىنە بە سىنە گلىب اونلاردا يٲتىش مىراث اىلە ياشىرلار و اونلاردىن ياشامىنا آنلام وئرن دە بلكە ھمىن فولكلوردور. اصلىندە بىر ملتىن فولكلورونو الىندىن آلسان، بوتون كىملىگىنى الىندىن آلمىش اولورسان.

بو گونكو ياشامىمىزدا حاكىم اولان فولكلور، كٲچمىشدە ياشايانلاردىن فولكلورو اىلە فرقلى اولا بىلەر آنجاق ھر نە دە اولسا كٲچمىشلردىن بىزە قالىپ و گونون مقتضىياتى و شرايطىنە گۇرە دىشىب، مودرن لشىب و بو گون اوچون قوللانان شىكلە دوشوبدور. حتى بعضا بىر فولكلورىك داورانىش زامان اىچىندە بىر دۇرە، اۈزل شرايطە گۇرە اونودولار، سونرا دوروم دىشىدىگىندە يئنە دە فعال اولار يا حتى داھا گوجلۇ و رنگلى ائل آراسىندا ياشامىنا داوام ائدر.

توركلر قديم كنجيشه صاحب اولدوقلارى اوچون و گئيش جغرافيا آلانيندا ياشايدىقلاريندان دولايى زنگين فولكلور خزينه سينه صاحبديرلر او جمله دن: لهجه لر، ناغيل لار، اويونلار، ايناملار و...

اثلبيليمى موسسه سى درنگينين ايچ بولتنى نين بو سايلاريندا، هميشه كى كيمى، بو خزينه دن اؤرنكلر ماراقلانلار اوچون سونولور.

اوخويانلار و اثلبيليمى بولتنينى ايزله ينلردن اؤزلىكله ده فولكلور ساحه سينده اوزمانلاريميزدان خواهش اولونور يازيلارينى، تنقيدلرينى، باخيشلارينى، يارديملارينى و بو ساحه ده بيليك و بيلگيلرينى اسيرگه مەيب، توتدوغوموز يولدا بيزه قىلاووزلوق ائديب، يارديمچى اولسونلار.

بو سايدا اثلبيليمى عمومى مطلبلريندن علاوه دكتور م. باغبان كريمى نين يازيب، توپلادىغى «زنگان آشيقلارى يا خنياگران سرزمين ماننا» بير كتابدير. بو دگرلى كتابدا آشيق صنعتى حاقيندا عمومى معلوماتوئرلديكدن سونرا، زنگان آشيق محيطى حاقندا، بو محيطين اؤزونه مخصوص داستانلارى و آشيق هاوالارى حاقيندا دقيق معلوماتلار وئريلميشدير، سونرا زنگان آشيق محيطى نين قوجامان آشيقلارى او جمله دن آشيق شيرين و آشيق يوسف جمال دان باشلاياراق بوگونكو چاغداش آشيقلارينين بيرچوخوندان معلومات وئريلميشدير.

آرتيرماليام كى بو اثلبيليمى بولتنى نين ايکينجى ضميمه سى سايلير. بيرينجى ضميمه پروفيسور على قافقازيالى و اونون يازدىغى بير كتابين «قوم- ساوه عاشيق محيطى» عنوانلى بير بؤلومو ايدى كى ۸۴- ونجو ساينى نين ضميمه سى كيمى، يايملانميشدى. درنگيميز بوندان سونرا دا چاليشاجاق اؤزل سايلاردان علاوه هم ده (فولكلور و ديالكولوژى، مونوقرافى، اتنولوژى و ميتولوژى موضوعلاريندا) بير سيرا ديرلى كتاب و مجموعه لرى درگى نين ضميمه سى اولاراق يايملاسين.



ناغیل لار،
روایتلر،
لطیفه لر



روزونون بوللوغو زهرا آبدار



قایناق شخص: معصومه حق سرشت (دوغوم تاریخی: ۱۳۵۱، یاشام یئری: سهند شهری)

بیری واریدی، بیری یوخیدی، تانریدان سونرا کیمسه یوخیدی.
 چوخ گونلردن سونرا بیرگون، آلاهیین ملکلریندن بیری، سوال ائدر:
 یاربی نییه بیرینه چوخ وئریسن، بیرینه آز؟
 الله طرفیندن سس خلق اولار:
 من سنه اذن وئیرم سن گئت هر کسه ایسترسن اؤز الیوینن روزی وئر.
 ملک گلر آشاغیا گؤرور بیر کیمسه یئرده اوتوروب بیر الی باشینی قاشیر، بیرالین ده
 آچیب گدالیق ائلییر. ملک یاخینلاشیپ، اونا سلام وئریپ، کئف- احوال ائدر، اوندان
 سوروشار:
 تانریدان نه ایستیرسن؟
 او جاواب وئر:
 هر شئیدن اول ساغلاملیق، سونرا بیر بالاجا روزی.
 ملک اونا بیر کئچی بالاسی وئریپ، اوندان آیریلار.
 بیر آز یول گئندن سونرا گؤرر یئنه بیر نفر دووار دیبینده اوتوروب امما کوردور.
 اوتوروب اونولا دا دانیشار. چوخ سؤزدن سونرا سوروشار آلاهدان نه ایستیرسن؟ دئیر:
 بیر تک گؤز، بیر آرجا دا روزی.
 ملک اونا بیر قویون بالاسی وئریپ، بیر گؤزونو ده ساغالدان.
 ملک یولا دوشور، آز گندر- چوخ گندر، گؤرر بیر آلا خسته لیگینه دوچار اولان یولدا
 اوتوروب، گدالیق ائدیر.
 ملک یاخینا گئدیب حالیندان خبردار اولاندان سونرا، سوروشار:

آلاھدان نہ ایستیرسن؟

دئیر:

بیر ساغلیق، بیر ده بیر آز روزی.

ملک اونا دا بیر اینک بالاسی وئرر گندر. بیر اوزون مدتدن سونرا، الله طرفیندن بیر سس خلق اولار:

ای ملک، او کیمسه لر کی اونلارا روزی وئرمیسن، اونلاردان خبرین وار؟

ملک دئیر یوخ!

بیر داھا سس خلق اولار کی:

گئت اونلارا باش وور، خبردار اول!

ملک آشاغی ائنیب، اول گندر بیرینجی روزی وئردیگی کئچل یانینا. یئرینی یوردونو تاپار، گؤرر چوخ وارلانیب، داغین اتکینده تخت قوروب تاختا چیخیب دؤره سینده نوکر دایانیب، کئچی سورولری گؤزونون قاباغیندا. ملک گئدیپ سلام وئرر. کئچل ساپماز. ملک کفف- احوال ائدر، کئچل ائشیتمز، کئچر لاپ یاخیندان دئیر:

ماشالله چوخ وارلانیبسان. نه اولار بیر کئچی بالاسی دا منه وئره سن؟
کئچل دئیر:

اولماز!

ملک دئیر:

اؤل لیغین یادیندادی؟

کئچل دئیر:

من اولیندن بئله دیدیم.

ملک دئیر:

بئله اولورسا، الله سنی فایتارسین اؤل کی حالو!

کئچل گؤرر بیرینجی دؤنه کی، دووار قیراغیندا اوتورموشدو اوردا دوباره دن اوتوروب، ملک ده اوزاقلاشیر. سسله یر کی:

گل گچیلرین هاممیسینی سنه وئریم.

ملک دئیر اولماز. گؤردوغومو گؤردوم!

ملک یول گندر- گندر، اوقدر کی آلاخسته سینین یانینا یئتیشر. گؤرر آلا دا چوخ پارلییب، داغین دؤشو، دولودو اینکله، آلا تخت قوروب قوللو قچولار دا برابرینده دایانیبلار. کفف- داماغ دیزدندیر. ملک گندر قاباغا سلام دئیر. آلا تحویل آلماز.
ملک دئیر:

ماشالله چوخ وارلانیبسان. نه اولار بیر اینک بالاسی منه وئرسن؟
آلا دئیر:

وئره بیلرم. قرار اولسا وئرم اؤز بالالاریم وئرم.
ملک دئیر:

عیب اولماز، اولارا دا وئر، منه ده وئر.
آلا قبول ائتمز. ملک دئیر:

هئچ سنین اولکی حالین یادیندادی؟
آلا دئیر:

من اولدن دده- بابادان بئله یدیم.
ملک دئیر:

الله قایتارسین اولکی حالو!

آلا گؤرر آیلشیب گدالیق ائدیر. سسلر:

ای قارداش اینکلرین هاممیسسی سنین. ملک دئیر یوخ اولماز! اوردان کئچیب گئدر. آز
گئدر- چوخ گئدر، کور قارداشی تاپار. گؤرر بو دا اونلارا تای داغ دؤشونده تختینی قوروب.
کئفی ساز، داماغی چاق، نؤکرلر برابرینده. قاباغا گئدیپ سالام وئر. کور دورار آياغا، ملکی
تحویل آلا، یئرینی اونا وئر. ملک قبول اتمه یه- اتمه یه، کور دئیر:

سن منیم قوناغیمسان. خوش گلیمسن، قوناق عزیزدی.

بیر قدر داغدان- باغدان، صحبتدن سونرا، ملک دئیر:

منه بیر قویون بالاسی وئیرسن؟

کور دئیر:

هاممیسینی دا وئره بیلرم. الله بو ساغلامیلغی منه وئریب دوباره دن هاممیسینی قازانا بیلرم.
ملک دئیر:

برکتلی اولسون، الله بوندان دا چوخ ائله سین.

ملکین سؤزوندن سونرا، اونون سوروسو قات- قات آرتار.



جیرتدان ناغیلی نین همدان واریانتی آغی جیروغ^۱ علیرضا صرافی

آشاغیدا اوخویاجاغینیز بو ناغیل مشهور «جیرتدان» ناغیلی نین همدان واریانتی دیر. بو واریانتدا باشقا واریانتلارلا بعضی فرقلی لیکلری وار، او جمله‌دن بوکی: اساس قهرمانین کاراکتری عینی اولسا دا آما آدی فرقلیدیر، اکثر یئرلرده بو ناغیل جیرتدان آدیلا تانیلسا دا بوردا آغی جیریق^۲ آدی یا صفتیله تانیلیر.

اکثر واریانتلاردا جیرتدان یول یئریمیر و اوشاقلارلا دئیر کی آنام منی سیزه تاپشیریب، گرک منی بوینوزا آلیب، آپاراسیز. آما بو واریانتدا بئله بیر صحنه‌دن سؤز گئتمیر. ناغیلین سونوندا دئوین اؤلومو ده بورادا فرقلیدی. بعضی واریانتلاردا دئو چایدان کئچیب قاچان اوشاقلارلا سسلنیر کی چایی نئجه کئچدیز؟ جیرتدان دا اوتایدان سسلنیر: بیر دانا دبیرمان داشی تاپ باغلا آیاغینا کئچ بو طرفه. دئوده بئله ائتدیکده سویون تکینه جومور، بوغولوب، اؤلور. بعضی واریانتلاردا دا جیرتدان دئوی تندیره ایتله‌ییر یاندیریب اؤلدورور. بو واریانتدا آغی جیروغ دئوه باشقا کلک قورور، دئوین گؤزلرینی توستودن کور اندیر، دئو ده اوشاقلارین دالیسینجا گلینجه چایا دوشور، بوغولوب، اؤلور.

^۱ - بو ناغیلین سس فایلی بیر نئچه تلگرام کانالیندا او جمله‌دن ائل بیلیمی کانالیندا یایملانمیشدیر، تاسفله ناغیلین قاینق شخصی حقیقده هئج بیر معلومات الده ائده بیللمدیک. آنجاق بوتون قاینقلاردا همدانا عایید اولدوغو قئید اولوب، بو دا دقیق بیر بیلگی سایلمیر چونکی معلوم دئییل، همداندان منظور عجا همدان شهری یا اطراف کندلریدیر یوخسا همدان اوستانی؟

^۲ - یئری گمیشکن آغی جیریغین معناسی حاقیندا دا ایضاح اوئرمک لازمدیر. آغ سؤزو «قارا» رنگی نین قارشیلیغی اولان رنگه دئییلیر، بو آغین ان مشهور معناسیدیر، آنجاق اونون باشقا معنaları دا وار او جمله‌دن بیر معناسی دا آغ رنگی اولان بئز پارچا دئمکدیر. قدیم زامانلار شالوارین اورتاسینا بیر تیکه آغ بئز سالاردیلا بونا ساده‌جه «آغ» دئییلردی، دئمک فارسلا رین «خشتک» دندیکلرینه تورکلر «آغ» دئییلرلر. بئله‌لیکله آغی جیروغ سؤزو «شالواری نین آراسی جیریق» آنلامیندا اولاییلر.

آغی جیروغ

(بو ناغیلدا شیوه خصوصیتلری قورونماغا چالیشیلیب)

بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی، تاریدن غئیری هئش کیم یوخ ایدی.
اوزاغ یوللرده بیر مئشه وار ایدی، بو مئشه ده بیر دانا قاری وار ایدی، بو قارینی بی دانا
بالاجه نووه سی وار ایدی، نووه بیی آدی «آغی جیروغ» ایدی. بو آغی جیروغ چوخ تمبل
ایدی، آما چوخ دا هوشلی یدی. بیر گون آغی جیروغینن اوشاغلر گئدلر مئشه یه اودون-
آلیشوغ ییغماغه، قاری ده آغی جیروغی تاشپیرر او بیری اوشاغلره.
بولار گئت ها گئت چاتلله مئشه یه، باشلله اودون- آلیشوغی ییغماغه، آما آغی جیروغ...
یوخ ناهاره جن، اوشاغلر گلله گؤزلله کی آغی جیروغ هئش اودون- آلیشوغ ییغمیب.
آغی جیروغ باشلار اوشاغلار یالوارماغا کی:

هر بیریز منه بی دانا آغاژ وری! من کنده چاتنده سیزه اییده ورررم.
دییلله: - یاخچی، گه!

هر بیری بی دانا آغاژ وررله آغی جیروغا، آنان آغی جیروغ باخار گؤرر کی هئش بولارون
آلیشوغلری باغلییه بیلیری، اوشاغلره دییر کی:
اوشاغلر، گلی سیز بو اودونلری ایپینن باغلییه منیمچین، کنده چاتنده بیری بی دانا
قوز ورررم سیزی چین.
هامی دییر: - یاخچی.
گلله، باغلله بیله سی ایچین.

جانیم دیسی بیله ییز ایچی... بولار، ائله آلیشوغ- ذات ییغماغی باشلاری قارشیب، بیردن
گؤررله کی قاش قرالدی، هووا قرقنولوق اولدی، بولار گئتدیله بو تایه، گئتدیله او تایه،
یولی ایتیردیله

بیری دیدی: - ساغدن گئدک!

بیری دیدی: - سولدان گئدک!

بیردن گؤردولر آغاژلر آره سینده بی دانا ایشیق گلیری، دیدیلر:

گلین گئدک اورادا بیر ائی وار، ائی صاحب بورالری تانییر یول گؤرسدر بیله میزه
قئیتیریک ائی ییمیزه.

ھامى يولە دوشىدى، بىردن گۆردولە بى دانا يىككە ئى. قاپى - باجەسى چوخ بئىيىك،
دئدىلە:

نمە ئىلىيىك؟

دئدى:

دا چارە يوخىدى.

قاپىنى چالدىلە، بىردن بى دانە يىككە دۇى چىخىدى قاپى يە، اۋز يانيندا دىدى:

بە بە بە، بو گىجەنىي شامى دە اۋز ياغى يىن گىلدى قاپىمىزە.

دا اوزونە گىتىرمەدى. گولە - گولە دىدى:

بالەلرېم، جان بالەلرېم، سىز ھارە؟ بورا ھارە؟

اوشاغلر دە حال قىزىھەنى تەرىفلەدىلر، دىدىلە:

ايتىمىشك، بو گىجەنى سىزدە قالك.

دۇى دىدى:

بى زات دىيل، ھامى ياتوغ، من كى آيوغ، گلېن بو گىجەنى بوردا ياتىي، سحر آپارم،
يولووزى گۆرسدرم.

اوشاغلر چارەسىز گىتدىلە ايچرى. بىردن آغى جىروغ آدام سوموگلرېنى گۆردى كى ائىين
گوشە - وازەسىندە دوشوبدى، دا اوشاغلرە بى سۆز دىمەدى كى اولارى قورخوتىمىيە. دۇى
ھامى يە غذا وردى يىدىلە، آغى جىروغ او غذا لرى دا يىمەدى، توربەسىندە بىر ايكى دانا
قوز - زات وار ايدى، اولارى چىغاتدى يىدى، سورا دۇى اولارى آپاردى سالدى بى دانە
اوتآغى قاپىسىن دا دالان قوفلەدى، تاب ائەلەدى كى بولار ياتەلە. بىر آز گىشىدى، دۇى
گىلدى قاپى چالدى دىدى كى:

كىم آيوغ، كىم ياتوغ؟

آغى جىروغ دىدى كى:

ھامى ياتوغ، آغى جىروغ آيوغ.

دۇى دىدى:

آغى جىروغ بالم نمە ايچىن آيوغ؟

آغى جىروغ دىير:

آخى منىم ننەم گىجەلر مېنىمچىن نومورتا پىشىرردى من يىردىم.

دۇى دە دىير كى:

نمەدى سىنى ايچى من نومورتا پىشىررم ورررم يىيرن.

اۋز يانيندە دىير كى:

وررم سن نومورتانی ییره ی یوغونلاری، من ده سنی یییرم.

یومورته نی پیشیرر گتیرر وئرر آغی جیروغ یییر.

گنه بیر آز صبر ائرلر، وقت گئچر، ئوی گلر سسلر:

کیم یاتوغ کیم آیوغ؟

آغی جیروغ سسلر:

هاممی یاتوغ، آغی جیروغ آیوغ.

دوی دییر:

بالام آغی جیروغ نمه ایچین آیوغ؟

آغی جیروغ دییر:

آخی نهم گجه لر منه قلبیرده سو گتیرردی.

دوی دییر:

قلبیر نمه دی؟

دییر:

اودی باع او دلوک- دلوک قاف واردی، اونی نن.

دوی قلبیری گوئورر گئدر چاپا ساری، هر نئینر بوننان سو گوئوره گله اولمز، بیر ده قییتر

سو گوئورر گله گلزمز. گلر آغی جیروغا دییر کی:

قلبیرده سو گتیره بیلمه دییم، اولار کوزه ده بیله یین ایچی سو گتیرم؟

دییر:

دا چاره یوخدی گئت گتی دا!

دوی گئدر کوزه ده سو گتیرر، آغی جیروغ ایشماغه. آغی جیروغ ایچر دییر:

الیی آغریمه سی!

دوی ده دییر:

بی زات دییل سن ایچ یوغون نه من ده سنی یییرم.

گنه بیر آز گئچر دوی سسلر:

کیم آیوغ کیم یاتوغ؟

آغی جیروغ دییر:

هاممی یاتوغ، آغی جیروغ آیوغ.

دوی دییر:

بالام آغی جیروغ نمه ایچین آیوغ؟

آغی جیروغ دییر:

آخى منىم نەم گجەلر مە مەكە پىشىرىدى يىردىم.

دۇى دىير:

مەكە نەمدى؟

آغى جىروغ دىير:

بىلمىرەى مەكە نەمدى؟ منى بوردان چىغات سەنە گۇرسەدىم مەكە نەمدى؟

آغى جىروغو اوتاغدن چىغارد، آغى جىروغ گۇرر حىت كوشەسىندە بىر دانە آغاژ وار،

مىوہلرى يىتىشىب، بىر فىكر چاتر باشىنە، دىير كى:

او مىوہلرى گۇرورەى آغاژ باشىندە، اولار مەكدى، حىطىندە مەكە وار سەن نىجە بىلمىرەى

مەكە نەمدى؟

دۇى دە آللەنر، دىير:

نەمە ائلىيم؟

دىير:

بى دانە اوت آلىشىدر، بو مىوہلرى توت دىشىنى، ساخلە اوت اوستوندە پىشىلى، مەن دە گلىم اولارى يىيم.

دۇى دە اۇز ياپىندە دىير:

بىر زات دىيل، سەن مەكە بى، يوغوننە، مەن دە سەنى يىيرم.

دۇى مىوہلرى توتر دىشىنە ساخلر اوت اوستوندە، بىردەن مىولرى سويو تۇكولر اوتە،

توتون ائلر گىرر دۇيون گۇزونە، گۇزلرى دا گۇرمز.

آغى جىروغ دا اوشاغلرى يوخودان آيىلدەر دىير:

نە ياتىمىشىز كى دۇى اىستىر بىزى يىيىە، دورون قاچك.

ال غۇيلە قاشماغە، اوياننان دا اوشاغلرىن دەدە - نەلرى ناگرانچىلوغدان، گلىمىشىدە

مىشەيە اوشاغلرىنى آختارماغە، اوردا بىر - بىرىنى تاپلە قاچلە.

دۇى دە كى گۇزلرى كور اولموشدى، دوشەر اولارىن دالوسونە، آمما گۇزى گۇرمز، دوشەر

سويە، چاى آپارر بىلەسىنى.

بىزىم دە بوردە قىصصە مىز توكندى.

گۇيدەن اوچ آلەمە دوشدى،

بىرى سىنى،

بىرى منىم،

بىرى دە آللاە قولىنى



قول يابانی

الياس امير حسنى

قائناق شخص: آنام صفيه قدیری ۷۴ ياشيندا، يازما- اوخوما بيلمز، قاراقانين رازقان کندينده دوغولوب، اوردا يشار.



اوزاخ زمانلاردا، بيردانا کيشی واروموش و بونون عايله سينده بيردانا گؤزل قیزی واروموش. بير گون بو قيز گندر بولاخدان سو گتيره، قول يابانی بونی توتار آپارار، بير ماغاردا ساخلاتار. اوردا بو قيزدن ايکی دانا اوشاق دونيايه گلر. بير گون کی کندین داواری گندر او ماغارا ساری، بو قيز داوارلارون تانورو قولباغون سالار، گئچی لرینین شاقونا. گئجه کی داوارلار گلر ائوه، کيشی گؤرر، قیزینین قولباغی گئچی نین شاقونادور، آنلار، گندر چوپانون سراغونا.

سوروشور:

عمی جان داواری بوگون هانسی طرفده یایوردون؟

چوپان دییئر:

نئجه مگه؟

دییر:

هئچ ائله بئله.

چوپان دییئر:

گئتمیشدیم آق قاشا طرف.

کیشی گندر، قیزینی تاپار گتیرر.

اوندان بئله غولیا بابانی گلر ها، دییئر:

ماهی، ماهی

بالالاروی اوهی، اوهی



گوجلو ناغیلی نین اراک واریانتی

کیجلی جنور هانکیدی؟

مجید صوفی نیستانی

(نیستان کندي، مرکزی اراکین مرکزی بخشی)

بیجه سئغئر وارئدی، کیچه ده دیدارئدی^۱، گلدی گئده سو ایچه، قئچی سییرئلئی.
 دئدی:
 ای بوز، نه گیجین وارئدی؟
 دئدی:
 اگر گیجیم وارئدی، نییا گین بیله می اریدئدی؟
 دئدی:
 ای گین نه گیجین وارئدی؟
 دئدی:
 اگر گیجیم وارئدی، نییا بولوت ائنگمی^۲ توتیردی؟
 دئدی:
 ای بولوت، نه گیجین وارئدی؟
 دئدی:
 اگر گیجیم وارئدی نییا یئل بئله می آفایردی؟
 دئدی:
 ای یئل نه گیجین وارئدی؟
 دئدی:
 اگر گیجیم وارئدی نییا داغ ائنگیمه^۳ دوریردی؟

^۱ - کوچه ده گورونوردو

^۲ ائنگ: اؤنگ، اؤن، قاباتق

^۳ - ائنگیمه: اؤنومه، قارشیمدا، قاباغیمدا

دئدی:

ای داغ نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

اگر گیجیم وارئدی، نییا اوت ایسسئمنہ گئگریردی^۱؟

دئدی:

ای اوت نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

اگر گیجیم وارئدی، نییا بئچبئچو^۲ بئلہ می ییردی؟

دئدی:

ای بئچبئچو، نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

اگر گیجیم وارئدی، نییا قورد بیلہ می ییردی؟

دئدی:

ای قورد نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

اگر گیجیم وارئدی، نییا کئپک اوزانیردی آردیمہ؟

دئدی:

ای کئپک، نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

اگر گیجیم وارئدی، نییا پیشوگی باشارمیردیم توتیم؟

دئدی:

ای پیشوگ نہ گیجین وارئدی؟

دئدی:

کیرسئ (کرسی) آلتئ قئشلاغئم.

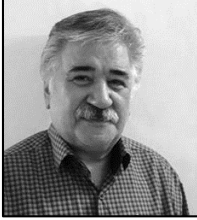
تاپولر ایسسئ^۳ یئبلاغئم.

گیجیم وار کئ گیجیم وار کئ گیجیم وار.

^۱ ایسسئمنده گئگریردی: اوستومده گوگریردی

^۲ - بئچ بئچو: اوغلاق، چپیش

^۳ - ایسسئ: اوستو



بیر کولمہ لی روایت علی حاجیلی

گئچن زامانلار شاهسونلرین کوچ قون واکتیندا قوجالارین (آق سققل و آق بیرچک) نئچه دن بیر، چوخ ناخوشلیخلاردان باش آچاردیلا، مثلا سینیقچی اولاردی، گوپک یئرینه سالان اولاردی، قاریخ چیخاردان اولاردی و اولو عقربینن کرچک یاغین قاتیب داوا دوزلدردیله، یارالاری ساغالدیردیلا. اولارا حکیم و ائلجه بیلن دئیردیله.

گونلرین بیر گونونده کوچ یایلاغا گئدن زامان یول اوسته کی کندلرین بیرینده بیر نفر ایستیرمیش حکیملرین بیرسینه دوشمانلیق ائیلیه. بیر نفری یول اوسته آپارار حکیمین یانینا دییر بونون دردینه بیر چارا قیل. بو ناخوشدو. شاهسون حکیم اونو اوتورتدو یانینا سوروشدو:

هارای آغیر؟

دئدی:

سققلیم.

سوروشدو:

نه یئییه ی؟

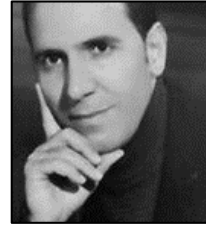
دئدی:

بوز- چؤرک.

بو حالدا حکیم بیلدی کی بيله سینی اله سالیلا. تئز جاواب وئردی:

قادا ویریم او پیس قیلیغیا کی نه مرضی مرضدی، نه غذای آدام غداسینا اوخشور.

باريش (صلح) قوشور وقار نعمت



قايناق شخس: نوبار مرادی، دوغوم ایلی: ۱۳۳۳، دوغوم و یاشاییش یثری: کلیبر
شهرینین بئش کیلومترلیگینده یئرلشن زیریان کندی

کئچمیش ایامدا شرق اۆلکه لرینین ایکی قدرتلی شاه ی آراسیندا دوشمانچیلیق مناسبتلری داها دا گرگین لشییر. گونده بیر- بیرینه هده- قورخو گلیرلر. نهایت، شاهین بیر ی او بیر ی اۆلکه نین شاهینا محاربه اعلان ائدیپ، اونو تک به تک مئیدانا چاغیریر. ائلچ ی لر محاربه نین باشلاناجا ی گونو دقیق معین لشدیریرلر و سون حربی حاضرلیق ایشلری گۆرولور.

دؤیوشه چاغیریلان شاه ایگیرمی ایل ایدی کی، محاربه ائتمیردی. اودور کی، دؤیوش پال- پالتارینی و دبه- ده بیلقه سینی کۆهنه اوتاقلاردان بیرینه آتمیشدی. ووروشمایا بیر گون قالمیش شاه، آناسیندان دؤیوش پاپاغینی گتیرمه سینی خواهیش ائتدی. آناسی گندیپ لاکین چوخ چکمه دی کی، ال ی بوش قاییتدی. اوغلو آناسیندان سوروشدو:

نه اوچون پاپاغیمی گتیرمه دین؟!

آناسی اوغلونا معمالی جاواب وئردی:

- پاپاغی گتیره بیلمه دیم، دئدی.

- آنا، من سنی باشا دوشمورم! مئیداندا اؤلوم- ایتیم اولار. یاخشییسی بودور کی، دؤیوش

پاپاغیمی گتیریب، غلبه خئییر- دوعاسی وئره سن.

- پانیلیرسان بالا، دؤیوش پاپا یین او قدهر آغیر، سیرلی- سئحیرلی ایدی کی، اونو

یئریندن تربتمگه گوجوم چاتمادی.

- «منیم گوجوم چاتار»- دئییه اوغلو اؤزو دبیلقه اولان اوتاغا گئتمک ایسته دیکده، آناسی،

اوغلونون آیاقلارینا دۆشه ندی:

- سنى آند وئىرىم حلال سودومە، پاپاغا دېمە!

- آناجان، مەن شاھام! شاھ مەيدانىنا پاپاق سىز دېيىلەن سىز نەچە چىخىم؟!

اولور دئە ئانا اوغلو غەندىندەن دۇندەرمەك اوچون گۇردوكلرىنى آچىقلادى:

- بالا! سىنىن دۇيوش پاپاغىنى نىن ايچىندە ايندىيەك ھىچ كىمە زىيان وورمايان، دونيادا ان دىنچ ھىوان اولان، آغ گۇيرچىن يووا باغلايىپ. اۇزونون دە، اوچ دانا ائجە بالاسى وار. آرام اۇزونو چۆلە ووروب بالالارنى يىملەيىر. اوللار تېلوكەسىز بىر يىردە بويلا- باشا چاتدىرماق ايستەيىر. مەن بو گوناھسىز بالالار توخونسام، آغ گۇيرچىن بىزدەن كوسوب گىدر. يىتىم بالالارن آھ- نالاسى اۆلكەمىزە بالالار گىدر. گل بو دىفە پاپاغىنى قويما.

بو سۇزلىرى ائشىدن اوغلو ھىچ نە دىمىر. شاھلىق تاجىنى آغ- گۇيرچىنە تاپشىرىپ، باشى آچىق دوشمانىن مەيدانىنا چىخىر. دۇيوشە گلەن شاھ، رقىبىنى دۇيوش پاپاغى اولمادان دۇيوشە گلدېگىنە تىجىلىنر. بو سىرلى اويونون سىبىنى سورشور. دېيىلەن سىز شاھ دىيىر:

- مەن پاپاغىمدا آغ گۇيرچىن اوچ بالا چىخارىپ. انام سودونە آند وئردى كى، بالالار توخونمايىم.

رقىب شاھ سۆزە اينانمىر. دۇيوشو ساخلايىپ، وزىرىنى گۇندىر كى، گىدىپ بو سۇزون دوزگونلوگونو يوخلاسىن. بىر آزدان سونرا وزىر قايدىر. ھەر شىئىن دوزگون اولدوغونو سۆيلەيىر. بونو ائشىدن شاھ درىن فېكىرە دالىر. يىنى دوشمانىنا اوزادىپ دىيىر:

- گل بارىشاق! صولج باغلاياق. سىنىن انان بىر قوشون، ائوينى داغىتماق ايستەيىر. بىز نىيە ناحاق قان تۆكوب مەنلرلە اينسانلارنى ائوينى داغىداق؟!.

اوللار صولج باغلايىرلار. او گوندەن، آغ گۇيرچىن صولج قوشو، بارىش سىمبولو حساب اولونور.

بغدادی شاسون دن دین سل حکایت



اوشاغین روزوسو

ابوالفضل فردوسی

حضرت موسی (ع) زامانیندا بیر نفر واریدی چوخ یوخسولودو.هرنه ایشلئردی پول
چاخاردا بیلئمئردی. بیر گون دوروب گلدی موسی ع یانینا عرض ائله دی:
یا موسی تاری دان ایسته منیم روزیمی چوخ ائله سین.
موسی تاریدان دانیشیب، او کیشی نین عرضینی تاری یا چاتدیردی.
تاری بویوردو:
مونون^۱ روزیسی ائله ایرئلدی، آرتیغ اولماز.
موسی تاری نین سؤزونو او کیشی یه چاتدیردی.
او کیشی اینجیلیب، دئدی:
من سنی تاری بین کؤلگه سیندن چیخیب آیری تاری نین کؤلگه سینه گئده جیم.
موسی دئدی:
اوزوی بیلیری.

او کیشی دوروب آروادینی بیر ائششگه میندیریپ، او بؤلگه دن چیخیپ، قاباغی توشلئیپ
گئت ها گئتدی. آرواد گومانلی^۲ ایدی اونو آغریق^۳ توتوب کیشی سیندن ایمداد
ایسته دی. کیشی نین الی الیندن اوزولوب، تیز بیر چارداخ ووروب آروادی اونون کؤلگه سینه
گتیریپ، یاتیرتدی. آروادین آغیریغی چوخالدى.
کیشی بویانی باخدی، اوپانی باخدی بیر طرفی توشلئیپ گئتدی کؤمک گتیره.

^۱ - مونون: بونون

^۲ - گومانلی: ایکی جانلی، حمله

^۳ - آغریق: آغری

آرواد گوجە نىب اوشاغى دوغدو. دوغاندان سورا هوشدان گئىدى. اوشاق آجىندان اغلئردى
و تىيگىن يئره دويئردى، آياق ايدىن^۱ تورپاغى بىر يانى ووروب بىر كوزه نىن قىراغىن
چاشارتدى.

كىشى گليب گۆردو آرواد هوشدان گندىب اوشاغىن آياغى طرفىندە بىر كوزه نىن
گوشهسى گۆركئ^۲. آروادى هوشا گتىردى اوشاغى وئردى آرواد آنجاق اونا سوت
وئرسىن. كوزهنى چاشاردىب موسى شەرىنە قىيتىدى. اۋزونه بىر موحتشم وضع دوزلتدى. بىر
گون موسايا توش گلدى.

دئدى:

گۆردوى گئىدىم آيرى تارى كۆلگەسىندن پول گتىردىم.

دئدى:

پولو نجىر^۳ تاپدى.

او كىشى باشىندان گئچدىگىنى موسايا تعريف ائلهدى. موسى تارىدان سوروشدو:
نجىرىسىنە اولدو
تارى دئدى:

او روزو اوشاق روزوسودو. بوردا دا قالئىدى من او روزونو بو اوشاغا چاتدىراجايدىم.
موسى كىشى يە دئدى:

او روزو اوشاق روزوسودو، اونون يانىندان سنده يايىل!

^۱ آياق ايدىن: آياق ايلن، آياق ايله

^۲ گۆركئ: گۆرۈكۈر

^۳ نجىر: نئجه، نەجۈر

قاراقاندان بیر دین سل حکایت

توکنمه‌ین خرمن

الیاس امیر حسنی



قایناق شخص: آتام (دادام) اسکندر امیر حسنی، ۹۲ یاشیندا، قران سوادى وار و یازما- اوخوما بیلر، قاراقانین رازقان کندینده دوغولوب، اوردا یاشار.

اوچ قارداش واروموش. بیرینین وضع و باری چوخ یاقچی یوموش. بیرینین کولفت اوشاغی چوخوموش. بیرى ده ائو بارخ دیلیمیش. آرواد آلاموشوموش. خرمن گوتورنده، اونون کی وضعی یاقچیوموش مداخلیندن توکر کولفتلی خرمنی اوسته، دییر:

بو کولفتلی دیر، قوی بونون کی چوخ اولسون.

کولفتلی مداخلیندن توکر، آروادسوز قارداشون خرمنی اوسته دییر:

قوی ائو بارخلانسون^۱.

آروادسوز قارداش مداخلیندن توکر کولفتلی قارداشونون خرمنی اوسته، دییر:

منیم کی لازوم یوخوم.

بنش آلتی گون خرمنی گوتورولر، هر نه قدر گوتورولر، خرمن توکنمز. گئدللر پیامبر

اسلام صلوات الله خدمتینه. ماجرانی دییرلر.

پیامبر بویورار:

او نیت کی سیز ده وار، او خرمن قوتاران دیل، گئدین خرمنی الیبیز دالوندا بیغین، قوی

توکنسین.

^۱ - ائو بارخلانسین: ائولنسین، ازدواج ائتسین

شیطان ناغیلی

زھرا آبدار

قایناق شخص: معصومه حق سرشت (دوغوم تاریخی: ۱۳۵۱ - یاشام یثری: سهند شهری)

بیری واریدی بیری یوخ ایدی. آلاھدان سووای هئچ کیم یوخیدی. بیر اوزون مدتدن سونرا بیر کیمسه تاپیلیر شیطانندان سوروشور:

- نیه هاممی سنه لعنت دئییر؟

شیطان دئییر:

- من ده بیلیمیرم. من هج بیر ایش گۆرمه دن لعنت قابی اولورام، اینانمیرسان گل گئدک گۆرسدیم!

او آدام شیطانلا برابر یولا دوشرلر. شیطان اونو بیر طؤوله یه آپارار. بیر اینگین میخ طؤوله سیننی ترپرد، دئییر گل گئدک.

شیطان گئدر شیطانلیغینین دالیسیجا. او آدام قالار گۆرسون نه اولور.

اینک طؤوله دن چیخار، ساللانا- ساللانا میخ طؤوله نی دالیسیجا چکه- چکه گئدر. خانیمین آینا بزرک اوتاغینا یئتیشر. دۆرد دۆره آینالاردا اینک اۆز عکسینی گۆرر، اونلاری دا اینک سانیب، اونانلارلا گولشه دایانار. بوینوزلاریلا اونلارلا حمله ائدیپ، نه کی آینا واریدی سیندیریپ، تۆکر یثره.

های- کویه کنیز قاچا- قاچا گلر، اوضاعی گۆروب، ایکی الی اولار بیر تپه سی. عصبی لشیب چوبوغ آغاچین گۆتورر، دوشر اینگین جانینا. دۆیه- دۆیه آپارار حیطه.

اینک اوزانار، اۆلر. کنیز ناراحت بیر کونجده دیزلرینی قوجاقلار، خانیم حامامدان گلنه قدر اوتورار.

خانیم حیطه گیرندن سونرا سوروشار بو اینک نییه اۆلوب؟

کنیز حال قضیه نی دئییر.

خانیم دوشونوب دوشونمه میش دئییر:

- سنین نه بورجون ایدی اینگی اؤلدورهسن؟

آغاجی گۆتوروب دوشر کنیزین جانینا، وور ها وور...

کنیزین سسی چیخمیر. اؤز- اؤزونه دئیر کی، من اوتاقلارین آیناسینی سالا بیلردیم.

بیر آز سونرا ائوین آغاسی گلر حیطه، گۆرر اینگین اؤلوسو بیر یاندا، کنیزین اؤلوسو او بیر یاندا. خانیمی دا دیزلرینی قوجاقلاییب، حووضون کناریندا اوتوروب. حال قضیهنی سوروشار. خانیم باشینا گلنلری سؤیلر. کیشی ایکی اؤلونو گۆروب، گوزلرینین قاباغین قان توتار، چوبوق آغاجیلا دوشر خانیمین جانینا. نه یئمیسن تورشولو آش؛ وورار، هی وورار...

دئییه- دئییه کی:

کۆپگین قیزی سن نیه خالقین قیزین اؤلدوروسن؟! بیر زامان آییلار کی، خانیم دا اؤز

الینده اؤلوب!

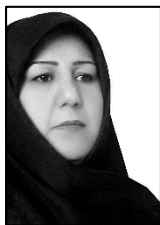
های دوشر، خانیمین قوهوملاری، تۆکولرلر آغانین اوستونه. نه یئمیسن تورشولو آش- او قدر وورارلار کی، او دا اؤلر، نفسدن دوشر. خبر یئتیشر آغانین قوهوملارینا تۆکولرلر قوهوم داواسی دوشر، چوخ آدام هلاک اولار، اؤلولری یغیشیدیریب قویلاياندا، شیطان او آدام ایله اوز به اوز اولار.

شیطان دئیر:

گۆردون من هیچ بیر ایش گۆرمه دیم؟!

او آدام دئیر:

- دونیانی ویردین بیر بیرینه. الله سنه لعنت ائله سین!



دوه اويونو رقيه عبدېلى



قايناق شخص: سلمان عبدېلى. دوغوم: ۱۲۹۴/۱/۱، اۆلوم: ۱۳۹۵/۳/۱۵. دوغوم يىرى: ماکو/ حسينلى کندى عجم

بىر كندده ائششكله، دوه دن چوخ ايش چكىرميشلر. هر كيمسه يه دوشورموش بونلارى ايشه توتورموشلار، ائششكله دوه مصلحت لشيپ ياخشى فورصتده جانلارنى گۆتوروب كنددن قاچىرلار. آز گنديب، چوخ گنديب، كندن قيراقدا، مئشه ليكده نفس آلماغا باشلايىرلار. بىر نچه گوندن سونرا آزادليغين لذتى وورور ائششگين باشينا، باشلايىر انقىرماغا!
دوه دئيىر: ائششكلمنه! انقىرما زامانى دئيىل، ياخينلاردا آدم اولار ائشيدىب تاپارلار بيزى. ائششك دئيىر: هر نه اولور اولسون انقىرماغيم گلير! ساخليا بيلمىر.
دوه ائششگه يالوارىر:

ايندى انقىرما واختى دئيىل كس سسنى!
ائششك انقىرماقدان ال چكىمىر... بونلارى آختاران كندديلردن سسى ائشيدىرلر، گليب ائششكله دوه نى توتوب آپارىرلار. نچه گونده كى ايشلرى يترده قالمىشمىش چوخلو يوك يوكله يىرلر. بو اۆزدن ائششك ايشدن دوشور، قپ ائششگين يوكو آغير اولدوغونا يئنه ائششكليكى توتور دابانينى ائليشديرىر يتره گئتمىر، جاني آجىمىش آدم، ائششكى چۆلده بوراخا بيلميه دىكى اوچون يوكون هاميسىنى دوه يه يوكله يىر. ائششكى ده اوسته ليك، اۆزوده چيخير اوتورور ائششگين اوستونده...

حيوان دوه ائنىش - يوققوشو نفسىنى زور آلا- آلا، ياخشى بىر ائنىش يترده، بىردن باشلايىر گولمگه.

ائششك سوروشور: نه اوچون گولورسن؟!

دئيىر: اوينا ماغيم توتوب!

ائششك دئيىر: نه اوينا ماغى! اوينا ماغى واختى دئيىل.

دئيىر: تام واختىدى ساخليا بيلمىر...

دوه باشلايىر گوله گوله اوينا ماغا...



توپونیملر، آدلار

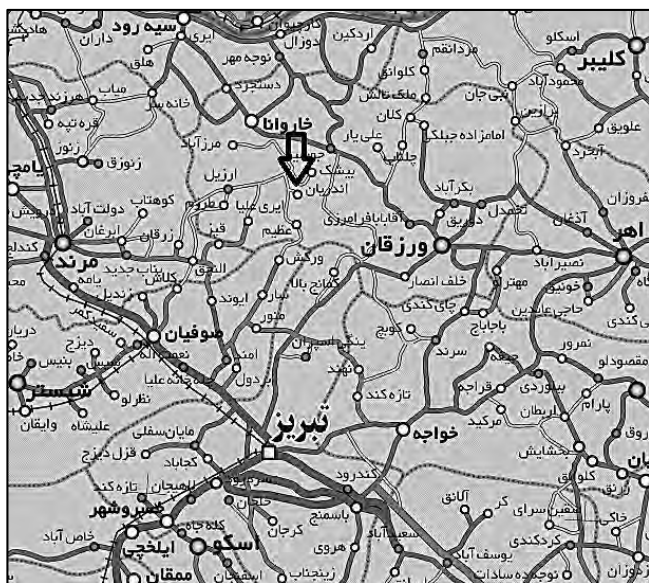
انديرگان كندينه عايد بير نچه توپونيمين آچيقلاماسى

رامين جبرائىلى

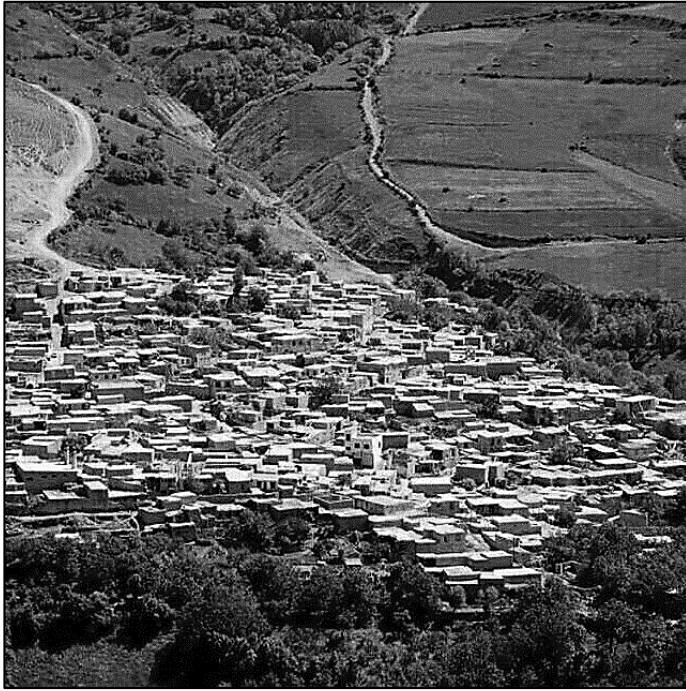


انديرگان دوغو آذربايجانين ورزقان شھرينين خاروانا بخشينه باغلى بۇيوك بير كنددير.. اون سگگيز بۇلوملو قاراداغين ديزمار چوخوروندا انديرگان داغليق بير بۇلوم اولاراق گوزل طبيعته ماليكدير. انديرگانين هم كۇيشنلرى عبارتدير: سھرون، بئشك، يئنديجه، عظيم، موورى، گونہ گۇرہ، حاجيلار كندى، گوراندى. تبريزدن انديرگانا گلماك اوچون ان ياخين يول بودور كى تبريز- مرنىد يولوندىن صوفيانا قالميش اممىند يولونا دۇنوب، طرزىم گئىدىگين آشيب، كندە وارماق جمعى ۹۵ كيلومتر يولدور.

۱۳۸۵- جى ايلين آمارينا گۇرہ كندين جمعىتى ۱۴۰۰ نفره ياخيندى. كندە ۳۴۰ ائو وار. آشاغيدا بو كندين بعضى توپونيملىرى حاقيندا آچيقلامالار وئربلهجك.



انديرگان كندى نين تبريزه گۇرہ موقعيتى



اندېرگانين کندینىڭ ئومۇمىي گۇرۇنۇشى

1- اژداھا داشى «اندېرگان كندى»

دونييا اوزرىنىدە اولان بىر چوخ اينانجلاردا «اژداھا» آدلى، گۇزە گۇرونن يا گۇرونمەين بىر جانلى اولموشىدور. اندېرگان كندىنىدە اولان اژداھا داشى بو كنددە تورك اينانجلارينىن چوخ- چوخ كۇكنلى اولدوغونو دوشونە بىلدىگىمىزدن قات- قات يوخارى آپايرى. سلجوقلار خاقانلىغىندان قالان خاقانلىق دامغالارينا (مۇھورلرېنە) باخاراق، بو داشىن بو كنددە اولماسى ان آزى، كندىن سلجوقلار دۇنمىندە ان اۇنملى يىرلردن سايىلدىغىنى بىلىندىرىر. أما بو اۇنمىن كۇكو سلجوقلاردان چوخ قاباقلار حتى مسيحيتدن دە چوخ- چوخ قاباقلارلا قايىدىر. آرتيرمالىيىق كى، اژداھانىن آدى «انجيل» دە گلىبىدىر. اژداھا آدىنىن كۇكونو آيرى- آيرى دىل لرە (روم، چين،...) باغلاسلار دا دوشونجەمىزجە اژداھا آدى تورك كۇكنلى بىر آددىر.

◆ اژداھا آدینین آچیقلاماسی

*چوخ معمول اولاراق تورکجه میزده «آجماق» سؤزونون یئرینه «آژماق» دئییلر. دئمک دېلیمیزده «ج» سسیله «ژ» سسی بیر- بیرینه چئوریلیر.

اژداھا= آج داھا / آج داھای

*تورک دېلینده سسلی لرین اینجه- قالین اولدوقلاریندان دولای هر بیر آد ان آزی ایکی

جور دئییلیر!

قالین: آج

اینجه: اچ

"*آج" سؤز جوگو دېلیمیزده بیر چوخ آنلام داشیان سؤز جوکلریمیزدن دیر!

آج= آجماق، گرسنه

آج= آجی، تلخ

آج= آجیماق، ترحم

آج = ائل آدی

آج= آغاج اینسانی، آجار، قاجار

...

اژداھا= آجیماسیز اولان، ترحم سوز

◆ اینانجلاریمیزدا اژداھانین یئری

اصلینده اژداھا همان انسانین نفسی دیر. انسانین ایچ دونیاسیندا یئرلشن قارانیلیقلاردیر، قارنی زیغیلیقلار، دارباخیشلیقلار، تورلو- تورلو عارسیزلیقلار، ساتقینلیقلاردیر. اژداھا آغزیندان ان یاندیریجی اودلار پوسکوررک انسانی اوزو شیرین- ایچی آپ آجی اولان ایشلره ساری چکیب، او ایشلرین اودوندا یاندیرماق ایسته ییر. روحونو قارانیلیقلار، جیسمینی اؤترگینلیکله اسیر قیلیر. آما همان اژداھانین بیر یاخشی اوزو ده وار! هر هانسی انسان یا هر هانسی ملت اژداھانین پوسکوردویو اودلارا آلیشما ییب، یاراتدیغی چیرکینلیکله قاریشماماغی باجاراراق روحونو آپ- آری (تمیز) ساخلایا بیلسه، اژداھا او انسانین یا او ملتین قولو اولار. یاخشیلیقلار قولا اولان اژداھا اورکلردن قارا قورخولاری گؤتوررک یئرلرینده ارلیک، ارزلیک، دوزلوک اکر. روح بیرلییی یارادار! روح بیرلییی یاراناندا

- مینلر جان بیر روحو داشییار.

- گوونج یارانار.

- آیاق باشی، باش آیاغی قورو یار.

- ھامى دوشمنە- دوشمن، قارداشا- قارداش اولار.

يوخاريدان ساييلان اۆزلىكلرى الدە ائتمەك اوچون كئچميشلەردە ھەر بىر ملت، ھەر بىر حاكىمىت تورلو- تورلو تۇرنلر، آئينلر يولا سالارميشلار. بو تۇرنلرى يولا سالا بىلجەك اينسانلاردا اۆزل آدلار وئرك اونلاردا سايغى گۇستىرميشلر. بايراقلارينا، دامغالارينا، بينالارينا، داغلارينا، ادبياتلارينا... اژداھا اوچون اولان سايغىلارينا آياقدا ساخلاماغا چالیشارميشلار. بىر سىرا حيوانلار (عقرب، ايلان، قارتال، توسباغا...) اژداھا آدلاندىردىقلارنى بىر وارليغىن بىر پارچاسى اولراق دىرلندىرميشلر.

اندىرگان كندىنە قايىدىقدا دا اژداھا داشى بو كندىن اقتدار داشى ايميش. اينانجلار باخيمىندان يوزە- يوز اژداھا داشى اندىرگانين ان تارىخى يئرى ساييلان «ال شەر» يئرلە ايلگىسىز دئيىل. اژداھا داشىلا ال شەھرى بىر يئره قوياندا بىلىنەر بو كندىن يئرلشدىگى يئر، عادى بىر كند يئرلندن قات- قات يوخارى اولان بىر حكومت مركزى واريميش! بو كند دە او حكومت مركزىندن قىرىلىپ قالمىش بىر كىچىك پارچادىر. آچىقجاسىنى دئسك اندىرگاندا اولان داشلار او يئرلرلر كند اولدوغوندا چوخ، بىر اسكى حاكىمىتىن وار اولدوغو يئردن سۆز آچىرلار. آناغىمىزجا اندىرگانين آدى دا سۆزوموزون نندلرلرلر بىرى دىر. بىز او بۆلگەدە وار اولان قالالار، داشلار، دۆورەدەكى كندلەر، داغلار، يئردن تاپىلغان تاپىنتىلار، ياشلى اينسانلارلر سۆزلرلرلر باخاراق بئله دوشونوروك، او بۆلگە حكومت مركزى ايميش. اندىرگان دا او حكومتلرلر سواشچىلارلرلرلر يئرى ايميش! دۆورەدەكى كندلرلر ھەر بىرىنلر دە اۆزل ايشى وارايمىش. كندلرلرلرلر آدى ايشلرلرلرلر گۆرە ايمىش!



اژداھا داشىنلر شەكلى (البندە قىزىل آختارانلار قاچاقچىلار اژداھالىقدان ساييلار)

۲- شامبىن درەسى

♦ تۈرك اېنانچلارى اوچ اساس اوستە قورولوب:

۱. دوغا گۈجلرى «طبیعت قوۋەلرى»

۲. آتالار يولو

۳. گۆى تانرى

بو اوچ اساسىن بىرىنجى يىرىندە يىرلشن دوغا گۈجلرىنە گۆره كايناتىن ھەر بىر وارلىغى ياخشى يا پىس روح داشىير. داغلار، درەلر، چاپلار، سو، سئل، وولكان،...
بو روح داشىمانى گۆزە آلازاق «شامبىن درەسى» نى بئلە آچىقلايىرىق:
شام + بىن، بىن

■ «شام»

«شام» سۆز جوگو تور كجەمىزدە بىر نئچە آنلام داشىير:

۱. گنجەنىن اول باشلانىشى/شام چاغى /

۲. سۈيو اولان يىر/ دئم يىر/ شام يىر/

۳. قارائلىغا ساجىلان ايشىق، شمع

۴. بىر جور اينانچ آغاجى، سرو

■ «بىن»

«بىن Bin" يا» بىن Bin" ايكى آنلاملىدىر:

۱. تمل، بىنۆورە

۲. بركتلى، بارلى، بارىن مالى

♦ «شامبىن درەسى»

اندىرگان كندىندە، بو درە كند اوچون بوتون ياخشىلىقلارنى يىرى سايىلان «ال داشى» نا پاپىشىقلى بىر يىردەدىر. كنددە ياشايانلارنى سۆزلىرىنە گۆره ان اسكى چاغلاردان بو درە كندىن او بىرى يىرلىرىندىن چوخ- چوخ فرقلى ايمىش. بو درەنىن توپراغى چوخ بركتلى، سۈيو بول، بارى تايىسىز ايمىش. كندلىر بو درەنىن بارىندان يىمكى ياخشى ساندىقلارى اوچون بو درەدە اولان باغلارنى بارىندان آلامىشلار. كنددە ياشايانلارنى بو سۆزلىرىنە گۆره ھم دە سۆزجوكلرىن آنلامىنا باخدىقدا بو درەنىن آنلامى بئلە دوشونولو؛ شامبىن درەسى = بركتلى درە، ياخشى روح داشىيان درە.

آرتيرمالىيق «شام بين دره سى» اينانجلار باخيميندان «شام آغاجى» اينانجيلا دا
ايلگىلى دير!

■ «شام آغاجى»

تورك اينانجلارينين «دوغا گوجلرى» بۇلومونده بير نئچه آغاجين قوتسال روح
داشيمالارينا اينانيلير.

۱. دونيا آغاجى / آردىچ آغاجى همان سرو/

۲. چينار آغاجى

۳. نار آغاجى

۴. توت آغاجى

۵. انجير آغاجى

*شام آغاجى همان آردىچ يا سرو آغاجيندان كسيلميش ال آغاجيميش. شام آغاجىنى
طبيعت گوجلرينى منيمسهيە بيلميش اۇزل اينسانلار اۇزلريله دولانديرارميشلار. انسانلارين
اۇزليلكله اوشاقلارين كئفسيزليك چاغلارى «شام آغاجى» يلا خاپا- خاپدان اونلارين
كوركلريندن وورولوب، اونلارين ياخشىلاشمالارى اوچون دوغا اولونارميش! بو ايشين
آردىنجا دا روحلارا دىنچليك گتيرمه سينه اينانيلان «اوزيرك» سالىنارميش. هردن ايسه
بو ايشلرى «شام آغاجى» يثرينه «قورد الى» له گۇررميشلر. قوردون الينى كسيب ائوده بو
ايشلر اوچون ساخلارميشلار. هله ده «شام» يا «شام آغاجى» يلا ايلگىلى اولان بير چوخ يئر
آدلاريميز وار.

◆ تبريزده محله آدلارى:

۱. شام قازان

۲. شام آوا / شمس آباد/

آيرى- آيرى يئر آدلاريندان:

شام بايات، شاملى، جام/چام/شام، سرچم/سرشم، جاما/شاما،...

«شام آغاجى» يلا ايلگىلى بير چوخ كندلريميزده اولدوغو كيمى انديرگان كندينده بير
اوشاق اويونونا گلмыш چوخ- چوخ قديمى بير دوغا واردير!

بربرىجى

اينە- اينە، اوجو دويمە
شام آغاجى، شاطير كىچى
قوز آغاجى، قوتور كىچى
ھاپپان- ھوپپان، يارىل- يىرتىل
سو ايچ قورتول
آغ ناغارا، گۆى ناغارا
وور دووارا، چىخ قىراغا!

بو اوشاق اويونونا گلمىش دوعانىن اصيل آنلامىنى كندلىلر بىلمەدىندىن سۆزلەين دوز
دئىملەرىنى زامان سورجىندە نىسەلدىن نىسەلە دىشىمىشلر!
چوخ قىسا اولاراق اوشاق اويونونا گلمىش قدىمى دوعانىن آنلامىنى يازماقلا، يازىمىزا
سون قوبوروق؛

* دوعا كئفسىز انسانىن اۆزلىكلە اوشاغىن باشى اوستە دئىلىرىمىش!

بر- برىجى «اى قوروقچو»

اينە- اينە «دوزو اينە- اينە، سىزىلدا- سىزىلدا»

اوجو دويمە «اوجو يوخ، اوجو دويمە، دئىك اىستە يىر بو كئف سىزىلەين انتقامى
دويمىك دىر، اونو باغلاماقدىر»

شام آغاجى، شاطير كىچى «شام آغاجى چۆرك ياپان كىچى تىك زىروە لردە»

* كىچىنى اۆزلىك حيوان سانارمىشلار

قوز آغاجى، قوتور كىچى «قوز=گىردىكان، كئف سىزىلىك دوغان قوتور كىچى گىردىكان
آغاجى دىك اولموش»

* گىردىكان آغاجى بۇيودوكدە او قدر قول- بوتاق اتار كى اوندان سونرا اونون توتدوغو
يىردە آيرى آچاچ بۇيوك اىمكانى تاپماز.

ھاپپان- ھوپپان، يارىل- يىرتىل «كئفسىزلىيە دئىك اىستە يىر كى، آتيل، دوش.

يارىلاراق يىرتىل، آرادان گئت»

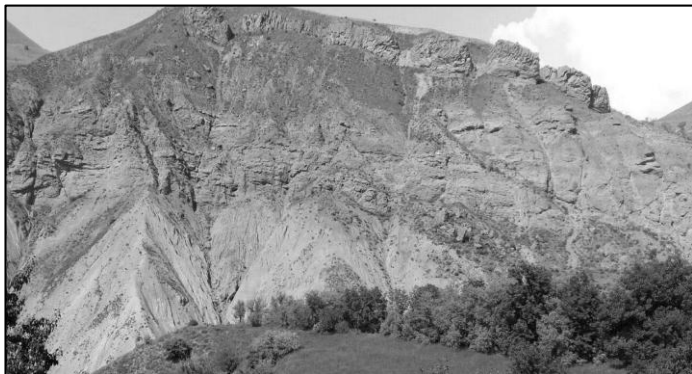
سو ايچ قورتول «سو عنصرورونون قورتارىجىلىغىنا ايناناراق كئفسىز آداما سۆيەلەيىر، سو ايچ»

آغ ناغارا «ياخشىلىقلارلار دۇورانى»

گۆى ناغارا «بۇيوكلوكلرىن دۇورانى»

وور دوارا «كئفسىزلىكى چال دووارا، آرادان گئتسىن»

چىخ قىراغا «ساغلاملىغا چىخ»



قازان داشلاری داغین باش طرفینه یاخیندیرلار

۳- قازان داشلاری «اندیرگان کندی»

تورکجه میزین سۆز داغارچیغیندا پیشیر- دوشور اوچون ایشله نیلن قابا «قابلامایا»، قازان دئییلر.

آما اینانجلار باخیمیندان آدینی چکدیمیز «قازان داشی» نین آنلامی قاب یا قابلامایا یوخ بلکه زامان- زامان اوستونه توز قونوب یادلاردان چیخماغا ساری گئدیلن «تورک اینانجلاریلا» ایلگیلیدیر. سۆزلریمیزین یاخشى آنلاشیلماسی اوچون «قازان داشی» سۆزجوگونو ایکی یئره بۆلوب اۇنجه هر بیرینی آیری- آیری آچیقلامالییق.

◆ ۱. قازان «قاز+ان»

«قاز» آدی آذربایجان آدینین بیرینجی بۆلومونده یئرلشن «آذ» آدینین سس دئییشیملرینه اوغراشیب بیر آدان نئچه- نئچه تۆرنمیش آدلاریندان بیریدیر.

◆ «آذ» آدینین «قاز» آدینا چئوریللمه سی

چوخ، چوخ قاباق زامانلاردان بو گونه کیمی کؤکنلی اولاراق سۆزجوکلریمیزین قورولوش یاساسی «سس سیز (بی صدا) + سسلی (صدادار) + سس سیز» اولسا دا دیلیمیزده «هاس» آدینا «آس»، «هوس» آدینا «اوس» یا «هاچار» آدینا «آچار» دئییلدی کیمی «هاز» آدینا «آذ» دئییلیب دیر.

«ه» سسینین دیلیمیزده «ق» سسینه چئوریله بیلدی اوچون «هاز» آدی «قاز» آدی کیمی ده دئیلمیش دیر.

هاز= قاز = آز

«قاز» آدى تورك ائللرينين بيرينين آدى اولاراق آنلام باخيميندان «اوجا، بۇيوك» آنلامىنى داشيىر. هردن ايسه بير سيرا سۆز تركيبلرينده شيشمك، گرلنمك آنلامىنى داشيىر. اۆرنك «قازلانماق»؛

* ائلده چوخ شيشن يا چوخ گرلنن آداما دئيرلر «قازلانما»

يا اردك لرلن قوشلارننن ار ككينه، هاى كويلو اولدوغوندان «قاز» دئيرلر.

تارىخ باخيميندان «قاز» ائلى ائتگىلى بير ائل اولدوغوندان تورك توپراقلارننن بير چوخوندا اۆز آدينى ياشادا بيلمىش دير. اۆرنك اولاراق «قازاغىستان، قافقاز، قزوین...» «قاز+ان= قازان» اولدوغوندا ان بۇيوك يا ان اوجا آنلامىنى داشيىر. يئر اوزونه سپلنمىش بوتون تورك ائللرينين اۆزلىكله آذربايجان توركلرى اوچون ان ديرلى كىتاب ساييلان «دده قورقود» كىتابينين دا داستانلارننن بيرينده ان اؤنملى شخص لردن بيرى ده «قازان خان» آدلانير. «قازان خان» ان بوتؤو انسان، ان زيروه باخيشلى انسان دئمك دير.

◆ داش «داش دؤورو»

قالارقيلىغى ايله سرتلىگى يان- يانا اولدوغو اوچون انسان اوغلو مدنيت ياراتديغينين ان ايلكىن آنلاريندان داشلارا اوز گتيرمىش، داشدان سيلاح ياراتمىش، اونولا ديوارلار ياپمىش، ايز بوراخمىش، چتين آنلاريندا اونا سيغينمىش، سيستملىشديرمىش اينانجلارينى داشلارا كۆچورتمكله اينانچ سيستمى نين قالارغى اولماسينا چالشمىش، زامان- زامان داشلارين روح داشيديغينا اينانمىش. دئمك «داش» انسان اوغلونون مدنيت تاريخينين ان ايلكىن چاغلاريندان اونولا يول بير اولموش، بو گونه دك ده يول بيرليگىنى كسمه مىش. بير گون تاريخين كتيبهلرلى اونون اوزرينده جانلانمىش، بير گون قبيرلرين باش داشى اولموش، بير گون كۆرپو، بير گون بولاق داشى، بير گون دووار، بير گون قالا....

آما هاميسيندان اؤنملى ده «اينانچ داشلارى» اولموش، كىتابين، يازينين، حتى بئله خطين يارانماديغى زامان انسان اوغلونون هر بيريسى اۆزلىكله تورك اينسانى اينانچ سيستمىنى داشلارا كۆچورتمگى دوشونموش. او اينانچ داشلاريندان يالنيز بير تورو، «قازان داشلارى» دى. يوخسا بير چوخ اينانچ داشى واريميز.

۱. ال داشى

۲. دئو داشى

۳. كيران داشى

۴. اژداها داشى

...

«اندیرگان» كندینده ده یئرلشن «قازان داشلاری» اۇنجه‌لیكله بو كندین یئرلشدیگی بۇلگه‌نی ان ایلکین یاشاییشین قورولدوغو یئرلردن تانیئدییر. بو بۇلگه‌نی تام تورک اینانجلارینین یئرلشدیگی یئر تانیئدییر. تاریخن یادداشینا کۆچورولمه‌میش بیر چوخ سۆزلردن، سۆز وئیر.

* قازان داشلاری ایله ایلگیلی بو گونوموزه‌دک ائل آراسیندا «داش قازان» سۆزو وار. «داش قازان» دندیكده آماج پیشیر- دوشور قازانی یوخ، بلکه او دوشونجه قازانینا دئییلیر کی، هله- هله قانینا گلمز آما قانینا گلدیینه ده هله- هله قانینا قدان دوشمز. دئوریملر شهری تانیئمیش، تبریز شهرینین آدیلا باغلی تمکینلی دئوریمچیلر بیر چوخ سۆزلرین قارشیسیندا دئیرلر «تبریزین داش قازانیام» «تبریزین داش قازانیام» دئمک، قارشیدا اولانا «من هر اسن یئل ایله یئریمدن اولمارام» دئمک‌دیر!

«قازان داشلاری» نین آنلام آچیقلاماسی
قاز: اوجا، بۆیوک

قازان: بۆیوک انسان، بوتؤو آدام «تورک اینانچ سیستمی نین ان بینیمیش انسانی»
قازان داشی: انسانلیغین ابدی‌لشمیش هئیکلی
قازان داشلاری: انسانلیغین سیراسی‌لاشمیش هیکل‌لری «قازان داشلارینین هر بیر یسی بیر اؤزل‌لیگی داشییر، سیرایلا بیر یئرده اولمالاری دا بیر بو بوتؤولشمیش سیستمی گۆز قاباغینا سرگیله‌ییر»

وورغولامالیق قازان داشلارینین سای یئدی‌دیر. اینانجلار باخیمیندان دا یئددی انسان اوغلونون اون قوتسال سانیدیغی سایلاردان بیر ی‌دیر. انسانلار بیر چوخ ایشلری ایله اینانجلارینی بو سایین اوستونده آیارلایارلار. اؤرنک اوچون
۱. اینانجلارا گۆره انسانلیغین یئدی قاتی وار. هر کس او یئدی قاتین هامیسینی سووا ییلمز!

۲. گونلرین بؤلوشدورولمه سایلاریندان بیر ی‌دیر ده یئدی سای ی‌دیر. هر یئدی گون بیر یئددیجه «هفته» ساییلیر.

۳. اینانجلارا گۆره یئر- گۆیون یئدی قاتی وار.

۴. اینانجلارا گۆره یئنه تام قوتسال یئرلرین یئدی بولاغی اولور.

۵. اؤلچو اولراق هر شهرین یئر یئدی «آرپا» اولورموش.

۶. ان اسکی چاغلاردان اوشاغی یئدی یاشیندا اؤیرنمگه ساری یؤئلدیرمیشلر.
۷. شاهلارین دسته خانینا یئدی جوره یئمک گتیریلیرمیش.

...

- ائل آراسیندا یئدی قونوسوندا بیر نچجه دئییم ده وار!
- بئرین یئدی قاتینی آختاردیم، تاپمادییم.
- بو سؤز یئدی قاتیما ایشله دی.
- قاتی پهلوان «هر یئدییه بیر قاتی دئییلیر».

آنلاغیمیزجا، اندیرگان کندینده «قازان داشلاری» چوخ- چوخ اسکی زامانلاردا (م. ق) بو کندین یئرلشدییی بؤلگه ده، بؤیوک بیر تمددونون وار اولماسینی وورغولاییرلار. بو داشلار بو تمددونو یارادیب قورویا بیله جک بیر دؤولتچیلیگین ده نیشانلاریندان اولاییلر! بو کندده قالان او اینانج داشلاری دا بو سؤزوموزون بلگه لری دیر.

قایناقلار:

آذربایجان خالقینین سوی کؤکونو دوشونرکن میرعلی سیدوف
نگاهی به اژدها در اساطیر دکتر منصور رستگار فسائی
نقش اژدها در اساطیر ترکمن سرگی دمید، ترجمه: رحیم کاکایی
واژه های اساطیری آذربایجان صمد چایلی
شفاهی ادبیاتیمیزدا اوشاق فولکلورو علیرضا صرافی
رمضان خلفینین دانیشیق لاری «یازار، شاعیر، آراشدیریجی»
باشلانغیچ دکتر حمید نطقی
داشلار/مقاله/ استاد حسن اومود اوغلو
دده قورقود سید سلامت

فولکویازی



قونشو قمر تاج خانیم

زهره وفا یی

ایلر اۇنجه آناسی قمر تاج خانیم اولان قونشو قیزی، نیم تاج خانیملا، بیر تویدا راستلاشیدیق. اوشاقلیق دونیاسینی یئنیدن تاپمیش کیمی هر ایکیمیز سئوینجدن نه ائتمگی بیلیمیردیک. گئچمیش خاطره لری تر- تلسیک سایماغا باشلادیق. آنجاق زامان، بیزیم خاطره لره سیغمادی.

- بیزه گل! بیر ایلشیب دو یونجا دئییب- دانیشاق! نیم تاج خانیم دئدی، سونرا عنوانینی منه وئردی. اورایا گئتمگه قرار وئردیم.

بئش یتیم آناسی اولان رحمتلیک قمر تاج خانیم، حیات یولداشین یی فرقه محاربه سینده ایتیرمیشدی. نصرت بیگ، آدلیم فرقه چی ایگیرمی بیر آذر فاجعه سیندن سونرا تبریزین سویوق قیشیندا، دار کوچه لرین بیرینده تانیماز بیر نامرد الیه گولله لنی ب اولموشدو. قمر تاج خانیم ایسه بئش اولادلا حیات چتینلیکلر یله تک باشینا قالمیشدی. یادیم گلن گونلرده، من قمر تاج خانیمی محله خانیملارینا ژاکت- اتک- بلوز و... باشقا گئیملر توخویارکن گۆرموشدوم. دئمک بو قرار ائو خرج - مخارجینی چیخاردیرمیش. آنجاق اونون ائوپنه گئتمک و سوز آپارماق منیم ان گۆزل ساعاتلاریم اولوردو.

ائو، آستانادان توت تا تئبی اوتاغی نین یوخاری باشینا کیمی سانکی بیر ال ایشی موزه سی کیمی گۆرونوردو. قمر تاج خانمین الیه تیکلمیش پرده لر، طاقچا پوشلا، میتککه اوزلری، بالیش اوزلری، چیراغ اؤرتوکلری، جعبه اوستلری... نه بیلیم سامور یئری، جاناماز، تیمم کیسه سی، دم پوخت، یخدن اؤرتوگو، رخت اویز اوستلوگو... و هر نه گۆزل بیر حالدا تیکیلیب، گۆز سیراسینا دوزولموشدو. اللرینده دایما ایکی میل چابالارکن بیلیم قمر تاج خانیم بونلاری تیکمگه و دوغروسو یاراتماغا نه زامان باشارمیشدیر؟ توپراقلیق حیطی بیر

ئايىلە سولايىب، مەرمىر ئايىلە سوپۇرۇردى سانكى حىط توپراقدان يوخ مەرمەردن تۆكۈلمۈشۈدۇ.
 ھەرنە قەمەتچە خانىم ئۆيىدە گۈل تەك پارىلدايىب، گۈل تەك عەتىر ساچاردى!
 گەچمەش گۈنلەردە نەمەتچە خانىم ئۆيىدە گەتتەيم. دۈرۈسۈ خەتەرلەر ئوزۇندىن ئونون ئۆيىنى
 عىنى ئاناسى كىمى گۈللۈ - عەتىرلى و قادىن الى ئايىلە يارانمەش تەسۈر ئىدەيم. آمما
 تەسۈرلەيم سەھو! مەخمل مۆكتەر، فەرى موبىل لار، رەزىلى قالىلار، بۆفتەر، ئوپەن مەتىخ،
 سايى سەز لامپا شارلار، مەكە سوۋقاتى مەز ئۆتۈكلەرى، سەفەرلەر ئولان پەردەلەر، كەركەرلەر... بو
 ئۆيىن ھەرنە يى بازاردان ئالەنەب ئۆتە تەخىلمەشەدى!... ئورگەم سەخىلەدى... سانكى بو ئۆيىن
 قادىنى يوخموش!

دۈرۈدەن زامان بىزلىرى ھارايە گەتەرىب يەتتەرمەشەدىر؟ دۈرۈدەن بىزىم قادىنلار نە
 گەلمەشەدىر؟ ئولاردا ئولان حەيات سەۋگەسى، ئۆ و ئائىلە سەۋگەسىنى كەملەر چەلمەشەدىر؟
 ھەرنە يى پۇل ئايىلە ئالماق و ئۆزىل بەشارىلار ھەچ دە قورۇماغى كەم بىزىلەر قايتا تاراجاق؟ بىزىم
 دۈقلى و سەنەتكار قادىنلار بىزىم ئالان بۇياقلى سەپەرلەرنى كەملەر اللەندەن ئالەب، ئولار بىزىم
 يەرنە ئالان بۇياقلى داۋا - دەرمانلار و ئۆرمەشەدى؟ دۈرۈدەن ھەچ بىلەرسەنەز قادىنلار بىزىم
 ئالتى بىزىم ئارەكلەردەن ئرتەق حەكىمە گەندەب، دەرمان يەتتەرمەشە؟



کلین - قاینانا داعواسی آشیق گونش

قدیمکیلر ده نه دئورانلار، نه حکمتلر وار ایمیش! آله رحمت ائیله سسین رحمتلیک ننه
حوصله سی اولاندا منی چاغیراردی دئیردی:
گل اوتور بالام بیرسؤز یادیمادوشوب دئییم!
بیر قارری قوجانین تک دنه اوغلان وارلارییدی، اوغلان بی عار و بی درد، بی فیکیر،
بی تاعصیب، بیوای^۱ ایشی بویودو تئزدن دورا تئل لرین یاغلایا دوشه دامدان داما، کوچهدن
کوچه یه، وئل - وئیلان، بی باش گزماغا آخشام یاتماغا گلردی دده و ننه نده سایمازدی.
هرنه دده - ننه دیپردی، دانلاردی، اؤیود وئردیلر، باشا گلمزدی. دده - ننه اؤلچو توک
ائیلهدیلر، دئدیله بو اوغلانا آرواد آلاک، بلکم آدام اول! دانیشدی ریب اوغلانی یولا گتیردیلر.
فلان بییی قیزی نی گوروب، بئندی توی - تاماشا گلینی گتیردیلر، ساغلیق اولسون گون
گوندن گئچدی، آی آیدان دؤرد و بش آلیقدا بللی اولدو گلین گومانلی دیر^۲، پاییز دولانیب
ایستر قیش اولما قدیم زامانلار ایندی کیمی دؤیولدو^۳. قیش ائله قیش ایدی بیر چان
گورردین نچه گیجه - گوندوز قار گلر، گونده اؤن یول دام - پاجانین قارین توکردیلر. اؤن
گوندن بیر داوار مال طووله دن چؤله چیخمازدی همان طووله ده سو وئردیلر مال - حالا^۴،
ایندی قیش هاواسی دئری^۵ باهاردی بیله خوشدور. سؤزوم اوردا قالدی قیش گلیر هامی

^۱ بیوای: تئل، عارسیز

^۲ - گومانلیدیر: ایکی جانلیدیر، حامله دیر

^۳ - دؤیولدو: دئییلدی

^۴ مال - حال: مال - داوار

^۵ - دئری: دئیرسن

قۇتۇم- قونشو داملارا سوواخ چكىرلر. پالچىخا بىر آز سامان قاتىردىلار بو قَدَر آياخلاردىلار پالچىخ ساققىز كىمى اولاردى، دئىيردىلر سوواخ. بو پالچىخداكى سامان قويمازدى سو بىر يىغردن گىرسىن بعضىلر بىرآز دوز توكردىلر داهى لاپ اسفالت كىمى اولاردى داملارى سوواياندان سورا گىددىلر اۇدون يىغىب، گتيردىلر قىشدا ياندىرماغا هر كىمه هر نه لازىمىدى تدارك گوروب حاضىرلاردى. بىر وخت قىش و بوران اولدو، يوللار باغلاندى، كلفت و اوشاغى قىشدا چىخاردا بىله، ^۱ اۇلدورردىله ... بو جانىم اوغلان ياتاردى ناھارا چئىن ^۲، ناھاردا دوراندا آروادا دئىردى:

گند نەم گىلدن، نەى گىلدن گۇر نه وار آل گتير يئىم.
«هله كى نه طاس وار نه حمام، اۇرتالىخدا اۇنار قىز تامام»
بو آرايىخ سۇزونه قولاخ وئرمه بىر گونده هامى ايشلىرى گۇررم، دور دور قاچ گند تئز من
ال- اوزومه سو وورانا گلىمه ^۳ ها!

آرواد بئنا اوزونو سالىب آياغى آلتىنا قىسىله- قىسىله اۇز يانيندا دئدى:
گندىم گنه ايله نەم گىله، هر نه اولسا نەدى اوزومه سۇز دئمز!
گلدى هر نه واردان يوخدان نە بئناو يىغدى وئردى، دوشدو يولا گلىردى قئىن
نەسینه ^۴ توش گلدى.

سلام بى بى! صاباحىز خئىر اولسون!
سالامى سال ^۵ اۇ كونجه! كولدن توكوم باشىيا. ^۶ بۇيومهىش! ايندى ده ايشىم چىخىب
اولومى قاراچى قىزى؟ تئزدن قاپولارى دىلەنيرى، يارىمامىش!
ايندى اوغلان نەسى دىلى بىر قارىش اوزانىب اىستر هامى كاسا- كوسانى سىندىرا آلنى
قارا گلين باشىنا!

اۇز يانيندا آتىلىب دوشدوم دئدىم ^۷ دليجهمه آرواد آلدىم، نه بىلردىم باختى ياتمىش بالاما
اۇدرها آلىمام گۇروم كى بلكم نەى اۇلسون بالام. كۇر اولادىم بوگونلىرى گۇرمه يىدىم. نئجه
اۇز اليمىن جىگر گوشه مى سالدىم هالاو ^۸ ايچينه، يئرى ^۹ چىلن قارنىندان چىخان نەيدن
آرتىخ پ... اولماجايايكى، الله رحم ايله سىن قارنى داكينا، سىزىن تىر و تىناوايا چكسه كول

^۱ - بىلنمىش (قويون)، فا: پروارى (گوسفند)

^۲ - ناھارا چئىن: ناھارا كىم، ناھارا قدر

^۳ - گلىمه: گلىن، گلمىش

^۴ - قئىن نە: قاينانا

^۵ - هالاو: آلاو، اود

^۶ - چىل: پىس قادين

باتمانى مېن تومن تاپام توکم اۋزوم، بۇيا— باشا گلەلى گون گۆرمەين، نەنەسى اولموش بالامېن باشينا، ایشیم چىخېب گوندە گوندە قاپولارى دولان!

بو درقۇدە دە قىز نەنەسى، اوغلان نەنەسىن سىنە گلدی:

نەدى گنە آبیرىنى يئىب، حايانى آتیب سىسى آلىماي باشىيا، گۆزۈ يومومى آغزىيى آچىب، ھەر نە اۋزۈپە لايىقدى بو آت بالايا يۈكلەرى! گرچك دئرى او بى عار بى درد بى تاعىب، سامان آلتىندان سو وئرن قودوغويا اۋرگت، بو قارا باختى قاپولارا گۆندرمەسین، غلمېن كولو باشىما گۆزوم گورە- گورە، اۋز الیمین اۋز گۆزومو چىخارتدیم، باخ گۆر گول كىمى جووانازن قىزى نىچە قاراباخت ایلەدیم، بىلمرم دىلیم باغلادیلار سىزدن ھرنە دئەلر الیبدن گلر. سن قىرخ قازانین دامازلىغى ياي، كول منیم باشىما عاقلیم الیمدن آلدیلار بىچارا من بىلردیم قارنىدا قىرخ تۈلكۈ گزە قویروغلارى بىر- بىرىنە دئیمز، نىچە باشیم كوللندى بالام بىم الیمدە قالمىشدى؟

اوغلان نەنەسى دئدى:

گنج اولمەيىب چىم دالا!

قىز نەنەسى دئدى:

اوندا بو قارنىداكى يئتیم- يئسىر قالموشو كىمە وئرىم، سەنە بىر زاد اولماز! آبیرىنى يئىب حايانى آتان نە بىلر نە اولوب، ھلە دور گۆزلە، بو سۆزلرى سالما قاباغا ھامى سنى قودوغويو تانیر منیم كولو تۈكدۈ باشىما دىلیم گۆزوم باغلايىب، جووانازن بالامى الیمدن آلدی ايندى سن دىررى- دىررى دانىشمايى من دانىشاجاغام! ھويل ایلەمە^۱ قدىمكىلرى نور ايچىندە ياتسىنلار دئىردیلر: «مىشندە معلوم اولار^۲» بومثلى قدىمكىلر دئىیلر: قار گلە، آرواد دوغا، يئو^۳ داما، اۋدون تۈكنە، دگىرمان يولو دا باغلانا^۴» زامان چال بالايىن تۇيودو.

داھا مىندن چىخېب قالىب آلاھا سىندە گۆزلە گۆر نە گۈنلرە قالاچايى! حاوالاي وئرىم آلا گۆزلۈ قولسوز حضرت عابباسا (ع) گئد بو بئنوا قىزىن گۈنون قارا گتىرمە!

^۱- ھويل ایلەمە: تىلمە

^۲- قويون بەضا بالاسىن قووب، امىشدىرمز، بعضىلر ادعا اندرلر كى فىلان ایشلرى گۆرسز بالاسىن يانينا آلىب، امىشدىرر، بو دئىیم، «مىشندە معلوم اولار» ادعا، عملدە معلوم اولار معنيسىندا ایشلنر

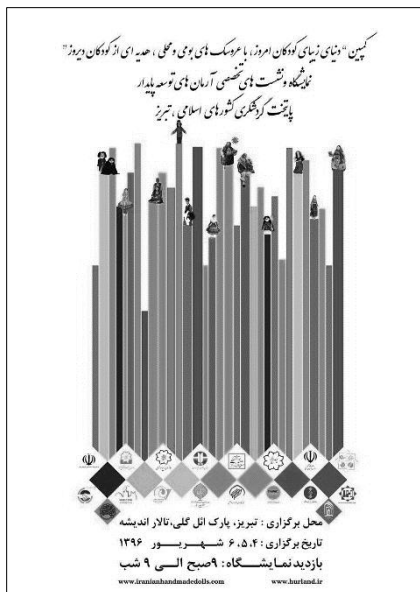
^۳- يئو: ائو

راپور

«اوشاقلارین کؤزل دونیاسی» کمپینی و ائل بیلیمی درنگی نین

چالیشمالاری

یازارلار هئیتی



مرداد آبی نین (قویروق دوغان) ایگیرمی سینده، ائل بیلیمی خانیملاری اوتوروموندا ائلناز خانیم سرداری نیانین بیزلرین گؤرؤشدورمک ایسته دیگی، خانیم «مهسا نشاطی زاده» ایله تانیش اولدوق.

خانیم نشاطی زاده بیر کمپین یین قوروجوسو اولدوقلارینی بیزلره آچیقلایب، بو کمپینی قوروب یئرینه یئتیرمک اوچون ائل بیلیمی موسسه سینین ده بو کمپین ده اشتراک ائتمه سینی ایسته دیلر.

کمپین «دنیا ی زیبای کودکان امروز» با عروسکای بومی و محلی، هدیه ای از کودکان دیروز» آدلی بو چالیشمانین آماجلاری، توریزم پایتختی، تبریزین، باریش و یولداشلیق مئسائینی بوتون دونیا یا گؤندرمک و خلقی توریزمین جاذبه لری ایله تانیشدیرماق و طبیعی و کولتورل میراثیمیزی اونلارا تانیتماق ایدی.

کمپین زومار آبی (شهریور آبی) نین ۴، ۵، ۶- سیندا بیر سرگی (نمایشگاه) قابینده تبریزین ائل گؤلؤ پارکیندا قورولاجاق ایدی و بو سرگی اوچون ۷۰ غرغه، شهرداری

طرفیندن نظردە توتولموشدو؛ بو غرفەلرە
ال ایشلری، کولتورل ایشلر، موسیقی،
فولکلوریک و گلەنکسل قولچاقلار، تبرزین
یثمک و سوقاتلاری سرگیلنەجکدی.

موجود ۲۰ غرفەدن، ائل بیلیمی مؤسسە
سینە ۴ غرفە اختصاص وئریلدی. آچیلش
مراسیمی نین اوشاق موسیقیسی، آئینی
مراسم نمایشی و آشیق موسیقی سینی دە
ائل بیلیمی عهده‌لندی.

بو ایش اوچون ائل بیلیمی اداره‌چیلری
طرفیندن، تلگرامدا فیکیرلشمە اوتاغی
آنلامیندا بیر گروپ تشکیل اولدو و یاردیمی



گنجه‌جک اولان شخصلر بو گروپا اویە اولدولار.

وقتین آز اولدوغو اوچون همن چالیشمالار باشلادی، ایشین گؤرؤشدورمه و اویەلرین
بیری- بیریلە چالیشماسی، یونتیم و برنامه تۆکمە ایشلری هر زامانکی کیمی خانیم نواده
رضی نین عهده‌سینه ایدی، بو آرادا هرکسین ایشه یاردیم ائده‌جگی تانیانلاری واریدی گروپا
آرتیریلدی و هرکس عهده‌سینه آلدیغی ایشلره چالیشماغا باشلادی.





ایکی نفر کئچه
(نمد) قولچاق تیکن
خانیم، صمد بهرنگی
نین قارا بالیق
کاراکتری و پیس
پیسلی پوسته خانیم
ایله سیچان بگین
کاراکترلرینی تیکمگی
عهده لندیلر و هر

کاراکتردن یئددی سکگیز دانا دوزلیندی. (بو قولچالار سرگیده ساتیشا چیخدی).
اثل بیلیمی اویه لریندن «اولدوز طهماسب پور» فولکلوریک ناغیل لاریمیزدان «تبل احمد،
گؤزل فاطما، پیسپسلی پوسته خانیم و جیرتدان» کاراکترلرینی چکیب، یونولیت و کئچه
ایله دوزلمگه باشلادیلار.

دورد- بنش فولکلوریک ناغیل سئچیلیب، «خانیم راک و گونش خانیم» بو ناغیل لاری
نمایشی اجرا ائتمک اوچون چالیشماغا باشلادیلار، بو ایش اوچون «خانیم لاله ایمانی سس
صنعتچیسو و دوبلور» دان ناغیل لاردا اشتراک ائتمگه دعوت اولوندو.

سئچیلن «قاری ننه ایله بیزوو» و «خوروز» ناغیل لارینین کاراکترلرینی «خانیم راک»
چکیب و «گونش خانیم و لاله خانیم» ین یاردیم لاریلا استیکر قالیبینه دوزلتدیلر.

آقای «ناصر زارع» فرهنگی هنری «بوتا» گروپونون باشچیسی و رقص گروپلاری «بیرلیک
گروپو» آیینی نمایش تمرینلرینه باشلادیلار؛ بو نمایشین اجرا سیندا خانیم لار «عالیه
جودی»، «لاله ایمانی»، «فهیمه کاراموز»،
«خانیم جوان»، «مهسا خانیم» و بالالاریمیز
«آراز امانی» و «دنیز امانی» ده اشتراک
ائتدیلر.

گونلرجه چالیشما، تمرین و تدارک
گؤرمکدن سونرا زومار آیینین دؤردو گلیب
چاتمیشدی، سحر ساعت دوققوزدا اثل
بیلیمی اکیپینین چالیشانلاری اثل گؤلوده
حاضیر اولوب، حاضیرلانماسی ناهاراجاق



اوزانان غرفه لری تحویل آلدیلار، سونرا دا ائلبیلیمی دفتیرندن گلن وسایل لری غرفه لرده دۆشه دیلر.

غرفه لرین بیرینه رحمتلیک خانیم صدیقه یعقوب زاده (۱۳۱۴ - تبریز دوغوملو) دوزلدن قولچاقلار دوزولدی.

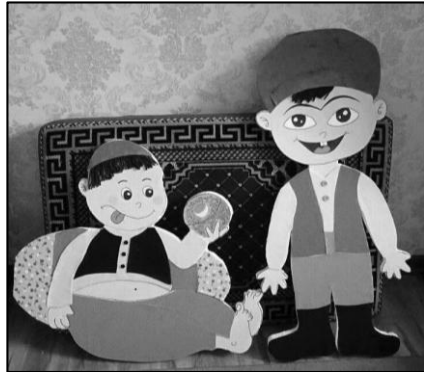
بو قولچاقلارین یانیندا خانیم «لیلا آفتاب آذر» ین دوزلتدیگی کورپه ببه و بارماق قولچاغی، خانیم «نفیس سینافر» ین یاسوجدان دوزلدیب گؤندر دیکلری چؤمچه خاتین و خانیم «زهره فارسیمدان» ین قاشقای قوللا گلینی، «گونش» خانیمین دوزلتدیگی سوپورگه گلین، خانیم «رویا راک» ین دوزلتدیگی چؤمچه گلین، خانیم و جناب «صدیقی» نین متحرک قولچاقلاری و جناب «ناصر زارع» ین گتیردیکلری تکملر ده یئرلرینی آلدیلار.

ایکینجی غرفه ده ائل بیلیمی مؤسسه سینین بوتون فرهنگی، اجتماعی چالیشمالاریندان عکسلر و مؤسسه ده اوپه اولان یازارلارین کتابلاری دۆشندی.

اوچونجو غرفه ده آذربایجانین گلنکسل پالتارلاری و جناب «زارع» ین گۆرمه لی پاپاق و دری بۆرکلر مجموعه سی دوزولدی. دۆردونجو غرفه ده ناغیل لار و رقص اجرالارینا حاضیرلاندى.

ایلك گون آخشام ساعت بئشده آچیلش مراسیمی ائل گؤلونون تالار اندیشه سینده

کئچیریلدی؛ بو مراسimde ائل بیلیمی مؤسسه سی طرفیندن «آموزشگاه موسیقی رودکی» نین اوشاق موسیقی گروپو، آشیق موسیقی گروپو اقالار «محبوب عبدی»، «صفر





محمدی»، «یوسف عبادیان» و نمایش آئینی گروپو و بیرلیک
رقص گروپو برنامه‌لرینی اجرا ائتدیلر.

آچیلش مراسیمیندن سونوندا بیر نئچه نفره او جمله‌دن
اثلبلیمی موسسه‌سی قوروجولاریندان خانیم‌لار زهرا آبدار،
سوسن خانیم نواده رضی و جناب مهندس صرافی یه مراسیمین
قوروجولاری طرفیندن تقدیرنامه‌لر وئرلیدی. بو مراسم اوچون
آقای مهندس «علیرضا صرافی» جناب‌لاری اثل‌بیلیمی
مؤسسه‌سینین باشقانی، تبریزه تشریف گتیریب، چالیشانلارین
یانیندا اولدولار و آچیلش مراسیمینده قیسا بیر دانیشیق
آپاردیلار.

آچیلش مراسیمیندن سونرا غرفه‌لرده، حاضرانان ناغیل‌لار، خانیم‌لار «راک، امانی،
ایمانی» اجراسیله و «بیرلیک» رقص گروپونون گۆز آلیجی رقص‌لری آرد- آردا تاماشاچیلارا
سونولدو.

ایکینجی گونده ایلک گونکو کیمی حاضرانان برنامه‌لر داها دا آرتان تاماشاچیلارا



سونولدو، بو گونده خانیم
«کبری میرحسینی» باشاریلی
سس صنعتچیمیز گۆزل
سس‌لری ایله تاماشاچیلارا نئچه
قطعه شعر، او جمله‌دن خانیم
«سوسن نواده‌رضی» نین تبریز
شعرینی اوخودولار.



آموزشگاه غزنوی نین اوشاق موسیقی گروپو دا، مربی لریله بیرلیکده نئچه گؤزل قطعه موسیقی اجرا ائتدیلر.

بو گونده خانیم «آزیتا وحدت دوست» نقاش و یازار، «تبریزیم» کتابی نین یارادیجیسی ائل بیلیمی غرفه سینه قوناق اولوب، قوناقلارا تانیلدیلار.

اوچونجو گون ناهاردان سونرا ساعت اوچدن تالار اندیشه ده تخصصی توپلانتی «نقش عروسکهای بومی و محلی در توسعه گردشگری پایدار» کنجیریلدی؛ بو اوتورومدا بیر نئچه نفر دانیشدیلار، درنگیمیز طرفیندن ده خانیم «سوسن نواده رضی» فولکلور قونوسوندا و خانیم «رویا راک» گلنکسل و سنتی گئیملر و قولچاقلار قونوسوندا دانیشما آپاردیلار.

بو اوتورومدا باشقا قوناقلار و متخصص لردن علاوه «آقای مهندس صرافی» و «آقای خالط آبادی» جنابلارینین، خانیم دکتر «پروین بابایی» نشریه «صدای زنان» ین خبرنگاری و خانیم «سنبله برنجی» سایین قالالی ژورنالیست و یازار و خانیم «آزیتا وحدت دوست» ون دا حضورلاری واریدی.

تخصصی اوتورومدان سونرا گینه ده غرفه لرده حاضرلاران برنامه لر تاماشاچیلارا سونولدو و ناغیل لارین یانی سیرا، اوشاقلارا کتاب داغیتیلدی.

بو آخشام خانیم «زهره ساعی» تبریزین مجلس نماینده سینین رئیس دفتری خانیم «محمدی» غرفه لریمیزدن گؤروش ائدیپ، ناغیل لاریمیزه قولاق وئریپ چوخ لذت آپاریب بگندیکلرینی دیله گتیردیلر؛ سونرا دا خانیم ساعی نین ائل بیلیمی خانیملاری ایله گؤروشمگه چوخ گؤنوللو اولدوقلارینی و دفترلرینین قاپیسی هر زامان ائل بیلیمی اویه لرینین اوزونه آچیق اولدوغونو دیله گتیردیلر.

گئچن گونکو کیمی اوشاقلارین موسیقیسی، ناغیل لار، شعرلر، آذربایجان رقصلری تاماشاچیلارا سونولدو و ائل بیلیمی موسسه سینین چالیشمالاری مارقلی گؤروش ائندلره آچیقلا ندی.

بو سون گئجه ده خالقين قارشيلاماسى و ايسىتىكى او قدر چوخ ايدى كى گئجه چوخ گئج زامانا قدر برنامه لره تاماشاچى اولدولار و سونوجولارين وداعلاشماسى اولماسايدى داغيلماساغا هئچ گونوللرى يوخ ايدى.

بو اوچ گون چاليشمانين سونوجو بيزلره، آنالار، آتالار و ان اؤنملىسى اوشاقلارين آذربايجانين فولكلوريك ميراثلاريندا، هر قونودا اولور اولسون مارقلى و هوسلى اولدوقلارينين اثبات اولماسى ايدى؛ بيزلىرى او قدر گؤزل قارشيلاييب، سؤزلريميزه او قدر دقتله قولاق وئرديلر كى بيزلىرى داها دا چوخ چاليشماغا مارقلانديرديلار.

اومودوموز وار بيزلره بنله چاليشمالارين امكانى داها دا آرتيق راق وئريله و بيزلر ده ائليه بيلك فولكلوريك دبلريميز، ياددان چيخميش رسملريميز، اونودولموش عنعنه لر و ناغيللاريميزى، شيطان تورو باغلاميش صانديق خانالاردان چيخارديب، توزون آليب گؤزلر اؤنونه سرگيله يک.

اؤزوموزه وظيفه بيليريک بو چاليشما بويو بوتون امكى كئچنلردن تشكور ائلييب، اللروز آغريماسين دئيك:

خانيم مهسا نشاطى زاده.

آموزشگاه موسيقي رودكى نين رئيسى جناب آقاى قادر رودكيان و همكارلارى.

فرهنگى هنرى بوتا گروه و بيريلىك رقص گروهو.

اشيق گروهو، آقالار عبدى، محمدى و عباديان.

آموزشگاه موسيقي غزنوى اوشاقلارى، آقاى رامين غزنوى و خانيم لعيا باحجب.

خانيم لاله ايمانى، خانيم كاراموز، خانيم جوان و قيزلارى مهسا خانيم.

خانيملار زهرا آبدار، نفيس سينافر، فاطمه پرنیان، سولماز بالايى، حميده حقى، عاليه

جودى، مهناز اسلامى، افسون سلطانى، اولدوز طهماسب پور، فرشته، روبا سعيدى، محبوبه

هريسچيان، بابا پور، ملکه

نعلبندى.

آقالار: على خالط آبادى و

رحيم قابل نژاد، على برازنده و

فواد حسن حسين و بيزه يارديم

ائدن بوتون ائلبيليمى

چالیشانلارى.





خلج دیلی و فولکلورو

آشتیاندان خلیج آتالار سۆزو و دئیملر

حسین شریفی موسی آبادی

آشاغیداکی دئیملر (اصطلاحلار) و آتا سۆزلری (ضرب المثل لر) آقای حسین شریفی آشتیانین موسی آباد کندیندن توپلامیشدیر. بو ضرب المثل لر اوّل تایپ اولوب سونرا اونون کاغیذیندان عکس سالینیب بیزیم الیمیزه چاتیب بیز همین عکسی تزه دن تایپ ائتمیشیک). خطی اوغونلاشدیردیقدان سونرا، اونلاری الفبایی ترتیبه سالدیق، لاتینجه تلفظونو آرتیردیق، ترجمه و توضیح لری آقای شریفی یازمیشدی. کلمه لرین مفرداتی نی بیز توضیح وئردیک.

امید ائدیریک، بو ایش گله جکده موسی آباددان داها آرتیق فولکلور توپلاماق اوچون بیر مقدمه اولسون.

مصطفی رزاقی

۱۳۹۶/۶/۲۰

♦ - اشکه خرمن جادا هیمه!

əşgə xərmən cada himə!

اشک خرمندن چیخارتما!

ترجمه: خر (الاغ) را از خرمن جا بیرون کردن.

توضیح: کنایه از اینکه کاری را سرسری و بی دقت و نیمه کاره انجام دادن.

هیمه: «هینمک» (تلخاب: هونمک (hünmək) فعلی لازم فعل اولاراق بیر یئردن ائشیگه

«چیخماق» و هابئله بیر حیوانین اوستونه «مینمک» دیر. اما همین فعلین متعدی صورتینده

«ن» سسی حذف اولور: هیمک: چیخارتماق.

خرمن جادا: خرمن یئریندن. خلجی ده «دن / دان» چیخیشلیق گؤرسدن اک «ده / دا»

اولوب.

♦ - اونى كى توقمىشى يىدى تى، اوچا (اوچاق) يانداكى فېكرئى ائتى.
oni ki toqmişey biditi, oça(oçaq) yandaki fikrey eti.

اونو كى دوغموشان بۇيوت، او زامان سونراكى نين فېكرىنى ائت.
 ترجمه: آن را كه زاييده اى بزرگ كن، آن وقت در فكر بعدى باش.
 توضيح: كنايه از اينكه كارى كه شروع كرده اى به اتمام برسان سپس سراغ كار بعدى برو.

توقمىشى: دوغموشسان - خلع توركى سينده ايكيىنجى تك شخص ده كامل ليك حالت ->
 سن / سان «يوخ» -> آن / آن «ايشلنير».

يىدىتى: خلجى فعل لر يندن يالنيىز «-ى / -أ» آرتيرماقلا امر فعلىنه دۇنوشن فعل لردن دير.
 (بيديت+ى) بورداكى «د» ايندى «ى / ۷» اولوب: بيدىك > بۇيوك

فېكرئى: (اونون) فېكرىنى. منسوبيت و مفعولى علامتلىرى نين بير يئرده گلمه سى.
ائتى: خلجى فعل لر يندن يالنيىز «-ى / -أ» آرتيرماقلا امر فعلىنه دۇنوشن فعل لردن دير.

♦ - بيرگكى (بيركى) كول واقت هيسى (هيسيك) بوزدا سارء قويمازلار.
birgəki (beyrəki) kul vaqt hisi (hisik) buzda sare qoymazlar.

بۇر كو هميشه ايسى سويوقدان سارى قويمازلار.
 ترجمه: كلاه را هميشه به خاطر گرما و سرما نمى گذارند.
بيرگك (بيرك): «بۇرك» سۇزونون اسكى صورتى.
بوز: آذربايجان توركى سينده كى «بوز» لا (فارسى: يخ) بير آز معنا فرقى وار. خلجى ده
 «بوز» سويوق معناسيندا و ايسى نين مقابلينده ايشلنير.

♦ - بى نفرى بالوق قا يول وئرمز تيلار، كتخدا هوى خابار آلارارتى.
bi nəfəri baluqqa yol verməztilar, kətxuda həvi xəbar alarartı.

بير نفرى كنده يول وئرمير ديلر، كدخودا (نين) انوينى خبر آليردى.
 ترجمه: شخصى (فردى) را به آبادى (شهر) راه نمى دادند؛ سراغ كدخدا را مى گرفت.
بالوق: اسكى توركى سۇزلريندن «كند» و «شهر» معناسيندا.

وئرمز تیلار: دیلین دیشیلیمه معروض قالدیغینا گۆره «وئرمز دیلر» صورتی آرادان گئتمیش؛ اونون یئرینه ده «وئرمز دیلر» صورتی ایشلنیر.

آلار ایتی: آلا + آرتی: آلا ایدی. بوردا دا «آلیر ایدی» یئرینه «آلا ایدی» ایشلنمکده دیر.

♦ - توه که هایدیلار بئلی آیری ری؛ هایدی نئرم توقری ری، بئلیم توقری اولقا.
təvəkə haydılar beliy əyri ri; haydi nerəm toqri ri, belim toqri olqa.

(دوه یه دئدیله بئلین آیری دیر، دئدی هارام دوغرو (دوز) دیر، بئلیم دوغرو اولا)
 ترجمه: به شتر گفتند کمرت کج است؛ گفت کجایم راست است که کمرم راست باشد.

آیری ری: آیری دیر. اسنادی فعل (فعل ربطی) خلجی ده «آر / آر» (تلخاب) یا «آری / آری» (عبدا... واشقانی) دیر. آنجاق سسلی دن سونرا گلنده «ری» اولور. قاپی چالانی تانیماق اوچون بئله دییلر «کیمَر» (قاپی چالان کیم دیر). (علی اصغر جمراسی؛ شنگول منگول ناغیلی). «بو تاش آری» (بو داش دیر). بیرینجی شخص ده سسلی لردن سونرا «- رسم / رسام» اولار. «من مصطفی رسام» (من مصطفی یام). بونون گئچمیشی «آردی / آردی» دیر. همین «آردی» تلخاب لهجه سینده ادغام اولاراق «آندی» اولوب. «بیری وار آندی، بیری یوخ آندی» (بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی). (علی اصغر جمراسی؛ شنگول منگول ناغیلی)

♦ - توه، هاداقئی قاوزاده پاشا هایدی من تا وارام.
Təvə, hadaqey qavzade paşa haydi mən ta varam.

دوه، آیاغینی قووزادی، پشه دئدی من ده وارام.
 ترجمه: شتر پایش را بلند کرد پشه گفت من هم هستم.
 توضیح: کنایه از اینکه یک فرد ضعیف و کم توانی دست به اقدام و فعالیت می زند که توانایی آن را ندارد.

هاداقئی: hadaqey - خلج تور کیسینده اوچونجو شخصه منسوب اولان بیر اسمین مفعولی حالتینده آراچی «ن» گلمز. (هاداقی.ن.ی > هاداقی.ی) ائله اونا گۆره، اوچونجو شخص منسوبیت اکی «ای/ا» > «ا / e» اولور و مفعول لوغو دا گۆرستمک اوچون اوندان سونرا بیر صامت «ی / y» گلیر. بو قورولوش شیفاهی دانیشقدا اوزون «ا / e» کیمی ائشیدیلیر.
ق: خلجی ده «ق / q» سسی بوغازین دیبینده و «خ / x» سسینه بنزر تلفظ اولار.

قازادە: qavzade - گئچمیشلیک گۆرسدن «- دی / -di» اکى گویا موسی آباد لهجه سینده «- دء / -de» اولوبدور.

من **تا** وaram: خلج لهجه لرینده سس او یغون لوغونا او یغون اولاراق «ته / تا» سۆزو گویا موسی آباد لهجه سینده یالنیز «تا» ایشلنیر.

♦ - **جهود هودا هینمز، هین دیکیندا شنبه اولار.**
cuhud həvda hinməz, hindikinda şənbə olar.

جهود ائودن چیخماز، چیخدیغیندا شنبه اولار.
ترجمه: یهودی از خانه خارج نمی‌شود، موقعی هم که از خانه خارج می‌شود شنبه است.

♦ - **چا، سوو تئکمه لا سوولوق اولماز.**
ça, suv tekməla suvluq olmaz.

قویو، سو تۆکمه له سولو اولماز.
ترجمه: چاه با ریختن آب در آن آب‌دار نمی‌شود.
سوو: suv «سو» سۆزونون اسکی صورتی دیر. اونون آخیریندا صامت «و/ v» وار. ایندی کی تورکی ده ده «سو» سۆزونه سسلی اک آرتیریلاندا آراچی «ن» سسی قبول ائتمه مه سی اونون سونونون صامت اولدوغوندان حکایت ائدیر. «بورا + ی > بورانی» یا «یارا+ی > یارانی» أما «سو + و > سویو».

♦ - **هوت هر نه کیشلی اولقا، آووال ائزئی کئیر (کئر).**
hot hər nə kişli olqa, avval ezey keynər (kenər).

اود هر نه گوجلولا (اولسا) اول اؤزونو یانديرار.
ترجمه: آتش هر قدر هم شدید باشد اول خودش را می‌سوزاند.
هوت: «اود» سۆزونون اسکی صورتی. خلجی ده اولترینه «هـ / h» آرتیریلان سۆزلردن دیر. «هاغاج > آغاج»، «هو / həv > ائو»
کیشلی: «گوجلولا» سۆزونون دییشیلیمیش صورتی.
اولقا: خلجی ده «اولوقا» سۆزونون قیسالمیش صورتی.
ائزئی: اؤزونو. منسوبیت و مفعولی حالت لرینین بیر یئرده گلمه سی. ائز: اؤز.
کئیر: «گۆینه مک» فعلی نین اسکی صورتی.

♦ - يئر بک اولقا سئقئر سئقئر کنزیندا کنرار (کنریر).

yer bək olqa seqer seqer kezinda karar (kerir).

يئر برک اولا (اولسا) سيغير سيغيرين گوزوندن گوزر

ترجمه: زمين که سفت باشد هر گاو از چشم گاو ديگر می بيند.

اولقا: olqa - خلجی «اولوقا / oluqa» ایستک کیپی (التزامی حالت) موسی آباد.دا مخفف اولاراق «اولقا» اولوب. «- قا» جهت گؤرسدن و التزامی حالت یارادان اکی «- ل» صورتی نین اسکی صورتی دیر. «هـ وکه > ائوه، اولوقا > اولا».

کنرار: گوزر فعلی نین دییشیلیمیش صورتی دیر. بیر قایدا اولاراق فارسی دیلی کناریندا دییشیلیمگه معروض قالان تورکی لهجه لر ده (خلج لرده: موسی آباد آشتیان، واشقان، بهارستان (سابق خیرآب) ؛ مشهده: سرولايت) «ؤ / ö» سسی «ئ / e» و «ؤ / ü» سسی «ایـ / i» سسینه دؤئر.

♦ يئرلی سؤزلر:

برون: مقید (برون اولدوم: مقید شدم) (اولار نماز ائتمکا برون داق لار. ترجمه: آن ها به نماز خواندن مقید نیستند).

توقز اون: دوخسان، عدد نود

رآفه: جاسوس، مخبر. (دوشمن بیزیم ایچیمیزچا رآفه سی وار. ترجمه: دشمن در بین ما جاسوس دارد).

ساکیز اون: سکسن، عدد هشتاد

کئیک: (keyk) رنگ سبز، «گؤی» سؤزونون اسکی صورتی.

گآور: شاید (زنجاندا دا ایشله نر: گاوار مریض ایمیش جلسه یه گلمه دی. بعض دن «یاوار» دا اولور: یاوارام سن دونن مریض ایمیشن. اونو «گمان» سؤزونون دییشیلیمیشینه اینانانلار دا وار).

میشگل: بعید

هیدیش: ظرف و ظروف

قاپ‌بازی در میان ایل شاهسون بغدادی و ترکان خلیج -

بازی جوفته

آرگو

این مقاله توسط آقای رمضانی (اشیق گونش) تدوین شده است و اینجانب (آرگو) صرفاً برخی از نکات ترکان خلیج را به آن افزوده‌ام. امید وارم مورد پسند واقع شود.

جوفته:

قاپ استخوان کوچکی است شبیه مکعب مستطیل که در ناحیه زانوی پای گوسفندان قرار دارد که به ترکی به آن آشوق و به خلیجی هوشاق/اوشاق میگویند. قاپ، دارای چهار سطح است به نامهای (جیک، بوک، آلچی و توخان) است.

یکی از بازیهای سنتی که در بین ایل شاهسون بغدادی و ترکان خلیج بویژه خلیج‌های تلخاب فراهان از توابع استان مرکزی طرفداران زیادی داشته قاپ‌بازی یا آشیق اویونو (هوشاق اویناما) بوده است. این بازی به صورتهای مختلف اجرا می‌شده مثل: یازالان، جوفته، سوت، دُنَرَمَه و... به اسامی خلیجی یازان، برزباد و... در اینجا به توضیح بازی جوفته می‌پردازم.

نحوه بازی جوفته این طور بوده که یک دایره بزرگ می‌کشیدند و قاپ‌ها را وسط دایره به صورت دو تا روی هم می‌چیدند و از فاصله ۲ متری یا بیشتر دایره می‌ایستادند که به آن مَرَه می‌گفتند و یک قاپ بزرگ‌تر که به آن سَقَقَه/ساققا می‌گفتند و از زانوی قوچ یا گاو به دست می‌آمده را به طرف مرکز دایره با روش خاصی پرت می‌کردند و به قاپ‌های چیده شده اصابت می‌کرد. هر چند تا قاپ که به بیرون از دایره می‌رفت را برمی‌داشتند که معمولاً یک بچه مسئولیت جمع کردن قاپ‌ها را برای شخص بازیکن داشت و اگر قاپی به بیرون می‌رفت آن را می‌برد و جایزه‌اش پرتاب دوباره بود. منتها این سری از هر جایی که سَقَقَه ایستاده بود پرتاب می‌کردند و اگر قاپی نزدیک خط دایره می‌ماند و به بیرون نمی‌رفت اگر وجب شخص بازیکن از خط دایره به آن می‌رسید به آن قاروق می‌گفتند و آن قاپ را هم می‌برد.

معمولاً جوانان و مردان خلیج در فصل زمستان اوقات بیکاری خود را با انواع قاپ‌بازی سپری می‌کردند. قاپ‌بازی در میان خلیج‌ها جنبه قمار نداشته است. صرفاً جهت پرکردن اوقات فراغت و تفریح انجام می‌گرفت. برخی از مردم قاپ‌های ذخیره شده خود را در اواخر فصل زمستان رنگ آمیزی نموده و جهت نگهداری برای سال آینده آن‌ها را بوسیله نخی به هم متصل نموده و از سقف چوبی اتاق آویزان می‌کردند.

اُل سِلَی

۹۲

شہریور (زومار) آی ۱۳۹۶

ضمیمہ

زنگان آشیقلا ری خنیاگران سرزمین ماننا



ایچینده کیلر

بیر نچه آچیقلاما ۱۴۹	ز) مخمس هاوالاری ۱۸۰
اؤن سؤز ۱۴۹	زنگان هاوالاری ۱۸۱
آشیق گلهنگی نین کؤکلری و آشیغین معنوی	زنگان آشیق محیطی ۱۸۴
سیماسی ۱۵۰	زنگاندا آشیقلیق اوجاقلاری ۱۸۶
آذربایجان فولکلورونا بیر اشاره ۱۵۴	زنگاندا سؤیله نیلن داستانلار ۱۸۸
آشیق ادبیاتی ۱۵۸	زنگان آشیق سیمالاری ۱۸۹
آشیقلار یارادیجیلیغیندا قادین سیماسی ۱۶۲	زنگانین باشقا اسکی و اولوب- گئدن
آشیق شعرى ۱۶۳	آشیقلاری: ۱۹۱
شعر فورمالاری ۱۶۳	چاغداش آشیقلار ۱۹۴
قوشما ۱۶۳	آشیق زین الدین قره بولاغی ۱۹۴
گرایلی ۱۶۵	آشیق بشیر ۱۹۵
بایاتی ۱۶۵	آشیق علی خلفی ۱۹۵
شعر بزکلری ۱۶۶	آشیق اسد ۱۹۹
تجنیس ۱۶۶	آشیق رسول نوروزی ۱۹۹
اوستادنامه ۱۶۶	آشیق گلابعلی داوودی ۲۰۰
دئیشمه ۱۶۷	آشیق محمد نجفی ۲۰۹
«باغلاما» یا «قیغیل بند» ۱۶۸	آشیق مسلم عسگری ۲۱۵
منظومه ۱۶۹	آشیق سلطانعلی سلیمانی ۲۱۷
داستان سؤیله مه عنعنه لری ۱۷۰	آشیق میرزا علی سلیمانی ۲۱۷
آشیق هاوالاری ۱۷۱	آشیق حق وئردی ۲۱۷
ایران آذربایجانیندا ساز هاوالاری ۱۷۹	آشیق محمد سلیمانی ۲۱۷
الف) گرایلی هاوالاری ۱۷۹	آشیق عزیز خلجی ۲۱۸
ب) قوشما هاوالاری ۱۷۹	آشیق منوچهر سلیمانی ۲۱۸
ج) بایاتی هاوالاری ۱۸۰	آشیق مردعلی فتحی ۲۱۹
د) تجنیس هاوالاری ۱۸۰	آشیق علی خرمدره ای ۲۱۹
هـ) خالق ماهنی هاوالاری ۱۸۰	آشیق عوض خوشرفتار ۲۲۰
و) دیوانی هاوالاری ۱۸۰	آشیق خسرو حیدری ۲۲۰

۲۳۸.....	آشیق آسلان گلمحمدی	۲۲۰.....	آشیق علی
۲۳۸.....	آشیق نیت عسگری	۲۲۰.....	آشیق نعمت
۲۳۸.....	آشیق سید حمزہ مقدم	۲۲۰.....	آشیق سید حسن حسینی
۲۳۸.....	آشیق فیضعلی جعفری	۲۲۰.....	آشیق یوسف گلمحمدی
۲۴۰.....	آشیق ساواد پاسیار	۲۲۱.....	آشیق ولی مولایی
۲۴۰.....	آشیق غریب	۲۲۱.....	آشیق گولعلی کمالی
۲۴۰.....	آشیق زلفعلی جعفرزادہ	۲۲۱.....	آشیق رضا داوودی
۲۴۰.....	آشیق یاور محمدی	۲۲۱.....	آشیق غلامرضا داوودی
۲۴۱.....	آشیق رمضان خدابندہ	۲۲۱.....	رکاب اکبری
۲۴۱.....	آشیق عباس ستاری	۲۲۲.....	آشیق عین الہ کاکاوندی
۲۴۴.....	آشیق اسلام مرادلو	۲۲۲.....	آشیق جہانگیر جعفری
۲۴۴.....	یوسف سلیمانی	۲۲۳.....	آشیق سیفعلی سلیمانی
۲۴۵.....	آشیق حمزہ سعیدی	۲۲۳.....	آشیق محمود آبی پور
۲۴۵.....	آشیق نادر نوری	۲۲۳.....	آشیق ستار خدائی
۲۴۵.....	آشیق سید کاظم حسینی	۲۲۴.....	آشیق زلفعلی اسدی
۲۴۶.....	امیرعلی داوودی	۲۲۶.....	آشیق یار محمد عیسی بیگلو
۲۴۶.....	آشیق روح الہ رزاقی	۲۲۷.....	آشیق التفات داوودی
۲۴۷.....	آشیق نادر قلی زادہ	۲۳۰.....	آشیق سہراب عسگری
۲۴۷.....	چیچک علی اسدی	۲۳۱.....	آشیق حسین ابراہیمی
۲۴۸.....	آشیق فرخ بیات	۲۳۲.....	آشیق نجات چالیجی
۲۴۸.....	آشیق جلال نظری	۲۳۲.....	آشیق علی ابہری
۲۵۰.....	آشیق میلاد خدری	۲۳۲.....	آشیق مردان
۲۵۰.....	آشیق معرفت عبادی	۲۳۲.....	آشیق صدق علی
۲۵۰.....	آشیق فریدون مہاجری	۲۳۲.....	آشیق جہانبخش
۲۵۱.....	آشیق کمال دشتکی حصاری	۲۳۳.....	آشیق منوچہر نجفی
۲۵۱.....	آشیق شیرزاد ناظری	۲۳۴.....	آشیق ذوالفقار عیسی بیگی
۲۵۳.....	آشیق علی محمدی	۲۳۵.....	آشیق محمد حسین دشتکی
۲۵۴.....	آشیق مہدی نجفی	۲۳۵.....	آشیق رضا دشتکی
۲۵۴.....	آشیق حسین عمویی	۲۳۶.....	آشیق میرزا علی دشتکی حصاری
۲۶۵.....	باشقا آشیقلا ریمیز	۲۳۷.....	آشیق نوروز عبدی
۲۶۵.....	بالابانچیلار	۲۳۷.....	آشیق صحبت میرزایی
۲۶۶.....	قاولچیلار	۲۳۷.....	آشیق قدرت الہ خدرہ - اسدی

بیر نچہ اچیقلاما

الینیزده اولان بو مجموعه، بیر دسته جمعی ایشین سونوجودور. ۱۳۹۵ ایلینده «زنجان موسیقی انجمنی» و «خمسہ آدینا مدنیت ائوی»نین اورتاق فرهنگی اوتوروملاریندان عملہ گلن بیر اثر دیر. بو اوتوروملار هر ایکی هفته دن بیر، زنگانین «امام خمینی (ره) فرهنگسراسی» ندا «آشیق ادبیاتی و موسیقی سی» عنوانی آلتیندا قورولوب و آقیشلارلا اوز- اوزه گلدی. بو اوتوروملارین دولاندرانلاری، آقالار: آشیق محمد نجفی، آشیق منوچهر نجفی و م. کریمی اولاراق ۱۵ اوتوروم تشکیل تاپدی و بو اوتوروملاردا: آشیق ادبیاتی، تاریخی، شعر فورمالاری، شعر بزکلی، داستانلار، آشیقلارین تانیتمی و آشیق ادبیاتی ایله ایلگیلی بیر چوخ موضوعلار بحث اولوندو. بورادا شهریمیزین آشیقلاری، یازیچیلار، شاعیرلر و بیلیم یوردلارینین اوستادلاری اشتراک ائتدیلر. نهایت الینیزده اولان اثری، بو اوتوروملاردان توپلانان معلوماتین بیرینجی بؤلومو اولاراق تقدیم ائدیریک.

آنجاک بو اثری توپلاماقدا تکجه بو اوتوروملارا کفایتلنمهییب، بلکه آشیقلارلا اوزل اوتوروملاریمیز دا اولدو. زنگان، خرمدره و ویستاندا هر دؤنه ۳۰- ۴۰ آشیق و هوسکارلار بیر یئره توپلاندیق و آشیقلارین اورک سؤزلرینی ائشیدهرک اولارلا تانیشلیق قازاندیق. گؤزل صحنه لره ده شاهد اولدوق. آشیقلار آراسیندا حرمت، آغ ساققاللیق، فرهنگیمیزین جانلی و گوونمه لی آنلارینی گوردوک. هر نه قدر بیر آشیق اوستاد اولوردو، باشقالارینا آرتیقراق حرمت گؤسته ریردی.

سفرہ لری نین آچیق لیغی، قوناق سئورلیک، بؤیوک- کیچیک حرمتی و انسانلارا
سایغینی بورالاردا داها جانلی صورتده گؤرمک اولوردو.
بو اثری یاراتمادا یاخیندان امکداشلیق ائدنلر بونلار اولدو:

آشیق محمد نجفی

دده آشیق گلابعلی داوودبیگی

منوچهر نجفی

علی احمدی (وولکان)

آشیق التفات داوودبیگی

و بو یازیلاری دا بو سطیرلری یازاری، دوزوب-سهمانلادیم. شبهه یوخدور کی
آخساقلیقلار واردیر. بیر سیرا آشیقلار یئرده قالیب، آنجاق ایش هله
قورتولمایبیدیر. گلن ساییدا «زنگان آشیق داستانلارینی تقدیم ائده جه ییک.

درین سایغی ایله: م. کریمی

اۇن سۆز

آذربايجان شفاھى ادبىياتى گۇرولمز بىر زنگىنلىگە مالکدیر. تاسفله بو زنگین خزینهنى آراشدیرماق اوچون هئچ بىر امکانات اولمادیغیندان، بو کولتورون بۇيوک بىر بۇلومو اورتادان گئمهدهدير. بوگونه قدر- اۇزلیکله اسلامى انقلابیمیزدان سونرا یوزلر کتاب یازیلیمیشسا دا، بوتون درگی لرده فولکلوروموزا یئر آچیلدیغی حالدا، هله ده بو زنگین ادبیاتین یوزدن بیرى یازیلما میش قالیدیر. انقلابدان سونرا هر بىر یازار و هوسکار، اۇز علاقه سی اوزره قلم اله آلیب آکادمیک یوللاردان یارارلانمادان اۇز بیلدیکلری و توپلادیقلارینی بىر یترده چاپ ائتدیرمگه چالیشمیشدیر. آنجاق بونلارین آراسیندا درین تحقیقلر ده گۇز اۇنونده دیر. بونا قانع اولماق ممکن دئییلدیر. هر بىر درگینی آچدیقا، اونون بىر نئچه ستونونون فولکلور باغلاندىغینی گۇروروك. بو ستونلاردا آتالار سۇزو، ناغیللار، داستانلار و باشقا فولکلوریک ماتریاللار یئر آلیر، یئنه ده آشیققلار ادبیاتینا گلدیكده بو آرادا گۇرولن ایشلر داها آز دیر. بلکه شعرلری یازیلیبسا دا، داستانلار و اونلارین آراشدیرمالاری یوخ کیمی دیر. آشیق داستانلاری دقتلری اۇزونه چکمیش و بىر چوخ داستانلار یازیا آلینمیشدیر. آنجاق بونلارین هامیسی، بو زنگین خزینه قارشیندا بىر دامجیدیر دنیزدن. بو، بىر حالدادیر کی قونشو اۆلکه لرده آکادمیک امکانشلار یارارلانماق گۇزل آراشدیرمالار و ایشلر گۇرونمکده دیر. بیز، هله یولون اۆلترینده قالیمیشیق. آذربايجانین باشقا شهرلرینده، او جمله دن: تبریز، اورمیه، اردبیل، خوی، اهر و باشقا شهرلرده آشیققلارین تانیتمی حاققیندا کتابلار یاییلیب، آنجاق زنگان آشیققلاری اوچون ایلک اثر دیر. بیز ده بو خزینه دن یاخشى یارارلانماق اوچون حاضیرلیق گۇرمه لی ییک و بو بالاجا دفتری ایلک آددیم سایارق تقدیم ائدیریک.

م. کریمی

اشیق گلہنگی نین کؤکلری و اشیغین معنوی سیماسی

اشیق ادبیاتی و موسیقی سی گونو- گوندن گلیشمہ دہدیر، موسیقیمیزدہ و ادبیاتیمیزدا یئنی جیغیرلار آچیر، دیرچلیر و آکادمیک آراشدیرمالارا یول آچیر. اشیق ادبیاتی نین سسی تاریخین درین لیک لریندن گلیر. ۱۳۸۹- جو ایلده آراز قیراغیندا خدا آفرین کؤرپوسونون یانیندان بیر قوپوز تاپیلدی. اونون کاساسی توسباغا کاساسیندان دوزلنمیشدیر. گاماری ایله اونون دوزلنمہ تاریخی ۴۲۰۰ ایل بوندان قباغا عائیڈ اولدوغو اعلان اولدو. بو قوپوز یا ساز بوگون تبریزین «آذربایجان» آدلی موزہ سینده ساخلانیلیر. تاریخی وارقلایاندا اوخویوروق: میلاددان اؤنجه دن اسلاما قدر، اشیقلار مختلف آدلارلا شامان، قام، باکسی و اوزان آدلانیرمیشلار. اونلار دینی و ملی مراسیم لری ایفا اندرک خالق ایچینده یاشاییرلار. آنجاق ایراندا اسلامدان سونرا- سلجوقی لر زمانی اوزانلار ایکی بؤلومه بؤلونور: درویشلر و اشیقلار.

درویشلر مذهبی تبلیغ لری بویونلارینا آلاراق اماملارین مدحیه لری، اونلارین رشادت و شجاعتلرینی داستان و شعر صورتینده خالق ایچینده یایماغا چالیشیرلار. اونلار مولودیہ لر اوخویور، داستانلار سؤیلور و تصوفون بیر شاخه سی کیمی چالیشیرلار. آذربایجان ادبیاتی تاریخینده یوزلرجه اثرلر واردیر؛ او جمله دن یوسف مداح، شیاط حمزه، عاشیق پاشا و باشقالاریندان چوخلو کتابلار واردیر. بونلار تصوف عالمی نین بؤیوک شاعیرلری تانییرلار. مثلا یوسف مداح ۷۰۰ ایل بوندان قباق «مقتل حسین» آدلی اثرینده کربلا حادثه سینین بیر ائپیک داستان کیمی قلمه آلیر. همان شاعیر، بوگون اشیقلاریمیز سؤیلہ یین «ورقا و گولشن» داستانینی دا شعره چکمیش و اشیقلیق عنعنہ سینہ وفالی قالمیشدیر. هابئله باشقا تصوف شاعیرلریمیز ده بئله اولموشدولار.

ایکینجی بؤلوم آشیققلاردیر. آشیققلار یوزایل لر بویو خالق ایچینده ساز و سؤز ایله شنلیک یارادیب، شنلیک مراسیملرینی ایرلی سورموشلر، بونولا بئله، مذهبدن ده قیرمامیشلار. اونلارین مولاسی و رهبرلری شاه مردان علی (ع) اولموش و اکثر داستانلاریمیزدا حضرت علی (ع)، عاشیققلار بوتو وئیر، قهرمانلارا یول گؤستیرر و اونلارا یاردیمچی اولور.

آشیق نئچه صنعته مالیک دیر: او، اوخویور، ساز چالیر و داستان سؤیله ییر. ماهیر آشیققلار شعر ده قوشور، بیر سیراسی داستان دا یارادیر و رومان یازاری کیمی یازیب- یارادیر. داها ماهیر اولاندا بسسته کار کیمی موسیقی هاوالاری یارادیر. بونلارین یانیندا ایفاچیلیق مهارتی وار اولور. بئله آشیققلار «دده» آدی وئرلییر. «دده» آدلانان آشیق، ساز و سؤزده بلکه اؤز اوستادیندان دا یوخاری مقاملارا چاتیر. خالق آراسیندا بؤیوک بیر ایشلر و مسئولیتلری یاخشیحاسینا بویونلارینا آلیب و دوزگون یئرینه یئتیرن آشیققلار دا اولموشدور. اونلار یاس مجلسلرینی تویا چئویریرلر، ساواش میدانلارینی باریشا دؤندریرلر و تولومدا بؤیوک اثرلر یارادیرلار. بونلار «حق آشیغی» دئییلرک تانییرلار. حق آشیغی ائله بوگون واردور؛ او جمله دن رحمتلی «آشیق قشیم جعفری» بو حق آشیققلاریندان اولماسا، اونا نه دئمک اولور؟! او، ۲۵ ایل تامام شاه رژیمنین قارشیندا دایانندی. طولمه باش آیمه دی، هئچ زمان بیر قولدور خانین مجلسه گئتمه دی. همیشه حق دن - حقیقت دن مدافعه ائتدی. دئییرلر بیر مجلسه چاغیراندا، ایلک اؤنجه اؤزو سازسیز مجلسه واراردی. مجلسده بیر ظالیم، پیس آدام، اؤزگه نین جانیندا- مالیندا و ناموسوندا گؤزو اولان خیث بیر آدام اولسایدی اونو مجلسدن قوواردی. سونرا اؤزو ده ائشیگه چیخب- سازی الینه آلیب، ساز ایله مجلسه گیرنده دئیردی: ایندی منیم یوخ، بلکه سازین احترامینا آیاغا قالخین! دوغرودور سازین حرمتی واجب دیر. تاریخده ده بئله اولموشدور، دده قورقود کتابیندا اوخویوروق ایکی ایگید بیر- بیرله ساواشاندا بیرینین یانیندا ساز اولسایدی قیلینجی یئرہ قویاردی و ساواشا گیرمزدی؛ ساز قارشیندا باش آیردی. خالقیمیزین سازا بسله دیگی حرمتی تاریخ بویو بئله گؤستریلیر.

تاریخ بویو آشیقلاریمیز دوزگون- ایگید و صادق انسانلار اولموش، خالق ایچینده پاکلیق، دوزلوک، یاخشیلیق، ادب- نزاکت و صداقت یایماغا چالیشمیشلار. اونلار شنلیکله برابر ائلیمیزه باریش، قهرمانلیق و باشی اوجالیق گتیریرلر. یئنی یوللار آچیرلار، سینیرلاری پوزورلار، ائلدن- ائله، یوردان- یوردا دولانیب، ادبیاتیمیزا دایاناراق گلیشیرلر. من بو آشیقلاری باغریما باسیب، اللریندن اؤپورم و هامیسینا باشاریلار دیله ییرم. آشیقلارین ساغلیغینا آلیقیشلار دئییرم.

بوگون زنگان توی- دوگونلر آشیقلارین حضورو ایله قورولور. گئت- گئده داها آشیق سیز مجلس قورولمور. سئویندیرجی بیر حال دیر کی بوگون آشیقلار شهرین ده توپلاریندا چالیب- اوخویور و گنجلریمیز آشیق صنعتی نین قدرینی بیلیب، توپلارینی آشیق حضورو ایله قورورلار. آشیق اورکستری دئییلن اوچ نفر دن تشکیل تاپیر: ساز چالان، بالانچی و قوالچی. اصلی آشیق همان ساز چالاندیر، اوخوماقدا گاهدان قوالچی دا یاردیمچی اولور. بو اوچ کیشی لیک ارکستر ساعاتلار جا مجلسی قیزدیریب و خاطیره لی گونلر یارادیرلار.

اؤز اؤلکه میز ایراندا ۱۳۲۵ ایل لریندن آشیق ادبیاتی گؤز اؤنونده جانلانماغا باشلادی و آشیق حسین جوان کیمی گؤرکملی بیر آشیق دقتلری جلب ائتدی. ۱۳۴۰- جی ایل لرده آشیق ادبیاتی نین اینجه لمه سی و آراشدیرماسی یئرین آلیر. ماتریاللار توپلانیر. بو ساحه ده صمد بهرنگی، سلام الله جاوید، محمد علی فرزانه و ح. صدیق نمونه لر وئریرلر. ۱۳۵۴- جی ایلده م. کریمی منظومه های آذری، ح. صدیق آشیقلار عنوانیندا کتابلاری چاپ اولور.

ایران آشیق ادبیاتی حاقیندا یازان آز اولمامیشدیر. ایلک اؤنجه ایلههان باش گؤز (İlhan Başgöz) ۱۹۶۰ ایل لرینده ایران سفر ائدرک تبریز، اورمیه و خوی شهرلرینده اولان آشیق قهوه خانالاریندان صحبت آچدی. او، بو مقاله سی یله ایران آشیق موسیقی سینی آکادمیک فضالاردا یئرینه سالدی. سونرالار پروفیسور محرم قاسیملی و پروفیسور علی قافقازالی درین آراشدیرمالار آپاریب، کتابلار یازدیلار.

رضا سید حسینی اؤز خاطرہ لریندن ضیالیلارین آشیقار قہوہ خاناسینا گل - گئت لرینی خاطرہ لاییر و تبریز قہوہ خاناسیندان یازیر. اما رضا علامہ زاده ۱۳۵۹ - جی ایلده آشیقار قہوہ خاناسی نین باغلانماسین دا یازیر. بو تاریخہ قدر تبریز، اورمیہ، اردبیل و زنگاندا بئلہ قہوہ خانالار ایشلہ ییردی. آنجاق اونلارین سایسیسی دوز عمل لی بللی دئییل ایدی. جعفر خضوعی اهرین چای کناریندا، خوی دا قہوہ خانالاریندا یئنن دن فعال اولدوقلارینی یازیر. آنجاق بوگون چوخ شہرلریمیزده آشیقار قہوہ خاناسی ایشلک دیر و آشیقار آخشاملار اورادا توپلاشیب چالیب - اوخویورلار. توی اوچون چاغیریشلار اورادان باشلاییر.

چوخ اوزاق زمانلاردان زنگانین کند و شہرلرینده آشیق اولمادان بیر مجلس قورولمازدی و باشقا سؤزلہ دئسک: رسمیت تاپمازدی. آشیق، ائلین آغ ساققالی، چوخ بیلنی، مجلس دولاندرانی ساییلیردی. شادلیقلار و غم گونلری اونون حضورو ایلہ کئچیریلردی. زنگاندا بوگون توی مجلسلرینده آشیق یوخاری باشدا اگلشیر و تویو دولاندریر. اونون سازی - سؤزونه مارق چوخالماقدادیر. کوراوغلو داستانلاری نین دادی - دوزو شہرلی لرین ده داماغینی شیرینلدر. اصلی - کرم محبت لری اورکلرہ دیریلیر، شاہ صنمین گؤزللیگی تعریفلنیر، سارانین وفالی قالماسی گنج لریمیزی ذوقا گتیریر.

آذربایجان فولکلوروندا بیر اشاره

ادبیات سؤز هنری دیر. اونون قونوسو انسان و انسان حیاتی دیر. شاعر و یازارلار ادبیات یارادانلار اولاراق، خالقین دویغو، دوشونجه و اورک دویونتورلرینی قلمه آلیب و حیاتدا باش وئرن اولایلاری آراشدیرماغا مئیدان آچمیشلار. اجتماعی حیات و اوندان اولان دوشونجه، آرمانلار و ایده‌لر اؤز بدیعی عکسینی ادبیاتدا تاپمیش و شفاهی ادبیات بیزی انسانلارین معنوی وارلیغی ایله تانیش ائدیر.

ادبیات خادم‌لری هر بیر دوره‌ده ائله ایشلر ایرلی سوروبلر کی قیلینج و ساواش وسیله‌سی ایله باشا چاتمازدی. ادبیات، سؤزون و کلام ایلن یارانیر. تاریخ بویو، بدیعی هنر گاهدان بیر ساواش سلاحینا چئوریلرک، گنجه‌نین ظلمتینی آیدین سحره چئویرمیش و انسانلارا دوزگون یول گؤسترمیشدیر، انسانا دوزگون یولو تاپمادا و حقیقتی تاپمادا بؤیوک یاردیمچی اولموشدور.

ادبیات ایله هر ملتین گلیشمه یوللاری تانییر. ادبیات، هر دوره‌نین سیاسی- اجتماعی حرکت‌لری، تاریخین آلقاق- اوجالارینی گؤسته‌ره‌رک، انسانلارین مبارزه‌لرینی ده گؤسترمیشدیر.

آشیق‌لار ادبیاتیندا یوزلرجه، بلکه ده مینلرجه داستانلار قوشولموش و دونیانین ان اسکی موسیقیدانلاری تانینان آشیق‌لاریمیز بو ائپیک، محبت و عرفانی داستانلاری یاراتماقلا دونیانین ان گؤزل ادبی یارادیجیلیقلارینا یول آچمیشلار. بو ادبیات دنیا ادبی آراشدیریجیلاری نین گؤزونو قاماشدیرمیشدیر. آذربایجان کلاسیک ادبیاتی دا بو شفاهی ادبیاتلا سیخ علاقه‌ده اولموش و اوندان یارارلانمیشدیر. او جمله‌دن نظامی گنجوی دده‌قورقود داستانلاریندان یارارلانماسایدی خمسه‌نی بو گؤزلیکده یارادا بیلمزدی.

کولتوردن سوژ دوشنده بیر ملتی نظرده آلیریق کی اونون بوتون یازیلی و شفاهی ادبیاتی تانینمیش، یازلمیش و آراشدیرلمیش اولسون. شبهه یوخدور کی آذربایجان خلقی نین درین و گئیش شفاهی ادبیاتی ایله اوزون مدتی یازیلی ادبیاتی واردیر. آذربایجان فولکلورو بوتون دنیا سویه سینده تانینمیش و بوتون آراشدیریجیلار اونون عظمتی قارشیندا باش اگمیشلر. بو گئیش و زنگین شفاهی ادبیاتین ان گؤزل و اؤنملی بیر بؤلومو آشیق ادبیاتی دیر. بو ادبیاتدا شعرلردن علاوه، بیر چوخلو ائپیک و لیریک داستانلار، موسیقی خزینہ سی ده واردیر. داستانلارین قونوسو چوخ بویالی، چوخ اولایلی اولاراق، بوگونون رومانلارینا بنزه ییر. آشیق هاوالاری دا یوز ایل لر بویو خالقیمیزین اوره ک دؤیونتولرینی دیله گتیرمیش، بوگون ده یاشامقادریر. عینی حالدا، آشیق لارین شعر یارادیجیلیغی، شفاهی بیر پروسه ایله یوزایل لر بویو دیری قالیبسا دا، بو نچه اون ایل لرده یازیلی فورماسینا گلمیشدیر. ایندی داها ۵۰۰-۶۰۰ ایل بوندان اؤنجه یاشایان آشیق لارین سؤیله دیگی شعرلر همین آشیق لارین دیلینده دیلدن- دیله، سینهدن- سینیه سؤیله نیب، بوگون بیزه چاتیبدیر. ایندی بونلارین چوخو یازی فورماسینا دوشموش، داها آرادان گئتمک تهلهکه سی یوخدور. بئله اولدوقدا، بوگون درین و زنگین آشیق ادبیاتی ایله اوز- اوزه اولوروق. یازیلی ادبیاتیمیزلا برابر آشیق ادبیاتیمیز دا زنگین بیر خزینہ دیر. بو زنگین لیک، بیر چوخ ملت لری یازیلی ادبیاتیندا داها زنگین ساییلیر.

آذربایجان خلقی یوزایل لر بویو بو کولتوره مالک اولاراق، اؤز قونشولارینا دا بو کولتوردن باغیشلامیش و او جمله دن فارس ادبیاتینا بؤیوک ادبی بورجلار و واملار وئرمیشدیر. بو واملاری نظامی نین، صائبین، فضولی نین و باشقا نهنگ شاعر لریمیزین ادبی اثرلرینده گؤروروک. بو شاعرلر اورگی گئیشلیکله اؤز کولتوروموزدن گؤزل ارمغانلار باغشلا ییب و فارس دیلینده چئویرمکله، فارس ادبیاتینا هدیه وئرمیشلر.

آذربایجان خلقی یوزایل لر بویو، بلکه ده مین ایل لر بویو فارس و باشقا وطنداشلار یلا بیر تورپاقدا یاشامیش و تاریخی اولایلاری بیرگه باشدان

آشیرمیشلار. بو اوزون تاریخده هئج بیر زمان بو قارداش خلقلر آراسیندا ملی توخونمالار اولمامیش و تورک دیل لی وطنداشلار همیشه کؤنوللو اولاراق باشقا خلقلره یاردیمچی اولموشلار. تأسفلر اولسون کی پهلوی رژیمی بو یاسالاری و ایران خالقلری آراسیندا اولان دوستلوغو پوزماقلا چالیشیردی ملت آراسیندا تفرقه سالیب حکومت ائتتسین. بو ساحه ده استعماری دولترلرین یاردیمی ایله بیر سیرا باشاریلار دا گؤستردی. آنجاق آذربایجان خالقی، اویاق اولدوغو اوچون بو ترفندلری چوخ اوزانمادی و بوگون آذربایجان خلقی اؤز دیلینه و ادبیاتینا صاحب دوراراق، یئنه ده اؤز قاباقجیل رولونو اویناماقدادیر.

آذربایجان تاریخی باشدان- باشا باشقا خلقلر ایله باریشدا یاشامیش و هامی ایله دوزگون بیر صلح- صفا یاراداراق، باشی اوجالیقلا عؤمور سورموشدور. بوگون ده باش اوجالیقلا گلهجه گه باخیر، هله ده باشقالارینا یاردیمچی اولدوغونو ساخلامالیدیر.

آذربایجان کولتورونده، بو خلقین اوسطوره لری، داستانلاری خلق روحیه سینده تاثیر بوراخمیش و بو تاثیر هله ده یاشامادادیر. تورکلرین ایناملاری هله ده انسانی یاشایشدا اؤزونو گؤستیریر.

آذربایجان فولکلوروندا اولان قهرمانلیق روحیه سی، شجاعت و فداکارلیقلار بو گون ده یاشایشیندا اؤزونو گؤسترمه ده دیر. بو ایناملار اوزون تاریخ بویو میدانا گلیمیش، یوزایل لر، بلکه ده مین ایل لری آرخادا قویاراق کولتوروموزده اؤزونو ساخلامیشدیر. شبهه یوخدور شفاهی ادبیاتلا یازیلی ادبیات آراسیندا باغلیلیق چوخ محکم و دریندیر. بو اورتاقلیق انسانلارین سعادت ی اولموشدور. یازیلی ادبیاتیمیزدا داها آرتیق بیزیم شفاهی ادبیاتیمیز واردیر. حتا دنیا آراشدیریجیلاری بو ادبیات قارشیندا باش اگیب و اونا اعتراف ائتمیشلر.

آشبق ادبیاتی درین و تاریخی بیر وارلیغا مالکدیر. بو ادبیات اؤزو اوچون چوخ رنگین و ماراقلی دیر. آذربایجاندا فولکلور توپلاما آز- چوخ ۲۰۰ ایل لیک بیر تاریخه مالکدیر. بایاتیلار مختلف سفینه، جُنگ و تذکره لرین حاشیه لریندن یازیلیمیش و بوگون بیر چوخلو الیازمالار الده واردیر. ۲۰۰ ایل بوندان اؤنجه عندلیب قراجه داغی گوجلو بیر شاعیر اولدوغو حالدا، چوخلو ماهنیلار و بایاتیلار

توپلاییب و نغمه‌لر آدیلا بوگونه قدر بیزه چاتدیریبدیر. تجریدالغات آدلی بیر اثرده آخوند میرزا علی باکویی طرفیندن ۱۲۴۶- جی ایلده یازیلیب و الیمیزه چاتیبدیر. آنجاق چاپ دئمی‌شکن، ایلک فولکلور کتابی ۱۳۱۴ قمری / ۱۸۹۶ م تهراندا یایلمیشدیر. ۱ «امثال ترکانه» ده عباسعلی مراغه‌ای طرفیندن توپلانیب و چاپ اولوبدور. ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ایل‌لرینده بیر چوخلو تورکجه کتابلار ایراندا یاییلدی و اونلارین آراسیندا نئچه- نئچه فولکلوریک اثرلر ده وار ایدی. صنعتکارلاریمیز دا بو ایشدن اؤنجوللردن ساییلیرلار مثلاً اوزئییر حاجی بیگلی مشروطه انقلابیندا مقاله‌لریله ایران انقلابینی یاردیم ائده‌رک، بیر چوخلو بایاتیلاری دا موسیقی یاراتماق و ماهنیلارا آهنگ قویماق اوچون توپلامیش و اونلاری موسیقی دستگاهلاری اساسیندا مرتب ائتمیشدیر. نهایت شاه دؤرونون یازارلاری صمد بهرنگی، بهروز دهقانی^۳، محمدعلی فرزانه^۴، سلام الله جاوید^۵ بو ایشده چالیشمیش و بیر چوخلو بایاتیلار، ناغیل‌لار، تاپماجالار و... یایمیشلار و نهایت دکتر صدیق، حسین فیض الهی وحید، زهره وفایی، منظوری خامنه، محمدعلی نقابی، دکتر هیئت و باشقالاری بو یولدا زحمتلر چکمیشلر.

^۱ میرزا علی باکویی، تجرید اللغات، تهران، ۱۳۱۴.

^۲ عباسعلی مراغه‌ای، امثال ترکانه، تهران، ۱۳۳۴.

^۳ افسانه‌های آذربایجان، گردآوری صمد بهرنگی و بهروز دهقانی، تبریز، ۱۳۴۷.

^۴ محمد علی فرزانه، بایاتیلار، تهران، ۱۳۴۴.

^۵ دکتر سلام‌الله جاوید، آذربایجان فولکلوروندان نمونه‌لر، تهران، ۲ جلد، ۱۳۵۸.

آشیق ادبیاتی

آذربایجان خالقى چوخ زنگین و گئنیش شفاهی ادبیاتا مالکدیر. بو آرادا آشیق‌لار شعر، موسیقی، داستان و باشقا هنرلری یاراتماقلا اؤنملی بیر دورومدادیرلار. آشیق‌لار نچه مین ایل‌لیک بیر تاریخلری واردیر. اوزانلاردان الیمیزه چاتان داش اوسته یونولموش بیر اوزان تصویریدیر کی میلاددان ۴۰۰۰ ایل اؤنجه قازیلیمیش و او تصویرده اولان قوپوز عینا بیزیم بوگونکو سازیمیز و دوغرودان دوغروسونا اوزانین سینه‌سی اوسته چالینمادادیر. دنیا خالق‌لاری آراسیندا سینه اوسته چالینان ساز، تکجه تورکلر ایچینده، اؤزلیکله آذربایجان اوزانلاری اولموشلار. آنجاق ۱۳۸۹- جو ایلده خودآفرین کۆرپوسونون یانیندا تاپیلان ساز گاما رئی طریقيله دوزه‌لیمه تاریخی ۴۲۰۰ ایل بوندان قاباق اولدوغو اعلان اولدو. بو ساز توسباغا قابیندان اولاراق بو اوزون سوره ده سالم قالمیش و بوگون بیزیم آشیق‌لاریمیزین الینده چالینیز. بو ساز بوگون آذربایجان موزه‌سینده- تبریزده ساخلانیلیر. بو اؤزو چوخ اؤنملی و زنگین بیر سند کیمی، آشیق‌لارین آذربایجاندا تاریخلرینه آغیر بیر سنددیر. بو سند گؤستریر کی اوزانلار ۵ مین ایل بوندان اؤنجه بورالاردا ساز چالیب، شعر اوخویوب و خالق‌ا یول گؤستریجی اولموشلار و مین ایل‌لر بویو خالقین شعر و موسیقی یارادان صنعتکاری اولموشلار. آشیق‌لار اوچ نفرلیک بیر ارکستر دوزلدیرک ان گؤزل و اورک اوخشیایان ماهنی قوشوب- اوخوموشلار؛ ان شیرین داستانلار یارادیب، خالقیمیزین تاریخینی دیری ساخلامیشلار. درین حکمتلی سؤزلرله خالق‌ا شور و شعور بخش ائتمیشلر. بونا گؤره ده بوگون درین و زنگین آشیق‌لار ادبیاتی بیزه یادگار قالمیش و ائلیمیزین، وطنیمیزین هر بیر بوجاغیندان اونلار جا آشیق- سازلاری الیرینده، شعرلری دوداقلاریندا و ائل حرمتی اورکلرینده باش قالدیریب،

ہلہ دہ اٹلیمیزی اوخشیایب، یازیب- یارادیرلار. بو ادبیات اؤزلوگونده چوخ درین، تاریخ باخیمیندان اوزون بیر تاریخا مالیک، ادبیات یؤنوندن آغیر و زنگین بیر ادبیات ساییلیر کی تک باشینا باشقا خالقلارین ادبیاتلاریندان گئری قالمایان بیر هنر ساییلیر.

اوزان بیر ایرچی دیر کی الینده سازی ایله ائل به ائل، کند به کند، شهر به شهر، حتا اؤلکه به اؤلکه گزیب، اورگینده ائل دردی، ائل سؤزو، ائل محبتینی دولاندریر و ائل لر ایچینده سؤیله بیر و الینده کی ساز ایله اؤز صنعتینی یاییر و خالق آراسیندا شنلیک یارادیر. مین ایل لر بویو تورک ائل لری آراسیندا ائللین آغ ساققالی، چوخ بیلنی، اونلارین یول گوسترنی، حتا مذهبی و سیاسی-اجتماعی عنعنهلرینی یئرینه یئترین اوزانلار اولموشلار. اونلار تکجه داستان دئمهمیش، بلکه تاریخی داستان ائدهرک، ائللین قهرمانلارینی دیلدن دیله، ائلدن ائله، قرنلردن قرنلره داشیب و ائل لرین وارلیغینی، فرهنگینی، کئچه جگینی دیری ساخلامیشلار. تاریخ اونلارین دیلی ایله یوزایل لری آرخادا قویوب و بوگون بیزه چاتیبدر.

اوزانلار تورک ملت لری آراسیندا قام، شامان، باکسی آدلاری ایله آدلانیردی. تاریخ ایرلی گلدیکجه اوزان، بخشی، آشیق آدلاریلا یئرینی دییشمیشدیر. سومر لوحه لرینده آشیق کلمه سیننی Ashux ایکی قسمتدن: Ashmax, Ash مصدریندن چالغیچی لیق معناسیندا و ux تورکجه اکلردن اولاراق ماهنی دوزلدن و ساز- سؤز قوشان کیمی و نهایت Ashux بیر آداما دئییر کی سؤز دوزگوسو ایله شنلیک و سئوگی یارادیر. آنجاق همین کلمه زمان سوردوکجه و سومر الفباسی گوگ تورک و اوغور الفباسینا چئوریلهرک عربجه الفباسینی دا قبول ائدهرک آشیق کلمه سی عاشق کلمه سیله سس بیر اولاراق عاشیق یازیلیمیش و بوگون هم آشیق و هم عاشیق یازیلیر و معنا جهتیه ده همان معنادا ایشلنیلیر و عشقدن سؤیله دیگی آنلانیلیر.

آنجاق ساز کلمه سی ده اؤنجه قوپوز آدلانیردی. بو سؤز جوگو ده قوپ مصدریندن اولاراق Xopmax اوخوماق و نظم معناسیندا و Uz اوغوز کلمه سیندن آلینما بیلیرلر.

اوزان و قوپوز، هر ایکسی ده بیر مقوله دن اولاراق اوزون سوروده حیاتلا ایلگیده اولاراق تورک خالق ایله یاشامیشلار. اوزان قوپوز سور اولمامیش و قوپوز دا آشیق سیز معناسیزدیر.^۱

بوگون آذربایجانین تامام اوزاق- یاخین یئرلرینده آشیق صنعتی خالق آراسیندا بیر مقدس صنعت کیمی قوللانیر و خالقین توی- بایراملاری اونونلا قورولور. ائله آشیق لاریمیز واردیر کی اوغلان- قیزین توی عنعنه لریندن هانسی آشیق چالیب- اوخومالی اولدوغو، اونلارین کبین نامه سینده آدی یازیلیر. آشیق صنعتی چوخ اوزون بیر تاریخه مالک دیر و ائل قهرمانلاری آلپ ارتونقا، مئته خان، بومین خاقان، جوانشیر، بابک سیمالاری آشیق لارین ساز- سؤزلرینده هر زمان دیریلیب و بوگونوموزده ده یاشاییرلار، حتا میلاددان اؤنجه مولان تورکوسو بوگونوموزه گلیب چاتیب دیر.

آشیق لار تاریخ بویو خالق ایچینده حرمت قازانیب، همیشه مجلسلرین باشیندا اوتوروب، حرمت گؤرموشلر. اونلارین شعرلرینده خالق کوتله لرین یاشاییشی، محرومیت لری، مظلومیت لری، آغیر کئچینه جکلری، عینی حالدا فتح و ظفرلری، شادلیقلاری، توی- دویونلری ترنم اولور. آشیق لار ادبیاتیندان صمیمی و دوزگون بیر سند خالقین کئچینه جگی و تاریخی اوچون بیر سند تاپماق اولماز. آشیق لار داستانیندا قهرمان سیماسی، خالقین ان ایستکلی قهرمانلاری اولموش، اونلارین آرزی و آرمالارینی گؤستریمیش دیر. بو قهرمانلار سیماسی خالقین بوتون ایستکلرینی ایفاده ائده بیلیر. آشیق لار دا همیشه خالق ایچینده یاشامیش، برج عاجدا یوخ، بلکه خالق ایله دیز به دیز اوتوروب، اونلارلا بیرگه نفس چکمیش و اورکلرینی درینلیکلریندن خبردار دیلار. بئله لیکله، آذربایجان خالقینین تاریخی، خالقین یاشاییش و معیشت طرزینی، اومودلارینی و قورخولارینی ائله بو داستانلار و شعرلردن آلماق اولار. آشیق لار اؤزلری یارادان هنرمندلر اولموش، شعرلرینی و داستانلارینی اؤز گؤردوکلری اولایلاردان و آداملاردان آلمیشلار.^۲ تاریخ بویو یوزلرجه بئله آشیق لار و اوزانلار گلیمیش، شعر

^۱ آقایار شوکوروف، دده قورقود میتولوژیسی، باکی، ۱۹۹۹، ص ۳۵-۳۴.

^۲ ح. صدیق، عاشیق لار، تهران، ۱۳۵۵.

یارا تمیشلار، داستانلار سؤیله میشلر و موسیقی لر چالمیشلار. بوگون بونلارین هامیسی بیزیم آشیقلار ادبیاتینی تشکیل ائدیر.

آشیقلار اؤز زمانی نین تحصیل آلمیش انسانلاری اولموش و ان عالی مرتبه یه قالخان اولموشلار. او جمله دن خسته قاسیم اؤزو بیر فقیه و دین عالیمی اولاراق شعرلری ده عرفان دونیاسی نین اؤنملی دوشونجه لرینی اؤزونده ساخلا بیر.

سلجوقی زمانیندا اوزانلار، حکومتی ساخلا ماقد اؤنملی رول اوینامیشلار. هونلار زمانیندا اوزانلار سارایین توی - دویونلریندا اشتراک ائتمیشدی لر. آشیقلار بوتون تورک دونیاسی نین اورتاق موتیوی اولاراق، تمام تورک ملت لری آراسیندا واردیلار. اورتا آسیادان توتوب کیچیک آسیایا قدر اوزانان تورک لر آراسیندا اوزانلار موجود دولار، آنجاق هر بیر ی نین باشقا آدی اولورسا دا، رسالت لری عینی دیر. اللرینده اولان ساز دا عینی دیر، آنجاق اولا بیلر کی سازلاریندا دا بالاجا فرقلر اولسون. اما چکیچی نوکته بوراسی دیر کی حتا آرالاریندا اولان داستانلار دا عینی دیر. کوراوغلو داستانلاری، اصلی و کرم داستانی و بیر سیرا باشقا داستانلار بوتون تورک خالق لاری آراسیندا بیر بالاجا فرقلرله مختلف واریانتلاری دئیهرک موجودولار. بو داستانلاری آشیقلار، بخشی لر، اوزانلار و قاملار اؤز شیوه لریله روایت ائدیرلر.

آشیق‌لار یارادیجیلیغیندا قالدین سیماسی

قالدین سیماسی آشیق‌لارین سازیندا و سؤزوندا اؤز حقیقی معناسینی تاپمیشدیر. بو یاردیجیلیقلاردا خالق ایستک لری دیله گلیمیش و خالق سئودیکی کیمی هر شئی اؤز یئرین آلمیشدیر. هر بیر ائپیک، سئوگی داستانلاریندا قالدین سیماسی خالق ایسته دیگی کیمی تصویر اولونموش: بانو چیچک، سالجان خاتون، نگار، هاجر و... اؤز گؤزلیکلریله برابر ایگیدلیک، ساواشجیل و انسانی روحیه‌لرله میدانا گلیرلر و ائل اوغروندا، وطن یولوندا مبارزه آپاریرلار. ائپیک- سئوگی داستانلاریندا اولان عرب زنگی، رعنا خانیم و... محبتلی و گؤزل اولدوقلارینا حالدا، قهرمانلیقلاری دا واردیر. نهایت سئوگی داستانلارینداکی اصلی، گولگز، پری، سارا و... سئوگی‌یه چاتماق اوچون انسانلیق گئدیشلری: وفا، صداقت، فداکارلیق، نجابت و باشقا انسانلیق خصوصیت لرینی تمثیل ائدیرلر. دده قور داستانهای اسکی دوران باغلی اولراق، کوراوغلو حماسه‌لری اورتا عصرلرین داستانلاری و قاچاق نبی کچن یورایلین داستانلاری اولراق، هامیسیندا قالدین سیماسی فخر ائدیجی بیر سیمالاردیر.

بو سیمالار اجتماعی و تاریخی شرایطده یاراناراق، همان زمانین ایستکلرینی ایفاده ائدیر و گوردوگوموز کیمی هر زماندا اولورسا اولسون، آذربایجانلی‌لارین قالدینا باخیشینی گؤسترمه‌ده‌دیر و بو سیمما بوگونوموزده ده فخر ائدیجی سیمالاردیر. ایستر ائپیک داستانلاریندا، ایستر سه ده سئوگی داستانلاریندا اولان قالدینلارین سیماسی بوگونکو انتظارلاردان اوزاق دئییلدیر و بوگونوموزون ایسته‌دیگی سیمالار اولموشلار. بو سیمالاردا آذربایجانین ان اوزاق کندلرده یاشایان ساده انسانلارین و ان بؤیوک شهرلرده یاشایان انسانلارین دیله‌دیگی و آرزو ائتدیگی قالدینلاردیرلار.

آشیق شعری

آشیق شعرینین چئشیدلی واریانتلاری واردیر و هامیسی هیجادا سؤیله نیلیر و اوخونور. بو شعرلر هم فورما و هم موضوع یؤنوندن بؤلونورلر. شعر فورمالاری آشیقلا رین اوخودوغو شعرلرین شکیلی و فورماسینی بیان ائدیر. اما موضوع جهتیندن ده مومکوندو بو شعرلر خاص بیر موضوعو توشلا سین. بونلاری بیر بالاجا آچیقلا بیرام.

شعر فورمالاری

آشیق شعری قونو یا موضوع بؤلوملری، فورمالاری یا قالیبلری و شعر بزکلیری بؤلوملرینه بؤلونور. آشیق شعرینین فورمالاری، گرایلی، قوشما و... کیمی بؤلوملری احتوا ائدیر. قونو یؤنوندن اوستادنامه، جهان نامه، وجودنامه، نصیحتنامه و باشقالارینا بؤلونورلر. شعر بزکلیری دئدیکده، آشیق ادبیاتی نین اؤزونه مخصوص ادبی بزکلی واردیر او جمله دن: تجنیس، قوشایارباق، جیغالی و سایره. بونلاری قیسا اولورسا دا، ایضاح ائتمه میز گرکیر.

قوشما

آشیق ادبیاتی نین ان یاییلمیش فورماسی دیر. قوشما نئجه بنددن عبارت دیر. هر بند ۴ مصرع دیر و هر مصرع ۱۱ هیجadan تشکیل تاپیر. قوشما ان اسکی زمانلاردان آشیقلا ر دیلینده اوخونوردو، کلاسیک ادبیاتیمیزدا موجود ایدی. آنجاق واقف ایله کلاسیک ادبیاتیمیزدا داخل اولو، داها آرتیق ایشلندی. آنجاق بیر قوشما ۳ تا ۷ بنددن عبارت دیر. قافیهلر هر بندده بیردیر. دقت ائتمک لازیم دیر کی بیرینجی بندده ایکینجی و دؤردونجو مصرع قافیه

اولمالی دیر. سونراکی بندلر دہ دوردونجو مصرع بیرینجی بند ایله قافیہ اولاراق، هر بندین ایچینده اوچ مصره یئنه ده بیر قافیہ ده اولمالیدیر. اولا بیلر کی تامام بندلرین دوردونجو مصرعی عینا تکرارلانسین. قوشمانین قافیہ لرینی آشاغیداکی فورمادا ایضاح ائتمک اولار:

A- B- C- B

D- D- D- B

E- E- E- B

F- F- F- B

سونونجو بند، تخلص بندی آدلانیر و او بنده، آشیق اؤز آدینی دئییر. قوشمانین ان یایغین هیجاسی ۱۱ هیجالی دیر، اما قوشمانین ایچینده خاص بؤلگولر ده رعایت اولورسا، شعر داها گؤزل اولور. مثلا شهریارین حیدر بابایا سلام اثری باشندان باشا قوشمادیر. اونا بیر دقت قیلالیم:

حیدر بابا ایلدیریملار شاخاندا
سنل لر، سولار شاققیلدا ییب آخاندا،
قیزلار اونا صف باغلیب باخاندا
سلام اولسون شوکتیزه ائلیزه
منیم ده بیر آدیم گل سین دیلیزه.

گورونور هر مصرع ۱۱ هیجالیدیر و بؤلوملری ده ۴، ۴ و ۳ هیجadan عبارتدیر. حیدر بابایا سلام باشندان باشا بو بؤلگولری رعایت ائتمیش و بو اثرین اصلی گؤزلیگی ده ائله بوردادیر. البته بیر نچه یئرده بو قانون پوزولور و اوندادیر کی آخساقلیق گورونور.

گرایلی

گرایلی دا آشیق ادبیاتی نین یا یغین شعر فورمالاریندان ان اساسلی شعر فورماسی دیر. بو نوع شعری، عمادالدین نسیمی، خطایی و باشقا کلاسیک شاعیرلریمیزده ده گؤروروک آما آشیق ادبیاتی نین ان اساسلی شعر فورماسی ساییلیر. بو فورما بوگون یازیلی ادبیاتدا اؤزون یئر اچمیشدیر. بورادا هر شعر نچه بنددن عیارتدیر و هر بند دؤرد مصرع اولوب، هر مصرعه ۸ هیجالی اولور. بئله لیکله بو فورما عینا قوشما کیمیدیر، تکجه فرقی هیجالارین سایسی دیر. اورادا هر مصرع ۱۱ هیجا و گرایلیدا ۸ هیجا واردیر. بورادا دا شعر قافیله لر ی آشاغیداکی فرمولدان تبعیت ائدیر:

A- B- C- B

D- D- D- B

E- E- E- B

F- F- F- B

بایاتی

بایاتی، ان قدیم شعر فورماسی دیر. ان قدیم بایاتیلاریمیز اسلامدان و حتا میلاددان اؤنجه یه عاییددیر. هر بایاتی دؤرد مصرع دیر و هر مصرع ۷ هیجادر. بیرینجی، ایکینجی و دؤردونجو مصرع لر قافیله اولوب، گاهدان اوچونجو ده اونلارلا بیر قافیله ده اولور. بایاتی آدی بایات قبیلله سینه باغلی دیر. عینی حالدا بایات، تانری معناسیندا دا ایشلنیلیر. ایلک بایاتیلار، دوعالار، تاپینمالار اوچون ایشلنیلیردی. بایاتینی دینی شعر فورماسی دا بیلیمک اولار.

مخمس

مخمس یا بئشلیک کلاسیک ادبیاتیمیزدا دا موجوددور. بئشلیک ائله آدیندان بللی اولدوغو کیمی بئش مصرعدن دوزلینیر و آشیقلا اؤز مهارت لریندن یارارلانا راق بو مخمس لری اؤز ایسته دیکلری کیمی اوخویوب و هنرلرینی گؤسته ررلر.

شعر بزرگ لری

هر شعرین اؤزو اوچون گؤزلیک لری واردیر. آنجاق بیر سیرا بزرگ لره شعر ی داهای آرتیق بزه مک اولار. بو فورمالار، شعرین گؤزلیگی اوچون ایشه آپاریلیر. بو بزرگ لردن بیر نئچه سی بونلاردیر: تجنیس، دوداق دیمز، دیل ترپنمز، قوشا یارپاق، جیغالی و... بورادا تکجه تجنیسی آچیقلا ییریق.

تجنیس

آشیق لار شعرلرینده مختلف صنعتلردن بهره آلالار او جمله دن قافیه لری تجنیس- بیر جنس دن اولما صنعتیندن یارالانارلار، باشقا سؤزله جناس باغلارلار. بو جناسلار یا بیر سسلی قافیه لر ائله سئچیلر کی جور به جور و چئشیدلی معنالاردان استفاده اولونار. تجنیس شعر ی بؤیوک آشیق لاریمیزین شعرلرینده بوللو- بوللو ایشلنیر آشیق عباس توفارقانلی، خسته قاسم، آشیق علعسگر تجنیس دن چوخ فایدالانمیشلار.

تجنیس ۳- دن نئچه یه قدر بندلردن دوزلر و مختلف نوعلار بؤلونر مثلا جیغالی، دوداق دیمز و... تجنیس سؤیله مه چتیندیر و تورک دیلی نین اینجه لیکلریندندیر. دوداق دیمز تجنیس ده ایشه گئدن ائله سسلردن- حرفلردن استفاده اولونمالیدیر کی دوداقلار بیر- بیرینه دیمه سین و سؤز جوکلر ایشه آپارالسین کی اونلاردا م، ب، پ سسلری اولماسین.

اما آشیق شعر ی قونو جهتیندن ده نئچه نوعو موجوددور او جمله دن: اوستادنامه، دئییشمه و...

اوستادنامه

آشیق لار اؤز صنعتلرینی بیر اوستادنامه ایله باشلارلار و هر داستان دا یئنه اوستادنامه ایله باشلارلار. اوستادنامه ده آشیق خالق ی خطاب انده رک اونلار اؤیود وئریب نصیحت ائدر. اوستادنامه لر اخلاقی، فلسفی و اجتماعی موضوعلار

توخونوب و ائشیدنلرہ عبرت درسی و اخلاق اؤیرتمک اوچون اوخونار. بوتون آذربایجان داستانلاری نین اولینده بو اوستادنامه لر واردیر. اوستادنامه نی اوخویان گر کمزیر اؤز اوستادنامه سینی اوخوسون، بلکه داها یاخشی بودور کی اؤز اوستادلاریندان اؤیرندیکی شعرلری اوخویوب، اونلاری دا یاد ائتسین.

اوستادنامه لرین ده موضوعلاری چوخ چئشیدلی اولابیلر. شعر فورمالاری دا متنوع اولابیلر. حتا تانیمنیش و آدلیم آشیققلار گاهدان غزل فورماسیندان یارارلانارلار. هر حالدا بو شعرلری آشیقین صنعتده اولان مهارتینی گؤسترر.

دئیشمه

دئیشمه آشیققلار آراسیندا اولان بیر نوع سؤز یاریشماسی دیر و بیر- بیرینین معلوماتینی سیناماق دیر. دئیشمه بیر قدیمی و اسکی آشیق عنعنه لریندن اولراق، آشیققلار بیر بیرله دئیشمک اوچون شهرلری گزیب و رقیبلرینی میدانان گؤتورمک اوچون چالیشاردیلار. بیر آشیق ساز و سؤزویله بیر سورغو سوروشوب و باشقاسی اونا جواب وئرمه لی اولور. جواب وئره بیلمه سه اودوزموش ساییلیر و تقاص وئرمه لی اولور. گاهدان حتا آشیقلیغی قیراغا قویماغا سبب اولور. دئیشمه ده آشیقلیق شعرلری نین اؤزل فورمالاریندان یارارلانارلار مثلاً تجنیس، قیفیل بند، باغلاما، حربه- زوربا و باشقالاریندان استفاده ائدرلر. هر آشیقین سینه سی معلوماتلا و تجروبه لرله دولو اولورسا سورغو قارشیندا دوزگون جواب وئریب و ائشیدنلرین تصدیقینی قازانار. بو سورغولار چوخ دینی- مذهبی، قرآن- حدیث، تاریخی، علمی، ادبی و مختلف ساحه لرده اولار. او آشیققلار کی فی البداهه شعر سؤیله مک قدرتلی وار بو سیناقدان باشی اوجا چیخارلار، یوخسا اودوزوب و میدانان چیخارلار. آشیق ادبیاتیندا دئیشمه لر چوخ اؤنملی اولراق، ادلی آشیققلاریمیزین دئیشمه لر تاریخی بیر اولای کیمی کتابلارا کئچیشدیر و بیر چوخ آشیققلارین دئیشمه لر مستقل کتاب کیمی یازیبا آلینمیشدیر. او جمله دن خسته قاسیم ایله لزگی احمدین دئیشمه سی، شاه اسماعیل ایله عرب زنگی دئیشمه سی، واله ایله زرنکار دئیشمه سی کتابلاردا یازیلیمیشدیر.

«باغلاما» یا «قیغیل بند»

ایکی آشیق بیر یاریشمادا بیر-بیریندن سورغو-سوال ائدیپ و قارشیدا دوران آشیق جواب وئرر. ایلک اؤنجه اوستاد آشیق سوروشار، او بیر جواب وئیرسه، ایندی او آشیق سوروشوب و اولینجی آشیق جواب وئرمه لی اولور. بو سورغو-جواب اورا کیمی داوام تاپار کی بیر آشیق داها جواب وئرہ بيلمه یه. اونداجواب وئرمه یین آشیق اودوزموش ساییلیر. بورادا «دکتر سلام الله جاوید»ین «آذربایجان فولکلوروندان نمونه لر» کتابیندان بیر نمونه:

سؤال:

مندن سلام اولسون آشیق حسینه
او نه دیر کی «عؤمرو بیر ایل» یاشار هئی؟
نه کلامدی مرکب سیز یا زیلار؟
او نه دیر کی گوندن گونه جوشار هئی؟
جواب:

آل جوابین دئییم آی کئشیش قیزی
سمندردی عؤمرو بیر ایل یاشار هئی.
او کؤنولدو مرکب سیز یازیلار
عشق دریاسی گوندن گونه جوشار هئی.
سؤال:

او نه دی کی نفسی وار، جانی یوخ؟
او نه دی کی بدنی وار قانی یوخ؟
او کیمدی کی اونون دین ایمانی یوخ؟
او نه دی کی اود آتش سیز داشار هئی؟
جواب:

او کؤروکدو، نفسی وار، جانی یوخ.
او آیدی کی بدنی وار، جانی یوخ.
او شیطاندی دینی یوخ، ایمانی یوخ،
اوزرلیکدی او آتش سیز داشار هئی.

گۆردوگونوز کیمی بورادا معلوماتلی آشیققلار اودارلار و هر نه قدر اونلارین معلوماتی چوخ اولورسا بو یاریشما داه اوزون چکر. بورادا اجتماعی، مذهبی، علمی و باشقا موضوعلار اورتایا گلر.

منظومه

منظومه یا داستانلار آشیققلیق صنعتی نین ان مهم بیر بوجاغی دیر. بو منظومهلر نظم و نثر ایله سؤیله نن داستانلار و رومانلار اولموش و آشیققلار نئچه گونلر، گاهدان هفته لر و آیلا ر تو یلاردا، قهوه خانالاردا بو داستانلاری ساز و سؤز هنریله سؤیله میشلر. بو داستانلاردا اؤزل دانی شیق صنعتی، موسیقی هاوالاری و گؤزل شعرلر اوخونور و تاماشاچیلارین ذوقونو اؤزونه چکیر. آذربایجان داستانلاری ایکی بؤلومه بؤلونور: ۱- ائپیک داستانلار ۲- سئوگی داستانلاری. ائپیک داستانلار ایگیدلیک، قهرمانلیق، اوسطوره وی و تاریخی اولایلار اولاراق ظلمه قارشى مبارزه لری تمثیل ائدر و سئوگی داستانلاری ایکی گنج اوغلان. قیز آراسیندا محبت اولایلارینی آچیقلاماغا چالیشیر. آنجاق بو آرادا اوچونجو نوع داستانلاردا واردیر و اورادا ائپیک حاللارلا سئوگی حاللاری بیرگه اولور و قهرمان سئوگیلیسینه چاتماق اوچون قیلینج اله آلیب قهرمانلیق گؤسترمه لی اولور.

ائپیک داستانلاردان سؤز آچاندا دده قورقود، کوراوغلو، قاجاق نبی، قاجاق کرم و ستارخان داستانلارینی آد چکمک اولور و سئوگی داستانلاریمیز آراسیندا اصلی ایله کرم، آشیق قریب، شاه اسماعیل - گلزار و باشقالارینی سایماق اولار. اوچونجو نوع داستانلاردان شاه اسماعیل - عرب زنگی نی دئمک اولار.

آشیققلار داستانلاری سؤیله مکده مهارت تاپمیش و گؤزل دانی شیققلارلا، گؤزل دئییملر و اصطلاحلار ایشه آپارماقلا تاماشاچیلارین ذوقونو اله گتیریب و اونلاری هفته لرله اؤز دؤورونه توپلاییب داستانین آردینی دینله مگه هیجانلی ساخلا یا بیلرلر.

داستان سۆیلهمه عنعنه‌لری

آشیق‌لارین اساسلی صنعتلریندن داستان سۆیله‌مکدیر. گنج بیر آشیق‌لار
ایلار-ایلار اوستاد آشیق‌لار یانیندا شاگیرلیک ائده‌رک سۆزلری و داستانی
اؤیرنمه‌لی اولور. بو صنعت سس، ساز و دناشیق باجاریقیندان علاوه اؤز
گئدیشی و خاص عنعنه‌لری وار. ایل‌لر زمان آپاریر تا بیر آشیق مجلس قورا
بیلیب و هنرینی گؤستمگه موفق اولور. داستان معمولا باش دیوانی هاواسیله
باشلانیب، ختایی شوروندا آهنگ ایله اوخونار و بیر نچه اوستادنامه اوخونماقلا
باشلار. آشیق‌لار بیر مجلسده اولدوغو حالدا بیر-بیری‌نین حرمتینی ساخلایب
و اوستاد آشیق‌دان اذین آلارلار.

آشیق باش دیوانی‌دان سونرا ایکینجی تجنیسی اوخویار. تجنیس آشیقین
سسینی و سسین گوجونو گؤسترر و اوچونجو مرحله‌ده ائل هاواسی ایله میدانا
گلیب مجلسده شوق و ذوق یاراتمالی اولور. دئدیگی داستان اوچون زمینه
یاراتماق و تاماشاچیلارین حاضیرلیغینی گؤرمک گرکیر. داستانین متنی و گؤزل
ایفاسی گونلر زمان آپاریرسا دا، داستان بیر دوواق قاپما ایله سونا چاتار. بورادا
شاد هاوالار چالینماسی گرکیر. اما اصلی-کرم داستانیندا مساله فرقلی اولور و
شنلیک هاوالاردان خبر یوخ. آنجاق داستان قورتولدوقدا بیر جهان‌نامه ده
اوخونار. بو شعر ائپیک داستانلارین سونوندا اوخونار.

آشیق‌لار داستان سۆیله‌مکده هنرلرینی، گزمه‌لرله، دئییم‌لرله، سازی
دیل‌لندیرمه زمانی، مختلف هنرلرینی گؤستمکله تاماشاچیلارین آلفیشلارینی
اله گتیرمه‌لیدیرلر. بیلیریک داستان شعر، موسیقی و اوخوماقلارلا برابر
دانیشیقلار و روایت ائتمک‌لرله برابر ایرلی گئدر. آشیق هنری بو دورومو گؤزل
آپارماقدا اؤز هنرینی گؤستریر و باشقا آشیق‌لاردان فرق‌لنیر.

آشیق ھاوالاری

هر آشیق اؤز سازینی اؤز سسیله اویغون ائتمگه چالیشمالی دیر. سسی زیر اولدوقدا زیل ایله و اگر بم اولورسا بم له کؤکله مه لیدیر. بو اویغونلوق یارانماسا، آشیقین هنری زای اولار.

سازین ۹ سیمی وار:

۳ دانا: ال سیمی

۳ دانا: اورتا سیم

۳ دانا: اوست سیم

بو سیملر بین الخالق موسیقی دیلی ایله سیملرین و پردهلرین آدلاری بئله دئییلیر:

۱ اوست سیملریم آدی DO C

۲ ال سیملرین آدی Re D

۳ باش و دیلغم پردهسی نین آدی Mi E

۴ روحانی پردهسی نین آدی Fa F

۵ شاه پردهسی نین آدی Sol G

۶ عثمانلی پردهسی نین آدی La A

۷ قوشا پردهسی نین آدی Si B

۸ ال یا قاراباغی پردهسی نین آدی Do C

زیل پردهسی نین آدی Re D

سازین پردہ لری:

سازین ۱۸ پردہ سی وار: اصیل پردہ ۷ پردہ

یاریم پردہ: آلتی پردہ

زیل پردہ یا جواب پردہ: دؤرد پردہ

شور پردہ سی: بیر پردہ دیر.

اصیل پردہ لر بونلار دیر: باش پردہ (دیلم پردہ سی)، روحانی پردہ (کرمی پردہ سی)، شاه پردہ سی، عثمانلی پردہ سی، قوشا پردہ، ال پردہ سی (قاراباغ پردہ سی)، زیل پردہ سی.

آشیق هاوالاری اوچ گروها بؤلونور و هر گوروھون اؤز لیکلری وار:

۱- یوخاری هاوالار- بو هاوالار دؤردونجو پردہ دن باشلا ییب و یوخارییا گئدر. بونلار چالانی یورماز.

۲- اورتار هاوالار- بو هاوالار دؤردونجو پردہ ایله شاه پردہ (دوققوزونجو پردہ) آراسیندا چالینار.

۳- آشاغی هاوالار- بو هاوالار اورتا شاه پردہ دن آشاغیدا چالیناراق زیل اولدوغو اوچون چالغیچینی یورا بیلر.

آشیق هاوالاری اوستده کی اوچ گروه اساسیندا بئله بیر آدلاری واردیر:

یوخاری هاوالار:

کسمه دیوانی، شاه خطائی دیوانی، تره کمه گؤز للمه سی، قهرمانی، تاجری، همدان گرایلیسی، شاهسون، زهوزه گرایلی سی، قارص هاوا سی، اوردوباد گؤز للمه سی، روحانی، اکبری، کسمه کرم، غربتی، یانیق کرم، دستان، حبیبی، جیغالی تجنیس، معمولی تجنیس، دیک دابانی، تورکیه گرایلیسی، نارنجی، کرم گؤز للمه سی، وطن امراهی سی، اورمیه امراهی سی، شاغی، نمدی، دیلمی، حیدری، قوجا قارتال.

اور تا ھاوالار:

مانی، محترمی (کوراوغلو کنگی سی)، صور اسرافیل، قره عینی، قیزلار گۆزللمه سی، آراز باسدی (شرور گۆزللمه سی) مصری (شفق)، گۆزللمه، حلبی، عسگری، دوراخانی، آغاخانی، سالاما دوبیت، معمولی دو بیت، جمشیدی، دول هیجران، پاشام کؤچدی، بنایی هجران، شکر یازی، زیل امراهی، قره باغ شکسته سی، سلماس پناهی سی، کلبعلی خان، آذربایجان ھاواسی، گۆیچه گۆزللمه سی، مامور، ساری کؤینک، اوچوبیر، موغا جیران، هشتی، اورتاشور ماہنی سی، تورکو کوراوغلو

آشاغی ھاوالار:

سماعی، بهمنی، اثرمنی کشیش اوغوسو، نصرالله قره باغی سی، خاچا خالدار، کسمه هجرانی، ائل کوچدی، شیروانی (زیل شکسته)، سولدوزی (سالاما بهمنی)، پناهی (سگیز یاریق)، شرقی اوغلان - اوغلان، کوراوغلو جہلمه سی. آشیق ادبیاتی نین زنگین لیگی تکجه شعرله باغلی دئییل، بلکه موسیقی، شعرین مختلف فورمالاری، هر ھاوانی اؤز یئرینده لازیم اولان زمان ایشله نیلمه سی، بو ادبیاتین گۆزلیگی و اورگه اوتورماسیندا اساسلی رول اویناییب. بو آرادا آشیق ھاوالاری و اونلار اؤز یئرینده یارارلانماسی بؤیوک رول ایفا ائدیر و هر آشیققلار قهرمانا اوخشار، اونون سیماسینا یاراشان، ھاہله داستانین گئدیشینی نظردہ آلاق ھاوالاری سئچمه سی گرکدیر. مثلا «کوراوغلو»، «مصری» و «اورتا دیوانی» قهرمانین ایگیدلیگی نی سؤیله دیگی زامانلار ایشه آپاریلسا داها یاتیملی اولار. «قمرجانی»، «گۆزلله مه» و «گۆیچه گولو» نو شادلیق زامانلاری اوخوماق لازیمدیر و «یانیق کرم» و «تجنیس» ھاوالاری غملی چاغلاردا چالینار. بئله اولورسا، داستانلار ھاوالار اوغون اولوب ائشیدنده دوغرو-دوزگون بیر حال-روحیه یارادار و اوندا دوزگون دوغرو یارادار. مثلا «ئل ھاواسی» شاد و قدیکی ھاوالاردان دیر کی «قارچی» و «درویشی» آدی ایله ده تانییر. بیر ھاوالار گاهدان داستاندا قهرمانلارین آدیندان آیینما بیر

آد اولموشدور مثلاً «آلی خان» ھاواسی «آلی خان و پری خانیم» داستانیندا چالیندیغی اوچون بو آدی قازانمیشدیر. بایرامی ھاواسی پرده سیز و قارا کهری آدیلا دا تانینیر. باشقا سۆزلہ بیر سیرا ھاوالار مختلف آشیقلا یانیندا مختلف آدلارلا تانینیر.

ساز کؤکلنمه‌لی‌دیر. ساز یا قوپور تاریخ بویو مختلف شکیل‌لرده و سیم ساییلاری دا آز-چوخ اولموشدور. بوگون ۱۰۰ ھاوادان آرتیق آشیق ھاوالاریمیز ۶ کؤکده قورولور:

۱- شاه پرده ۲- مصری ۳- چوبان بایاتی‌سی

۴- آیاق دیوانی ۵- عرفانی ۶- دیلغم

هر پرده مجلسین حال-ھاواسیله باغلی‌دیر. بوگون ۱۰۰ ھاوادان چوخ آشیق ھاوالاری اؤز شعر فورمالاریلا دوزگون اوخوناندا داها تاثیرلی اولور. بورادا شعر فورمالاریلا ھاوالارین اوغونلوغونو ذکر ائدیریک:^۱

آشیق ھاوالاری، دده‌لرین دئدیگینه گؤره ۷۲ یادا ۷۳ ھاوادی‌ر کی، بیر نئچه اوستاد آشیق اونو اؤز شعرلرینده بیلدیرمیشدیر:

- دده‌علسگر:

دوققوزو بیرلشیب تاپیب اینجه یول
اون بارماق اونلاری ائله بیر قبول
۷۲ ھاوا شاه پرده یه قول
علسگر بولدوغو، قازدی، قاباخدا.

- آشیق‌اسد:

کامیل اوستادلارین گولون درمه سن
حقیقتی سینهن اوسته سرمه سن
۷۲ ھاوادان خبر وئرمه سن
اؤلوم یئی‌دیر سنه، ائل قاباغیندا.

^۱ صمد چایلی، دیلن سازیم، تبریز، ۱۳۷۸.

- آزاڤلی میکائیل:

سن ائلیمین ھمدی سن
 آی صدڤلی تئل لی سازیم، ۷۲ دیل لی سازیم،
 ھم سئوینجی ھم غمی سن
 آی صدڤلی تئل لی سازیم، ۷۲ دیل لی سازیم

زامن آشیمیندا بو ھاوالارین سایى ۱۰۰ دن آرتیق اولوب، بعضا بو ھاوالارین
 سایى ۱۳۰ قدر دئییلیدیر.

آرتیرمالیام کی بو ھاوالارین ھر ماحالدا اؤزونه بیرآدی واردیر. بعضا گؤرونورکی
 بیر پارا ھاوالار وارکی، آیری بؤلگه ده یوخدور، اونوندا علّتی قونشو اولدوغوموز
 اؤلکهنین موسیقیسینین اثر باغیشلاماسیدیر. غربی آذربایجان ساز ھاوالاریندا،
 تورکیه آشیقلارینین و شرقی آذربایجان دا، باکی آشیقلارینین ایزی گؤرونور و
 اونلارین سبک لریندن تاثیر آلینیر. شاید بو ھاوالارین چالماسیندا، مختلف
 سلیقه لر یا گؤللر ایشله نیله، آنجاق اساس و تمل ده بیردیلر.

سازدا چالینان ھاوالاری نئچه باخیمدان بؤلّمک اولار.
 سازین کؤکو اساسیندا ھاوالاری ۶ یئره بؤلّمک اولار:
 شاه پرده کؤکو

شاه پرده نین مصری کؤکو
 چوبان بایاتی سی کؤکو
 ایاق دیوانی کؤکو یا عثمانلی کؤکو
 دبلغم کؤکو (یانیق کرم کؤکو، سه گاه کؤکو)
 عرفانی کؤکو (ماهور کؤکو)

۲) موزیک و اوخونوش اساسیندان، هاوالار اوچ یئره بؤلونور:

قهرمانلیق، ایگیدلیک و مبارزه بؤلومو:

آشیق بو هاوالاردا مجلس اهللی نین اؤز وطنیندن، دینیندن و اولارین قورونماغیندان سؤز آچیر. آشیقلا قهرمانلار دیلینجه دانیشیب اوخویورلار مثلاً:
بابکدن، نبی دن، کوراوغلودان و...

بو هاوالاردان نئچه سی بونلاردیلار: مصری کوراوغلو، طبل جنگی، شاهسونی، دؤیمه کرم و... بو هاوالار چوخلو او یئرلرده اوخونارکی مجلس اهللی نین چوخو جوانلار اولایا حس اولونا کی یورد یا وطن خطرده دیر، یا دوشمن فورسات دالیجادیر. بو واختلار مجلسده آشیق کئچمیش قهرمانلاری یادا سالیب و اولارین دوشمانا نجه غلبه چالماقی، وشعیرلرین اوخویوب، جاوانلاری وطنین و ناموسون قوروماغینا جوشدورور.

سؤگی و شنلیک بؤلومو:

بو هاوالاردا شادلیق و شنلیک یاراتماق اوچون داستانلارین آراسیندا و یا توی مجلسینده، اوخونور. مثلاً: گؤزللمه، جلیلی، قهرمانی، نجوانی، گؤیجه گولو، مخمس، قوربانی و...

غملی، کدرلی، غصه لی هاوالار:

بو هاوالاردا انسانین غملی احوالاتینا، یادا بیر آجی اولایا راست گلمه سی آندا، یا داستانلارین غملی یئرلرینده اوخونار، مثلاً: منصور (مانسیری)، قوربتی کرم، یانیق کرمی و...

(۳) شعر فورماسی اساسیندا اولان هاوالار ۷ یترہ بؤلونور:

گارایلی هاوالاری:

آن چوخ هاوالار بو فورمادا، کی سایسیسی ۶۰ کیمین آرتیر. مثلا: اورتاساری
تئل، گویجه گؤل، آتلی کوراوغلو، پاشاکؤچدو (آذربایجانی)، مینا گارایلی،
منصوری و...

قوشما هاوالاری:

بو فورمادا گارایلی دان سونرا چوخلو هاوالار اوخونور. بو هاوالاردان بیر نئچه سی
بونلاردیلار: قهرمانی، دیلغمی، غربتی کرم، بهمنی (بؤزوغو)، یانیخ کرمی و... ۲۴
هاوا دا بو فورمادا یئر آلیر.

دیوانی هاوالاری:

دیوانی هاوالاری ائله بو فورمادا اوخونار. آیاق دیوانی، عثمان دیوانی، میدان
دیوانی، باش دیوانی (شاه خطایی دیوانی، مجلس دیوانی).

تجنیس هاوالاری:

تجنیس، جیغالی تجنیس.

مخمّس هاوالاری:

باش مخمّس، کوراوغلو مخمّسی (کوراوغلو گؤزللمه سی)، اورتا مخمّس،
جیغالی مخمّس.

بایاتی هاوالاری:

ائل بایاتیسسی، کوچ بایاتیسسی (آت اوستو)، چوبان بایاتیسسی (قایا باشی).

خالق ماهنی هاوالاری:

واقف گؤزللمه سی (واقفی)، قاراباغ شریلی سی، گؤده ک دونو (آیدینی).



۴) ھاوالار سازین پردہ سینہ گۆره اوچ یئرہ بۆلونور:

بیرینجی بۆلوم: یوخاری ھاوالار

بو ھاوالار دۆدونجو پردہ دن یوخاریدا، چالینار و اوخونار. آشیق اوچون اوخوماسی راحتدیر و سسین آمادهلشدیرمه سینده چوخلو نقشی واردی. مثلاً: باش دیوانی، آیاق دیوانی، تره کمه گۆزللمه سی، یانیق کرمی، تجنیس، دیلغمی و...

ایکینجی بۆلوم: اورتا ھاوالار

بو ھاوالار دۆردونجو و دوققوزونجو پردہ لر آراسیندا چالینار و اوخونار. بیر نئچه سی بونلاردیلار: قره باغ شیکسته سی، محترمی (جنگی کوراوغلو)، مصری، گۆزللمه، دوبیتی، جمشیدی، ساری کۆینک و...

اوچونجو بۆلوم: آشاغی ھاوالار

شاه پردہ دن آشاغادا چالینان ھاوالار، بو ھاوالار زیل اولماسینا گۆره آشیقی یورار. مثلاً: بهمنی، اثرمنی کئشیش اوغلو، سولدوزی (ساللما بهمنی)، پناهی (سگگیز یارپاق)، کوراوغلو جهله مه سی و...

ایران آذربایجانیندا ساز هاوالاری

تبریز هاوالارینی ساییدیقدا ۱۰۰ هاوانی آد آپاریرلار. اورمه طرفلرینده اولان هاوالاری اورمیه‌نین بؤیوک شاعیری شلمی بیر شعرینده تامان هاوالاردان آد چکیر.

الف) گرایلی هاوالاری

۱- آتلی کوراولغو، ۲- آیلق جلیلی، ۳- آزافلی دو بیتلی یا توووز دوستی، ۴- باش ساری تئل، گهوری، ۵- باغداد دوبیتی، ۶- بورچالی دوبیتی، ۷- وان آغزی، فخری، توراجی، الاچینی، ۸- قازاخ دوبیتی، ذوالفقاری، میرزه دوبیتی، ۹- ایران دوبیتی، ۱۰- محمد حسینی، حیدری، کوردو گرایلی، ۱۱- نخبوان گولو، ۱۲- موللا جومه دوبیتی، شکی دوبیتی، ۱۳- اورتا ساری تئل، ۱۴- پاشاکؤچدوآذربایجانی، ۱۵- کوراولغو بحرئسی، ۱۶- گرایلی، ۱۷- مینا گرایلی، ایمران گرایلی، ۱۸- پیشره، ۱۹- ساللاما گرایلی، جیغالی گرایلی، ۲۰- صیادی، ۲۱- ترس گرایلی، ۲۲- تجنیس، ۲۳- حجاز گولو، ۲۴- شیرین قالا، ۲۵- شاهسون، ۲۶- شمکر سارایی.

ب) قوشما هاوالاری

۱- آغیر شریلی گؤزللمه‌سی، ۲- عباس شکسته‌سی، ۳- داستانی، عاشیق حسینی، ۴- بهمنی، بوزوغو، ۵- بایرامی، قاراکهری، پرده‌سیز، ۶- بادامی شکسته، ۷- قوبا کرمی، ۸- غربتی کرم، ۹- قهرمانی، ۱۰- قافییه، ۱۱- قارا گئز، ۱۲- قاراباغ قایتاغی، ۱۳- قمرجانی، ۱۴- دؤیمه کرمی، ۱۵- دؤشه مه کوراولغو، ۱۶- دول هجران، ۱۷- دیلغمی، ۱۸- دوراخانی، ۱۹- ائل هاواسی، قاراچی درویشی، ۲۰- زارینجی، کوهنه زارینجی، ۲۱- ایران کرمی‌سی، ۲۲- ایروان چوخورو، ۲۳- یانیق کرمی، ۲۴- یونگو شریلی، ۲۵- یورد یئری، ۲۶- کرم کؤچدو، ۲۷- کرم شکسته‌سی، ۲۸- کوراولغو بوزوغو، ۲۹- کوراولغو قایتارماسی، ۳۰- کوراولغو رباعی‌سی، ۳۱- کئشیک اوغلو، ۳۲- گوللو قافییه، ۳۳- گؤیچه گولو، ۳۴- اران گؤزللمه‌سی، ۳۵- گویچه قایتارماسی، ۳۶- گیلنه‌نار، ۳۷- میصری، ۳۸- منصورئ ۳۹- میخه‌یی، ۴۰- میرزه جانی، ۴۱- شقای، ۴۲- نجفی، ۴۳- نخبوان

۴۴- عثمانلی بوزوغو، ۴۵- اووشاری (افشاری)، ۴۶- اورتا جلیلی، ۴۷- ساللاما کرمی،
۴۸- سلطانلی، ۴۹- سئیرانی، ۵۰- سمندری، ۵۱- ساری تورپاق، ۵۲- عرفانی، ۵۳-
ہجران کرمی سی، ۵۴- جنکی کوراوغلو، ۵۵- شیروان کؤچری سی، ۵۶- شیروان
شکستہ سی، ۵۷- شئشنگی.

ج) بایاتی ھاوالاری

- ۱- ائل بایاتی
- ۲- کؤچ بایاتی، آت اوستو
- ۳- چوبان بایاتی سی، قایا باشی

د) تجنیس ھاوالاری

- ۱- تجنیس
- ۲- جیغالی تجنیس

هـ) خالق ماہنی ھاوالاری

- ۱- واقف گوزللمہ سی، واقفی
- ۲- قاراباغ شریلی سی
- ۳- گؤدک دونو، آیدینی
- ۴- تاهاری، ابراہیمی، قارا تنلی

و) دیوانی ھاوالاری

- ۱- آیق دیوانی، عثمانلی دیوانی، میدان دیوانی
- ۲- باش دیوانی، شرختائی، مجلس دیوانی.

ز) مخمس ھاوالاری

- ۱- باش مخمس
- ۲- کوراوغلو مخمس، کوراوغلو گوزللمہ سی
- ۳- اورتا مخمس
- ۴- جیغالی مخمس

زنگان ھاوالاری

زنگان آشیق محیطی نین ده اؤزونه مخصوص آشیق ھاوالاری دا واردیر. بورادا قیرخ ھاوایا یاخین آشیق ھاوالاری اولراق، ماحاللارا عاییددیر. زنگان ھاوالاری اؤزو ده داھا کیچیک منطقه لره بؤلونور و او جمله دن:

ابهر - خرمدره ھاوالاری

طارم ھاوالاری

قیدار ھاوالاری

و نہایت زنگان ھاوالاری عنوانی آلتیندا چالینیر.

آنجاق دئمک اولور کی بورادا چالینان ھاوالاری بوتون آذربایجاندا چالینان عینی ھاوالاردی، آنجاق موسیقی باشلاناندا لا دان باشلاییردی، یا زیل لر و بم لر بیر آرجا دیشیلیر. یا بئله دئمک اولور کی کؤک همان قالیر، تکجه بیر پرده زیل یا بم اولور. مثلا خالخالی ھاوا بونلاردان بیریدیر کی اؤزو اوچ ھاوایا بؤلونور: کسمه کرمی، جوشغون کرمی و مشکینی دئییلرک لادا باشلاییر.

طارم ھاوالاری:

طارم دو بیتسی، روحانی سی، طارم شکسته سی، گوللو قافیہ زنگان ھاوالاری دا هر بؤلگه نین ھاوالاری کیمی او بؤلگه نین انسانلاری نین، اؤزللیکلہ آشیق لاری نین فرهنگی، رسوم و رسوماتی، عنعنہ - دبدبه لریندن، ھاہئله خالقین یوزایل لر بویو باشیندان کئچیردیگی اولایلاردان تاثیرلنمیش احوال - روحیه دن یارانیر، یوزایل لر بویو سینه دن - سینه یه، ائلدن - ائله دولانیر، یونتالانیر و نہایت بیر ثابت حالا دوشور و آشیق لار داھا او ھاوانی منیمسه ییب نسلدن نسله اؤیرنپ - اؤیردیرلر. هر اؤلکه نین موسیقی ھاوالاری، او ملتین یاشاییش طرزینی، دنیا گؤروشونو و عنعنہ - دبلرینی ده گؤستریر. بو ھاوالاردان او خالقین ایستکلری، بگندیگی حال - احوال دیریلیر. خالقین شنلیکلری و غملی گونلری

اولموش و ہر حال و ہوا اوچون اؤزل ہاوالار چالینیب- اوخونور. بوگون تویلاردا، دوگونلرده چالینان ہاوالار تاریخ بویو ایستہ نیلن و چوخ سئوینیلن ہاوالار چالینیپ و بئلہ لیکلہ زنگان اہلی نین روحیہ سینی بیلدیریر.

زنگاندا دا آذربایجانین باشقا بؤلگہ لری کیمی ائپیک و غنایی- محبت ہاوالاری چالینمادادیر. بو ہاوالارلا خالقین شنلیکلری، دوشونجہ لری و عنعنہ لری تصویرہ آلینیر. بو ہاوالار حتا بیر مجلسہ مختلف فورمالاردا و اؤزونو یئیین یا یاواش، اوجا- آچاق سویتہ لری ایلہ کئچیریلیر. زنگان ساز آلتی دہ بوتون آذربایجاندا اولدوغو کیمی، آذربایجاندا فرقلی اولمامیش و ہمیشہ باشقا بؤلگہ لرلہ آشیقلیق صنعتیندہ آلیش- وئیشلر اولموش، تبریزدن، اردبیلدن، اورمودان و باشقا شہرلردن زنگانا گلیمیش ویا زنگاندان بو شہرلرہ سفرلر اولاراق، داستان، شعر و ہاوا آلیش- وئیشلری اوز وئرمیشدیر و بو یاخینلیق یوزایل لر بویو، بوگونکو کیمی داوام تاپمیشدیر. ہاوالار دا بیر- بیرینہ یاخین اولموشدور.

زنگاندا دئدیکلر اساسیندا ۴۰- ۵۰ ہاوا باشقا شہرلردن فرقیدیر، آنجاق دقت ائندنہ گؤرورسن ائلہ دہ بیر فرق یوخدور و نہایت دئیہ بیلریک ۲۵- ۳۵ ہاو واردیر کی زنگانا باغلاماق اولور. بو ہاوالار زنگاندا داہا آرتیق ہوسلہ چالینیپ و ائشیدیلیر. بیر مسالہ دہ دقت ایستہ ییر: او دا بودور کی کئچن یوز ایلدہ آکادمیک امکاملار اولمادیغیندان بیر سیرا ہاوالار یازیبا آلینمادیغی اوچون یادلاردان چیخیر و آرادان گئتمک حالیندادیر. ہر حالدا بیر سیرا زنگان ہاوالاری ایلہ باشقا آذربایجان بؤلگہ لری نین آدینا باغلانان ہاوالارین فرقلرینہ اشارہ ائدیریک:

- ۱- اوست اوستہ دئمک اولار کی آشیق کلاسیک ہاوالاری بوتون آذربایجاندا بیردی و زنگاندا دا عینی ہاوالار عینی آدلاری ایلہ چالینیپ و اوخونور.
- ۲- مومکوندو بیر ہاوا بیر بؤلگہ دہ نئچہ پردہ زیر چالینسنین: خالخالی تاریمدا- یا نئچہ پردہ ہم چالینسنین: مشکینی زنگاندا. بو بیر حالدادیر کی ہاوانین اساس استراکچری ثابتدیر.

۳- بالا جا بیر سازدا دیشیکلیک یا اوخوماقدا هاوانین آدی ایکی بؤلگه ده فرقلی آدلانیر. مثلا ولیجانی تاریمدا، فتاحی زنگاندا اجرالاری بیر اولدوغو حالدا اوخوماقلاری فرقلی دیر.

۴- بؤلگه گؤتورومو ده بیر هاوانین مختلف اجراسینا سبب اولور: شکسته‌نین طاریمدا اجراسی و اوخونوشو زنگانداکی ایله فرقلیدیر. بورادا دا استراکچر عینیدیر. دوبیتی هاواسی ده بئله‌دیر و بو ایکی بؤلگه‌دن فرقلی دیر.

۵- نچه هاوا طاریمدا واردیر کی زنگاندا اجرا اولمور. زارینجی، خلخالی غربتی‌سی، فیرنگ اوغلو و... بونون ترسینه ده زنگاندا بیر سیرا هاوالار واردیر کی تاریمدا اجرا اولونمور مثلاً: فرساقی، اکبری، تک هاوا، بالا شهریاری، هالیلی و...

زنگان آشیق محیطی

پروفیسور محرم قاسیملی، دَیَرلی اوستاد، زنگان آشیق محیطی حقیندہ بئلہ یازیر:

گونئی دہ کی آشیق مُحیطلری نین ان قاینار نقطہ لریندن بیرى دہ زنگان و اونون چئورہ سیندہ کی ابهر، خرم درہ، سُلطانیه، قیدار و هیدج بؤلگه لریندہ قرارلاشمیشدیر. اساس قوّه لری خرم درہ و ابهرده ییغیشان زنگان آشیق محیطی نین ایفاچیلیغی ساز، بالابان و قوال اوچلوگو اوزریندہ قورولموشدور. زنگان آشیق محیطی نین دقت چکیجی اؤزلیکلریندن بیرى بالابانچی و قوالچی نین دا مراسیمین اویغون یئریندہ آشیقلا برابر اوخوماسی دیر. بو محیطده فعالیت گؤسترن بالابانچی و قوالچی لارین اکثریتی گؤزل سسه مالیکدیر. اونلار داستانلارین و آشیق شعرلری نین دہ یاخشی بیلجیلری کیمی تانییرلار. بعضی بالابانچی و قوالچی لار ائل - جماعتین و صنعت آداملاری نین تحریکی ایله سونرادان آشیقلیق بئلہ ائدیرلر.

ایفاچیلیق بیچیمی و رپرتوار یوکو بوراداکى آشیقلیغین تکیه کؤکنینه سؤیکندیگینی گؤرسدیر. محیطده کی چاغداش آشیقلا رین سایى قوال و بالابانچی لارلا بیرلیکده ایکی یوز اللى دن چوخدور. تکجه خرم دره نین عمی لر کندینده اوتوزدان چوخ آشیق یاشاییر.

زنگان آشیقلیغی نین تشکولو باره لریندہ داستان قورولموش آشیق شیرین و آشیق یوسیف جمال ادلی اورتا چاغ آشیقلا رى نین اؤنملی خدمتی اولموشدور. زنگان محیطی نین اساس آشیق اوجاقلاریندان سایلان خرم دره دن چیخمیش آشیق شیرین حاقینداکی «شیرین و بیرچک خانیم» داستانی اورتا چاغ داستانچیلیغینا مخصوص اولان کلاسیک استنادرلارا تام جواب وئریر.

«یوسف جمال» داستانی دا اؤز شعرسل مکمل لیگی ایله سئچیلیر. آشیق شیرین و یوسف جامالین عنعنه سی نین داوامچیلاری اولاراق زنگان و اونون چئوره سینده آشیق نجفعلی، آشیق خانمراد، آشیق لطفعلی، آشیق ابراهیم شاهسون، آشیق فتح الله رضایی، آشیق طیب، آشیق غلام رضا داوودی و باشقا اونلارلا گؤرکملی صنعتکارلار ائل آراسیندا بؤیوک شهرت قازانمیشدیر. بو گون همین عنعنه نی گلابعلی داوودی، طیب سلیمان، آشیق اکبر زنجانی، آشیق امرالله، آشیق التیفات، میرزا آقا سلیمانی، رسول اسدی، پرویز سلیمانی کیمی ساز- سؤز اوستالاری لیاقتله داوام ائتدیرمکده دیرلر.

زنگان آشیق لاری نین رپر تواریندا قیرخا یاخین داستان واردیر. رپر توارداکی ان ایشلک داستانلار آشاغیدا کیلاردیر: «زنجانی قوربانی»، «خسته قاسیم»، اصلی کرم «»، «عابباس گولگز «»، شیرین و بیرچک خانیم «»، قریب- شاه صنم «»، «طاهر- زهره» و ... بو محیطده «کوراوغلو» نون دوققوز قولونا راست گلینیر. رپر توارداکی الله یاخین ساز هاواسی نین آز قالا یاریسی بؤلگه سل دیر: «آغایی»، «فرزایی»، «فارنگ اوغلو»، «کللاهی»، «خالخال شیکسته سی»، «ولی جانی» و

زنگان آشیق محیطی آذربایجان آشیق محیطی نین کلاسیک سؤز و موسیقی رپر توارینی محافظه ائتمکله یاناشی یئرلی خصوصیتلری عکس ائتدیرن اؤزللیکلره گوجلومئیل ائتمه سی ایله سئچیلیر. یارادیجی نین گوجلوم اولماسیندان دیر کی، «قوربانی» داستانی نین عنعنه وی سوژه سی بو محیطه مخصوص صنعتکارلار طرفیندن کؤکلو شکیلده دییشدیریلیمیش و نتیجه ده داستانی یئنی بیر ورژن «زنجانی قوربانی» اورتایا چیخمیشدیر. «خسته قاسیم» داستانی نین زنگان آشیق لاری نین رپر تواریندا یئر آلان ورژن ده ایندییه قدر بیلینن سوژه دن هابئله خسته قاسیمین شعرلریندن چوخ فرقلیدیر.

زنگان آشیق محیطینده ده آشیق لاری چاپچی- قهوه ده دینلمک عنعنه سی یاشاماقدادیر. زنگان، ابهر، خرمدره و قیداردا «آشیق لار قهوه سی» فعالیت گؤرسدیرلر. تکجه زنگان شهرینده آلتی آشیق قهوه سی واردیر. بو قهوه لرین چوخو آشیق لارین اؤزونه مخصوصدور.

پروفیسور دکتر علی قافقازیالی دا زنگان آشیق محیطی حقیقده بئله یازیر^۱:
 تورک آشیقلیق گله‌نگی نین دموگرافیک یاییسی: تورک آشیقلیق گله‌نگی نین
 جانی اولاراق یاشادیغی بیر اؤنملی محیط ده زنگان آشیق محیطی دیر و بو
 محیط، خزر دیزی نین گوئی باتیسینداکی ان قدیم تورک یوردلاری اولان
 باشدا زنگان، سلطانیه اولماق اوزره خرمدره، ابهر، قیدار، هیدج، تیکاب، بیجار،
 تاریم علیا، مانیشان، ایجرو، تاکستان، قزوین، لوشان، نیک‌پی ۲ ائل و
 ائلچهلرینی احتوا ائتمکده دیر.
 بؤلگه‌ده افشار، آغ قویونلو، اموارلو، خره قانلو، کوردیجه، سعادلو، ساریجالو،
 اوستاجلو کیمی تورک بویلاری مسکوندور^۳.

زنگاندا آشیقلیق اوجاقلاری

شبهه یوخدور کی آشیق‌لارین پاتوقلاری اونلارین الده اندیلمه‌لرینه یاردیمچی
 اولور. توی-دوگون صاحبیلری آشیق ایسته‌دیکده اورایا گلیب و آشیق‌لاری
 گؤروب، سئچیرلر. عینی حالدا آشیق‌لار بورادا چالیب-چاغیریرلار و ائشیدنلری
 ذوقا گتیریب، اؤزلرینه ده مشتری توپلاییرلار. بیر ده بو یئرله یاریشما میدانی
 دبیرسک یانیلمامیشیق. دوغرودان دا آشیق‌لار یانیندا آشیق‌لیق ائتمک اؤزو
 جسارت ایسته‌ییر. بو اوجاقلار یا پاتوقلار یا قهوه خانالار بئله بیر ماهیت
 داشیییرلار.

^۱ دکتر علی قافقازیالی، ایران تورکلری آشیق محیطلری، ارزروم، ۲۰۰۶.

^۲ امرالله گوئی، تورکیه نین قومشولاری، اؤلکه‌لر جغرافیاسی ژئوپلیتیک، چانتای یای، استانبول، ۲۰۰۳، ص ۱۵۹-۱۸۴؛ ۱. گونر، م. ارتورک، قطع‌لر و اؤلکه‌لر جغرافیاسی، نوبا یایی‌نلاری، آنکارا، ۲۰۰۵، ص ۱۹۷-۲۰۲.

^۳ فاروق سومر، اوغوزلار، تورک دونیاسی آراشتیرمالاری وقفی، استانبول، ۱۹۹۹، ص ۴۳۹-۴۵۰.

آشیقہ گلہنگی بو دورملارلا ساخلانیلیر و هر آشیق اؤز هنرینی گؤستریر.
 زنگان دا بئله بیر گلہنگی ساخلامیش و اسکی زامانلاردان آشیقلا رین پاتوغی
 واریمیش. آنجاق بوگون بو اوجاقلاردان فعال قالانلار بونلاردیر:
 زنگاندا: سلیم آشیقلا ر قهوه خاناسی، افضل آشیقلا ر قهوه خاناسی، نورالدین
 آشیقلا ر قهوه خاناسی و آشیق علی خلی قهوه خاناسی
 خرمدره ده: حیدربابا قهوه خاناسی (بو قهوه خانانی اوللرده آشیق گلابعلی
 داودبگی ایشلدیرمیش)، آذربایجان قهوه خاناسی (غلامحسین حیدری)
 ابهرده: سلمان آشیقلا ر قهوه خاناسی
 قیداردا: حیدر آشیقلا ر قهوه خاناسی.

ویستان، آشیق اوجاغی

خرمدره نین ۶ کیلومتر لیغیندا ویستان کندی، زنگان آشیقہ محیطی نین ان
 بارلی یوردلاریندان ساییلیر. کئچن یوزایلده اونلار جا درین دوشونجه لی، ساز و
 سؤز اوستادلاری بورادان باش قالدیری ب و ادبیات اوجاغینی ایستی ساخلامیشلار.
 ویستان کنندینه آشیقہ دین و مذهب له برابر گئدیر و آشیقلا رین ان
 اوستادینا شیخ دئییرلر. ویستاندا سازا چؤیور دئییرلر.
 ویستان هاوالاری چوخ اورگه یاتان و اصیلدیرلر. بورادا ایاق دوبیتی (تبریز
 دوبیتی سیله فرقلی دیر)، باش دوبیت واردیر. هابئله اوچ شکسته: گلّه شکسته،
 ایاق شکسته و کسمه شکسته واردیر. ۴ کرم هاواسی: کسمه کرم، یورغون کرم،
 گنجه کرم و عثمانی کرم اوخونور.

اوچ شهر یاری دا واردیر: اینانلی شهر یاری، سوروتمه شهر یاری، شهر یاری.
 باشقا هاوالاردان: شاه خطایی، شاهسونی، یورغون عباس، کسمه عباس،
 فتحاحی، کوراوغلو، جنگی کوراوغلو، ایوازی کوراوغلو، سلیمانی، سولدوزو،
 مهترخانی، اکبری، دؤشمه، گرایلی، گلّاهی و مرجانی نی آد آپارماق اولار.
 بونو قید ائتمه لی یم کی سلیمانی هاواسی ویستاندا بوگون یاشایان و بوتون
 عاییله لری آشیقہ صنعتیله مشغول اولان عاییله نین آدینا باغلانان بیر هاوادیر.

زنگاندا سؤیله نیلن داستانلار

زنگاندا بیر سیرا داستانلار واردیر کی بو بؤلگه یه عایید ساییلیر و باشقا بؤلگه لرده، تبریزده، اردبیلده، اورمودا و باشقا شهرلرده تانیلما ییر و یا بیر سیرا داستانلار زنگان ماراقلا سؤیلیر و باشقا شهرلردن آرتیق اوخونور. هابئله بیر سیرا داستانلار بو بؤلگه دن اتفاق دوشور و زنگان آشیقلاری اونلاری زنگان داستانی بیلیرلر. او جمله دن آشاغیداکی داستانلار دئمک اولار:

شیرین ایله بیرچک خانیم

طوطی شیرین سخن و یوسف جمال

زنگانلی قوربانی

بهرام و گول خندان

ورقه و گولشن

کلبی و سلی

یئتیم سیدی

جنگی قاسیم

آنجا ق آذربایجانین باشقا شهرلرینه تای معروف داستانلار بورادا دا تانیلما ییش اولاراق سؤیله نمکده دیر، او جمله دن:

کوراوغلو داستانلاری (دربند سفری، توقات سفری، قیرآتین قاچیریلما سی، ایوا زین گتیریلمه سی، ارزروم سفری، یغداد سفری، روم سفری، کوراوغلونون قوجالیغی، زنگانلی قوربانی، خسته قاسیم، عباس ایله گولگز، امراه ایله حوری لقا، امراه ایله سرونز، عندلیب میرزا ایله قیزیل گول، قنبر ایله محمود، غریب ایله شاه صنم، غلام حیدر، حیدر ایله بایرام، کمتر یوسف، کرم ایله اصلی، لیلا و مجنون، میر محمود ایله سارا، سعادت ایله صیاد، صیدی ایله پری، شاه اسماعیل و عرب اوزنگی، تورک اوغلو ایله مهری، واله ایله زرنکار.

جالب بیر نوکته ده بورا سیدیر کی مثلا خسته قاسیم داستانلاری زنگاندا سؤیله نیشی تبریز، حتا تیکمه داش داستانلاری ایله تام فرقلی دیر و بورادا داستان

آراسیندا اوخونان شعرلر باشقا شهرلرده اوخونان شعرلرله فرقلی دیر. بو داستانلاردا خسته قاسیم سیماسی دا باشقا گؤزللیگی و باشقا واریانتی دیر. زنگان داستانلاری نین اصلی، واریانتلاری، سؤیله نیشی و آراشدیرمالاری گلن دفترده آچیقلا ناجاقدیر. بورادا زنگان آشیقلاری نین سیمالاری ایله تانیش اولوروق:

زنگان آشیق سیمالاری

آذربایجان آشیق ادبیاتی چوخ درین بیر تاریخه مالیکدیر. زنگان آذربایجانین اسکی بؤلگه لریندن و درین مدنیته صاحب اولان بیر ماحاللارینداندیر. بورادا آشیق گله نگی ده اسکی دیر. تاریخ بویو بؤیوک آشیقلار یاشامیش و آدلی-سانلی آشیقلاریمیز اولموشدور. آشیق ادبیاتی دئییلنده آشیقلار شعرلی، داستانلار و هامیدان افضا آشیقلارین اؤزلرینی تانیما لازمدیر. تاسفله بو قونو شفاهی اولدوغو اوچون، اسکی آشیقلارین شعرلی بیزه گلیب چاتمیشسا دا، آدلاری و یاشاییشلاری چاتمامیش و شعرلی ده آدسیز اولاراق بیزلره قالمیشدیر. مینلر بایاتی، مینلر قوشما، یوزلرجه داستان شفاهی صورتده الیمیزه چاتیپ، آنجاق اونلارین سؤیله نلری و آشیقلاری تانیمامیش قالمیش و سونراکی آشیقلار سینهدن سینه یه بو شعرلی و داستانلاری سؤیله ییب دیری ساخلامیشلار. دوغرودان دا هله بیلینمه ییر ورقا و گولشن داستان هانسی آشیقدان قالمادیر. و یوزلرجه بئله سورغولار هله جوابسیز قالمیشدیر.

آذربایجان کلاسیک آشیق ادبیاتی آشیق قوربانی، آشیق امانی، عباس توفارقانلی، خسته قاسیم، آشیق واله، ساری آشیق، آشیق علےسگر و سایره ایله بزه نیب تا چاغداش آشیقلاریمیز میدانا گلیرلر. بو کلاسیک آشیقلاردان زنگاندا آشیقلارین دیلینده بیر نئچه آشیغی آد آپاریرلار او جمله دن آشیق شیرین ۵۰۰ ایل بوندان اؤنجه، آشیق یوسف جمال ۳۵۰ ایل بوندان اؤنجه یاشاییرمیشلار. اونلارین اولوم و اولوم تاریخلری ده باشقا کلاسیک آشیقلار کیمی بللی دئییلدیر؛ تکجه داستانلاری اساسیندا هانسی زامان یاشادیقلاری گومان ائدیلیر. بونلارا

باغلی اولان داستانلار بو نچه یوزایل لرده آشیققلار آراسیندا نسلدن - نسله سؤیله نیلیب و بوگونه قدر دیری قالیبدیر. اولار شعرلری ده تکجه دیلدن - دیله بیزه گلیب چاتیبدیر.

بو بؤلگه نین ان قدیم آشیققلاریندان بیرى شیرین ایله بیرچک خانیم آدلی مشهور خالق حیکایه سی نین مؤلفی آشیق شیرین دیر.

آشیق شیرین

داستان اساسیندا اونون صفویه زمانى نین آشیققلارینداندیر. او چوخ ماهیر ساز چالان، سؤز بیلن و دونیا گؤرموش بیر آشیق اولاراق بیر چوخلو آشیققلارلا دئییشمه و یاریشماسی اولموش و سؤزده - سازدا باغلامیشدیر. اونون چوخلو شاگیرلری اولموش و اولناری یئتیرمه ده، اولناردان حیمایه ائتمه دن اسیرگه مه میشدیر. اونون یاشاییشینا باغلانان داستان، خرمدره - ویستان آشیققلاری طرفیندن منیمسه میش و اونو خرمدره آشیقی بیلیمیشلر و داستان دا بو بؤلگه نین آشیققلاری طرفیندن سؤیله نمه ده دیر.

آشیق شیرینی عینی صورتده آشیق قوربانى کیمی نجه داستانلاردان اؤیرنیریک آشیق شیرینی ده داستانى و اورادا اولان شعرلریندن و حرکتلریندن تانییا بیلیریک. هابئله اونون رفتارلاری آشیق واله و اونا تاي آشیققلار کیمی تانیمادادیر.

شبهه یوخدور کی بو داستانلار آشیقین اؤلوموندن سونرا و اونون تانییان آشیققلار طرفیندن سؤیله نیلمیش و ایل لر بویو اونون آدی و یادینی حرمتله دیری ساخلامیش و بوگونه قدر گلیب بیزه چاتمیشدیر.

آشیق یوسف جمال

ایندیلیکده یوسف جمال آدلی بیر دستان واردير و اورادا یوسف جمال حضرت یوسفی تمثیل ائدن بیر گنج دیر. آنجاق بو داستان دا بلکه ۳۰۰ - ۴۰۰ ایل بوندان اؤنجه دن آشیققلارین دیلینده ازیر اوخونور.

بو داستان دا تکجہ خرمدرہ آشیقلاری نین دلیلینده موجوددور و بونا گۆره دئمک اولور یارانیشی دا سؤیله نیشی کیمی زنگان بۆلکەسینه و آشیقلارینا باغلانیر.

آشیق یوسف جمال آدیندا بیر آشیق اولدوغو اوچون الدە معلومات یوخ، آما بو داستان دیل لر ازبری اولاراق یوزایل لر بویو خرمدره- ابهر اطرافی آشیقلاری هوسله سؤیله ییرلر. بو داستان اخلاقی و معنوی بیر داستان دیر. اوند ا پاکلیق، صداقت و دوزگونلوک تعریف اولوناراق، خیانت، الی اگرلیک پیسلنیر. بیر ده عایيله و ار- آرواد آراسیندا اولان تمیزلیک و وفا، اساس موضوع گۆتورولموشدور.

زنگانین باشقا اسکی و اولوب- گئدن آشیقلاری:

تاسفله زنگان آشیقلاریندان بؤیوک آشیقلارین آدلاری دا ایتیپ- باتیبیدیر. شهبه یوخدور کی یوزایل لر بویو یوزلرجه ماهیر چالغیچی لار، ساز- سؤز اوستادلاری بو بۆلگه ده یاشاییب- یارادیبلار؛ آنجاق شفاهی اولدوقلاری اوچون اونلاردان هئچ بیر دفتر و شعر گونوموزه چاتماییبیدیر. اما بونا اینانیرام کی الیازمالار الدە ائتمک چتین ده دئییلدیر، نئجه کی سفرلریمده بیر نئچه الیازمالار، شعرلر و داستانلاردان آشیقلارین ائولرینده گۆرموشم. بو آختاریشلار علمی سویه ده ایرلی گئدیرسه الیمیزه بیر سیرا مطلب لر گله جکدیر.

آشاغیدا آدلاری چکدیگیمیز آشیقلارین عایيله لری، دوستلاری و سندلری الدە دیر و قوجامان آشیقلاریمیز اونلاردان حرمتله یاد ائدیپ و اونلاریه مهارتلیرینده داستانلار سؤیله ییرلر. بو لیسته نی گۆستریمک اولار:

آشیق عزیزخان (اولوم ۱۳۰۲)

آشیق نجفعلی (۱۲۲۲-۱۲۹۲)

آشیق حاج علی خرمدره ای (۱۲۴۲-۱۳۲۲)

آشیق خان مراد (۱۲۴۲-۱۳۲۲)

آشیق الله مدد (۱۲۳۷-۱۳۲۲)

آشیق قوربان ضیاآبادی (۱۲۳۲-۱۳۳۲)

- آشیق علی اکبری (اؤلوم ۱۳۳۲)
- آشیق نوروز (۱۲۵۲-۱۳۴۲)
- آشیق لطفعلی افشار (۱۲۴۴-۱۳۴۷)
- آشیق رکاب اکبری (۱۲۴۴-۱۳۴۷)
- آشیق غلام دشتگی (۱۲۷۲-۱۳۵۲)
- آشیق ابراهیم شاهسون (۱۲۶۲-۱۳۵۲)
- آشیق فرج (۱۲۵۲-۱۳۵۲)
- آشیق سلطان (اؤلوم ۱۳۵۲)
- آشیق سلطانعلی میروردی (اؤلوم ۱۳۵۵)
- آشیق امامعلی هیدجی (۱۲۸۷-۱۳۵۷)
- آشیق مهرعلی ولایشی (۱۲۶۷-۱۳۵۷)
- آشیق غیبعلی زنجانی (۱۲۸۷-۱۳۵۷)
- آشیق ملیک (۱۲۷۷-۱۳۵۷)
- آشیق احمد آقا (اؤلوم ۱۳۶۰)
- آشیق صدقعلی گرگولو (۱۲۸۲-۱۳۶۴)
- آشیق علی آقا خلخالی (۱۲۷۲-۱۳۶۴)
- آشیق علی (۱۲۷۷-۱۳۶۲)
- آشیق طیار (۱۲۶۸-۱۳۶۷)
- آشیق فتح اله رضایی (۱۲۸۷-۱۳۶۷)
- آشیق زین الدین قره بولاغی (۱۲۹۰-۱۳۶۷)
- آشیق بشیر (۱۲۸۰-۱۳۷۰)
- آشیق سهراب (۱۲۸۷-۱۳۷۲)
- آشیق صفر خلخالی (۱۲۹۲-۱۳۷۲)
- آشیق قدرت جارچیلی (۱۲۹۷-۱۳۷۲)
- آشیق شمس علی (۱۲۷۷-۱۳۷۲)
- آشیق رسول نوروزی (اؤلوم ۱۳۷۷)
- آشیق عیاد زوالی (۱۲۹۹-۱۳۷۷)

- آشیق علیرضا داوودی (اؤلوم ۱۳۷۷)
 آشیق یوسف گل محمدی (۱۳۷۹-۱۲۷۱)
 آشیق غلامرضا داوودی (۱۳۷۹-۱۲۵۷) ؟
 آشیق الماس مرشدی (۱۳۷۷-۱۳۱۲)
 آشیق شیرعلی مقدم (۱۳۸۰-۱۲۷۸)
 آشیق میرزه علی دشتگی (۱۳۸۱-۱۳۱۴)
 آشیق میرزا علی (۱۳۸۱ اؤلوم)
 آشیق بؤیوک آقا (اؤلوم ۱۳۸۱)
 آشیق جهانگیر (۱۳۸۴-۱۲۹۲)
 بو آشیق‌لاری تکجه دیل لردن ائشیدیریک و وئردیگیمیز معلومات شفاهی دیر.
 بیر سیراسیندان حتا بیر شکیل ده اله گلمه‌دی.

چاغداش آشیق‌لار

آشیق زین‌الدین قره‌بولاغی

آشیق زین‌الدین ۱۲۹۰ ایل لرینده زنگان یاخینلیغیندا قره‌بولاغ کن‌دینده دونیا یا گل‌دی. او ساوال‌دی و چوخ بیلن بیر آشیق ایدی. بوگون بیزیمله یاشایان آشیق فرخ بیات اونا شاگیردلیک ائتمیش و اونون صنعتیدن دانیشاندا چوخ حرمتله توخونور و اونون تایی بیر اوستاد آشیق گورمه‌دیگینی سؤیله‌ییر. او، دئییر: بیر گون مجلسده بیر روحانی اگلشمیشدی. آشیق آیاغا دورور مجلسی قیزدیرسین. اونونلا برابر بالابانچی و قوالچی دا دورور (بو داستانی تعریفله یین آشیق بیات، اونون قوالچی‌سی ایدی). روحانی بئله گورنده آیاغا دورور مجلسدن گئتسین. آشیق قاباغینی کسیر و دئییر:

حاج آقا، اگلشین. بالابان-قوال اولمایاجاق. تکجه سازلا مجلس قوراجاقام.
آشیق زین‌الدین بیر ساعات بسم‌الله حقینده دانیشیر و سازلا دا اوخویور.
آخیردا روحانی دئییر:

سنین بو دئدیکلرین منه تام-تازا ایدی و سندن چوخ اویرندیم.
دوغرودان دا آشیق‌لاریمیز دینی داستانلار دا بیلیم، قیفیل بندلرینده دینی سوآللارا جواب وئردیلر. آشیق زین‌الدین ساز چالمادادا او قدر ماهیر ایدی کی بیر ساز ایله مجلسی دولاندیراردی. آشیق ۱۳۷۰- جی ایله دونیاسینی دیشدی، بیر حالدا کی چوخلو داستانلار بیلردی و بوگون او داستانلار آشیق ایله یئره گومولدو.

آشیق بشیر



آشیق بشیر یامچی کندی‌نده- نیک‌پی^۱ ن یاخینلیغیندا ۱۲۸۹ ایل لرینده دونیا یا گلدی. بیر چوخلو شاگیرلر تربیه ائتدی. بوگونکو آشیق فرخ بیات، اونون شاگیرلریندن بیریدیر و اوستادیندن بابا قورقود داستانینی اؤیرنمیشدیر. بلکه ده آشیق بشیر بیرنجی آشیق‌دیر کی بو داستانی اونون دیلیندن ائشیدنلر وار. بو داستان اساسیندا، حضرت علی (ع)- آشیق‌لارین پیر و مرادی ۲۵ ایل امامتدن اوزاق ساخلانلیق و خانه‌نشین

اولور. بو زمان بابا قورقود بیر تخته اوستونه اوچ سیم چکیب اؤزونه قوپوز دوزلدیر و ائل به ائل، یورد به یورد دولانیر و شاه‌مردان تعریفیندن داستانلار سؤیله‌ییر و اونون حقیندن دفاع ائدیر. آشیق‌لار بوگون اونون یولونو گئتمه‌لی‌دیلر و حق‌دن دفاع ائتمه‌لی‌دیلر.

آشیق بشیرین اوغلو ساواش ایل‌لرینده جبهه‌یه گئتمیش و شهید اولموشدور. ۱۳۷۰ ایلینده دونیادان کؤچموشدور.

آشیق علی خلی

زنگان آشیق‌لاریندان دانیشاندا آشیق علی خلی‌نی اونودماق اولماز بیر ایشدیر. او، اؤز حیاتی‌تیندا زنگانین آشیق لیق صنه تینه بؤیوک خدمت‌لر گؤستریب، هنرینی اوجا سویه‌یه یوکسلدیب، شعرلر قوشوب، داستانلار سؤیله‌ییب و آشیق‌لار قهوه‌خاناسینی قورودور کی بوگون ده آشیق‌لارین ییغینجاق یئری اولاراق، هر گون آشیق‌لار اورادا گؤروب تویلاریدا اشتراک ائتدی‌کلری اوچون دعوت اولورلار. هر حالدا آشیق علی خلی بو ایشله آشیق‌لارا میدان آچمیش‌دیر و بوگون ده همان قهوه‌خانانی آشیق‌لار اوغلانلاری دولاندریرلار.

^۱ نیک پی زنگانین ۳۵ کیلومترلیگینده بیر قصبه‌دیر. بورا ان اسکی زامانلاردان آشیق‌لار یوردو اولموشدور.

آشیق علی ۱۳۱۶- جی ایلده آشیق قارداشعلی نین ائوینده، زنگانین قارا تپه کندینده دونیا یا گۆز آچدی. ایلک گوندن آشیق صنعتی ایله تانیش اولدو. داستان و شعر ساحه سینده اوستاد آشیق لاردان بیرى اولدو. بوگون زنگان آشیق لیک محیطیندن دانشاندا آشیق علی نین آدی ایلک آشیق لاردان ساییلیر. او ۱۵ یاشیندا رسمی صورتده بو صنعت چکیلیب، ۸ ایل آشیق رسول اسمخانی یانیندا شاگیرلیک ائتدی. ۲۵ یاشیندا صدفلی سازى سینه سی اوسته آلیب جوشغون اورگی نین دؤیونتولرینی ساز ایله دیله گتیردی و عمرو بویو یوزلرجه توی مجلسلرینی یولا سالیب، خئیر دوعا ایله یوزلرله گلینی بخت ائوینه گؤندریب و یوزلرله بی لرین ایگیدلیک دونیاسینا قدم قویماسینا بول آچیدیر. ائلمیزین شنلیک مراسیمینی دولاندیریپ چالیب- اوخویوبدور. دئدیگیمیز کیمی آشیق لار قهوه خاناسینی زنگاندا یولا سالیبدیر. بوگون اونون ایگید اوغلو همان قهوه خانانی دولاندیرماقدادیر. نهایت آشیق علی خلفی ۱۳۹۱- جی ایلده دونیاسینی دییشدی.

آشیق علی داستان سؤیله مکده درین بیر مهارت صاحیبی اولموش، اونا گؤره بیز بورادا اونون سؤیله دیگی عباس و پری خانیم داستانی نین زنگان واریانتیدان بیر بؤلومونو بورادا گتیریریک. بورادا اونون مهارتلی ایفاچی لیغینی گؤرمک اولور:

آشیق عباس داستانی - آشیق علی خلفی دن

زنگاندا چوخ زنگین، مال- دولته صاحیب اولان بیر تاجیر وار ایدی. بو تاجیر دونیانین بوتون شهرلرینی گزیب، دولاشمیش، نهایت توفارقاندا مسکن سالمیشدیر. بوتون آدلی- سانلی تاجیرلر خوجا ماییلی تانیردی. توفارقان ماحالیندا خوجا ماییل خئیر عمل لری ایله جماعت آراسیندا بارماقلا گؤستریلیردی. خوجا ماییلین عباس آدیندا بیر اوغلو وار ایدی. عباسدا اولان عقل و کمال آتا- آناسینی حئیران قویموشدو. خوجا ماییل بیر گون اوغلونو چاغیریپ دئدی:

اوغول، من استانبول شهرینده اولاندا بیر درویشه راست گلدیم. منیم الیمین ایچینه گؤزو دوشنده، چوخ حئیرتله دوروب دایاندی و منه دئدی: سنین

قسمتیں سندہ چوخ آغیر بیر گون گورورم. اما سنین عائیلہ ندہ بیر دورلو ماتاح وار. او، حق طرفیندن بیر مقاما چاتاجاق کی نئجه کی دونیا وار، او عالمہ گون کیمی ایشیق ساچاجاق. اوغول، گل سنی گؤندریم ماحالیمیزین ان عقیل لی- کمال لی بیر عالیمیندن درس آل.

عباس بؤیوک عالیملردن درس آلمایا باشلادی. بیر گون خبر گتیردیلر خوجا ماییل دونیادان کؤچوب؛ بو آیریلیقدان بیر ایل سونرا عباسین کؤنلونه گولشن باغلارین سئیر ائتمک دوشدو. عباسین «قاردا قالان» آدیندا بیر دوستو وار ایدی. اونا دئدی کی، گل بیر گولشن داغینا سئیرہ چبخاق.

بونلار گلیب گوللو- چیچکلی باغدا چوخ گزیب- دولاناندان سونرا اوزانیب یاتدیلار. چوخ یاتاندان سونرا قاردا قالان یوخودان آییلدی، باخدی گوردو کی، عباس هله یوخودان آییلما ییب. چوخ دایاندی، دئدی بلکه یورغوندو؛ بیر آز دا یاتار، اؤزو دورار گئدریک. اما گون باتدی، عباس یئنہ ده یوخودان قالخمادی. باشلادی عباسی چاغیرماغو عباس یوخودان آییلمادی. ناچار قالیب گلدی عباسین آناسینا یوتون احوالاتی دانیشدی. عباسین آناسی بیر نئچه یاخین آدمالارینا دا خبر وئردی و بونلار گلدیلر گولشن یاغینا. باخدیلار گوردولر کی عباس هله ده یوخودادیر. بیر ده چاغیردیلار. یوخودان دورمادی کی دورمادی. عباسی گؤتوروب گتیردیلر ائولرینہ. عباسی بو حالدا گؤرن آناسی اوز- گؤزونو دیدیب- داغیدیردی. نه قدر حکیم واردی گتیردیلر؛ یئنہ ده عباسا بیر چاره تاپیلمادی. عباس یوخودان دورا بیلمزدی؛ چونکی عباسین روحی ارنلر سرورینین قوللوغوندا درس آلیردی. عباس رؤیادا گوردو کی بیر نورانی شخص دایاندی بونون یانیندا. جیبیندن بیر آیینا چیخاتدی. توتدو عباسین اوزونہ؛ دئدی:

باخ گور نه گورورسن؟

عباس دئدی:

آقا، بیر قصر گورورم. اونون منارهلری قیزیلدان، اطرافی جنت باغی، حیطینده بیر چارحوض، ایچینده سونالار، کناریندا بیر سرو آغاجی و او آغاجا دایانان بیر دونیا گؤزلی؛ بوتون اطرافینا شعله ساچار. آقا، او گؤزلہ بو دقیقه الیم چاتماسا

ہلاک اولارام.

آقا دئدی:

اوغول، او گۆزل، تبریز حاکیمی محمدخانین قیزی گولگز پری دیر. اونا سنه و سنی اونا بوتا یازدیم، موبارک اولسون. یوخودان آییلانداکۇنلونون سسینه قولاق وئر، گۆر نه دئییر. اوندان باشقا بیر سؤز دیلینه گتیرمه.

آقا الینی چکدی عباسین باشینا، دئدی:

اوغول، سنه نه لازیمدیرسا وئردیم. قالخ آیاغا.

عباسین دا آناسی اوغلونو بو حالدا گۆروب اؤزونو هلاک ائدیردی. بیر آندا گۆردولر عباس گۆزلرینی آچدی. اطرافا گۆز گزدیردی. گۆردو جماعات بونون باشینین اوستونو آلیب و هامی آغلاماقدادیر. عباس اورگی نین سسینه بیر قولاق آسدی. گۆردو بونا دئییر:

عباس یوخودا نه گۆروبسن آچ دئ.

عباس دئدی:

آنا نه اولوب جماعت منیم باشیمین اوستونه نییه توپلاشیب؟ دئ گۆروم سنه نه اولوب؟

آناسی دئدی:

آی بالا، سن ایکی گوندور یوخودان آییلمیردین. دئ گۆروم سنه نه اولوب؟

عباس دئدی:

آنا، منه بیر ساز گتیرین؛ من سیزه دئییم منه نه اولوب و من نه گۆرموشم. گۆندر دیلر قونشودان بیر ساز گتیردیلر. عباس گۆتوروب بوردا گۆرک جماعته نه دئییر:

دونن گۆردوم خواب ایچینده

دولدولون مینمیشدی سرور.

خبر آلدیم سوراق توتدوم

خبر وئردی بیر غضنفر.

دئدیم: آیا معلم سن؟

دئدی: اصلن مکلم سن.

دئدیم شاہا: بس سن کیمنسن؟

دئدی: داماد پیغمبر.

الیندن ایچرکن باده

سینہم گلییدی فریاده

عباسام، روز جزاده

ال منیم، دامانِ حیدر.

...

آشیق اسد

آشیق اسد حقینده چوخ آز معلومات واردیر آنجاق قره آغاجدا یاشاییب، ماحالین تویلارینی او دولاندیریب و بیر چوعلو داستانلاری آشیقلا را اؤیردیبیدیر. اونون دا اوغلو ساواش ایل لرینده جبهه ده شهید اولموشدور.

آشیق رسول نوروزی

آشیق رسول نوروزی ابهرین ان آدلیم و گؤرکملی، هابئله ماهیر آشیقلا ریندان بیر ی ایدی. حدودا ۱۰۰ ایل بوندان اؤنجه ائل گزیر- ارهان کندینده دونیا یا گؤز آچدی. اونون آتاسی آشیق موسی نوروزی دا بالابانچی ایدی و عمیسی آشیق عیسی گؤزل قوالچی ایدی کی بیرلیکده آشیق رسولون یئتیشمه سینده بؤیوک رولو و زحمتلری اولموشدور و بیر زمان بیرگه مجلس قوروردولار. آشیق رسول ارهاندا مکتبه گئتمیش و درس آلمیشدیر. آشیق رسولون اوستادی آتاسیندان علاوه آشیق نصراله خدره یانیندا دا ساز اؤیرنمیشدیر.

آشیق رسولون گؤزل سسی و طول نفسی معروف ایدی. او، باساواد بیر آشیق ایدی کی شعر و سازدان علامه چوخلو داستانلار بیلیردی و اصلینده داستانچی

بیر آشیق ایدی. اؤزو ده چوخ گۆزل ایدی و فستیواللاردا هامی نین نظیرینی جلب ائدیردی. اونون اوچون ده عزیزلهمه مراسیمی قورولدو. آشیق رسول ۶۵ ایل آشیقلیق ائتدی و ۱۳۷۷ ایلینده ابهرده دونیاسینی دیشدی.

آشیق گلابعلی داوودی



زنگان آشیقلا ریندان سؤز آچاندا بوگون دده آشیق ساییلان گلابعلی داوودی آدی ایلک دفعه نظره گلیر. آشیق گلابعلی ۱۳۱۹- جو ایلده خرمدره نین ارهان کندینده آنادان اولور. اونون آتاسی، حتا

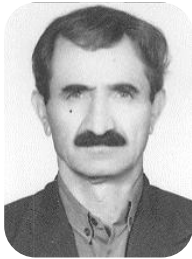
آناسی دا ساز و سؤز ایله غریبه اولمامیشلار. آتاسی و باباسی دا آشیقلیق صنعتینه وارد اولان اولموشلار. او آناسی نین لایلالاریلا موسیقی و آنادیلی نین گۆزلیلیگینی دویموشدور. یئنی یئتمه چاغلاریندا سسی نین گۆزلیلیگینه خاطر، ائل-اوبا طرفیندن اوخوماغا تشویق اولوردو. اوشاقلیقدان درین استعدادینا گۆره یئرلی ماهنی لاری اؤیرنمیش و اوخویارمیش. ۱۷ یاشینا چاتارکن اوستاد آشیقلا رین یانیندا: سلطانعلی میر وئردی نژاد (نوروزی)، اوستاد میرزا علی سلیمانی، آشیق محمد آقا سلیمانی و باشقالاری نین یانیندا شاگیرلیک ائدی و موسیقی اؤیرنمیشدیر. آشیق بولود جوادی میانانین اوستاد آشیقلا ریندان ساییلاراق آشیق گلابعلی نین یاخین دوستو دا اولموشدور. سونرالار آشیق گلابعلی اونون قیزین اوغلونا گلین ائتمیش و بو علاقه داها آرتمیشدیر. آشیق گلابعلی اوستادلاریندان دانیشاندا آشیق رسول نوروزی نی اونوتمایر و اوندان چوخ بؤیوک بیر محبتله آد چکیر. او دئییر:

آشیق رسول کیمی قدرتلی آشیق چتین تاپیلار. او، بؤیوک بیر اوستاددیر. آنجاق اولده منه آشیقلیق اؤیرتمک ایسته میردی و دئییردی گئت باشقا بیر صنعت داليجا. آشیقلیقدا نه چۆرک وار و نه قدرینی بیلن وار.

نهایت گلابعلی نین علاقه سینی گۆردو کده راضیلا شیر اونو شاگیرد کیمی قبول ائتسین. آشیق گلاب باشقا و بیرینجی اوستادلاریندان آشیق طیب دن ده آد آپاریر و آرتیریر:

من ۷۰- جی ایل لرده گئدیب آشیق طبیی گۆروب و اللریندن اؤپدوم. اوندان قدر دانلی ائتدیم. اما او ائله بؤیوک بیر انسان ایدی کی منه اجازه وئرمه دی اوندان آرتیق تشکور ائدم.

اوستادلاری گلابعلی ده اولان استعدادی گۆروب، اونا آشیق صنعتی نین بوتون بوجاقلارینی اؤیرتمگه چالیشیرلار. آز بیر زماندا گلابعلی بیر اوستاد آشیغا چئوریلیر. گۆزل سسی ایله ماهنی اوخوماقدا، ساز چالماقدا ماهیر بیر آشیق اولور. داستان سؤیله مگی ده اؤیرنرک توی- دوگونلرده چالیب- اوخویور و ائل لری میزه شنلیک آپاریب، مجلسلر دولان دیریر.



بونو دا آرتیرمالی یام کی آشیق گلابعلی بیر دیندار آشیق اولاراق ۲۸ ایل تامام محرم گونلرینده زنگاندا شبیه اوخومادا اشتراک ائتمیش و گۆزل سسی ایله تاماشاچیلارین رغبتینی قازانمیش دیر. هر زمان میدانا گیرنده، تاماشاچیلار صلوات چئویریب و اونو آلقیشلاردیلار.

آشیق گلابعلی انقلابدان اؤنجه دن ایران تلویزیونوندا اؤز هنر یله چیخیش ائدیب و تاماشاچیلارین، ائشیدنلرین ماراغینی قازانیر. او، بیر چوخلو کنسرتلر وئریر و اؤلکه دن ائشیکده او جمله دن آذربایجان جمهوروسوندا، تورکیه ده و باشقا اؤلکه لرده ائلی میزین هنر و ادبیاتینی گؤستررک، اؤز مدنیت و فرهنگیندن مدافعه ائدیر. ایش اورایا چاتیر کی دده لقبی نی ده قازانیر.

آشیق گلابعلی انقلابدان سونرا ۵ ایل زنگان تلویزیاسیندا آشیق لاری بیر یئره توپلاییب، آشیق لار وئریشینی بولا سالیر و اؤز ده داستانلار اوخویور. اونون ایشینی، ایندی اوغلو آشیق التفات داوام ائتدیریر.

بیلدیگیمیز کیمی انقلابدان سونرا آشیق صنعتی غربته دوشدو. بیر نئچه ایل ساز گیزلی قالدی. او زمانلار آشیق گلابعلی داستانلارین یازماسی ایله مشغول

اولدو و بوگون بؤیوک بیر مجموعه‌نی یازاراق، دیرلی بیر خزینهنی مکتوب ائتمیشدیر.

آشیق گلابعلی ۵۸- جی ایلده خرمدره‌دن ۱۸ آشیق توپلاییب تبریزه یولا دوشور و ۴ گون اورادا ساز چالیب خرمدره‌نین آشیقلیق صنعتینی تمثیل ائتدیریر. اونون آردینجا تبریز آشیق‌لاریلا برابر تهراندا برنامه‌لر اجرا ائدیر. بونا گؤره نئچه ایل‌لر آشیق گلابعلی‌نی تبریز آشیق‌لاری سیراسیندا تانیییردی‌لار. ۵۰ ایلینده تهران تلویزیونوندا آشیق وئریلیشلری حاضیرلاماغا چاغریلیر. ۶۴ و ۶۵ ایل‌لرینده زنگانین مستقل آشیق‌لار گروهونو قورماغا همت گؤستریر و سونرالار هر ایل تهراندا چیخیش ائدیر و زنگان موسیقی‌سینی تانیئتدیریر.

حجه‌الاسلام امیرجهانی ۱۳۶۵ ایل‌لریندن زنگان ارشاد اداره‌سی‌نین مدیر کلّی اولدو. او آشیق گلابعلی‌نین چاغیریپ و موسیقی فستیوال‌لاریندا اشتراک ائتمگه چالیشمالارینی ایسته‌ییر. بو چالیشمالار اساسیندا ایران موسیقی فستیوال‌نین دؤردونجو سایه‌سی سیندا زنگان آشیق‌لاری چیخیش ائدیرلر. او زماندان جبهه‌لره گئدیپ و رزمنده‌لره روحیه وئرمک اوچون ساز چالیب اوخوماغا باشلاییرلار. همان زماندان خیریه موسسه‌لرده اوخویور. نئچه ایل‌لر ایران نواحی موسیقی‌سی فستیوال‌لاریندا تهراندا چالیب اوخویور و ماراقلار قازانیر.

۱۳۸۱ ایلینده همداندا یاریشمادا شرکت ائدیپ و دیپلم افتخار قازانیر (۱۳۸۱/۷/۶). دنیا داستان سؤیله‌مه فستیوال‌یندا ۱۳۸۸- جی ایلده مقام گتیریر. بو فستیوالا دونیانین چوخلو اولکهلریندن اشتراک ائتمیشدیلر. نهایت ۱۳۸۶- جی ایلده آذربایجان موسیقی صنعتچی‌لر اوجاغی طرفیندن تهراندا آشیق گلابعلی داوودبیگی اوچون عزیزله‌مه مراسیمی قورولور. بو مراسیمه باکیدان (۶ آشیق) و ایرانین مختلف شهرلریندن اوستاد آشیق‌لار (۸۰ آشیق) دعوت اولونموشدو و برنامه‌ده هامیسی چیخیش ائتمیش و «دده» لقبی آشیق گلابعلی‌یه وئریلمیشدیر (۸۶/۱۲/۲۱).

بونلاردان علاوه بیر چوخلو فستیوال‌لاردا اونلارجا لوح تقدیر، دیپلم افتخار آلماما نايل اولموشدور. آشیق گلابعلی بوگون ۷۰ یاشینی دالدا قویاراق، هله ده گؤزل سسی و نفسی واردیر و کنسرتلر اجرا ائدیر. داستان سؤیله‌مکده اوستاد

بیر آشیق دیر و داستانلار یازاراق بیر یئره توپلاماغا چالیشیر. ساز چالمادا داها هنرلر و ماهیر بیر آشیق دیر. اؤز شعر دفتری بوگون چاپ اوچون حاضیرلاماقدادیر. آشیق گولابعلی اونلار جا یوخ، بلکه یوزلرجه آشیق تربیه ائدیپ و بوگون بو آشیقلار زنگانین هر گوشه سینده آشیق صنعتینی یاشادیپ، یارادیرلار. ساغ اولسون بئله بیر دده آشیق.

آشیق گولاب چوخلو داستانلار بیلیر و اونلاری بیر مجموعه ده اؤز خطی ایله توپلاییب- یازیبدیر. بو داستانلاری گنج آشیقلاریمیز بیلیرلر، مثلاً چوخ آز آشیق واردیر کی طوطی شیرین داستانینی بیلیر. آشیق گلاب بو داستانی **آشیق مهر علی شقاقی** دن اؤیرنیر. مرحوم آشیق مهر علی شقاقی سلطانیه نین ولایش کندی نده یاشامیش و اوستاد آشیقلاردان ساییلیردی. ایندی آشیق گلابعلی نین شعرلریندن اوخویاق:



بیزیم یوردا گل

خوشلوق ایسته یین منیم ائل لیریم
ایندی آلاق گوؤتور بیزیم یوردا گل.
اورکلر سئوینجی، اورک شادلیغی
ساز- صحبت ایسته سن بیزیم یوردا گل.

آشیقلار توپلاشیپ بیزیم مکاندا
لعل- گوهر ساتیر هر بیر زاماندا
چیچکلی باهارد، داغدا، دوماندا
عطب ریحان آلسان بیزیم یوردا گل.

هر آشیق اله آلاندا سازی
خوش گلیر ائل لره اونون آوازی
قهرمان وطنین اوغولو- قیزی
ادب- ارکان آلسان، بیزیم یوردا گل.

بیری قاوال چالیر، بیری بالابان
چالیب اوخویاندا گئتمه، بیر دایان
خوشلوق الدن گئدر، یاتما، سن اویان
غم- غصه داغیدان، بیزیم یوردا گل.

آشیق گولاب دایان ائل قاریشیندا
جوان آشیقلاری ساخلا باشیندا
کوراوغلو تک داغی- داشی آشاندا
بیر- بیر جان دئین بیزیم یوردا گل.

زنجان

گتیر یاشیل دونون گئی بیر اگنینه
تاریخا یازیلوسین بنیادین زنجان
بیر زمان بیر یئرده خط شکن اولدون
یئتیشدی هر یانا فریادین زنجان.

سنین انسانلارین وئردی ال- اله
دوشمانلار جانینا سالدی ولوله
وطنین هر یانین دؤندردی گوله
تاریخه ثبت اولدو گول آدین زنجان.

سنین شاعیرلرین گؤر نه آدلانیب
بالدان شیرین اولان سؤزو دادلانیب
غم- غصه ایندی سندن یادلانیب
یئتیشیب هر یانا هئی دادین زنجان.

شہریم خرمدرہ، اوستانیم زنجان
یازیرام آدیوا بیر شیرین دستان
گولابام اولموشان سنہ مہربان
شیرین دیر دیل لرین، ابعادین زنجان.

آشاغیداکی شعر ۵ یارباق آدلانراق، ہاواسینی چالیب- اوخوماق ہر آشیقین
ایشی دئییلدیر:

گزمگہ یایلاقلارین وار

خرمدرہ داغلار بویانیب قارا
سئوینیریک هامی گلن باہارا
گول-چیچک لر آچان باغچایا-بارا
گلسین ہر یاندا بولبول نغمہ یہ
اٹل لرین وار، داغلارین وار، گزمگہ یایلاقلارین وار.

درس اوخویور بیزیم کؤرپہ اوشاقلار
سیزسیز قلبیمیزدہ میوہلی باغلار
اوخویوب اوخویوب خلبان اولار
اوخو سن درسیوی وطن بالاسی
اٹل لرین وار، داغلارین وار، گزمگہ یایلاقلارین وار.

خرمدرہ وارین بؤیوک بیر اٹل لر
دانیشیر شہریندہ ہر شیرین دیل لر
تعریفین یازیلار خلقی شاد ائیلر
اوجالیر ہر زمان میہن نعمہ سی
اٹل لرین وار، داغلارین وار، گزمگہ یایلاقلارین وار.

گولشنہ دولوبدور باغچالار باغلار
 اويا فخر ائيلير جوان- قوجالار
 گؤزل بير صحنه نى گؤره ن اوجالار
 گلنده هر زامان گولايين سسى
 ائل لرین وار، داغلارين وار، گرمگه يايلاقلارين وار.

حئيف اولسون تئل لی سازا

حئيف اولسون تئل لی سازا
 هر سینه مسکن سالا
 گزیب صراف آختاریرام
 علّاف ایستر گوهر آلا

اورگیم دریای قاندى
 یوک واریم لعل- مرجاندى
 آمان فلک نه زاماندى
 حئیفىدى آشیق قوجالا.

گولاب دریالارا دولدو
 گؤیده بولود کیمی دولدو
 هر جایى لار آشیق اولدو
 گؤر نه دوشوب بدخیالا!

خوار اولار گئدر

چؤرگی بيلمهين، دوزو بيلمهين،
 هر ايکى دونيادا خوار اولار گئدر.
 معناني بيلمهين، سؤزو بيلمهين
 بوز کیمی ارییر، جار اولار گئدر.

اوستادین بیلْمهین، عارین بیلْمهین،
یئرین تانیمایان، تایین بیلْمهین
هفته نی بیلْمهین، آیین بیلْمهین
یئتیشمز عؤمرونده، کار اولار گئدر.

ظاهرده دوست اولار، قلبدن قارا
بیر ایش گؤرور اؤزو قالیر آوارا
بیر یوک توتوب او دا چاتماز بازارا
باهار گونو دَین قار اولار گئدر.

گؤزلهمز ناموسو، گؤزلهمز عاری
باش اوستده بیلْمز او کردگاری
یقین کی ذاتیندا بیر اشکال واری
ائل ایچینده آخر زار اولار گئدر.

آشیق گولاب دئی سؤزونو مردانا
اوخ کیمی یاییلسین کار ائتسین جانا
دوز گلمهین ائل ایچینه- دورانا
دونیاسی باشینا دار اولار گئدر.

غزل

گلن میخانه سمتیندن بورا مستانه، سن کیمسن؟
گوروم آباد اولا یارب، می و میخانه، سن کیمسن؟
هانسی داغین مارالی سان، قلب ائویندن یارالی سان
بو یور گوروم هارالیسان، منی نالانه، سن کیمسن؟
اورک سؤزلرین وار چوخ، قاشین کمان، کیرپیگین اوخ
یوسفده بو ملاححت یوخ دوشوب زندانه، سن کیمسن؟

دوداغین لعل - مرجان‌دیر، بقای آب حیوان‌دیر،
 منی آر هجریوه یان‌دیر، یاپیش چک یانه سن کی‌مسن؟
 آلی‌سان عقلیمی الدن، بئله ابرویه صد احسن،
 ائدیپ صحرالری مسکن اولوب دیوانه سن کی‌مسن؟
 نشانین وئر من زاره، گلیب دردیمه قیل چاره
 آخر گؤز یاشی رخساره، دؤنر عمانه سن کی‌مسن؟
 سنی گؤرجک پریشانم، قد دلجویه حیرانم،
 دوباره شیخ صنعانم، گتیر ایمانه سن کی‌مسن؟
 شهاب تیر آتیب گئتدین، آلیش‌دیردین یاخیب گئتدین
 منی بیر ده دچار ائتدین، غم هجرانه سن کی‌مسن.
 گولاب بو چؤل لری گزر، عشقین دریاسیندا اوزر،
 اود ایچینده مگر دؤزر، اوزرلیک دانه سن کی‌مسن؟

آشیق گلاب‌دان سوروشاندا کی خرمدره - ابهر موسیقی هاوالاریندا دانیش؛ بیر
 هاوادان چوخ ماراقلانیشیر. بو هاوا، «داغلار گرایلیسی» هاواسی‌دیر. چوخ
 گؤزل بیر هاوا اولاراق، اونون نظرینه ایراندان زنگان موسیقی‌سی‌نین ان دیرلی
 تحفه‌سی آدلاندیریر. او دئییر بو هاوادا سانکی داغلا گورولدور، داغلار سسه گلیر.
 او، خاطیره‌لریندن دانیشدیغی زمان دئییر:

تهراندا بو هاوانی تانیتدیریب - چالاندا هامی آیاغا قالخیب یئرینده اوتوران
 قالمادی. بو هاوا تکجه آدمالاری یوخ، بلکه داغلاری دا حرکت‌ه گتیریر.



آشیق محمد نجفی

آشیق محمد نجفی ۱۳۳۱ ایلینده طارم ماحالی نین وناب کندینده دونیایا گلیر، اما بوگون زنگاندا ساکیندیر. آشیق محمد اوشاق ایکن آنا لایلاسی ایله آناسیندان موسیقی و شعرلر اؤیرنیر. آتاسی بالان چالان بیر صنعتکار

ایدی و عایله سینی آشیقلیق صنعتی ایله ماراقلاندیرمیشدیر. او بیر طرفدن آنا لایلاسی اونون آشیقلیق صنعتی نین بینوره سینی محکم قویموشدور. آناسی نین گؤزل سسی بوگون آشیقیمیزدا بیر ذیرلی میراث کیمی سسلنیر. آشیق محمد اوشاقلیغینی بئله بیر صنعت محیطینده بؤیویور و آشیقلیق هوسی اوندان گونو- گوندن چوخالیر. آشیق محمد نجفی بیر چوخلو داستانلار، شعرلر اؤیرنمیش و سینه سی ادبیات و موسیقی خزینه سی ساییلیر. اوشاق ایکن گؤزل سسینه گوره آشیققلار چالیب، او اوخویارمیش و یاواش- یاواش ساز الینه آلیر. اونون ساز اوستاسی آذربایجانین بؤیوک و ماهیر اوستادی اوستاد ایمران حیدری اولموشدور. سونرا آشیق عزت عزیزی دن بیر چوخ داستان اؤیرنمیش و ۱۳۷۰ دن سونرا باجاریقی بیر آشیق کیمی صحنه لرده چیخیش ائتمیشدیر.

آشیق محمد نجفی بیر نئچه موسیقی فستیواللاریندا اؤدول قازانیب و بوگون زنگاندا آشیقلیق هنری نین ذیروه سینده دایانان بیر آشیق کیمی گنجلرینمیزه درس وئیریر. زنگان هاوالارینی باشقا آشیققلاردان داها یاخشی و داها تکمیل بیلیر. آشیق محمد نجفی ایل لردیر کی زنگاندا قورولان آشیق فستیواللاریندا بیر داور کیمی اشتراک ائدیر. او ۸۰ آشیق هاوالارینی چوخ دقیق صورتده آیدر ائدیر. داستان سؤیله مکده اونون مهارتی داها آرتیق و گؤزل بیر ایفاچی کیمی چیخیشلاری اولور. جالب نکته بوراسی دیر کی اونون اوغلو بوگون بیلیم یوردلاریندا انگلیسی درس وئررک، آشیق سازی نین دا کامل بیر اوستادی و اؤیرتمنی دیر.

آشیق محمد قاباقجا سایدیغیمیز آشیق صنعتی نین بوتون ساحه لرینه واقف اولاراق، هاوالاری دیر یلتمکده، شعر سؤیله مکده ده یارادیجی بیر آشیق دیر. اونون شعر دفتری چوخ حجملی اولاراق چاپ اوچون حاضیرلانماقدادیر.

آشیق محمد نجفی اجتماعی داورانیشلارینا گۆره ده خالق آراسیندا حرمتله قارشیلانیر و بیر دیرلی آغ ساققال کیمی خالق ایله خوش رفتار و گۆزل اخلاقی واردیر. ایندی نئچه شعرینی بیرگه اوخویوب. داستانلارینی دا گلن دفترده دینله یه جگیک.

اویانماز، اویانماز

اوجا داغلار قار آلتیندا،
یاتیب، اویانماز اویانماز؛
گولی باغلار بار آلتیندا،
یاتیب اویانماز اویانماز.

بولبول اوچار گوله ساری،
آشیق چالار غملى تارى،
ایسته دیم کی گؤرم یاری،
یاریم اویانماز اویانماز.

خسته دوشت درمان ایستر،
باغبان اولان گوللر بسلر،
دارا دوشن ائلین سسلر،
ئل لر اویانماز اویانماز.

غم- غصه یه باتان چوخدور
گۆز یاشینی تۆکن چوخدو
محمد دئیر یاتان چوخدو،
یاتان اویانماز اویانماز.

زنگان چایی

سلام یئتیر یاخشی دوستدان
 زنگان چایی زنگان چایی
 دؤرت بیر یانین باغ و بوستان
 زنگان چایی زنگان چایی

جوشغون سئل لرین جوشار
 آشیق سنه شعرلر قوشار
 کندلریندن ائل لر یاشار
 زنگان چایی زنگان چایی

چای پرہ نین برہ سینده
 قیزلار گزر اوبہ سینده
 یاتماق اولماز هوسینده
 زنگان چایی زنگان چایی

کندلی لردہ وار محبت
 تویلاردا گئیرلر خلعت
 انسانلارا سن ائت حرمت
 زنگان چایی زنگان چایی

بایرامدا کندلیلر گزر
 سفرہ یہ بال کرہ دوزر
 محمد تعریفین یازار
 زنگان چایی زنگان چایی

باياتيلار

اووچويام داغ گزرم،
بولبولم باغ گزرم
سۇيگولومو وئرسه لر،
اؤلرمم ساغ گزرم.

ئوده وار چاخماق داشى
قورومور گۇزوم ياشى
غربت يئردە گون گئشىدى
نە دير بو فلگين ايشى؟

من اؤلسم سازيم قالار
ديل لردە سۇزوم قالار
سن گئتمە غربت ائله
يوللاردا گۇزوم قالار.

عزیزیم ساز چالارام
گولرم، آغلامارام
ازلدن سنى سئودیم
اۋزگە لره ياز اولمارام.

عزیزیم اوزومە باخ،
سازیما- سۇزومە باخ،
آلیشیدیم، من دە یانیدیم،
سینه مدە کۇزومە باخ.

عزیزیم سازیم منیم،
شیریندیر سۇزوم منیم.
هئچ کسی ایسته میرم
سندەدیر گۇزوم منیم.

سینم اوستہ تئل لی سازیم
 اورگیمده وار سؤزوم
 من سندن آیریلمارام
 گؤز لرینده وار گؤزوم
 عزیزیم سازی گؤتور
 قارمانی- سازی گؤتور
 حسرتیم یاری گؤرم
 سن منی یاره یئتیر.

اوستادیم جان قوربانندی

گلنده اوستاد کلامی
 اوستادیم جان قوربانندی.
 اوستادیم آشیق ایمرانندی
 اوستادیم جان قوربانندی.

وناب کیمی واردیر یوردوم،
 ائل ایچینده واردیر آدیم،
 آشیق عزت سؤز اوستادیم
 اوستادیم جان قوربانندی.

منیم سازیم پرده وئرمز،
 سینهمین اوستونده دورماز
 اوستادی کی دؤیمگ اولماز.
 اوستادیم جان قوربانندی.

آشیق ایمران ساز اوستادیم،
 آشیق عزت سؤز اوستادیم
 محمددیر منیم آدیم
 اوستادیم جان قوربانندی.

قوی قولاق آسیم

چولقاییب غمیم منی آی عزیز دوستوم
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.
 سییریسین آریتسین قالماسین پاسیم
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.

سازا- کامانچایا واردیر هوسیم
 ساز چالان اللره قوربانلار کسیم
 آی آشیق بئلہ چال تیتره ییم، اسیم
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.

عشقین سؤزون بو سینہ مه وورماسام
 یار باغیندا قیزیل گوللر درمه سم
 داریخار اورگیم سازی گؤرمہ سم
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.

چشمہ لردن آخان سرین سو اولسام
 محبت باغی نین آرخینا دولسام
 انسانلیق هاردادی یولون بیلسم
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.

اوجا داغ باشیندا اسن یئل اولسام
 ائل لریمہ خوش خبری یئتیرسم
 ممد دئیر نہ زمان کی داریخسام
 آہستہ بیر ساز چال قوی قولاق آسیم.



آشیق مسلم عسگری

آشیق مسلم عسگری زنگانین قوجامان آشیقی ۱۳۱۷- جی ایلده زنگانین بادامستان کندینده آنادان اولدو. ایلک تحصیلینی کئنده بیتیریب

و ۱۳۳۴- جو ایلده زنگانا گلدی. توفیق و شریعتی دبیرستانیندا درس اوخویوب دیپلم پیتیگینی الده ائتدی. آنجاق ۱۳۴۷- جی ایل لردن آشیقلیق درسینی آماغا باشلاییر و آتاسی آشیق سهرابدان اؤیرنمگه باشلاییر. ایلک دؤنه تاریمدا هیندی کندینده مجلسه چیخیر و آلقیشلانیر. او گوندن زنگان و تاریمدا بیر چوخلو توی- شنلیک مجلسلرینی دولانديریر.

آشیق مسلم یوکسک سویهده ایفاچیلیق ائدیر، داستانلار سؤیلور، شعرلر قوشور و گؤزل ساز چالیر. دئمک اولار زنگاندا بوگون آشیق هاوالارینی و داستانلاری هامی آشیقلاردان یاخشی بیلن آشیق ائله آشیق مسلمدیر. او آشیق شیرین و بیرچک خانیم، لیلی و مجنون، بهرام و گول خندان، کلبی و سلبی، ورقا ایله گولشن، طاهیر میزرا، غلام حیدر، یثیم سیدی، خسته قاسیم، واله و زرنگار، شاه اسماعیل، آشیق قوربانی و بیر چوخلو داستانلاری بیلرک، دها بوگونلر آشیقلیق ائتمه سه ده، داستان سؤیله مک و علمی چیخیشلاردا اؤزونو گؤستریر.

آشیق مسلم چوخلو شاگیرلر تربیه ائتمیش و شاگیرلری بوگون تویلار و مجلسلر دولانديریرلار. او، ۱۳۰ کاسئت نوار دولدورموش. آذربایجانین ۷۰- دن آرتیق موسیقی هاوالارینی اوستادلیقلا چالیر. زنگان هاوالاری، تاریم هاوالاری، خرمدره هاوالاری دئییلن موسیقی هاوالارینا بیر متخصص کیمی توخونور. شعرلری بیر کتاب اولراق چاپ اوچون حاضیرلانمادادیر.

ایندی آشیق مسلمدن بیر شعر:

حرمتلی ائلیمین آرزولارینی
هر زامان سئویرم، اورگیمده دیر.
باشی یاشیل یایلاقلاری گزنده
حسرتیم ده اودلو دیلگیمده دیر.

قوشلارین سسینه اویانان ائل لر
بولبول نغمه سینه سئوینیر گوللر
لاله یانقلاردا دانیشان دیل لر
ازیلب بال کیمی چؤرگیمده دیر.

بو شانلی وطنیم، اؤلکه م، ماحالیم،
قورتولسون محنتیم، گئتسین ملالیم
سندهدی شوکتیم، سنده جلالیم
آغزیمدا دیلیم تک گرگیمده دیر.

ایلمده قلمیم، سینه مده سازیم
آتالار- آنالار منیم مورازیم؟
سینه دفترینده دیلیمه یازیم
قووتی ائلیمین بیلگیمده دیر.

چیخارتما یادیندان بو شن ائل لر
سنه امک وئرن یاشیل چؤللری
وطن آشیقی یام مسلم عسگری
قهرمان اوغوللار کورگیمده دیر.

آشیق سلطانعلی سلیمانی

آشیق سلطانعلی ۱۳۵۲- جی ایلده دونیاسینی دَییشدی؛ آنجاق اونون اوغلانلاری اونون یئری نی توتدولار. آشیق سلطانعلی نین شعرلری و چالدیغی ساز هاوالاری نین گۆزلیگینی هله ده اونوتمايیرلار.

آشیق میرزا علی سلیمانی

آشیق میرزا علی ۱۳۰۶- جی ایلده بیر آشیق اوجاغی اولان آشیق سلطانعلی نین ائوینده دونیا یا گۆز آجدی و اوشاقلیقدان ساز- سۆزله تانیش اولدو و چوخ کئچمه دن بیر ماهیر آشیق کیمی ابهر- خرمدره ده تانیندی. آشیق میرزا علی آتاسی سلطانعلی کیمی سازدا چوخ مهارت قازانمیش و گۆزل سسی ايله خرمدره هاوالارینا باشقا بیر گۆزلیک وئردی. آشیق ۱۳۸۰- جی ایلده دونیاسینی دَییشمیشدیر.

آشیق حق وئردی

آشیق میرزا علی نین اوغلو آشیق حق وئردی بوگون ویستان و خرمدره نین گۆرکملی آشیق لاری آراسیندا یئری واردير. حق وئردی آتاسی نین خلف اولادی کیمی، بو صنعتین ساخلایانی و داوامچیسی اولموشدور. چوخلو داستانلاری سینه دفتر ائتمیش و بو زنگین خزینهمیزی ساخلاماقدادیر.

آشیق محمد سلیمانی

بوگون ویستان- آشیق لار اوجاغی ساییلان یوردون شیخی ساییلان بؤیوک آشیق، آشیق محمد سلیمانی دیر. اونون سینه سی شعرلرله دولو و اللری ساز چالما دا هامینی حئیران قویان قدر ماهیر دیر. اونون بارماقلاریندان قیزیل یاغیر و هر اورگی اؤزونه چکیر. یاشی چوخ اولدوغونا باخمایارق، سسی هله ده گۆزلدیر و ساز چالما دا گنجلردن گئری قالمايیر. داستانلار بیلیر کی گنج

آشیقار یوخ، بلکه اوستاد آشیقار دا تبریزدن، آذربایجانین باشقا شهرلریندن اونون یانینا گلیب داستان اؤیره نیرلر.

آشیق محمد ۱۳۱۶- جی ایلده دونیا یا گلیب و ایندی شیخ عنوانی ایله ویستان آشیقارلارینین ان اوستادی تانینیر. شیخ محمد بیر مذهبی آشیق دیر و طریقه باغلی اولان. اونون شعرلرینده ده مذهب، اؤزلیکله حضرت علی (ع)نین یوکسک بیر مقامی واردیر. او بیر شعرینده شریعت، حقیقت، معرفت و طریقت یوللارینی و ایدئرلرینی آچیقلایر. ساده دئمک ایسترسم اونلار بئله دیر:

شریعتده: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل؛ حقیقتده: بنیامین، پر موسی، داوود، مصطفی دوغردان؛ معرفتده: بوذر، نوسز، قنبر و سلمان و نهایت طریقتده: رحیم، زحمان، صوح و ستار آدلاری گلیر.

آشیق محمد یا شیخ محمد سلیمانی بوگون زنگان آشیق ادبیاتی و موسیقی سی نین زیر و سینه دایانیر.

آشیق عزیز خلجی

ویستانین ان اوستاد آشیقارلریندان آشیق عزیز دیر کی اونون اوغلانلاری دا آتالاری هنرینی داواملایب و آشیقلیق صنعتینه خدمتler ائدیبلر. آشیق عزیز خلج دن گلمیش، آنجاق هر اوچ اوغلونو دا آشیق تربیت ائتمیشدیر. آشیق احمد سلیمانی، آشیق بؤیوک آقا سلیمانی دونیالارینی دیشیمیشلر، عمرلری نین سون وقتینه کیمی بو صنعتین گلیشمه سینه چالیشمیشلار. آشیق احیدین اوغلو بوگون آشیق بهروز- چالیب- چاغیریر و آتالاری نین یولونون داوام وئریر.

آشیق منوچهر سلیمانی

آشیق منوچهر ۱۳۳۳ ایلینده ویستاندا دونیا یا گلدی و بوگون ویستان آدینی اؤلکه میزه یاییر. آشیق منوچهر شعرلر سؤیله بیر و یارادیجی آشیقارلار دان ساییلیر. آشیق منوچهر ساز چالما و زنگان هاوالارینی دقیق بیلمه ده اوستاد بیر آشیق دیر.

آشیق منوچہر اوستہ دئدیگیمیز آشیق محمد سلیمانی - عمی سی یانیندا آشیقلیق اؤیرنمیش و بوگون خرمدره یوخ، بلکه بوتون زنگان دا تانینمیش بیر آشیق دیر.

آشیق منوچہرین قارداشلاری آشیق طیب ده گؤرکملی آشیقلاردان ایمیش کی فوت ائدیب. آنجاق آشیق منوچہرین باشقا قارداشلاری او جمله دن آشیق پرویز سلیمانی و آشیق سیفعلی ده بوگون آشیقلیق صنعتی نین گؤرکملی نماینده لریندن سایلیلرلار.

مردعلی فتحی

آشیقلار یانیندا ساز دوزلدنلر ده آشیقلیق صنعتینه یاردیمچی اولموشلار. اونلار دا آشیق ادبیاتی و موسیقی سینه بؤیوک خدمت لر ائتمیشلر. اونلاردان بیر ییستان کندینده دونیا گلیب، آشیقلیق صنعتینی دیری ساخلاماقد چالیشان سازبند مردعلی فتحی دیر. او، ۱۳۲۷- جی ایلده ویستاندا دونیا گلمیشدیر. بوگون ۴۰ ایلدن آرتیق دیر کی آشیقلار ساز دوزلدیر و بو صنعتین سسینی اوجالدیدر. اونون سازلار تکجه خرمدره- ابهرده یوخ، بلکه بوتون آذربایجاندا تانینمیشدیر. بیر سیرا دنیا سیاحلاری و اورپا موسیقیچی لری ویستان آدینی ائشیدیب و بورانین سازینی آلیب اوروپا یا پارمیشلار. مردعلی فتحی بوگون ده ساز صنعتینده چالیشیر. الرینه ساغلیق.

آشیق علی خرمدره ای

خرمدره نین قدیم اوستاد آشیقلاریندان بیر آشیق علی اولموشدور. ایندی ده اونون سؤزلری و دوراندیردینی مجلسلری یاد اولور. آشیق علی ۱۲۴۲- جی ایلده خرمدره ده آنادان اولدو. بیر چوخلو توی مجلسلرینی گؤزل ایفالاری و داستانلاری ایله دولاندیردی. آشیق علی او جمله آشیقلاردان ایدی کی کبین یازاندا اونون آشیقلیغی کبین نامه ده قید اولوردو. اونون سینه سی شعر دفتری و داستانلار خزینہ سی ایدی. بیر چوخلو شاگردلر تربیه ائتدی. نهایت ۱۳۲۲- جی ایلده خرمدره ده دونیادان کؤچدو.

آشیق عوض خوشرفتار

آشیق عوض ابھر- خرمدرہ آشیقلاری آراسیندا بیر باساوادللی آشیق تانینیردی و بیرینجی درجہ لی میکانیک ایدی. ۱۳۸۰ ایل لرنده دونیاسینی ۸۵-۹۰ یاشیندا اولاراق دیشدی.

آشیق خسرو حیدری

آشیق خسرو خرمدرہ- ابھر آشیقلاری آراسیندا سازلی- سؤزلو آشیقلاردان ایدی. او ۱۳۸۰ الینده ۸۵-۹۰ یاشیندا دونیادان کؤچدو.

آشیق علی

آشیق علی، حاج علی اوغلو خرمدرہنین آدلیم آشیقلاریندان ساییلیردی کی ۱۳۸۰ ایل لرنده ۱۰۰ یاشیندا اولارکن دونیادان کؤچدو.

آشیق نعمت

آشیق نعمت خرمدرہنین اوستاد آشیقلاریندان ایدی و اوستاد نعمت آدی ایله معروف ایدی. ۱۰-۱۵ ایل بوندان اؤنجه اؤلوب- گئدیپ، آنجاق یاراتدیغی خاطیره‌لری اورکلرده قالیر.

آشیق سید حسن حسینی

آشیق حسن خرمدرہنین آدلی- سانلی آشیقلاریندان ایدی. نچہ ایل بوندان اؤنجه فوت ائتدی.

آشیق یوسف گلمحمدی

مرحوم آشیق یوسف، بوگونکو آشیق آسلانین آتاسی دیر کی بیر چوخلو آشیقلارا معلم‌لیک ائتمیش و آشیق‌لیق صنعتینی شاگیردلرینه اؤیرتمیشدیر.

آشیق ولی مولایی

آشیق ولی خرمدرہ آشیق‌لارینداندیر کی ۱۳۰۰ ایل لرینده دونیا یا گلیب و ایندی ائوده اوتوراق اولموشدور.

آشیق گولعلی کمالی

آشیق گولعلی بالابانچی اولاراق ۱۳۰۰ ایل لرینده دونیا یا گل‌میش و بوگون ۹۰ یاشلارینی یاشاییر و ائوده اوتورموش آشیق‌لاریمیزداندیر.

آشیق رضا داوودی

آشیق رضا داوودی، آهک کندینده دونیا یا گل‌میش و ۱۰۰ یاشیندا اولارکن ۱۳۷۹ ایلینده دونیاسینی دییشدی. آشیق رضا دده گولابین عمی اوغلو سو اولموش و اوستاد آشیق‌لاردان ساییلیردی.

آشیق غلامرضا داوودی

آشیق غلامرضا خرمدره‌نین آدلی - سانلی و اوستاد آشیق‌لاریندان اولاراق ۱۰۰ یاشیندان یوخاری اولارکن ۱۳۷۷ ایلینده دونیاسینی دییشدی. بئله لیکله ۱۲۷۵ ایلینده خرمدره ده آنادان اولموشدور. آشیق غلامرضا دده گولابین عمی سی اوغلو ایدی و اوستاد آشیق‌لاردان ایدی.

رکاب اکبری

رکاب اکبری آشیق اولماسئیدی ده، آشیلیق صنعتینه مارق بسله‌میش و سینه‌سینی داستانلار و شعرلرله دولدورموشدو. او چوخ هوشلو و فراستلی بیر انسان اولاراق، داستانلاری ازیرله‌میش و آشیق‌لارا اؤیره‌دردی. او، حتا مختارنامه‌نی ده شعره چلیب اوخویاردی. آنجاق مجلسلرده ده اولسایدی ساز

چالمازدی و تکجه قولاق آساردی. عینی حالدا آشیق گولابین آناسی نین دایی سی ساییلیردی.

زکاب اکبری ۱۲۴۴ ایلینده خرمدره ده آنادان اولدو و ۱۳۴۷- جی ایلده اؤز شهرینده دونیادان کؤچدو.

آشیق عین اله کاکاوندی



آشیق عین اله آلکلی کندینده- قزوین ایالتینده آنادان اولدو. گؤزل تورک دیلینده دانیشیغی و داستان سؤیله ییشی معروف ایدی. آنجاق ۱۳۹۰- جی ایلده هله ۴۰ یاشیندا اولارکن دونیادان کؤچدو. اونون قدیناتاسی آشیق غریب حیدری ایدی کی گؤرکملی آشیقلاردان

ساییلیردی. عین اله دا ماهیر بیر آشیق اولراق، تهرانا کؤچور، آنجاق تهراندا ایشی راست گلمه ییب، غریب کیمی دولانیر و نهایت بیر غریب کیمی ده فوت ائدیر.

آشیق جهانگیر جعفری



آشیق جهانگیر مهاجری ۱۳۲۰ ایل لرینده آغاجیه کندینده دونیا یا گلدی. ابهرده ساکن اولراق ساز چالیب اوخودو. آنجاق داستان بیلمکده و سؤیله مکده چوخ مهارتلی و اوستاد آشیقلاردان ساییلیردی و او بیلن داستانلارین چوخونو چوخ آشیقار بیلمه ییر. او جمله دن

آشیق جهانگیر حسرت داستانینی بیلیردی و گؤزل ده ایفا ائدردی. تاسفله بو داستان توپلانیب یازیا آیینمادان عمرو بیتدی و بو داستان ایندیلیکده یوخ اولموش ساییلیر. آشیق گولابعلی له دانیشیقدا، سؤز وئردی بو داستانی هر نجه اولورسا اله گتیرسین. اومود وار بو داستان ایتیپ- باتماسین. آشیق جهانگیر ۱۳۹۰- جی ایلده دونیادان کؤچدو.



آشیق سیفعلی سلیمانی

آشیق سیفعلی ویستان آشیقلا ریندا اولموش و آشیق میرزا علی سلیمانی نین اوغلودور. بوگون ۴۰-۴۵ یاشیندا اولاراق گؤزل آشیقلا رندان بیر ساییلیر و ویستانلی آشیقلا ر کیمی سینہسی بیر چوخلو شعرلر، موسیقی هاوالاری و داستانلارلا دولودور.

آشیق محمود آبی پور

آشیق محمود خرمدره نین آشاغی ویستان کندینده آنادان اولموش و سینہسی شعر دفتری ساییلیردی. او قزوینہ کؤچموش و اورادا یاشاییردی. آنجاق صنعتده چوخ ماهر آشیقلا ردان ساییلیردی و بیر نچہ دؤنه ایران موسیقی فستیواللاریندا- تهراند یاریشلاردا قاتیلیمیشدیر. او جملہدن آشیق گولاب ایله تهراند وحدت تالاریندا بیر دئییشمه ده اشتراک ائدیر. اونون گؤزل شعرلری موجوددور و کتاب شکیلینده چاپ اوچون حاضیرلامیشدیر، آنجاق اجل مهلت وئرمہدی و بوگون اونون شعر دفتری یاییلمامیش قالیمیدیر. بوگون اونون یوزلرلہ شاگیرلری اونون یوکسک درجہده ساز چالماسی، داستان سؤیلمہسی و گؤزل داوارانشیندان تعریف ائدیرلر.



آشیق ستار خدائی

آشیق میرزا علی خدائی زنگانین آدلی- سانلی آشیقلا ریندان ساییلیر. اونون اوغلو آشیق ستار خدائی بوگون زنگانین دیرلی و اوستاد آشیقلا رینداندیر. آشیق ستار خدایی ۱۳۳۹ ایلینده زنگان اطرافیندا دونیا یا گلدی. اونون آتاسی دا ائله آشیق ایدی. ستار ۱۲

یاسیندان اؤز آتاسی یانیندا آشیقلیق صنعتینی اؤیرنمگہ باشلادی. ایلک اؤنجه قاوی چالماغینان موسیقی دونیاسینا داخیل اولدو و آز بیر زاماندا ساز یالنه

آلذب. چوخ تئز داستانلاری اؤیرندی و بیر چوخ داستانلار سؤیله مکده ماهیر بیر آشیق اولدو. اونون اوستادلاری آتاسیندان علامه، آشیق عوض، آشیق مسلم ده اولموشدور. ۱۳۶۷- جی ایلده کامل بیر آشیق کیمی صحنه یه چیحیب و اؤز هنرینی گؤسترمگی باجاریر. اؤلکه میزده بیر چوخلو فستیواللاردا اؤدول قازانمیش و اؤلکه میزده ائشیکده ده موسیقی اجرالاری و چیخیشلاری اولموشدور. بوگونه کیمی تورکیه، آذربایجان جمهوریسسی، ارمنستان و بوسنی هرزگوین کیمی اؤلکه لرده چیخیشلاری اولموشدور.

آشیق ستار خدایی دوغروندان دوغروسونا بوگون زنگانین چوخ بیلن، گؤزل چالیب- اوخویان و اوستاد آشیغی ساییلیر. او باش بیلن بیر آشیق اولاراق، زنگان آشیق صنعتی نین ده آبروسودور.

آشیق سلجوق شهبازی آشیق ستار حاققیندا دئییر:

ایراندان بیر آشیق تاپا بیلمزسن کی او آشیق زنگانا گلیمیش اولسون، آشیق ستار اونو قوناق آپارماسین و اونا سفره آچماسین. دئییرم بدله صنعت و صنعتکار باشین اوجالدان آشیقلار هئج بیر زامان نه ائدیم، نئجه ائدیمه دوشمه سین. آمین.

آشیق زلفعلی اسدی



آشیق زلفعلی ۱۳۳۶- جی ایلده سلطانیه ده دونیا یا گؤز آچدی. آشیق محمود آبی پور و آشیق رسول نوروزی یانیندا ساز اؤیرندی. اونون داستان سؤیله مه اوستادی دا آشیق پروزی سلیمانی اولموشدور. او، ۱۵ ایل تامام بیر

نئچه آشیق او جمله دن: آشیق رسول نوروزی، آشیق محمود آبی پور، آشیق عین اله کاکاوند، آشیق الماس رشیدی یانیندا قوال چالیر و گاهدان دا اوخویور. بئله لیکله ده آشیق لیک رسم- رسوماتینی اؤیرنیر. ۳۳ یاشیندا اوستادلاری نین خیر دو عاسیلا آشیق لیغا باشلا ییر. ایندی اؤزو اوستاد بیر آشیق اولموش. گؤزل داستانلار دئییر، سسده ده آدلیم بیر آشیق دیر.

بوگون آشیق زلفعلی بؤلگه میزین اوستاد آشیق لاریندان سایلیر و ساز چالما ایلہ شعر اوخوماق و داستان سؤیله مکدن علاوه، اؤزو شعرلر ده قوشور و مجلسلرده اؤز شعرلرینی زنگان هاوالاریندا چالیب- اوخویور. اوزو گولر و آچیق سفره لی بیر آشیق دیر. تمام آذربایجان آشیق هاوالارینی اوستادلیقلا بیلیر. آشیق زلفعلی ایندی بیر شاعیر دیر ده. اونون شعر دفتری چاپ اوچون حاضیرلانیر. بورادا ایکی شعرینی اوخویالیم:

اوغول سنه بیر نصیحتیم وار
سیرر سؤزون نامرده دئمه، آماندیر
آرخاندا یاتیدیر چوغول- کور شیطان
دوستلار آراسینی قاتار آماندیر.

ساخلا سیرری، هر یئته نه سؤیله مه،
نامرددن اوزاق گز، حرمت ائیله مه،
کس آرائی بی ایلقارا دوست دئمه،
گؤررسن حرمتین باتار، آماندیر.

آشیق زولفعلی گزیب ائل لری،
دئییب- دانیشدیریب هر بیر دیل لری،
امتحان ائتمیشم مین کؤنوللری،
ایکی دیل لی آرا قاتار، آماندیر.

داغا باخدیم چوخ داریخدیم،
گلنرم سیزه داغلار.
اوره گیمده مین دردیم وار،
دئییه بیلرم سیزه داغلار.

باشیندا گؤزل قارین وار،
اتہ گینده چمنین وار،
یاناغیندا بولاغین وار،
اوتورئیدیم سنله داغلار.

چیچکلر سنه یاراشیر،
کهلیک لرین قاققیلداشیر،
اووچولار سندن دانیشیر،
دولانئیدیم سنله داغلار.

زولفعلی یم، بودور سؤزوم،
داغلار، سنده قالیب گؤزوم،
الده قلم بئله یازیم:
بیر گون گل لم سیزه داغلار.

آشیق یار محمد عیسی بیگلو



یارمحمد عیسی بیگلو ۱۳۲۱- جی ایلده خدابنده-
قیدار شهرینده آنادان اولدو. اونون اصل ایشی اکینچیلیک
اولموش، ایکینجی ایشی ده آشیقلیق دیر. او باغلیجا
کندینده یاشاییر. عیسی بیگلو شبهه سیز ان دیرلی،

سینه سی سؤزلو و گؤزل ساز چالان بیر آشیق دیر. او، ۵۰ ایلدن آرتیق دیر کی
قیدارین توی- دویونلرینده اؤز سازی و سؤزو ایله شنلیک یارادیب و ائلیمیزین
تویلارینی دولاندیریر. اونون اوستادلاری آشیق فیروز، آشیق صیادالله و آشیق
نقدعلی اولموشدور. آشیق یارمحمد ایندی ده یایلاری اکینچیلیکله چالیشیر و
قیشدا آشیقلیق ائدیر و گؤزل سسی ایله برابر ان گؤزل هاوالاری چالمانی
باشاریر. دئدیگیمیز کیمی سینه سی بیر چوخلو داستانلار، شعرلرله دولو اولاراق،
اؤزو ده شعر یازیر و یازدیخی شعرلری سازیندا چالیب- اوخویور. مجلسلرده
هامینی اؤزونه حئیران ائدیر.

آشیق التفات داوودی



آذربایجان آشیق‌لاری، ایل‌لر بویو ائل‌لر ایچینده یاشاییب، ائلدن اوزاق اولمامیشلار. زنگان و اونون باشقا شهرلری ده آذربایجانین بوتون شهرلری کیمی آشیق‌لار محیطی اولموش و ابهر-خرمدره ده بؤیوک آشیق‌لار اؤز اتگینده بئجرتیمیشدیر. آشیق التفات، آشیق گلابعلی

داوودی‌نین اوغلودور. بو گنج آشیق ۱۳۴۵- جی ایلده آنادان اولموش و اون یاشلاریندان آشیق‌لیق صنعتینه باشلامیشدیر. التفات، آتاسیندان علاوه، آشیق قلی جوادی‌نین شاگردی اولموش و بوگون ده اونون کوره‌کنی‌دیر. بونلاردان علاوه، آشیق التفات باشقا اوستاد آشیق‌لارین کاستلرینی قولاق آسمیش و اونلاردان ایلهام آلمیشدیر. اونون باشقا اوستادلاری و یا چوخ بگندگی آشیق‌لار بونلار اولموشلار: آشیق گلابعلی داوودی، آشیق قلی جوادی، آشیق عبدالعلی نوری، آشیق حسن اسکندری، آشیق یداله عیوض‌پور، آشیق حسین ناموری، آشیق حسین تبریزی و باشقالاری.

بیر گون اونون ائوینه گئتمک ایسته دیم و آشیق، «آشیق ائوی، ائل ائوی‌دیر» دییه‌رک منی قارشیلادی. اوروجلوق آیینا باخمایاراق، ان گؤزل قوناق‌پورلیگی یئرینه یئتیردی. شیرین دانیشیغی، گؤزل اخلاقی هر گۆره‌نی اؤزونه واله ائدیر. آشیق التفات، ۱۳۸۷- جی الدن رادیو زنگاندا وئرلیش حاضیرلامیش و ۱۳۹۰ ایلیندن تلویزیوندا «ئل سؤزو» آدیندا برنامه‌نی تهیه‌سی و ایش دولانديرانی کیمی چالیشیر. بونو دا آرتیرماق لازیم‌دیر کی، آشیق التفات نئچه ایل‌لر بوندان قاباقدان، مختلف برنامه‌لر قوروب و باشاریلارلا اؤز هنرینی گؤسترتمیشدیر.

آشیق التفات اؤزو ان چوخ ناغیل بیلن آشیق‌لاردان ساییلیر. بوگون ناغیل‌لارین مختلف واریانت‌لاری اوزرینده چالیشیر و الله قویسا یاخین گله‌جکده، عباس میرزا ناغیلی‌نین واریانت‌لاری اوستونده آپاردیغی آراشدیرمالار چاپ اوزو گۆره‌جک‌دیر. آشیق التفات، فستیوال قورماغا چالیشیر؛ ایندییه قدر بیر قورولتای زنگاندا و بیر قورولتای خرمدره‌ده قوروموشدور. او، ۱۳۷۲- جی ایلده تهراندا وحدت تالاریندا

آشیقار فستیوالینی دولانديرمیش و ۱۳۸۰- جی ایلده ده زنگاندا «اصلی- کرم» اویونونون راوی سی کیمی اشتراک ائتمیش و سهروردی سالونوندا صحنه یه چیخارمیشدیر. ایندی زنگان تلویزیونوندا جمعه گونلری «اثل سؤزو» عنوانیندا وئریلیشلری ائرلی سورور. اونون هنری ایشلری خالقیمیز طرفیندن آلیشلارلا اوز- اوزه گلیمیش و چوخلو موسیقی ماراقلی لارینی اؤزونه چکمیشدیر. ایندی اونون بیر شعرینی بیر گه اوخویالیم:

آرزوم بودور هر بير زمان ائلیمیزده غم اولمایا.
یار- یولداش اوزو گوله ائلیمیزده غم اولمایا.

چوبان سالا چؤله سسین، اوجالدا نئیین ناله سین،
یاتیردا قوردون هوسین، قویون- قوزو کم اولمایا.

جیرانلار قاچا داغلارا، بولبوللر اوچا باغلارا،
باجی باخسین قارداشلارا، اورک بی همدم اولمایا.

ساز آشیغی سازین چالا، ائل لریندن حرمت آلا،
سؤزلری مغزه یئر سالا، نفسلری کم اولمایا.

آشیق التفات دیلینده، سؤز یارادار اورگینده،
آذربایجان وطنینده، شادلیق اول، غم اولمایا.

آشیق، ائلی نن گزیب، ائلی نن دولانار. زنگان ولایتینده- ویستان کندینده قدیم زمانلاردان هامی- آتا، بالا، حتا خانیملار دا آشیق هنرینه هوسکار اولموشلار. خانیملار دا ان چوخ ناغیل بیلن انسانلار اولموشلار. آذربایجان آشیقلاری بورایا حرمت بسله ییب، بورادا آشیق هنرینی اؤیرنمیشلر. آنجاق تاسفلر اولسون کی انقلابدان سونرا، چؤرک غمی هامینی کنددن اوزاق سالمیش و آشیقلا بورادان کؤچموشلر. ماراقلی دیر کی ۱۳۷۰- جی ایلین بایرامی نین ۱۳ ده یئنه ده هامی آشیقلا بو کنده توپلانیب و کئچن گونلری خاطیرلامیشلار. آشیق التفات دا

ہوگون اورادا اولموش و آشاغیداکی شعرى بسلمیشدیر کی ہوگون تامام
آشیقلازین دیل لرینده ازیر اوخونور. بو شعرى ده بیرگه اوخوبالیم:

ساز الدن گئدیر

یئنہ ده اورگیم جوشوب دوسلاریم،
قلبیمده عشقیله ناز الدن گئدیر.
باخیرام چؤل لرہ ؛ آرتیر اشعاریم،
آشیقلازدا صحبت ساز الدن گئدیر.

۷۳ ایلینده ۱۳ گونونده،
ویستان توپراغی گئیش چؤلونده،
بو گؤل یورد حسرت قالیب ائلینہ،
ائل- اوبا گؤروشمر، یاز الدن گئدیر.

بی صاحب قالیدیر گؤل طبیعت،
آغالار قوروویوب، ائدیر شکایت،
داغلار صحبت آچیر، ائیلیر حیکایت،
قوروویوب گؤلر، قاز الدن گئدیر.
شہردہ ائتمیرلر قوجایا حرمت،
قلبی آچیلمایر، ائیلہ یہ صحبت،
ہرکس اؤز یوردوندا تاپار بیر قدرت،
اورکلرہ شیرین راز الدن گئدیر.

نئجہ ال چکیرسیز بو طبیعتدن؟
کؤنول آچان چؤلدن، گولدن، چیچکدن؛
آبادلیق ساییلیر بیر عبادتدن،
آچماییر قونچالار، ناز الدن گئدیر.

«التفات» ائل لردن آلا جاق حرمت،
حق سؤزو دئمکده واردی چوخ لذت،
سؤز لیمه اگر وئریلسه قیمت،
دییرم تاریخه یاز الدن گئدیر.

گنج و چالیشقان آشیقیمیز التفات بیه باشاریلار دیله ییریک.

سحر تئزدن همت ائدن
خوش عمل لریز وار اولسون.
خالقین آدین ذکیر ائدن،
شیرین دیل لریز وار اولسون.

حمایت ائيله وطنیندن،
وارلیغیندن، ثروتیندن،
جاوانلارین توت الیندن،
هر گونوموز باهار اولسون.

درک ائله ییب ملتیمیز،
بیرلیکده دیر قدر تیمیز،
آرتاجاقدیر صنع تیمیز،
ایراندا افتخار اولسون.

آشیق سهراب عسگری

زنگانین کئچمیش و تانینمیش آشیقلاریندان بیرى آشیق سهراب عسگری دیر
کی بیر سیرا چاغداش آشیقلارین اوستادی اولموش. او ۱۲۹۰- جی ایلده
زنگانین بادامستان کندینده آنادان اولدو. اونون آتاسی بیر خرده مالیک اولاراق
اؤز آیاغی اوسته دایانیب خانلارا باش اگمزدی. سهراب بئله بیر عایيله ده بويا-
باشا چاتیب و گوؤل سسی اولدوغونا گؤره اوجا سسله اوخویاردی. ۲۰ یاشینی

تازا دولدورموشدو کی ساز الینہ آلیب و بیر نئچہ اوستاد یانیندا ساز چالماگی، اوخوماگی، اؤزلیکلہ داستانلاری اؤیرنیر و چوخ کئچمہدن اؤزو توپلار دولاندیریر. آشیق سہرابین اوستادلاری آشیق نوروز، آشیق زولفعلی و آشیق حمدللہ اولموش و اونلاردان مجلس دولاندیرماگی، داستان سؤیلمگی و ماہنیلار اوخوماگی اؤیرنرک بوتون زنگان کندلریندہ اونون توپلاردا اوخوماگی بیر چوخونون فخری ساییلیردی. او گؤزل سسی یلہ شن نغمہلر اوخویوب و گونلر جہ یتیم سیدی، قوربانی، میرزہ محمود، ورقہ و گولشن داستانلارینی ائلہ ایفا ائدردی کی اونون مجلسیندہ اوتورانلار مجلسدن چیخمازدیلار.

آشیق سہراب یاخشی رفتاریلا و گؤزل صنعتیلہ اؤز وورغونلاری اولموش و اونون دورونہ توپلانلار چوخ ایدی. ۱۳۴۷- جی ایلدہ مکہ یہ گئدیپ و اوندان سونرا داہا آشیقلیق ائتمیر و بیر آغ ساققال کیمی دولانیر و مجلسلردہ گنج آشیقلا میدان آچیر. آشیق سہراب ۱۳۷۰- جی ایلدہ دونیاسینی دیشیر.

آشیق حسین ابراہیمی



آشیق حسن ابراہیمی ۱۳۴۲- جی ایلدہ طارومدا چۆزرق آدلی کنددہ سادہ و تمیز بیر عائلہ دہ دونیایا گؤز آچدی. مدرسہ یہ گئدیپ مکتبدہ درس آلماقلا برابر، صنعتہ دہ مارق بسلہدی. ۱۵ یاشینی بیتیرمہ میشدی

کی آتاسینی الدن وئردی. ۱۷ یاشی اولاراق سئودگی بیر قیز ایلہ ائولنیپ، اؤز کندیندن کؤچدو و سلطان آلددا مسکن قوردو. اوندان سونرا دیر کی آشیقلیق صنعتینہ حرفہ ای کیمی باشلادی. اونون اصل اوستادی آشیق رحیم سعادتلی اولموشدور، اوندان داستانلار اؤیرنیر؛ تبریزدہ آشیق حسین ناموری یانیندا بیر سیرا باشقا داستانلار اؤیرنیر و سازی دا آشیق ابوالفضل دن اؤیرنیر. آشیق حسین داستان سؤیلمکدہ دہ ماہیر بیر آشیق دیر و چوخلو آشیق داستانلاری بیلیر و روایت ائتدیکدہ مہارتلی دیر. آشیق بوگون بیر چوخلو داستانلار، ہاوالار و بوللو- بوللو شعرلری سینہ سیندہ خزینہ ائدیبدیر. اؤزو دہ شعر سؤیلمہ ییر.

آشیق نجات چالیجی

شیق نجات ابهرین دَبرلی آشیقلاریندان ایدی کی حدودا ۱۵ ایل بوندان اؤنجه دونیاسینی دَیشمیشدیر.

آشیق علی ابهری

آشیق علی ده ابهرین دَبرلی و آدلیم آشیقلاریندان دیر کی ۵۰ ایلدن آرتیق دیر تانری نین رحمتینه قووشموشدور. او، ابهرین توی لاریندا شنلیک یارادیردی و ساز چالیب اوخویوردو. او زمانین آداملاری اونون گؤزل صنعتینی ماراقلا تعریف ائدیرلر.

آشیق مردان

آشیق مردان ۱۳۹۰- جی ایلده فوت ائتدی. او ابهرین قیروہ قصبه سینده- ابهرله- تاکستان آراسیندا دونیا یا گلدی. قیروہ لی لرین توی لاری نین خاطیره لی گونلری اونون سازی و سؤزو ایله یادلاردان چیخماز قالیدیر.

آشیق صدق علی

آشیق صدق علی قارقالو کندیندن اولموش و نئچه ایل لر بوندان اؤنجه دونیاسینی دَیشمیشدیر. او قارقالودان صحبت اولاندا آدی دیل لرده گزیر و بیر چوعلو آداملارین تویون- دوگونون او توتوموشدور. آدی هله ده حرمتله چکیلیر.

آشیق جهانبخش

جهانبخش ده قارقالو صنعتچی لریندن اولموش و ماهیر بیر بالابانچی ساییلیردی. او دا دونیاسینی دَیشیدیر.

آشیق منوچہر نجفی



آشیق منوچہر گنج عینی حالدا گوجلو بیر صنعتکار دیر و بوگون ایل لر بویدور کی گنج لرمیزه قوپوز چالماغی علمی یؤنلریله اؤیرتمهده دیر. آشیق منوچہر بوگون دانشگاهین علمی هیئتی نین اؤیه سی اولاراق انگلیسی درس وئیرر و اؤزو ده دؤکتری تئزینی حاضرلاماقدادیر. بو دیرلی صنعتکار قوپوز

چالمادا و اونو اؤیرتمهده درین مهارت صاحیبی دیر و ۱۸ ایلدیر قوپوز اؤیردیر و ایلده نئچه-نئچه ساز چالان ماهیر انسانلار جامعهمیزه تحویل وئیرر. ماراقلی یؤنو ده بودور کی اوندان ساز اؤیرنن لر جامعهمیزین دانشگاهی انسانلاری-یوخاری تحصیله مالیک اولان انسانلاردیلار. تکجه قوپوز اؤیرتمه ایله کفایتلنمیر، بلکه بوگونه قدر زنگانین اوستانی فستیواللاری نین ۵ دؤنه سینده اجرایی مدیر کیمی چالیشیب، نئچه فستیوالدا داورلیک ائتمیش، دنیا بین الخالق آشیق شؤلن لرینده اشتراک ائتمیشدیر. بوگون زنگان موسیقی سی نین درنگی نین مدیر لر هیئتی نین ده اؤیه سی دیر.

آشیق منوچہر نجفی ۱۳۵۵- جی ایلده زنگاندا آنادان اولدو. اونون آتاسی زنگان و طارومون دده آشیقلا ریندان ساییلان آشیق محمد نجفی دیر. منوچہر بئله بیر صنعتکار عایله ده بوی آتیب یاشا دولموشدور و اوشایلیقدان قوپور و ادبیات ایله بؤیوموشدور. آنجاق آتاسیندان علاوه ۱۳۷۲- جی ایلدن اؤلکه میزین بؤیوک ساز اوستادی اولان آشیق ایمران حیدری نین حضوروندان قوپوز چالماغی علمی صورتده اؤیرنمیش و بوگون اؤزو قوپوز اؤیرتمنی کیمی چالیشیر. او، ۱۳۷۹- جو ایلده کرمان شهرینده قورولان بیرینجی مضراب چالانلار فستیوالیندا اوچونجو مقامی الده ائتمیشدیر. زنگاندا و زنگاندان ائشیکده قورولان کونسرتلرین علمی سوپه سینه نظارت ائدن و اونلارا مجوز صادر ائتمهده ده چالیشیر و موسیقی میزین گئنیشلنمه سینه یاردیم گؤستریر.



آشیق ذوالفقار عیسی بیگی

قوجامان آشیقیمیز آشیق محمد عیسی بیگلونون
اوغلودور و هنری آتاسیندان اؤیرنرک بوگون هم شعر
سؤیلهمهده و هم ساز چالمادا ماهیر بیر آشیقدير. بوگون
کرجده یاشاییر و کرجده تویلاری اؤز هنریله دولانديریر و
ماراقلار قازانیر. قیداری دا اونوتمايیب، هر هفته اؤز کندینه باش چکیر و بیر
دیرلی آشیق کیمی ائلين-اویانین قدرینی بیلیر.
آشیق ذوالفقار شعر سؤیلهمهده چوخ گوجلر اولاراق، سینه سی شعر دفتریدير
و فی البداهه شعرلر سؤیلهییر. آشاغیدا گلن ایکی شعرینی ائله نئچه آندا
سؤیلهییب وئردی:

قیدار

دؤرد مین ایلدن بئش مین ایله
یازیلیبدی یاشین قیدار
یانیندا پیغمبر داغی
هر زامان یولداشین قیدار.

یاهار اولدو آچار گوللر،
پاییز وقتی اسر یئل لر
شاد یاشاییر سنده ائل لر
قوی اوجالسین باشین قیدار.

عیسی بیگلو ائل آشیقی
بولبول اولار گول عاشیقی
اؤلکه لرین یاراشیقی
دومانلیقدیر قیشین قیدار.

قیدارین تعریفی

دؤردمین ایلدن بئش مین ایلہ
واردیر تاریخ بویو یاشی قیدارین
قیزیلدی توپراغی، گوموشدو داشی
گوئلره اوجالسین باشی قیدارین.

زنگان اوستانینا ایشیقلی اولدوز
برکتلی چؤرک، برکتلی دوز
پیغمبر مسکنی ساتیلماز اوجوز
اوزوگه یاراشیر قاشی قیدارین.

عیسی بیگلو سؤزده دئییر مردانا
اورکدن یاغلیدی شاه مردانا
وطن وصفین یازیم سالیم داستانا
قدرین نه بیلیر ناشی قیدارین؟

آشیق محمد حسین دشتکی

دشتکی عاییلہ سی نین چوخو آشیقلیق صنعتیلہ شهرت صاحیبی دیرلر. کئچن یوز
ایلدہ بو عاییلہ خدابنده نین شادلیق مراسیملرینی دولانديرمیش و ائل ایچینده
شادلیق یاراتمیشلار. آشیق محمد حسین شعر، ساز، داستانلاردان علاوه مجلس
دولانديرماقدا دا چوخ مهارتلی اولموش و چوخلو آشیقلار دا تربیه ائتمیشدیر.

آشیق رضا دشتکی

خدابنده نین آدلی - سانلی آشیقلاریندان اولاراق، آشیق صنعتی نین
اوستادلاریندان اولموشدور. او، بیر چوخلو داستانلار و شعرلر بیلرک، ماحالین
تویلارینی دولانديرارمیش و چوخلو آشیقلار اوستادی اولموشدور. آشیق میرزا
علی اونون شاگیرلریندن ساییلیر.

آشیق میرزا علی دشتکی حصاری



آشیق میرزا علی ۱۳۱۶- جی ایلده خدابنده شهری نین حصار کندینده بیر صنعتکار عایله ده آنادان اولدو. آتاسی مصیب ده شهرده تانینمیش بیر چالغیچی اولاراق کمانچا چالماقدان ماهیر ایدی. آشیق میرزا علی نین اوستادلاری اؤز عمی لری اولان بؤیوک آشیققلار اولموشدور کی آدلاری و حرمتلری بوتون آشیققلار آراسیندا ساییلیردی. آشیق محمد حسین و آشیق رضا دشتکی دن ساز چالماقدان علامه، بیر چوخلو داستانلار اؤرنمیش و داستان سؤیله مکده تامام آشیققلاردان اوستاد ساییلیر. اونون داستانلاری کاستلره چکیلیب و ائولرده اوخونور و ائشیدیلیر. اونون داستانلاری بونلاردان عبارتدیر:

شاه اسماعیل، خسته قاسیم، دلاور قاسیم یا جنگی، حسرت، بابا لیسان، عباس و گولگز، ورقه و گولشن، معصوم دل افروز، شیرین- بیرچک، تئلیم خان و مهری خانیم، تاپدیق و مهری خانیم، طاهر میرزا و باشقالاری.



آشیق میرزا علی بیر چوخلو ماهنی، شعرلر و موالاری بیلیر و بیر چوخلو گنج آشیققلار اونون یانیندا آشیقلیق مشقی ائتمیشلر.

آشیق نوروز عبدی



بالابانچی بیر آشیق اولاراق، مہارتینہ گؤرہ دہ آشیق سسلنیردی. او ۱۳۳۰ ایل لریندہ قارقالو کندیندہ-ابهرین کندلریندن- دونیایا گلدی. آشیق لیق اونون معشتینی دولاندیرا بیلمہدیگی اوچون نجارلیقلا معیشتینی دولاندیریر. ایندی دہ مجلسلرہ آز- چوخ گئدیر و انشیدنلرین ماراغینی قازانیر.

آشیق صحبت میرزایی



آشیق صحبت ۱۳۳۰ ایل لریندہ ابهرین نصیرآباد قصبہ سیندہ- ساین قالا یاخینلیغیندا دونیایا گلیر. بوگون گؤزل ساز چالماسیلا تانینیر. او، گؤزل ساز چالیرسا دا، اوخومایر، اما درین حرمت صاحبی و صنعتینہ گؤرہ سئویملی بیر آشیق ساییلیر.

آشیق قدرت الہ خدرہ- اسدی

آشیق قدرت الہ خدرہ آشیق قدرت اسدی آدی ایله تانینیر. او ۱۳۴۱- جی ایلدہ دونیایا گلدی. ۱۵ یاشیندان آشیق رسول نوروزی یانیندا چالماغا باشلادی و اونا شاگیر اولدو. ایک ایل لر بیر گؤزل قوالچی کیمی آشیق نوروزی یانیندا اونو مشایعت ائتدی و بوگون ساز دا چالیر، آنجاق قوالی ترجیح ائدیر و موغام دا اوخویور.

آشیق آسلان گلمحمدی



آشیق یوسوفون اوغلو اولاراق بوگون دیرلی آشیق‌لاردان ساییلیر. آسلانین آتاسی آشیق یوسف دا داها مجلسلره گئتمه‌سه ده نفسی آشیق‌لاری جانلاندیریر. آشیق آسلان بئله بیر آتانین یانیندا ساز اؤیرنمیش و سینه‌سینه سؤز دفتری ائتمیشدیر. او، ۱۳۳۰ ایل لرینده خرمدره ده آنادان اولوب و مجلسلر قوراراق آشیق‌لیق صنعتینی دیری ساخلاماقدا چالیشیر.

آشیق نیت عسگری



آشیق نیت ابهر کندلریندن بیر سیایلان ال‌گزیر کندینده ۱۳۴۰ ایل لرینده دونیا یا گلدی. ایندی آشیق‌لیق صنعتی ایله ایشله ییر و بو صنعتی ابهرده دیری ساخلایان آشیق‌لاردان بیر سیایلیر.

آشیق سید حمزه مقدم



آشیق سید حمزه قزوین ده دنیا گلمیش و اورادا یاشاییر و آشیق صنعتی ایله معیشتی‌نی دولاندیریر. او، ۱۳۴۰ ایل لرینده دونیا یا گلمیش و علاقه ایله بو صنعتی ساخلا یاراق قزوینده یاشاییر و چالیب-اوخیور.

آشیق فیض‌اله جعفری

آشیق فیض‌اله جعفری خرمدره آشیق‌لاری آراسیندا بؤیوک حرمت‌ه مالیک ایدی. او خرمدره ده دونیا یا گلیب، آنجاق بیر چوخ شهرلرده ساز چالیب اوخیوبودور و گؤزل مجلسلر دولاندیریدیر. اونون اوچون تهراندا عزیزله‌مه مراسیمی ده قورولدو. بو مراسیمده آشیق گولاب بیر ساز چالیب، آشیق

جعفری یہ شعر قوشوب اوخودو.
آنجاق آشیق فیضعلی تنز وفات ائدی و آشیق گولاب یئنه اونونچون بیر شعر
یازدی. بو شعر بئله دیر:

فلک بیزدن تنز آییردی
فیض علی کیشی قارداشی.
اورگیمیز قان آغلاییر
گؤزلریمیز تۆکور یاشی.

هانی فیض علی نین سسی
مجلسلرده شن نغمه سی
قان آغلیری ائل-اوباسی
قبری اوسته گؤرور داشی.

ایندی بوردا یوخدو ایزی
نه اؤزو وار، نه ده سؤزو
حق ساخلا سین اوغول-قیزی
تۆکمه سین سنه گؤز یاشی.

حیدر کرآردی پیرین
بهشت اولسون سنین یئرین
اوغلون توتسون عرصه لرین
عمرون واردی یازی-قیشی.

الله ایشین اینانیرام
قورقوسونا قایلم
ساز الیمده سیزلاییرام
دونیانین بودور گردشی.



آشیق ساواد پاسیار

آشیق ساواد پاسیار، زنگان آشیقلا ریدان ساییلیر و بوگون ۵۵ یاشیندا حیاتی نی آشیقلیقلا سورور. او زنگانین ائلات اوشاقلاریندان دیر و ساز چالمانی، اوخوماغی اؤز اورگه یاتان هاوالاری و شیوه سی ایله ایفا ائدیر.

آشیق غریب

غریب آدلی بالابانچی قارقالو کندیندن اولموش و کندین تویلا ریندا خاطیره قویوب گئدن آشیقلا ردان تانینیر.

آشیق زلفعلی جعفرزاده

آشیق جعفرزاده ۱۳۳۵ ایل لرینده خرمرده ده دونیا یا گل میش و بوگون زنگان تویلا رینی دولان دیریر. او باشقا آشیقلا ر کیمی قاوال چالیب، آشیقلا ر یانیندا رسم- رسوماتی اؤیرنیب و ساز چالماقدا مهارت تاپیر و بوگون ماهیر بیر آشیق کیمی چالیب- چاغیریر.

آشیق یاور محمدی

آشیق یاور ۱۳۴۳ ایلینده زنگانین قره پوشتلو ماحالی نین تلخین کندینده دونیا یا گل دی. آشیق فاضل عبدالهی و آشیق مسیح اله یانیندا ساز چالماغی و اوخوماغی اؤیرندی. بیر سیرا داستانلاری دا باشقا آشیقلا ردان درس آلدی و بوگون مجلسلا ر دولان دیریر. آشیق یاور تویلا ردان علاوه، مختلف فسٹیواللاردا دا اشتراک ائدیپ تاماشاچیلار آلفیشلا رینی قازانیر.



آشیق رمضان خدا بندہ

ابراہیم اوغلو آشیق رمضان ۱۳۴۴- جو ایلده ابهرین اردالان کندینده دونیا یا گلدی. اوشاق چاغلاریندان آشیقلا رین تو یلاردا اشتراک ائتدیگی زامان، بالا جا رمضان دا بیر نچہ ماہنی اوخویار و آشیقلیق مشقی ائدردی. گاہدان تو یون یاریسی نین ماہنیلارینی رمضان اوخویاردی و ہامی اونو تشویق ائدردی.

آنجا ق زامان کئچدیکجه رمضان سسی نین گؤزلیگی ہامیا خوش گلیب و اوندان ایستیرلر اؤزو آشیقلیق ائتسین. ۱۳۶۶ ایلینده بیر ساز آلیب و اؤزو تک جانینا تو یلاردا قدم قویور. اؤز چالیر و اؤزو اوخویور. بوگون آشیق رمضان بوتون بو ماحالاردا توی- دو یونلری دولان دیریر؛ چالیر- اوخویور.

آشیق عباس ستاری



چاغداش آشیقلا ریمیز آراسیندا بلکہ نچہ آشیق واردیر کی سسینہ گؤرہ اوندان دو یماق اولماز؛ گاہدان سیزیلدایار، گاہدان ائلہ شنلیک یارادار کی سانکی دنیا اونونلا

سس بیر اولوب شنلیک یاردیر. آشیق عباس دا او آشیقلا ردان دیر.

آشیق عباس ستاری ۱۳۴۷- جی ایلده زنگانلا میانا آراسیندا کندلرین بیرینده دونیا یا گلدی. بوگون میانادا چالیشیر و بو شہرین و بوتون ماحالارلارین توی- دوگونلرینی اؤز مہارتلی آشیقلیق صنعتی ایلہ دولان دیریر. فستیواللاردا گؤزل چیخیشلاری اولور. اونون صنعتینده ماراقلی بیر نوکتہ چاغداش شاعیرلرین شعرلرینی آشیق ہاوالاریندا اوخوماسی دیر. زنگان و میانا شاعیرلری نین گؤزل شعرلرینی سئچیب و او یغون ہاوالاردا چالیر و بو گونه قدر نچہ آلبوم یایمیشدیر.

آشیق عباس بوگون تئاتر صحنہ لرینده ده سئن اوستہ چیخیب و موزیکال

اویونلاردا اشتراک ائدەرک، گۆزل صحنه لر یارادیر. آشیق ستار ائله چالیشقان و ماهیر بیر آشیق دیر کی ایندی میانانین فخری ساییلاراق قافلانتی هاواسینی یاراتمیشدیر. بو هاوا اۆزل بیر موسیقی هاوالاریندان اولاراق یئنی لیکرله دولودور. آشیق عباس عینی حالدا دویغولو-دوشونجه لی سۆزلرینی شعرلرینده سؤیله بیر و اۆزو اونلار یئنی هاوالار یارادیر.

آشیقلیق صنعتینده زیروهیه چاتان آشیق عباس، درین معنالی شعرلریله، عرفانی مسالهلره دوزگون صورتده یاناشیر و آپ-آیدین آچیقلامالار یازیر. ایفاچیلیقدا دا بؤیوک هنر گۆستریر. تمیز-پاک داورانیشی ایله ده خالقین محبتینی قازانیر. باشقا بیر چکیجی نوقطه ده اونون کیچیک اوغلانلاری نین مهارتله ساز چالدیقاری و آشیق صنعتینده درس آلمالاری دیر. اونلار دا گاهدان صحنهیه چیخیب، آتالاریندان اؤیرندیکی صنعتی ایفا ائدیرلر. بورادا آشیغین ایکی شعرینی اوخویالیم:

گولنمه دیم

وعده سیز قیش گلدی عؤمرون باغینا
باغلادی یوللاری قار گولنمه دیم
اسدی کولک گوللریمی سارالتدی
باتدی اورگیمه خار گولنمه دیم.

بیر دفعه اوتوروب مین دفعه قاچدیم
هر کئچهن یولچویا کونلومو آچدیم
یوخسوللوق تالادی داغیلدیم اوچدوم
دوشمه دی الیمه وار گولنمه دیم.

چوخلاری توخ اولدو بیزیم اؤلکه ده
خیانت چوخ اولدو بیزیم اؤلکه ده
ترلانلار یوخ اولدو بیزیم اؤلکه ده
دولانندی یئرینده سار گولنمه دیم

ایتیبیدی گؤزلیم رنگیم سارالی
گزدیم بودنیادا دردلی یارالی
محبت ده دوشدو مندن آرالی
تاپمادیم مہربان یار گولنمہدیم.

دئدیم گؤز یاشیمی سیلہجگم من
گونشلہ گؤروشہ گلہجگم من
دئدیم کی حاقیمدی گولہجگم من
سالیندی بونوما دار گولنمہدیم.

بیر وفاسیز گؤزل منی
یاندیریبان یاخدی گئتدی
نئشتر کیمین ہیجران اوخون
سینہم اوستہ تاخدی گئتدی.

حسرت قالدیم چارالارا
بیلیم گئدیم ہارالارا
اؤز ووردوغو یارالارا
اوغرون-اوغرون باخدی گئتدی.

آلیمدن آلدی دؤزومو
اورکده قویدو سؤزومو
بیر آن تاپینجاق اؤزومو
گؤز اؤنوندن آخدی گئتدی.

آشیق عباس قالماز ناچار
بد عملدن ہر آن قاچار
ظولم ائوینہ اولماز ہاچار
اورگینی چاخدی گئتدی.

آشیق اسلام مرادلو



آشیق اسلام زنگان آشیق‌لاری سیراسیندا آدلی - سانلی بیر آشیق دیر. او، ۱۳۴۲- جی ایلده زنگاندا آنادان اولموش و ایل‌لر بویو اوستادلار یانیندا آشیق‌لیق صنعتینی اؤیره نمیش، ماهیر بیر آشیق اولمایینجا توبا گئتمه‌میش، آنجاق ۱۳۷۰- جی ایلده مجلس‌لره آیاغی آچیلیر و گۆزل ساز چالماسی و خوش صداسیلا آشیق صنعتی‌نین

ماراقلی‌لارینی راضی سالییر. بوگون بیر چوخلو داستان‌لاری گۆزل ایفا ائده‌رک، بیر چوخلو داستان‌لاری دا سینه دفتر ائدیپ و بو یولدا چالیشیر. زنگان آشیق‌لاری گنج ایکن داستان‌لاری اؤیرنمگه مجبور اولورلار، چونکی توپلاردا و مجلس‌لرده تکجه اوخوماق شرط دئییل، بلکه آشیق‌ین داستان سؤیله‌مه‌سی و دوزگون روایت ائدیگی‌نی ده ایسته‌ییرلر. بلکه بئله‌لیکله داستان‌لاریمیز ساخلانیلیب و گله‌جک اوچون وثیقه لریمیز حفظ اولونسون.

یوسف سلیمانی

سلیمانی عایله‌سی خرمدره‌نین یانیندا اولان ویستان کندیدن اولموش. ویستان آشیق‌لار خزینه‌سی دیر و بورا بیر بالاجا کند اولورسا دا، بیر چوخو آشیق‌لیق صنعتیله مشغول اولموشلارو حتا زمانین پیسلیگی‌نه باخمایاراق، ویستان آشیق‌لاری زنگانین بیر چوخلو آشیق‌هاوالاری و داستان‌لارینی دیری ساخلامیشلار و بو صنعت بو کندیدن بیر معجزه‌سی کیمی قالارقی اولموشدور. یوسف سلیمانی بئله بیر محیطده یاشامیش و آشیق‌لیق صنعتیله بؤیوموشدور. او ۱۳۴۵- جی ایلده دونیا یا گل‌میش و ایندی‌لر زنگان گل‌میش و بورادا یاشاییر. یوسف بیر ماهیر بالابانچی دیر و زنگان‌هاوالاری‌نین اوستادی دیر. یوسف سلیمانی بالابانی ایله مجلس‌ده اوتورانلاری ائله حالا گتیریر کی هامی آشیق موسیقی‌سینه واله اولوب و بو صنعته هوسلری آرتیر. او آشیق‌هاوالارینی چوخ گۆزل چالیر و سسی‌نین گۆزلیگی‌نه گۆره مجلس‌لرده اوخویار دا.

آشیق حمزه سعیدی

آشیق حمزه ده زنگان آشیقلا ریندان بیریدیر. آتاسی مالک اؤدر، حمزه کیچیک یاشلاریندا اولارکن آشیقلیق ذوقونو تربیه ائتدی و حمزه بو صنعتده مهارت گؤستریب، ایل لر اوستادلار یانیندا بو صنعتی تکمیل لشدیردی. آنجاق ۳۰ یاشیندان ساز چالیب، شعر اوخویور و چوخلو داستانلاری سینه دفتر ائتمیش و مجلسلرده گؤزل سسلی و چیخیشی ایله آشیق صنعتی نین ماراقلیلارینی دؤورونه توپلاییر. او، بوگون آشیقلیق صنعتینده چالیشاراق اؤز مهارتی نین چؤرگین یئیر.

آشیق نادر نوری

آشیق نادر نوری ۱۳۴۵- جی ایلده خرمدره ده بیر گؤرکملی آشیق صنعتی ایله مشغول اولان عایله ده دونیا یا گلدی. آتاسی نین داییمی آشیق مصطفی نوری خرمدره نین قوجامان آشیقلا ریندان ساییلیردی. ایلک اوستادی دا ائله آشیق مصطفی اولدو. سونرا آشیق مسیح اله و آشیق یداله یانیندا دا چالیب- اوخوماغی تکمیل لشدیردی.

آشیق نادر نوری بوگون هم رادیو- تلویزیوندا و هم مختلف فستیواللاردا گؤزل چیخیشلاری اولور و مختلف ایران موسیقی یاریشمالاریندا اشتراک ائدیپ اؤدوللر قازانیر. خرمدره نین چوخلو توپلارینی او دولانیریر و آشیق سید کاظم حسینی ایله برابر مجلسلری دولاندریرلار.

آشیق سید کاظم حسینی



آشیق کاظم ۱۳۵۰- جی ایلده خرمدره ده دونیا یا گؤز آچدی و اونون باباسی و آتاسی دا تانینمیش آشیقلا ردان ساییلیرلار. باباسی آشیق نعمتاله شریفی و آتاسی آشیق سید حسن حسینی اونون ایلک اوستادلاری اولموش و گنج آشیق اونلاری الی آلتیندا آشیقلیق گله نگی نی اؤیرنمیشدیر.

آشیق کاظم ۱۰ یاشیندا قاوال ایله آشیقلاری توپلاردا مشایعت ائدی. بالاجا آشیق، قاوالدا ائله مهارت گؤستریر کی نئچه دفعه لر اؤدولر قازانیر. چوخ کئچمه دن ساز الینه آلیب و تئل لی ساز عنوانیندا بیر گزوپ یارادیر و اؤزو ساز تک چالمادا بیر اوستاد اولاراق گروهون مدیریتی ده باجاریر. او، ایرانین باشا-باشیندا مختلف استانلاردا فستیواللار قاتیلیب آلفیشلانیر. او ایران چئشیدلی شهرلرینده: تبریز، اردبیل، اورمیه، تهران، لرستان، گیلان، همدان، کیش و باشقا استان و شهرلرده آشیق صنعتینی تمثیل ائده رک گؤزل چیخیشلاری اولموشدور.

امیرعلی داوودی

آشیق امیرعلی داوودی ۱۳۴۳- جو ایلده ابهرین یاخینلیغیندا دونیا یا گؤز آچیب و ۸- ۹ یاشیندا قوپوز چالماغا مارق گؤسترمیش و نئچه ایل لر آشیق مصطفی نوری، آشیق مسیح اله رضایی و آشیق گلابعلی داوودی یانیندا آشیقلیق گله نگینی اؤیرنیدیر.

آشیق صنعتی نین یاساقدان چیخدیغی ایل لردن آشیقلیق ائتمیش و بیر چوخلو فستیواللاردا اشتراک ائتمیشدیر. بوگون توپلار دولاندریر و مجلسلر قورور. بیر چوخلو داستانلار دا سؤیله ییر. بوندان علاوه رادیو- تلویزیوندا دا برنامه لر اجرا ائدیر.

آشیق روح اله رزاقی

آشیق روح الله زنگانین قوجامان آشیقلاریندان ساییلیر. او ۱۳۳۹- جو ایلده زنگانین تره چای کندینده دونیا یا گلمیش و گنج چاغلاریندان سازا- سؤزه مارق گؤسترمیش و بیر نئچه اوستاد یانیندا ساز- سؤز اؤیرنمیش، آنجاق ۴۰ یاشیندا الینده ساز مجلسلر قورموش و توپلار دولاندرمیش. روح اله ۱۳۷۹- جو ایل لردن بیر چوخ مجلسلرین دولاندرانی اولموش و آشیق صنعتی نین ماراقلیلارینی اؤز هنری نین دؤورونه توپلامیشدیر.

آشیق نادر قلی زادہ

آشیق نادر زنگانین سازلی- سۆزلو آشیقلا رینداندیر کی آغیر مجلس قورموش و تویلا ر دولاندیر میشدیر. نادر ۱۳۵۵- جی ایلده زنگاندا دونیا گۆز آچیب و اوشاقلیق دؤورانیندا آشیقلا رلا توی مجلسلرینه قدم قویور. آتاسی دا آشیق یانیندا قوالچی ایدی و بالاجا نادر اوشاقلیقدا ن آتاسی نین صنعتینه وورولور. هله گنج یاشلاریندا- ۱۳۷۱ ایلینده ساز الینه آلیر و آشیق فریدون مهاجری، آشیق حسین ابراهیمی یانیندا ساز چالماغی اؤیرنیر و تئزلیکجه ماهنیلار و شعرلر اوخوماغا ماراغینی گؤسترهرک، گؤزل سسی نی انشیدنلرین قولاغینا چاتدیریر و چوخ کئچمه دن ماهیر بیر آشیق کیمی تویلا ر دولانیریر. زنگان او آشیکا آشیق دئیرلر کی داستان سؤیله مگی یاخشی بیله. نادر ده بیر نئچه داستانی یاخشی اؤیرنیر و داستان سؤیله مکده مهارتلی آشیق اولور او جمله دن شاه اسماعیل، علعسگر، غریب و شاه صنم، حسین جوان و باشقا آذربایجان داستانلارینی گؤزل ایفالار ییلا روایت ائدیر. آشیق نادر گونوموزون مهارتلی آشیقلا ریندان ساییلیر و تویلا ردا ماراقلی لاری چوخدور.

چیچک علی اسدی

آشیلیق صنعتی نین یانیندا اصیل بالابانچی دیر کی آشیقین هنرینی زیروه یه چاتدیریر و صنعت ماراقلیلارینی ذوقا گتیریر و آشیقین داستانلاری، یاخود شعرینی دینله مگه هوسلندیریر. بو گؤزل صنعت- بالانچیلیقا مالک اولان اوستادلاردا ن بیر چیچک علی اسدی دیر. او ۱۳۵۲- جی ایلده زنگانین زوهرین کندینده دونیا گۆز آچدی. اوشایقلیق زمانیندا بو صنعت ماراقلی بسلهدی. نهایت ۱۳۷۱- جی ایل لردن، هله گنج اولارکا اوستاد آشیقلا ر یانیندا آشیق صنعتینی زیروه چاتدیرمادا زحمتلر چکیر. چیچک علی بوگون ده اوستاد آشیقلا رلا برابر تویلا ردا و مجلسلرده موسیقی صنعتینه خدمت ائدیب و بو یولدا دایانمادان چالیشیر.



آشیق فرخ بیات

آشیق فرخ بیات ۱۳۲۰- جی ایلده زنگان ماحالیندا دونیا یا گۆز آجدی. اوستادی زین الدین قره بولاغی یانیندا ساز چالما و آشیقلیق صنعتینی اؤیرندی. ۲۰ یاشیندان توپلاردا ساز چالیب اوخوماغا باشلادی. بوگونه قدر یوزلرجه گلینلری بخت ائوینه یوللاییب، یوزلرجه اوغلانلاری بی بزهیب ائولندیریدیر.

آشیق فرج بوگون زنگانین قوجامان آشیققلاریندان ساییلیر و داستانلار سؤیله ییر، ان گۆزل هاوالار چالیر و شنلیکلر تۆره دیر، مجلسلر قورور. آشیق فرخ چوخلو داستانلار بیلیر. زنگان آشیققلاری کیمی خسته قاسیما وورغون بیر آشیق دیر و سؤیله دیگی داستانلار، آذربایجانین باشقا شهرلریندن فرقلی دیر.

آشیق جلال نظری

جلال نظری گنج آشیققلاردان دیر کی چوخ گۆزل ساز چالیر و اوخویور. بیر چوخلو داستانلاری دا بیلیر، اؤزو داستان دا یازیر. جلال ۱۳۶۸ ایلینده طارمون تازاکند آدلی بیر کندده آنادان اولدو. اورادا باش آتیب، یاشا دولدو. ۱۱ یاشیندا تهرانا کۆچمگه مجبور قالیر. ۱۵ یاشیندا یئنه اؤز یوردونا دؤنور. آنجاق غربت دردی اوندا شاعیرلیک حیستی یاراتمیش اولدوغو اوچون، وطنه دؤندوکده ساز آختاریر. ۱۷ یاشیندان یاز اله آلیب، ائل دردینی سؤیله مگه جان آتیر. سونرا زنگانا گلیب و بوگون زنگاندا بیر فابریکادا چالیشیر. او دیپلم آلمیش، آنجاق تحصیلینی داوام وئرمگه ده علاقه گؤستریر. جلال منوچهر نجفی یانیندا ساز چالماغی اؤیرنمیش و آراز اوستو آشیققلارین سازی و سؤزونو ماراقلانلا قولاقلار آسراق، اونلاردان اؤیرنمگه جان آتیر. جلال بوگون اؤزو یازدیغی داستان-اووچو احمد داستانینی یازیر و شعرلرینی ده قوشور. بونولا برابر اؤز کندلری حاقیندا کتاب یازماغا چالیشیر. او، کندلرینده بوتون اولای لاری و تاریخی سیمالاری

توپلاییب، کندین عنعنہ لری ایله برابر کولتورونو ده توپلاماقدادیر. جلال طارم
هاوالارینی چوخ دوزگون حالدا چالیر و موسیقی یه اؤزل بیر حساسیتله توخونور.
او، موسیقی میزین دوزگون چالما سینا اؤنم بسله ییر و همین دوروم اونون ساز
چالما سی نین ائرلیله مه سینده ائتکی سی نی بورا خما دایر. عینی حالدا طارم
هاوالاری اوزرینده چالیشمالار آپاریر. بورادا اونون ایکی شعرینی وئیریک:

گرک

اؤز ائلینده- اوباسیندان آریلان
بیل ده یه کؤز کیمی آلیشا گرک.
دقیقه باشیندا هوشو- حواسی
دیلی اؤز- اؤزونه دانیشا گرک.

کیشی گرک داشی موم تک اریده،
قانیدیرا قانمازی، لالی، کری ده،
عدل ایله حکم ائده، سؤزون یئریده
حق یولوندا سؤزه چالیشا گرک.

دانیشا دیله زهر دئمیش، زر دئمیش،
بو سؤز اورگینده تزه- تر دئمیش،
عارف اولان دئمه سین کی شر دئمیش،
فیکیر، خیال هردن قاریشا گرک.
حق باغیمین تازا چیرتان گولویم،
نجیب لیکده، معرفتدن دولویام،
ایمده ساز سؤز قانانین قولویام،
بیلدیگیجه جلال دانیشا گرک.

آشیق میلاد خدری

آشیق میلاد خدرہ- اسدی ۱۳۷۰- جی ایلدہ خرمدرہ دہ دونیا یا گلدی. ۸ یاشیندا اولان چاغلاردان الینہ بالابان آلیب آشیقلا یانیندا اونلار مشایعت ائندی و آشیقلیق اؤیرندی. ۱۳۸۴- جو ایلدہ آشیق منوچہر نجفی نین یانیندا شاگیر اولوب و ساز چالماغی و هاوالاری اؤیرندی. نہایت ۱۳۹۰- جی ایل لردن ساز الدہ توپلار دولاندیریپ، مجلسلر قوروبدور. آشیق میلاد بیر نچہ فستیواللاردا دا اشتراک اندیب و تاماشاچیلارین آلیشلارینی قازاناراق، اؤدوللر دہ آلمیشدیر. آشیق میلاد یاشی نین آزیغینا باخمایاراق، بوگون زنگانیمیزین اوستاد آشیقلا ریندان سایلییر و آشیقلیق صنعتینی دیری ساخلاماقدہ چالیشیر. شعرلر یازیر، داستانلار توپلاییر. گلہ جگیمیزین اومودلاریندان بیر دہ اودور.

آشیق معرفت عبادی

آشیق معرفت عبادی ۱۳۵۶- جی ایلدہ دونیای گلدی. ۱۳۷۳- جو ایلدن قوپوز الہ آلیب آشیقلیق مشقی گوردو. منوچہر نجفی سانیندا ساز چالماغی علمی صورتدہ اؤیرنیپ و بوگون توپلاردا آشیق صنعتینی یاشادیر. او آشیق هاوالارینی بیلیر و داستانلار دا بیلیر و سؤیلہ ییر.

آشیق فریدون مہاجری



آشیق فریدون مہاجری ۱۳۴۳- جو ایلدہ زنگاندا دونیا یا گلدی. تبریزہ گندیپ و آشیقلیق صنعتینی آشیق الیاس یوسفی یانیندا اؤیرنیپ، بوگون گؤزل چالیپ- اوخومالاری ایلہ مجلسلری قیزدیریر و آشیق صنعتینی یاشادیر. او عینی حالدا نچہ- نچہ داستان دا بیلیر و رادیو- تلویزیوندا دا چیخیش اندیر.

آشیق کمال دشتکی حصاری



آشیق کمال قیدار آشیق‌لاری آراسیندا ساز چالما، ماهنی اوخوما و داستانلار سؤیله‌مکده آدلیم آشیق‌لاری سیراسیندا تانینیر. آشیق کمال ۱۳۴۲- جی ایلهده قیدارین حصار

کندینده آنادان اولدو. اونون آتاسی دا قیدارین اوستاد آشیقی اولان آشیق میرزا علی‌دیر. آشیق کمال اوشاقلیق چاغلاریندا آتاسی یانیندا ساز چالماغی اؤیرنمیش و آتاسی‌نین دیرلی بیر شاگردی اولماغا چالیشمیشدیر. آشیق کمال آتاسیندان علاوه، قیدارین ائستاد بالابانچی لاریندان اولان اوستاد باباله قدیمی‌نین یانیندا مجلسلر قوراراق راهنمایی لیقلاریندان بهره لر قازانمیشدیر. آشیق کمال صنعتی‌نین تکمیل لشدیرمک اوچون گؤزل مجلسلر قورموش و اؤز مهارتینی بو صنعتین مختلف ژانرلاریندا گؤستریمیشدیر. او، آشایداکی آدلارینی چکدیگیمیز داستانلاری مهارتله ایفا ائدیر:

بابا لپسان، توفقاللی عباس، حسرت، جنگی قاسیم، ورقه گولشن، معصوم دل افروز، تئلیم خان، تاپدیق و ماه پری و... عینی حالدا بو بؤلگه‌نین گؤزل هاوالارینی و ماهنیلارینی اورگه یاتان سسی ایله و سازی ایله ایفا ائدیر.

آشیق شیرزاد ناظری



آشیق شیرزاد ناظری مین اوچ یوز اللی اوچونجو ایلین ایکینجی آییندا زنجانین دندی شهرستانی‌نین انگوران ماحالی‌نین حلب کندینده دنیا یا گؤز آچدی. اوستاد عاشیق عزیز

فرضعلیزاده‌دن ساز هاوالارینی اؤیرنمیشدیر. آشیق عزیز فرضعلی آذربایجانین قره‌داغ ماحالی‌نین جانانلی کندیندندی او دا مرحوم استاد حسین اسدی‌نین شاگردلریندندی و حال حاضردا تهراندا یاشاییر.

بولبول

سن اول تانری کوؤورک دورما
اورگیمی ازن بولبول
ملول دوروب یارا ورما
گئت بیر یاندا بزن بولبول

گننمه لییم سیزین ائلدن
اینجیمیشم ساری تلدن
بوداغلاردا سولان گولدن
حسرت ایراق گزن بولبول

من دردیمی کیمه دئییم
هانسسی دردین غمین یئییم
چیخاردیب آل قارا گئییم
سس سیز آخیر دوزن بولبول

داغلار

دوشگونلو یوب شاعیر شیرزاد
قوهوم قارداش اولوبدو یاد
سنده گل بیر نغمه یاراد
گولو گوله دوزن بولبول

دومان آلدی هریانی
دای گورونمور باشین داغلار
دامجی دامجی یاغیش گلیر
آخیر گوزدن یاشین داغلار

قیشدا گئیر آغ اینینہ
قاری توکر یئل بوینونا
کھلیکلری اؤز قوینونا
آلار قایان، داشین داغلار

زیرولردہ بوران سیزلار
اووچولارین شیکار ایزلر
دیل لئر ہر ائودہ سازلار
چاتیلاندا قاشین داغلار

گوروشدوگون شافالیدیر
گاہ سئوینج گاہ جافالیدیر
ہر موسمین صافالیدیر
یاز یای پاییز قیشین داغلار

چکر اصلان نعرہ سندنہ
دوماندا چیسکیندہ چندہ
غرق اولارسان شہرت شأندہ
گلر اوننان خوشون داغلار

آشیق علی محمدی



آشیق علی محمدی ۱۳۵۹- جو ایلدہ زنگانین
قرہ پوشتلو ماحالی نین احمدآباد کندیندہ دونیایا
گلمیش و بوگون گؤزل ایفاچی آشیقلاردان دیر. اونون
ساز چالماسی هامینی ذوقہ گتیریپ و مجلس

آراسیندا گزمہسی ماراقلار قازانیر. آشیق علی ہم ساز چالمادا و ہم گؤزل
سسلیله اوخومادا مہیر بیر آشیق دیر. ہر زادن اوئملی اونون مجلسی
قیزدیرماسی و ہر کسین اؤز قدریجہ اونا یئر وئرمہسی اونون اساس ہنری دیر.



آشیق مەدی نجفی

آشیق مەدی نجفی زنگانین قره پوشتلو ماحالی نین ظهیرین کندی‌ده ۱۳۵۸ یلی‌ده دونه‌یا گل‌دی و اوستادلار یانیندا ساز-سۆز اؤیرن‌یب و بوگون ماهیر بیر آشیق کیمی چیخیش ائدیر. هر زاددان ماراقلی اونون گۆزل داستان سؤیله‌مه‌سی‌دیر. آز زماندا بیر داستان‌ی ائله گۆزل سؤیله‌ییر کی داستان‌ی سانکی باشدان آياغا ائشیتیمیش اولورسا.

آشیق مەدی نئچه-نئچه آشیق‌لار فستیوال‌لاریندا اشتراک ائدرک آلقیشلانمیش‌دیر. اونون گۆزل سسی وار و گۆزل دورانیشی ائشیدنلری اؤزونه چکیر.



آشیق حسین عمویی

حسین عمویی ۱۳۶۵- جی ایلین شهریور آیین ۱۰- وندا زنگانین یاخینلیغیندا اولان قیزیلجا کندی‌ده بیر مذهبی و درین ایناملی بیر عائیله ده دونه‌یا گل‌دی. حسین هله ایکی یاشیندا ایکن آتاسی عائیله‌سینی زنگانا گتیردی و ایندی زنگاندا ساکیندی.

حسین مکتبه قرآن اوخوماقلان درس آلمیش و هیئت‌لرده اوخوماقلا سسی نین گۆزللیگی بللی اولور. ۱۳۹۰- جی ایلده بیر ساز آلیب «اوستاد ایمران حیدری» نین یانیندا آشیق موسیقی‌سینی اؤیرنمگه باشلا‌دی. آنجاق اساس موسیقی‌نی «منوچهر نجفی» دن آلمیش و بوگون بیر دیرلی آشیق کیمی چالیب اوخویور. بونا کفایتلنمه‌ییب، اؤزو شعرلر یازیر و چیخیش ائدیر. زنگاندا بو کلاس‌لار قورولان گوندن چوخ منتظم شکیلده بیر آشیق کیمی اشتراک ائدیر.

الحق گۆزل داستان سؤیله‌مک و گۆزل ایفاچیلیق الیندن گلیر. شبهه یوخ‌دور یاخین گله‌جکده آشیق حسین عمویی دئیرک بیر دیرلی و اوستاد آشیق‌لا اوز-اوزه گله‌جگیک. ایندی اوندان بیر نئچه شعر اوخوماغا دعوت ائدیرم:

شاختا بابا

شاختا بابا، دنیا بیزہ دار گلیر،
قدیم مودلار ایندی بیزہ عار گلیر،
گول خانادان میوہ گلیر، بار گلیر
هر میوہ دن بیزیم یورددا اولاردی
سولار گلیب کتده آرخا دولاردی.

شاختا بابا سولار سده شاققیلدیر
کھلیکلرین اؤزگه یئرده شاققیلدیر،
دیش تۆکولوب مصنوعولار شاققیلدیر
ایشلر اولوب بو زماندا الکی
انسان وورور بیر-بیرینه کلکی.

شاختا بابا، بیر سؤز منه درد اولوب،
ایستی قانلی انسانلارین سرد اولوب،
باش بدنہ دیمه ینلر مرد اولوب،
آغ ساققالین پوللو یئرین آلیبدی
بئله ایشہ فلک حئیران قالیددی.

شاختا بابا بندہ لرین آج قالیب،
دولتلی لر اؤزلرینه کاخ سالیب،
کار-کاسییین اورگینی درد آلیب
نفی-غازی باها-باها ساتیرلار
گوللہ آلیب داغا داشا آتیرلار.

شاختا بابا، چایلار گؤله دولاردی
کندی میزده هر میوہ دن اولاردی،
آنام گئدیپ توکلوجہ نی یولاردی
قدیم زامان هیسلی دامدا قالاردیق
قازان دیبین تاملی-تاملی یالاردیق.

شاختا بابا، سحر تئزدن آزاندا
داوار سوتون قایناداردیق قازاندا،
آتا- بابا کئچمیشیندن یازاندا،
قالماییدی داماغیمدا دادی دا،
فیکریمیزدن سیلینیبدی آدی دا.

شاختا بابا، آنام سوتو سوژردی،
یال- یاماجدان اوزرلیگی اوزردی،
گۆز دیمه سین اونو ساپا دوزردی،
اعتقادلار ایندیکی دن چوخویدو
او زاماندا بیر بئله مود یوخویدو.

شاختا بابا، قدیملردن آد قالیب،
هامی گندیب شهرلرده دام سالیب،
وطن یوردون ایندی گلیب یاد آلیب،
نسلیمیزی بیز الاندان دانیریق
ایچریدن آلوولانیب یانیریق.

شاختا بابا، اوغرو- قیریق چوخدو- چوخ،
کئچمیش گونو یادا سالان یوخدو، یوخ،
انسانلارین آز فاییزی توخدو- توخ،
سرین- سرین بولاق سویون ایچردیک،
پاییز یئری بوغدا اکیب بیچردیک.

شاختا بابا، شورو چیخیب شهرین،
ایلانلارین چیخاردیرلار زهرین،
دادی قالیب داماغیمدا سحرین
بولاق سویون میلیون- میلیون ساتیرلار
آخار سووا ایند اھک قاتیرلار.

شاختا بابا، دولت کۆرپو سالیبدی،
آت-قاتیرین یئرین ماشین آلیبدی،
کئچن گونون فقط ایزی قالیبدی،
دوزدو کتده بیر بئله شئی یوخویدو
امّا خوشلوق بو زاماندان چوخویدو.

شاختا بابا، کتده حیا وار ایدی،
قادینلارا باخما کتده عار ایدی،
قیز-گلینلر وفالی بیر یار ایدی،
آمما ایندی قیزلار چیخیر ائشیگه،
توکانلاردا دایانیلار کئشیگه.

شاختا بابا، او یوم-او یوم او یوللار،
سو یو-گازی ترزی یه قویورلار،
بیر فیش ایلن جییمیزی سویورلار،
دولت الان پولون وئیر تانک آلیر،
یغدیغیمیز پوللاری دا بانک آلیر.

شاختا بابا، اورکلی پاس توتوب،
بیلیم نه دن میلتیمیز یاس توتوب،
چوبوق چکن سیگار چکمیر ناس توتوب،
میلّت الان یان دیرانمیر بوخاری
چونکو قیمت گونده گئدیر یوخاری.

شاختا بابا، زامان ایندی چؤنوبدو،
لامپالارین ایشیق وئرمیر، سؤنوبدو،
قیز-اوغلانین بیر دا یئری دؤنوبدو
ائویمیزده تلگرام یئر سالیبدی
دلخوشلوق بو میلتدن آلیبدی.

شاختا بابا، اورگیمیز یارادی،
گونلریمیز بیر- بیریندن قارادی،
دای بیلیمیریک اؤز یوردوموز هارادی
زaman گلسین کئچن گونه قاییداق،
یازاق شعرى بو ملتی آيیداق.

شاختا بابا، گؤز گؤزه دی ملتین،
بیز چکیریک بو دونیانین ذیلتین،
کیمدن گرک سوراق بونون عیلتین؟
تانری یازیب بو یازی نین سیرینی،
اؤزو بیلیر یاخشی سینی- آیرینی.

شاختا بابا، اورگیمی داغلاتما،
سؤزوم چوخدو، درده سالیب آغلاتما،
کرم ائیلہ آچیق یولو باغلاتما،
کاش قاییدام بیر ده شنلیک چاغیما،
آیاق قویوم گول- چیچکلی داغیما.

شاختا بابا، شنلیک گئدیپ ائلیمدن،
ایراد توتور ایندی جاوان دیلیمدن،
توتان یوخدو بیلگیمدن- الیمدن،
بو نیسگیله «آشیق حسین» آغلاییر،
اورگینی حزین- حزین داغلاییر.

باياتيلار

گول درديم دسته لندی
يیغديغجا بسته لندی
وئرديم یاریم آلمادی
اورگیم خسته لندی

تورک دیلینہ دایاق اول،
 ہجر خانیم سایاق اول
 قاجاق نبی دئییب کی
 یاتماگیلن اویاق اول.

تمیز دولان دونیادا
 لایقلی اول بیر آدا
 یاخشی اولسان بونو بیل
 بیر گون دوشرسن یادا.

داشی قویدوم داش اوسته،
 سورمه چکدیم قاش اوسته،
 سن ناواقت گؤز ائیلہ دین
 من دئمہ دیم باش اوسته؟

عزیزینم یار قالار،
 منی اودا یارقالار،
 یاریم منی سئومہ سہ،
 من اؤلرم، یار قالار.

قورشاغینان بئل باغلا
 ساچلارینی تئل باغلا،
 نہ سیرین دئ اغیارا
 نہ نامردہ بئل باغلا.

باغچامیزدا چیچگم
 ال وورما گؤینکچہ ایم
 عالمہ چیرکین اولسام
 اؤز یاریمما گؤیچگم.

من دوستومو آتمارام
اغیار کسه قاتمارام
بیلسم دوستون دردی وار
گئجه- گوندوز یاتمارام.

عزیزینم یار منی
ایکی یئرہ یار منی
اونوتمارام من یاری
اونوتسا دا یار منی.

داغ باشیندا یئل گوجو
چایدان گلن سئل گوجو
ائلدن کنار گزمہ یین
سئل گوجودو ائل گوجو

اوستادیمدان ساز آلدیم
بندین چیگنیمہ سالدیم
آذربایجان یوردوما
شنلیک ماہنسی چالدیم.

عزیزینم یاری یار
کس آلمانی یاری یار
یاری گوؤل اولان کس
بو دونیادا یاری یار.

فلک منی آتسا دا
بختیم گیریپ یاتسا دا
دوز ایلقاری سئوہ جم
عؤمروم باشا چاتسا دا.

گلیردیم سوزہ- سوزہ
قیزیل گول اوزہ- اوزہ
یاریم قاش- گۆز ائیلہدی
تئل لیرین دوزہ- دوزہ.

گونه باخان ساریدی
اوزو گونه ساریدی
یارا اولان کؤنلومه
یاریم ملحم ساریدی.

داغلارین لالاسی یام
بابکین قالاسی یام.
تومروس منیم آنامدی
قورقودون بالاسی یام.

عزیزیم یارا ساری
ملحم قوی، یارا ساری.
من اؤلننده اوزومو
چؤندرین یارا ساری.

گلہ جک بیزیمدی بیزیم اولاجاق

آذربایجان بیزیم آنا یوردوموز
دونیا بیلیر نیشانی بوز قوردوموز
کؤکوم بللی نہدن بئلہ سوردونوز
ائلیم دیلیم تاریخ بویو قالاجاق
گلہ جک بیزیمدی بیزیم اولاجاق.

من آشیغام بیر ساز واردی الیمده
سؤزدن شیرین دستان واردی دیلیمده
اصلان کیمی کور اوغلو وار ائلیمده
نعره چکیب بیر ولوله سالاجاق
گله جک بیزیمدی بیزیم اولاجاق.

من دئمیرم دونیا تکجه بیزیمدی
مندن قالان یاشاییشدا ایزیمدی
بو یوللارین یوکون چکن دیزیمدی
سؤزو یول تاپسا اورکلره دولاجاق
گله جک بیزیم دی بیزیم اولاجاق.

آشیق حوسین اوز ائلینده اوجالار
الینده ساز دوشمانلاردان باج آلار
جاوان قالماز، او دا بیر گون قوجالار
قوجا یاشدا شن هاوانی چالاجاق
گله جک بیزیم دی بیزیم اولاجاق.

بو نه ایستک، بو نه سؤدا؟

داهی منه باخماییرسان
بو نه ایستک؟ بو نه سؤدا؟
من یانانا یانماییرسان
بونه ایستک: بو نه سؤدا؟

نازین آزالت، درده سالما
یا آرخا دور؛ یا دا قالما
بئله درین فیکره دالما
بو نه ایستک؛ بو نه سؤدا؟

سن گئدیسن ایزین قالیر
سون نفسی مندن آلیر
بو درد منی درده سالیر
بو نه ایستک؛ بو نه سودا

یار یارینی؛ درده سالماز
وئرن عشقی؛ داهی آلماز
دونیا ائله؛ بئله قالماز
بو نه ایستک؛ بو نه سئودا؟

"آشیق حسین» درده قالیب
تانریدان پای؛ جان دی آلیب
قلبینہ بیر اوددو سالیب
بونه ایستک؛ بو نه سئودا؟

ساچین هوروب هردن آتیر دالینا
مینلر قوزو قوربان یارین جانینا
آند ایچیرم بابکیمین قانینا
سئوہ جگم تا کی جانیمدا جان وار.

تانری سنہ گؤزللیگی پای وئریب
گؤزدہ دنیز قاشلاریندا یای وئریب
گوندوز گونش گئجه یانان آی وئریب
سئوہ جگم تا کی جانیمدا جان وار.

گوزل نیلیر سورمه چکسین گوزونہ
گلیب گندن حئیران قالیب اوزونہ
آشیق حوسین داستان یازار سوزونہ
سئوہ جگم تا کی جانیمدا جان وار.

باش ساری تئل چالان اولسا
 دیلسیزیلری دیل لندیئر
 باش ساری تئل چالان اولسا
 تئل لی سازی گول لندیئر
 باش ساری تئل چالان اولسا.

جوشا گلر قیزیل قانلار
 قان آغلایار صنم خانلار
 سئوینجیلہ دولار جانلار
 باش ساری تئل چالان اولسا.

اورکلرین پاسین آچار
 غصہ کوچر غملر قاچار
 دیل دوداغلار عطیر ساچار
 باش ساری تئل چالان اولسا

میضراب گزر پردہ- پردہ
 غم اولماز ساز اولان یئردہ
 قویماز کونول دوشہ درده
 باش ساری تئل چالان اولسا.

"آشیق حسین" اؤیمز اؤزون
 تمیز ساخلار ائلده گؤزون
 اوجا سسلہ سویلر سؤزون
 باش ساری تئل چالان اولسا.

باشقا آشیقلا ری میز

زنگان ولایتینده آشیقلا ری میز بوندان داها آرتیق دیر. آنجاق گؤروش لرینده موفق اولدوغوموز و معلومات آلدیغیمیز بونلاردیر. گؤرمه دیگیمیز آشیقلا ردان یازمامیشیق. اولسون کی اونودولان آشیقلا ر دا واردیر. اونلارین آدلارینی چکمکله گلن دفترلرده اونلارا یئر وئرمه لی ییک:

آشیقلا ر

علی اوسط اسدی، علی خوشگون خلفی، علی کلانتری، عرب ترنلی، عسگر ترنلی، باهار علی احمدی، بهمن نعمتی، بهروز سلیمانی، بولود جواری، بوزالی خان محمدی، جمشید زرین اوغلو، داود داود بیگی، ابوالفضل شاهسونی، ابوالفضل، اکبر طالبی، اکبر زنجانی، امیر داودی، امیر فرودی، امرالله اسدی، اسد قاسمی، ایواز، عیوض مردانی، افشار، حسن نکویی، حسن، حجت یوسفی، حسین اسدی، عزت، مقصود سلیمانی، مهر علی احمدی، محمد اسدی، میرزا علی خدایی، محمد حسنی، مسلم محمدی، نادر محبی، نقی، نجات مولایی، پوریا، رسول اسدی، رضا بهرامی، سیف اله عنایت، سلمان بابایی، سید حمزه حسینی، صحبت نیازی، سهراب احمدی، سلطانعلی هدایت، ولی ملایی، یاور محمدی، طبعلی اسدی، محمدعلی محمدی، مرسل اسکندری، گل مراد صفری، گل میرزا صفری، نادر قلیزاده، رضا بیگدلی، بهروز احمدی، مسلم محمدلو،

بالا بانچیلار

احمد منچو، امیر جعفرزاده، جعفر اسدی، گلعلی کمالی، خلیل جعفرزاده، حامد اسدپور، ناصر کلانتری، سیف اله رسولی، طاهر محمدی، میکایل عسگری، یوسف سلیمانی، رحیم حیدری، علیار یزدانی، حمید عسگری، جواد محمدی، خلال پاسیار، اسماعیل نجفی، علی دویران، قربانعلی مهری، حسین عسگری، جمال پاسیار، علی اصلانی، فخرالدین نصیری و...



قاوالچیلار

عباس خدري، باقر نجفی، بهروز ناصرپور، افضل حیدری، اکبر رضایی، فتح الہ
حیدرپور، غلامرضا حامدی، اسماعیل فیوجین، مکاییل فیوجین، نورمحمد
سلیمانی، رضا مجیدپور، سجاد ابهری، شوکور حیدری، عیسی محمدی، قاسم
خیرالہی، مالک شیرازی، علیرضا قلیزادہ، احمد حیدری، احمد خیرالہی،
سہراب محمدی، اسماعیل نجفی، محمد پاسیار، ولی قلیزادہ، حمید خدرہ و...

توپلانیب یاییملانان ماتریاللارین جغرافیاسی

